۱۲۴۱۰ ثبت شد

۱۳۷ ورق

سید احمد قوام هاشمی

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب حلیة المتقین ... فارسی

مصنف / مؤلف علامه مجلسی

خطی / چاپی نستعلیق ۲۱ سطری بخط محمد حسن پاروکی

سال ~~چاپ یا~~ تحریر ۹ جمادی الثانی ۱۲۶۲ عدد اوراق ۱۳۷

جزء کتب اخبار شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۲۴۱۰ شماره قبض

منصوره خانم پاروکی توسط

واقف سید احمد قوام هاشمی تاریخ وقف تیرماه ۱۳۶۲

طول ۲۷ عرض ۱۷ شماره صفحات

بسم الله الرحمن الرحیم

با توفیق الهی این مجموعه خطی را که توسط بانو منصوره بازرگان

به اینجانب مرحمت شده بود به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

اهداء می نمایم. باشد که مورد استفاده دانشمندان و مطالعه

کنندگان محترم قرار گیرد.

سید احمد قوام هاشمی

۱۳۶۲,۳,۲۹

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی حلّی نهایة المرسلین باحسن حلیة المتقین و بعث نخبة اصفیائه محمد صلی الله علیه و آله لتتمیم مکارم اخلاق المؤمنین و اکمل اوصیائه
المنتجبین افضل خصال النبیین فصلوات الله علیه و علیهم اجمعین عدد انفاس المسبحین من الملائکة والناس اجمعین و لعنة الله
علی اعدائهم ملاء السموات والارضین اما بعد چنین گوید تراب اقدام المؤمنین و خادم طلبه علوم ائمه طاهرین محمد باقر بن محمد تقی
حشره الله مع الموالی المطهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون عمده امتیاز بنی النوع انسانی را از سایر انواع حیوانات تخلق
باخلاق حسنه و تزین بآداب مستحسنه است و بمقتضای حدیث شریف نبوی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق تمامی آداب و جمیع
اخلاق حمیده در شرع انور و دین اطهر آنحضرت ظاهر و مبین گردیده و چون مختصری از مکارم اخلاق در کتاب عین الحیوة بیان شده
بود جمعی از سالکان مسالک سعادت و ناهجان مناهج متابعت اهل بیت رسالت از این ذره حقیر التماس نمودند که
رساله در بیان محاسن آداب که از طرق مستقیم ائمه طاهرین باسانید معتبره باین قلیل البضاعه رسیده باشند بر وجه اختصار
تحریر نماید و بجهة عموم النفع نسبت باهل این دیار در لباس لغت فارسی قریب الفهم بجلوه درآورد لهذا با ضیق مجال و
کثرت اشتغال رعایت حقوق اخوان ایمانی را لازم دانسته و بمقتضای حدیث صحیح الدال علی الخیر کفاعله امیدوار
گردیده اجابت ملتمس ایشان نموده و بر چهارده باب مرتب گردانید **باب اول** در آداب لباس **باب دویم** در بیان
حلی و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب کردن **باب سیم** در بیان خوردن و آشامیدن
باب چهارم در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان **باب پنجم**
در آداب مسواک کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و شانه کردن و امثال اینها **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن و گل
خوشبو بوئیدن و روغن مالیدن **باب هفتم** در آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و امثال آن **باب هشتم** در آداب خواب
رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن **باب نهم** در آداب حجامت و تنقیه و ذکر بعضی از ادعیه و حرز و خواص بعضی از

ادویه

ادویه و معالجه بعضی از امراض **باب دهم** در آداب معاشرت مؤمنان و حقوق اصناف ایشان **باب یازدهم** در آداب مجالس
و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه و امثال اینها **باب دوازدهم** در آداب خانه و داخل شدن و بیرون رفتن **باب سیزدهم** در آداب
سوار شدن و راه رفتن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چهارپایان نگاهداشتن **باب چهاردهم** در آداب سفر
خاتمه در بیان بعضی از فواید متفرقه و هر یک از این ابواب بر دوازده فصل مشتمل ساخت و بکتاب حلیة المتقین مسمی گردانید
مامول از ناظران در این رساله شافیه و عاملان این عجاله وافیه آنکه این مجرم خطا پیشه را بدعای مغفرت یاد نمایند و بر خطای لفظ و معنی
این معترف بعجز و قصور را مؤاخذه ننمایند والله الموفق والمعین **باب اول** در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن **فصل اول**
در فضیلت تجمل و زینت کردن بدانکه موافق احادیث معتبره بسیار زینت کردن و جامهای پاکیزه و فاخر پوشیدن هرگاه از حلال بهم رسد
و مناسب حال او باشد سنت است و موجب خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهر چه میسر شود باید قناعت نمود
و تحصیل زیادتیهای لباس را مانع عبادت الهی نگرداند و اگر حق تعالی روزی بر او فراخ گرداند در خور آن بخورد و بپوشد و صرف نماید
و به برادران مؤمن بدهد و اگر روزی بر او تنگ شود قناعت نماید و بحرام و شبهه خود را آلوده نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرگاه خدا تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید و اثر آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا
مینامند و یاد کننده نعمت پروردگار خوانند و اگر بر او ظاهر نشود او را دشمن خدا مینامند و تکذیب کننده نعمت پروردگار
خواهد بود و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که هرگاه حق تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید دوست میدارد که اثر آن نعمت
را بر او ببیند و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که باید از برای برادر مؤمن خود زینت کنید چنانچه برای بیگانه
زینت کنید که خواهید شما را به نیکوترین هیئتی ببیند و بسند معتبر منقولست که علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان
بر روی حصیر می نشستند و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای کنده میپوشیدند و چون بیرون می آمدند برای
مردم زینت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی زینت و اظهار نعمت را دوست میدارد و ترک زینت
و اظهار بد حالی را دشمن میدارد که اثر نعمت را در بنده خود ببیند باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو کند و خانه
خود را نیکو دارد و ساحتهای خانه را بروبد حتی آنکه چراغ پیش از فرو رفتن آفتاب روشن کردن فقر را زایل میکند و روزی را
زیاد میکند و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حق تعالی جمعی را خلق کرده است که برای شفقت بر ایشان
دنیا را تنگ کرده است و محبت دنیا را از ایشان برداشته است پس بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را بسوی آن خوانده رغبت گردیده اند

و بر شکی معاش و مکروهات دنیا صبر میکنند و مشتاق شده اند با آنچه نزد خداست از کرامت ابدی و جان خود را در رضای خدا
در باخته اند و آخر کار ایشان شهادت است پس چون به نشاه آخرت روند حق تعالی ایشان را خشنود باشد و مهمان بنند
که مرگ را آماده اند که همه را در پیش است پس توشه برای آخرت خود اندوخته اند و طلا و نقره جمع نکرده اند و جامهای کننده
می پوشند و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیادتیها را در راه خدا میدهند که توشه آخرت ایشان باشد و از برای خدا با
نیکان دوستی میکنند و از برای خدا با دشمنان بدی مینمایند ایشانند چراغهای راه هدایت و ایشانند متنعم بنعیم آخرت و یوسف بن
ابراهیم گوید که بخدمت حضرت ابی عبدالله علیه السلام رفتم و جامهای خز پوشیده بودم پرسیدم که چه میفرمایند در جامه خز فرمود
که باکی نیست بدرستی که چون حضرت امام حسین صلوات الله علیه شهید شد جامه خز پوشیده بود و چون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
عبدالله بن عباس را فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامهای خود را پوشید و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو نمود
و بر بهترین اسبان سوار شد و بنزد ایشان رفت گفتند تو از بهترین مردمی چرا لباس جباران را پوشیده و بر اسبان ایشان سوار شده
عبدالله بن عباس این آیه را خواند قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق یعنی بگو یا محمد کی حرام کرده است
زینتی را که خدا برای بندگانش بیرون آورده است و روزیهای طیب را پس حضرت فرمود که جامهای نفیس بپوش و زینت کن که
خدا نیکوست و نیکو را دوست میدارد اما باید که از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است
بمسجد الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته و جامهای قیمتی نیکو پوشیده است گفت والله بروم و او را بر این جامها
سرزنش کنم پس نزدیک آمد و گفت ای پسر رسول خدا والله که پیغمبر چنین جامه نپوشیده و هیچیک از پدرانت چنین جامها
نپوشیده اند حضرت فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بودند که روزی بر مردم تنگ بود و امروز روزی بر مردم فراخ است
سزاوارترین مردم بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس آن آیه را خواندند که گذشت و فرمود که ما سزاوارترین مردمیم بصرف
کردن آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را که می بینی برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کرد باو نمود
جامه کنده که در زیر پوشیده بود و فرمود که این جامه کنده را برای خود پوشیده ام و این جامهای نیکو را برای مردم پس دست
زدند و جامه بالای سفیان را دور کردند و در زیر جامه کنده جامه نازکی پوشیده بود و فرمودند که جامه پائین را برای لذت
نفس خود پوشیده و جامه بالا را برای فریب مردم پوشیده ام و در حدیث معتبر از عبدالله بن هلال منقولست که گفت عرض کردم
بخدمت حضرت امام رضا علیه التحیة والثناء که چه بسیار خوش میآید مردم را احوال کسی که طعامهای بد مزه و ناگوار میخورد و جامهای
کنده

کنده می پوشند و اظهار شکستگی و خشوع مینمایند فرمود که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبر زاده بود و قباهای دیبای طلاباف
می پوشید و بر مجالس آل فرعون می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم را با لباس او کاری نبود و از او عدالت
در حکم میخواستند امام میباید که آنچه گوید راست گوید و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم بعدالت کند خدا حلال را بر کسی حرام نکرده است
و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خواندند این آیه را که قل من حرم زینة الله التی اخرج الایه و بسیاری از جهات مناسب
این فصل را در کتاب عین الحیوة ایراد نموده ایم

در بیان جامهائی که حرام است پوشیدن آنها بدانکه مردان را جامهای
حریر محض پوشیدن و جامه طلاباف پوشیدن حرام است و احوط آنست که عرقچین و کلاه و بند و خنجر و کمربند و زیر ابان و امثال آن
پوشند هم از حریر نباشد و بار احوط آن است که اجزای جامه تا سجاف حریر نباشد و بهتر آن است که حریری که با ابریشم مخلوط کنند
با پشم یا ریسمان یا کتان نباشد و اولی آن است که بقدر ده یک یا زیاده باشد و اگر مجموع تار یا پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید
که پوست حیوان مرده نباشد هر چند که دباغی کرده باشند بنابر مشهور بین الاصحاب و پوست حیوانی هر چند که قابل تذکیه است
و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانی که گوشتشان حرام است نباشد و در سمور و سنجاب و خز که
الحال معروف است خلاف است و احوط اجتناب است اگرچه اظهر در سنجاب و خز آن است که نماز در آنها جایز است
و بهتر آن است که جامه که در زیر آن جامها یا در بالای آنها پوشیده باشد نماز نخوانند مبادا موئی چسبیده باشد و بهتر آن است
که ولی اطفال غیر بالغ نیز منع نماید از پوشیدن حریر و طلا و بسند صحیح منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت و جامه حریر مپوش که آن پوشش تست در بهشت و در
حدیث دیگر فرمود که جامه حریر مپوش که حق تعالی باین سبب در قیامت پوست ترا بآتش میسوزاند و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام پرسیدند که جایز است مرد را که اهل خود را بطلا زینت کند فرمود بلی زنان و کنیزان ایشان را نه و در حدیث دیگر وارد
که آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام فرزندان و زنان خود را بطلا زینت میفرمود و باکی نیست و ممکن است که مراد
از فرزندان دختران باشد و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ هم باشد و احوط اجتناب است

در پوشیدن پنبه و کتان و پشم بهترین جامها جامه ایست که از پنبه یا کتان باشد و بعد از آن کتان است و جامه پشمینه پوشیدن و همیشه لباس خود قرار
دادن کراهت دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که میپوشید جامه پنبه را که آن پوشش رسول خدا صلی الله علیه و آله است و پوشش ما اهل بیت است و حضرت رسول است

و پوشش ما اهل بیت است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله جامه موی و پشم میپوشیدند مگر برای علتی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که نباید پوشید جامه پشم و مو مگر برای عذری و در روایت دیگر از حسین بن کثیر منقولست که حضرت صادق
علیه السلام را دیدم که پیراهن کنده پوشیده و جامه پشمینه بر بالای آن پوشیده و بر بالای آن پیراهن کنده پوشیده گفت فدای تو شوم مردم
کراهت دارند از پوشیدن جامه پشمینه حضرت فرمود که پدرم میپوشید و حضرت امام زین العابدین علیه السلام میپوشید و هرگاه بنماز می‌ایستادند
کنده ترین جامه‌های خود را میپوشیدند و ما نیز چنین میکنیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک
نمیکنم بر روی زمین با غلامان چیزی خوردن و بر الاغ جل دار سوار شدن و بز را بدست خود دوشیدن و سلام بر اطفال کردن و جامه پشمینه
پوشیدن و وجه میان این احادیث آنست که اگر پوشیدنش از برای خود قرار دهند و بآن ممتاز شوند از دیگران مذموم است اما کاهی برای
قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشند قصور ندارد و موید این معنی آنچه در حدیث ابوذر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که در آخر الزمان گروهی بهم رسند که جامه پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند که گمان کنند که ایشان را باین سبب بر دیگران
فضلی و زیادتی هست آن جماعت را لعنت کنند ملائکه آسمانها و زمین و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام جامه خز به هزار درهم یا پانصد درهم میخریدند و در زمستان
میپوشیدند و چون زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میفرمودند

در بیان رنگهائیکه در جامه سنت یا مکروه است

بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی و مکروه است سرخ تیره
خصوصا در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد در همه حال مگر عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد
بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بپوشید جامه سفید که آن نیکوتر و پاکیزه ترین رنگهاست
و مرده‌های خود را در آن کفن کنید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در اکثر اوقات
جامه سفید میپوشیدند و حفص مؤذن روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را دیدم در میان قبر و منبر نماز میکرد و جامه
زردی پر رنگ پوشیده بود و در حدیث حسن از زراره منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و جبه خز زرد
و عمامه خز زرد و رداء خز زرد پوشیده بود و در حدیث معتبر منقولست که حکم بن عتیبه بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که
جامه سرخ تیره که بگل کافشه رنگ کرده بود پوشیده است حضرت فرمود که در این جامه چه میگوئی ای حکم گفت چه گویم در چنین جامه شما
پوشیده اید اما جوانان شوخ که در میان ما این جامه را میپوشند ما ایشان را عیب میکنیم حضرت فرمود که زینت خدا را کی حرام کرده است

بعد ازان

بعد از آن فرمود که باین سبب این جامه را پوشیده ام که تازه داماد شده ام و در حدیث حسن از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جامه سرخ
تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای نو داماد و در حدیث معتبر از یونس منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام را دیدم که طیلسان کبود پوشیده
بودند و از حسن زیات منقولست که دیدم حضرت ابی جعفر علیه السلام را که جامه برنگ گل سرخ پوشیده بودند و محمد بن علی روایت
کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام را دیدم در حال احرام که بردیمنی سبزی پوشیده بودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که جبرئیل علیه السلام در آخر ماه مبارک رمضان بحضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد بعد از نماز عصر چون باسمان رفت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را طلب نمود و فرمود که شوهر خود علی را طلب چون حاضر شدند حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام را در جانب راست نشانیده و دستش را گرفت و در دامن خود گذاشت و حضرت فاطمه علیها السلام را در جانب چپ نشانیده
و دستش را گرفت و بر دامن خود گذاشت پس فرمود که میخواهید خبر دهم شما را بآنچه جبرئیل مرا خبر داد گفتند بلی یا رسول الله فرمود که جبرئیل
گفت که در قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خدا دو جامه بمن بپوشاند یکی سبز و دیگری سرخ برنگ گل و تو یا علی
در جانب راست عرش باشی و دو جامه چنین بتو بپوشانند پس راوی عرض کرد که مردم رنگ سرخ چنین را مکروه میدانند حضرت
فرمود که چون جناب اقدس الهی حضرت عیسی علیه السلام را باسمان برد دو جامه چنین بر او پوشانید و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که مپوشید جامه سیاه که آن پوشش فرعون است و در حدیث معتبر منقولست که شخصی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم فرمود که در آن نماز مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
مکروه است سیاه مگر در سه چیز در موزه و عمامه و عبا

در بعضی آداب جامه پوشیدن

جامه‌های دراز پوشیدن و آستین جامه
را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه و مذموم است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه ببازار رفت و سه جامه برای خود خرید بیک اشرفی پیراهن را تا نزدیک بند پا و لنگ را تا نیمه ساق
و ردا را از پیش تا پستان و از عقب تا پایین تر از کمر پس دست باسمان برداشت پیوسته حمد الهی مینمود بر این نعمت تا بخانه
برگشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جامه آنچه از کعب پا بگذرد در آتش جهنم است و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که حق تعالی به پیغمبرش فرمود که و ثیابک فطهر که ترجمه لفظش آنست که جامه‌های خود را پس پاک گردان حضرت فرمود
که جامه‌های آنحضرت پاک بود و لیکن مراد الهی آنست که جامه را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر یعنی بردار که بزمین کشیده
نشود و در روایت حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شخصی را وصیت نمود که

زنهار پیراهن و ازار خود را بلند میاور که این از تکبر است و خدا تکبر را دوست نمیدارد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه چون پیراهن میپوشیدند آستین را میکشیدند آنچه از سر انگشتان میگذشت میبریدند و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله بابوذر فرمودند که هر که از روی تکبر جامه اش بر زمین کشد حق تعالی در قیامت نظر رحمت باو نفرماید و ازار مرد تا نصف
ساق است و تا بند پا هم جایز است و زیاده در آتش است **در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد** حرام است
مرد پوشیدن آن را و لباسی که مخصوص زنان باشد مانند لچک و مقنعه و نیم تنه و همچنین حرام است زنان را پوشیدن لباسیکه
مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و هیچیک را جایز نیست لباسیکه مخصوص کافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که جایز نیست زیرا که شبیه بمردان شود زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت
کرد مردانی را که شبیه بزنان شوند و لعنت کرد زنانی را که شبیه بمردان شوند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خدای
عز و جل وحی فرمود به پیغمبری از پیغمبران که بگو مؤمنان که نپوشند جامههای دشمنان مرا و نخورند طعام دشمنان مرا و بمسلک دشمنان من
سلوک ننمایند که ایشان نیز مانند آنها دشمن من خواهند بود **در آداب عمامه بستن** عمامه بر سر بستن سنت است
و با عمامه تحت الحنک بستن سنت است و یکطرف عمامه را از پیش و دیگری را از عقب انداختن بروش سادات مدینه طیبه سنت است
و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که عمامه ایستاده پیچیدن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که عمامه تاج
عربست هرگاه عمامه را بر طرف کنند خدا عزتشان را بر طرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که عمامه به پیچد بسر و تحت الحنک را نه بندد باو دردی برسد که دوا نداشته باشد پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمامه بستند و یکطرف عمامه را از طرف پیش آویختند و دیگری را از عقب و حضرت
جبرئیل علیه السلام نیز چنین کردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملائکه در روز بدر عمامههای سفید بر سر داشتند و علاقها
آویخته بودند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
عمامه بدست مبارک خود پیچیدند و یک سر عمامه را از پیش رو آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاهتر از عقب سر او آویختند
پس فرمودند برو رفت فرمودند بیا آمد آنگاه فرمودند چنین است والله تاجهای ملائکه و در فقه رضوی علیه السلام مذکور است
که هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا بخوان بسم الله اللهم ارفع ذکری و اعل شانی و اعزنی بعزتک و اکرمنی بکرمک بین
یدیک و بین خلقک اللهم توجنی بتاج الکرامة والعز والقبول و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است

کم بر ف

که این دعا بخواند اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و گفته است
که باید عمامه را ایستاده به پیچند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله چند قسم کلاه داشتند که در زیر میگذاشتند و در کلاههای
دراز که برطله میگویند وارد شده است که زی یهودان است و علما فرموده اند که مکروه است و از بعضی احادیث ظاهر میشود
که پایین کلاه را شکستن و برگردانیدن مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه کلاه ترک دار در میان
امت من بسیار شود زنا کردن در میان ایشان شایع شود و کلاه ترک دار ظاهرا مانند قاووق و کلاه بکتاشی و امثال آن باشد
در آداب زیر جامه پوشیدن از حضرت ابی عبد الله علیه السلام منقولست که حق تعالی وحی فرمود بحضرت ابراهیم
که زمین شکایت میکند از دیدن عورت تو پس میان زمین و عورت خود حجابی قرار ده پس زیر جامه را از نو بعمل آورد و پوشید
و از جامع بزنطی روایت شده است که هر که زیر جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش بر آورده نمی شود و در فقه رضوی
مذکور است که زیر جامه را نشسته بپوش و ایستاده مپوش که مورث هلاک و زرداب و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن
این دعا بخوان بسم الله اللهم استر عورتی و لا تهتکنی فی عرصات القیمة و اعف فرجی و لا تخلع عنی زینة الایمان
و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اللهم استر عورتی و آمن روعتی و اعف فرجی و لا تجعل
للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک وصولا فیصنع لی المکائد و یهیجنی لارتکاب محارمک و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که پیغمبران علیهم السلام پیراهن را پیش از زیر جامه میپوشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده
و رو بقبله و رو بآدم مپوش و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که زیر جامه را ایستاده پوشیدن مورث
اندوه است **در آداب جامه نو بریدن و پوشیدن** بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون
کسی جامه نو بپوشد این دعا بخواند اللهم اجعله ثوب یمن و تقی و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و اداء شکر نعمتک
الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که رسول خدا
صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم من نمود که در وقت پوشیدن جامه نو بخوانم الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی الناس اللهم اجعلها
ثیاب برکة اسعی فیها لمرضاتک و اعمر فیها مساجدک پس فرمود که یا علی هر که این دعا بخواند چون جامه را بپوشد آمرزیده شود و در
حدیث دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که سزاوار است که کسی نو بپوشد دست بر آن بمالد و بگوید الحمد لله الذی
کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس و اتزین به بینهم و از حضرت ابی عبد الله علیه السلام منقولست که هر که آبی در ظرف نوی

بخند و سی و دو مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بر آن آب بخواند و بر جامه نو بپاشد در هنگام پوشیدن پیوسته در فراخی
روزی باشد تا تاری از آن جامه باشد و در حدیث دیگر از آن حضرت مرویست که چون جامه بپوشی بگو لا اله الا الله محمد رسول الله
تا از آفتها ایمن باشی و چیزی را که دوست داری بسیار یاد مکن که آن را در هم میشکند و چون کسی کاری داشته باشی در غایبانه
آزاد دشنام بده که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقولست که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چون جامه نو میپوشیدند
جامها را از جانب راست خود میکندند و چون رخت نو میپوشیدند قدح آبی میطلبیدند و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی
و سوره قل یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت در آن ظرف میخواندند و آن آب را بر آن جامه میپاشیدند و میفرمودند که هر که
چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد مادام که تاری از آن جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که چون خدا جامه نوی بکسی عطا فرماید که بپوشد باید وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره حمد و آیة الکرسی و
قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند پس حمد کند خداوند را که عورت او را پوشانیده و در میان مردم او را زینت داده و بسیار
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد هر تاری که در آن جامه است ملکی خدا را بپاکی یاد
کند و برای او استغفار کند و بر او ترحم کند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه جامه نوی کسی ببرد و آب در ظرفی
کند و سی و شش مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند و هرگاه که بآیه تنزل الملائکه رسد قدری از آن آب بر جامه بپاشد پس دو رکعت نماز
بگذارد و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اواری به عورتی و اصلی فیه لربی و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی نعمت
باشد تا آن جامه کهنه شود

در بیان آداب جامه پوشیدن و کندن

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
نهی فرمود از عریان شدن در شب و روز و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هرگاه مرد عریان شود شیطان بسوی
او نظر میکند و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود که سزاوار نیست مرد را که جامه خود را از ران خود دور کند در وقتی که در
میان جماعتی نشسته باشد و فرمود که چون جامه خود را از بدن بیرون آورید بسم الله بگوئید تا جنیان نپوشند و اگر نگوئید جنیان آن جامه را
میپوشند تا صبح و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست زن مسلمان را که روپاک پیراهنی بپوشد که نما باشد
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که عرض مقنعه حضرت فاطمه صلوات الله علیها بقدری بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید
و همه زنان را باید چنین کنند و از حضرت صادق علیه السلام بسند معتبر منقولست که ادنی اسراف آنست که جامه اندرون و بیرون یکی باشد
و در حدیث دیگر منقولست که اسحق بن عمار از آنحضرت پرسید که میتواند بود که مؤمن ده پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت که بیست پیراهن

فرمود که بلی این اسراف نیست اسراف آنست که جامه که باید برای زینت نگاهداشت بتعویض جامه که در وقت دیگر بپوشند
بپوشی و در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کردند که کسی ده پیراهن داشته باشد اسراف نیست فرمود که نه بلکه از برای
محافظت جامها این بهتر است بلکه اسراف آنست که جامه نگاهداشتن را در جاهای کثیف بپوشی و از حضرت باقر علیه السلام منقولست که
تاه کردن جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمود که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که شستن جامه اندوه و غم را برطرف میکند و موجب قبولی نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که شش چیز است که از اخلاق قوم لوط است کمان
گلوله انداختن و سنگریزه انداختن بیکدیگر و کندر را خائیدن در راهها و جامه بر زمین کشیدن از روی تکبر و بندهای قبا و پیراهن را
گشودن و بسند معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد دید که گریبان جامه را پینه کرده آن شخص نظر میکرد حضرت
فرمود که چرا چنین نظر میکنی گفت که از جامه پینه تعجب میکنم کتابی در پیش حضرت گذاشته بود فرمود که بخوان در آنجا نوشته بود که ایمان
ندارد کسی که حیا ندارد و مال نیست کسی را که معیشت خود را باندازه میکند و نو نیست کسی که جامه کهنه ندارد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که آنقدر پینه بر جامه خود زدم که شرم کردم از آنکس که پینه بر آن میزد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که گریبان جامه را
پینه زند و کفش را پینه کند و چیزی که از برای خانه خرد خود بردارد و بخانه برد از تکبر ایمن گردد

در رنگ نعلین و موزه و کفش

و چگونگی آنها بهترین رنگها در نعلین و کفش رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه و چکمه رنگ سیاه است و در سفر
سرخ خوبست و در حضر کراهت دارد و در نعل سنت است که پیش و عقبش بلند باشد و میانش تهی باشد که همه اش بر زمین نچسبد
و غیر این مکروه است و ظاهرا که کفش نیز این حکم داشته باشد که کفش سرپائی مکروه باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد و معین است بر تمامی نماز و وضو و در حدیث دیگر
فرمود که هر که خواهد که عمرش دراز باشد چاشت را بامداد بخورد و کفش نیکو بپوشد و ردا و بالاپوش را سبک کند و با زنان بسیار
جماع نکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که اول کسی که نعلین پوشید حضرت ابراهیم علیه السلام بود و در حدیث معتبر از آن حضرت منقولست
که نعل هموار پوشیدن که همه اش بر زمین رسد پوشش یهودان است و بر مذمت این قسم احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث
معتبره وارد شده است که نعل سیاه مپوش که چشم را ضعیف میکند و ذکر را سست میکند و موروث اندوه و غم است و بر تو باد
بنعل زرد که چشم را جلا میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را برطرف میکند و پوشش پیغمبران است و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن

نعل سیاه موجب خیلا و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران محشور شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که نعل
زرد بپوشد تا آنرا پوشیده باشد در شادی و سرور باشد زیرا که حق تعالی در وصف بقره بنی اسرائیل میفرماید که صفراء فاقع لونها
تسر الناظرین یعنی بود بسیار زردی که شاد گردانند نظر کنندگان را و بسند معتبر از سدیر صراف منقولست که نزد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود که آیا دانسته این نعل را پوشیده پس فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل سفید بخرد
کهنه نکند آنرا مگر آنکه کسب مالی را از جائی که گمان نداشته باشد راوی گوید که سدیر مرا خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد
اشرفی از جائی بدستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد است که هر که نعل زرد یا سفید بپوشد اموال و فرزندانش بهم رسد و هر که نعل سیاه
بپوشد هیچیک را نیابد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود که مداومت
پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سل و از مرگ بد و داود رقی روایت میکند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را دیدم در سفر که
موزه سرخ پوشیده بودند پرسیدم که این موزه سرخ چیست فرمود که این را برای سفر گرفته‌ام و از برای گل و باران خوبست و اما برای حضر
هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق صلوات الله علیهما منقولست که چون نعل پوشی ابتدا کن بپای راست بکن و در وقت کندن ابتدا از پای چپ بکن و فرمودند که
هر که با یکپای کفش براه رود یعنی یکپا در کفش باشد و دیگری برهنه شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود و از عبدالرحمن بن کثیر منقولست
که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام براهی میرفتم بند نعل آنحضرت گسیخت من بند دیگر از آستین خود بدر آوردم و نعل را اصلاح
کردم و حضرت دست بر دوش من انداخته بودند پس فرمودند که هر که مؤمنی را بردارد در برای اصلاح نعل او چون در قیامت از قبر بیرون آید
حق تعالی او را بر ناقه کرم روی سوار کند تا در بهشت را بکوبد و از یعقوب سراج منقولست که براه در خدمت آنحضرت میرفتیم بند نعل آنحضرت
پاره شد پای برهنه روانه شدند عبدالله بن ابی یعفور بند نعل خود را گشود نزد آنحضرت آورد قبول نفرمود گفت که صاحب مصیبت
اولیست که بر آن صبر نماید و عبدالرحمن بن ابی عبدالله روایت کرده است که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی میرفتیم چون داخل شدند
نعل را از پا بیرون آوردند و فرمودند که نعلها را بیرون کنید که کندن نعل راحت قدم است و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی فرمود از راه رفتن با یکپای نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و در روایتی کراهت ایستاده پوشیدن مخصوص نعلهائیست که بند باید بست و آنها را
می باید بست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه چیز است که هر که کند بیم آن است که دیوانه شود غایط کردن
در میان قبرها و با یک موزه راه رفتن و در خانه تنها خوابیدن و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که مداومت

پوشیدن

در پوشیدن موزه امان میدهد از خوره و در فقه الرضا مذکور است که چون خواهی موزه یا کفش بپوشی ابتدا بپای راست بکن و بگو
بسم الله والحمد لله اللهم صل علی محمد و علی آل محمد اللهم وطئ قدمی فی الدنیا والآخرة وثبتهما علی الایمان ولا تزلهما یوم زلزلة
الاقدام اللهم وقنی من جمیع الآفات والعاهات ومن الاذی و چون خواهی بکنی بگو اللهم فرج عنی کل هم وغم ولا تنزع
عنی حلیة الایمان و در مکارم الاخلاق در کتاب نجات نقل کرده که موزه و نعل را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو اللهم صل
علی محمد و آل محمد و وطئ قدمی فی الدنیا والآخرة وثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و در وقت کندن ایستاده بکن و بگو بسم الله
الحمد لله الذی رزقنی ما اقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک ولا تزلهما عن صراطک السوی **باب دویم** در آداب حلی و زیور
پوشیدن مردان و زنان و سرمه کشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب کردن **فصل اول** در فضیلت انگشتر بدست کردن و آداب آن
سنت مؤکد است مردان و زنان را انگشتر در دست راست کردن و در بعضی احادیث تجویز فرموده اند که در دست چپ بکنند اما اگر نقش
شریفی یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا بیرون آورد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که اگر خواهی انگشتر را بدست راست کن و اگر خواهی بدست چپ کن و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و از سلمان فارسی رضی الله عنه مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه فرمود که یا علی انگشتر در دست راست بکن تا از مقربان باشی عرض کرد که یا رسول الله کیانند مقربان فرمود که جبرئیل
و میکائیل پرسید که چه انگشتر در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستی که او اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری
و برای تو یا علی بانکه وصی منی و برای فرزندان تو بامامت و برای دوستان بهشت و برای شیعیان فرزندان تو بجنت الفردوس
و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کردند که بچه علت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتر در دست
راست میکردند فرمودند زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب یمین است که در قیامت نامهاشان را بدست راست میدهند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و این علامتیست برای شیعیان ما که باین علامت ایشان را
می شناسند و بمحافظت کردن بر وقت فضیلت نمازهای پنجگانه و بدادن زکوة و بقسمت کردن مال خود با برادران مؤمن خود
و بامر بنیکیها کردن و بنهی از بدیها کردن و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت جبرئیل علیه السلام بحضرت
رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد که هر که انگشتر در دست راست کند و غرضش متابعت سنت تو باشد و بنیم او را در قیامت

که متحیر مانده است دستش را بگیرم منم امیر المؤمنین علیه السلام برسانم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از سنت پیغمبر است
انگشتر در دست راست کردن و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هرگاه انگشترین در دست چپ داشته باشد که نام خدا
در او باشد در وقت استنجا بیرون آورد و در دست دیگر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله نهی فرمود از انگشتر کردن در انگشت شهادت و انگشت میان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که انگشتر نبندد تا بن انگشت برسانند و در روایتی وارد شده است که انگشتر را در انگشتان کردن از عمل قوم لوط است و در فقه الرضا
علیه السلام مذکور است که در وقت انگشتر در دست کردن بگو اللهم سمنی بسیماء الایمان واختم لی بخیر واجعل عاقبتی الی خیر انک
انت العزیز الاکرم و ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که اینه دعا بخواند اللهم سومنی بسیماء الایمان وتوجنی بتاج الکرامة
وقلدنی حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی **فصل دوم** در بیان آنچه انگشتر از آن باید ساخت سنت است که انگشتر از نقره باشد و مرد را
انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج مردان و زنان را مکروه است چنانچه منقولست از حضرت صادق علیه السلام
بسند صحیح و حسن که انگشتر رسول خدا صلی الله علیه از نقره بود و در چندین حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن که آن زینت تست در آخرت و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که انگشتر غیر نقره در دست مکنید بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پاک نیست دستی که در آن انگشتر آهن باشد
و در حدیث دیگر فرمود که پاک نگرداند خدا دستی را که در آن انگشتر آهن باشد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که نماز نکند مرد در انگشتر آهن و نهی فرمود که از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که انگشتر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش کرده بودند محمد رسول الله **فصل سیم** در فضیلت عقیق منقولست که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام چهار انگشتر در دست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و نیکی و فیروزه برای نصرت و یاری و حدید صینی برای قوتش
و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا مرویست که عقیق فقر و درویشی را
برطرف میکند و در دست کردن عقیق نفاق را زایل میکند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقولست که هرکه قرعه با انگشتر عقیق
بزند بهره او تمام بیرون می آید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که انگشتر عقیق در انگشت کنید
که مبارکست و هرکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد امید هست که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیعة الرای منقولست
که در دست حضرت امام زین العابدین علیه السلام انگشتر عقیق دید پرسید که این چه نگین است فرمود که عقیق رومی است و از حضرت رسول

صلی

صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد حاجتش برآورده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که انگشتر عقیق موجب امنیت است
در سفر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هرکه انگشتری بگیرد که نگینش عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش البته نیکو باشد
و در حدیث دیگر وارد شده است که حاکم بشخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت صادق علیه السلام فرمود که انگشتر عقیق باو برسانند چنان کردند
مکروهی باو نرسید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد که دزد در راه من رسید و اموال مرا برد
حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آن از هر بدی نگاه میدارد آدمی را و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که انگشتر عقیق در دست
کنید مادام که آدمی آن انگشتر را با خود دارد اندوهی باو نمیرسد و در حدیث دیگر فرمود که انگشتر عقیق با خود دارید که آن اول کوهیست که اقرار کرده است
از برای خدا بیگانگی و از برای من به پیغمبری و از برای تو یا علی بامامت و در حدیث معتبر منقولست از بشیر دهان که عرض کردم که کدام یک از نگینها برای انگشتر
خود نشانم فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید که اینها سه کوهند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانه حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و اما کوه عقیق زرد پس مشرف است بر خانه حضرت فاطمه صلوات الله علیها و اما کوه عقیق سفید پس مشرف است بر خانه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و همه یکخانه است و از زیر کوهی نهری جاریست از برف سردتر و از عسل شیرین تر و از شیر سفیدتر و نمیخورند از آن نهر مگر آل محمد و
شیعیان ایشان و هر سه نهر از کوهی می آید و یکجا میریزد و این سه کوه تسبیح و تقدیس و تمجید الهی میکنند و از برای محبان آل محمد طلب
آمرزش میکنند پس هرکه از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها را در دست داشته باشد نبیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها
و امان یابد از شر پادشاه ظالم و از هرچه آدمی از آن میترسد و حذر مینماید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی را از برابر حضرت امام محمد باقر علیه السلام
گذرانیدند که تازیانه بسیار بر او زده بودند حضرت فرمود که انگشتر عقیق او کجاست اگر با او میبود تازیانه نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که دستی بسوی آسمان بدعا بلند نمیشود که خدا دوست تر دارد از دستی که در آن انگشتر عقیق بوده باشد
و در حدیث معتبر از حضرت امام حسین صلوات الله وسلامه علیه منقولست که چون حضرت موسی علیه السلام بر کوه طور با حق تعالی مناجات
کرد و بر زمین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات مقدس خود که عذاب نکنم بآتش جهنم دستی را
که انگشتر عقیق در آن باشد اگر ولایت علی بن ابیطالب داشته باشد و در حدیث دیگر منقولست که جبرئیل علیه السلام نازل شد بر حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و گفت پروردگارت سلام میرساند و میگوید انگشتر را بدست راست کن و نگینش را از
عقیق کن و بعلی بن ابیطالب بگو که انگشتر در دست راست بکند و نگینش را عقیق بکند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
پرسید که یا رسول الله عقیق کدام است فرمود که کوهی است در یمن که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی و از برای من به پیغمبری

دا برای تو و اولاد تو با امامت و برای شیعیان تو بهشت و برای دشمنان تو جهنم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که
در نماز کسیکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر جماعتی که غیر عقیق در دست داشته باشند چهل درجه زیادتی دارد و سلیمان اعمش روایت کند
که در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم که در خانه منصور عباسی پس شخصی را بیرون آوردند که تازیانه خورده بود حضرت
فرمود که ای سلیمان ببین که انگشترش چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست فرمود که ای سلیمان اگر عقیق بود تازیانه نمیخورد و درد را
گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می بخشد از خون
گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان خدای عز و جل دوست میدارد که بلند کند بدعا بسوی او دستی که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر
بفرما فرمود که نگاهدارنده آدمی است از هر بلائی گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمن میگرداند از فقر گفتم یا ابن رسول الله ص
روایت کنم این حدیث را از حضرت حسین بن علی از پدرش امیر المؤمنین صلوات الله علیهما فرمود بلی و در روایت دیگر منقولست
که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار رکعت که با او نباشد **فصل چهارم** در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد در حدیث
معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا منقولست که انگشتر یاقوت در دست کنید که پریشانی را زایل میکند و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که سنت است انگشتر یاقوت در دست داشتن و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که انگشتر
زمرد در دست کردن موجب آسانیست که در آن هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام بهمین لفظ وارد شده است اما
بلفظ زبرجد و فرمود که انگشتر زمرد در دست داشتن فقر را بتوانگری بدل میکند و فرمود که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود **فصل پنجم**
در فضیلت فیروزه و جزع یمانی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که انگشتر فیروزه در دست کند دستش فقیر نشود و از
حسن بن علی بن مهران منقولست که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم در انگشت آنحضرت انگشتری دیدم که نگینش فیروزه بود
و نقش الله الملک بود و من بسیار نظر کردم در آن انگشتر فرمود چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه انگشتر فیروزه داشته است
که نقش الله الملک بوده است فرمود که آنرا می شناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و این نگینیست که جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله
هدیه آورد از بهشت و آنحضرت بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بخشید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
انگشتر جزع یمانی در دست کنید که رد میکند مکر متمردان شیاطین را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت امیر صلوات الله علیه
فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمدند و انگشتر جزع یمانی در انگشت کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز فارغ شدند
انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در انگشت دست راست خود بکن و با آن نماز بکن که نماز در جزع یمانی برابر هشتاد
نماز است

هشتاد نماز است و تسبیح و استغفار میکند و ثوابش برای صاحبش نوشته می شود و علی بن محمد صیمری گفت که دختر جعفر بن محمود را خواستم و بسیار
او را دوست داشتم و فرزند از او بوجود نمی آمد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه و این مطلب را عرض کردم تبسم نمود پس فرمود که انگشتری
که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین چنان کردم یکسال نگذشت که از آن زن پسری بوجود آمد و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم از دستی که بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد پس آنرا
ناامید گردانم **فصل ششم** در فضیلت در نجف و بلور و حدید صینی و سایر نگینها باسند معتبر از مفضل بن عمر منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت صادق
صلوات الله علیه رفتم و انگشتر فیروزه در دست داشت فرمود که ای مفضل فیروزه سیرگاه دیدهای مردان مؤمن و زنان مؤمنه است یا دور گرداننده
دردهاست از دیدهای ایشان و من دوست میدارم برای هر مؤمن که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت و آن فاخرترین همه است و عقیق و آن
خالص ترست برای خدا و برای ما اهلبیت و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد و سینه را گشایش میدهد و قوت دل را زیاد میکند و چون بکاری
رود و آن در دست کند پس چون برگردد حاجتش برآورده شده باشد و حدید صینی و از او دوست نمیدارم که همیشه در دست باشد و لیکن بد نمیدانم
در دست کردن آنرا در وقتی که بدیدن کسی رود که از او ترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن شود و حدید صینی شیاطین را دور میگرداند این سبب
دوست میدارم که داشته باشد پنجم آن دریست که در نجف اشرف خدا ظاهر میسازد و بدرستیکه هر که آنرا در دست کند بهر نظر کردنی بآن خداوند عالمیان
بآن زیارتی یا حجی و عمره در نامه عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر آینه هر نگینی از آن
بقیمت بسیار میرسید و لیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان که توانگر و فقیر ایشان توانند در دست کرد ابو طاهر میگوید که بخدمت رسیدم بحضرت
امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم فرمود که بحدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است گفتم شما هیچ خبر در باب عقیق سرخ اختیار میفرمائید فرمود
که بلی برای فضیلت بسیاری که در آن واقع شده است بدرستیکه پدرم خبر داد مرا که اول کسی انگشتر عقیق در دست کرده حضرت آدم علیه السلام
بود دید که در عرش نوشته است بنور انا الله لا اله الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته باخیه علی و نصرته به تا آخر نامهای پنج آل عبا
پس چون حضرت از آن درخت میوه خورد و بزمین آمد متوسل شد بسوی خدا باین نامهای مبارک و ببرکت این نامها خدا توبه اش را قبول
کرد پس حضرت آدم انگشتری از نقره ساخت و نگینش را از عقیق سرخ کرد و این نامهای پنجگانه را بر آن نقش کرد و آن انگشتر را در دست راست
خود کرد پس این سنتی که پرهیزکاران از فرزندانش همه بسنت او عمل کرده اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نیکوئیست انگشت
بوده و از حسین بن عبید الله منقولست که سؤال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه که آیا خوبست انگشتر کردن سنگ ریزه که از چاه
زمزم بیرون آورند فرمود که بلی اما چون خواهد که استنجا کند از دست بیرون آورد یعنی اگر در دست چپ باشد **فصل هفتم** در بیان آنچه

سزاوار است که در نگین نقش کنند حسین بن خالد بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که جایز است شخصی که استنجا کند و در دستش انگشتری
باشد که نقشش لا اله الا الله باشد حضرت فرمود که خوب نمیدانم این را از برای او گفت مگر رسول خدا و پدران شما انگشتر استنجا نمی
کردند فرمود که بلی ولیکن ایشان انگشتر را در دست راست میکردند پس از خدا بترسید و شهر ایشان مبندید پس فرمود که نقش نگین حضرت
آدم لا اله الا الله محمد رسول الله بود با خود از بهشت آورده بود و حضرت نوح چون بکشتی سوار شد حق تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون
از غرق شدن بترسی هزار مرتبه لا اله الا الله بگو پس دعا کن تا ترا و مؤمنان را از غرق نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد باد تندی
وزید و حضرت نوح از غرق ترسید و او را مجال آن نشد که هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید بزبان سریانی گفت هلولیا الفا الفا یا ماریا اتقن پس
طوفان برطرف شد و کشتی براه افتاد پس حضرت نوح فرمود که سخنی که خدا مرا بآن نجات بخشید سزاوار است که همیشه با من باشد پس در انگشتر
خود ترجمه آن بعربی نقش کرد لا اله الا الله الف مرة یا رب اصلحنی و حضرت ابراهیم علیه السلام را چون در کفه منجنیق گذاشتند که در آتش
اندازند جبرئیل بخشم آمد حق تعالی باو وحی فرمود که چه چیز است باعث غضب تو گفت پروردگارا خلیل تست و هیچکس نیست در این وقت که
ترا بیگانگی پرستد بغیر از او و دشمن خود و دشمن او را بر او مسلط گردانیده پس خداوند عالم باو وحی فرمود که ساکت باش که کسی تعجیل
در امور میکند که مثل تو بنده عاجزی باشد که ترسد از دستش بدر رود اما من پس او بنده من است هر گاه خواهم او را میگیرم پس
جبرئیل خاطرش مطمئن شد و بجانب ابراهیم ملتفت شد گفت آیا ترا حاجتی و کاری در این وقت هست فرمود اما بتو نه پس حق تعالی
انگشتری برای او فرستاد که در آن شش حرف نقش شده بود لا اله الا الله محمد رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله فوضت امری الی الله
اسندت ظهری الی الله حسبی الله پس خدا وحی نمود که این انگشتر را در دست کن که آتش را بر تو سرد میگردانم و نقش نگین حضرت موسی علیه السلام
دو حرف بود که از توریة بیرون آورده بود اصبر تؤجر اصدق تنج یعنی صبر کن تا مزد یابی و راست بگو تا نجات یابی و نقش نگین حضرت
سلیمن این بود سبحان من الجم الجن بکلماته و نقش نگین حضرت عیسی دو حرف بود که از انجیل بیرون آورده بود طوبی لعبد ذکر الله من اجله
و ویل لعبد نسی الله من اجله یعنی خوشا حال بنده که خدا یاد کرده شود بسبب او و وای بحال بنده که خدا فراموش شود از خوف او بسبب
او و نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله این بود لا اله الا الله محمد رسول الله و نقش نگین حضرت امام حسن علیه السلام العزة لله
بود و نقش نگین حضرت امام حسین صلوات الله علیه ان الله بالغ امره بود و نقش نگین حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه ان الله
بالغ امره بود و حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه انگشتر حضرت امام حسین علیه السلام را در دست میکردند و نقش انگشتر حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه الله ولیی و عصمتی من خلقه بود و نقش انگشتر حضرت امام موسی علیه السلام حسبی الله بود پس حضرت امام رضا علیه السلام

دست دراز

دست دراز کرده و فرمودند انگشتر پدر خود را که در دست داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نقش نگین
حضرت رسول صلی الله علیه و آله محمد رسول الله و نقش نگین حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه الله الملک بود و نقش نگین حضرت امام
محمد باقر علیه السلام العزة لله بود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد که کسی در نگین انگشتر غیر نام خود و پدر
خود چیزی نقش کند حضرت فرمود که نقش انگشتر من الله خالق کل شیء است و نقش انگشتر پدرم العزة لله بود و نقش انگشتر امام زین العابدین ع
الحمد لله العلی بود و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین علیهما السلام حسبی الله بود و نقش انگشتر امیر المؤمنین علیه السلام الله الملک بود و در
روایت معتبر دیگر منقولست که نقش نگین انگشتر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام این کلمات بود اللهم انت ثقتی فقنی شر خلقک و در
حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام انت ثقتی فاعصمنی من الناس
بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حسبی الله بود و در زیرش شکل گل و در بالایش هلالی نقش کرده بودند و در حدیث
صحیح دیگر منقولست که نقش نگین حضرت امام رضا علیه السلام ما شاء الله لا قوة الا بالله بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که نقش نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام این بود که خزی و شقی قاتل الحسین بن علی و عبد الله بن سنان
میگوید که حضرت صادق علیه السلام انگشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بمن نمود نگین سیاهی داشت و در دو سطر نوشته بود
محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه صورت چیزی از حیوانات
بر انگشتر نقش کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مرد را در سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی ریش و نقش انگشتر و کنیتش
و در حدیث دیگر فرمود که هر که نقش کند بر انگشترش ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله ایمن شود از فقر شدید و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام چنین بود ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن و بالحسین و الحسن و در روایات
دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که انگشتر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از نقره بود و نقشش نعم القادر الله بود و در بعضی
روایات وارد است که نقش نگین امیر المؤمنین الملک لله بود و در روایت دیگر انگشتری داشتند از حدید چینی سفید صاف
و این کلمات را در آن نقش فرموده بودند در هشت سطر و در جنگها و در شدتها در دست میکردند کلمات این است اعددت
لکل هول لا اله الا الله و لکل کرب لا حول و لا قوة الا بالله و لکل مصیبة نازلة حسبی الله و لکل ذنب و کبیرة استغفر الله و لکل هم و غم
فارح ما شاء الله و لکل نعمة متجددة الحمد لله ما بعلی بن ابی طالب من نعم الله فمن الله و از اسمعیل بن موسی منقولست که انگشتر حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام تمامش از نقره بود و بر آن این نقش بود یا ثقتی قنی شر جمیع خلقک و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست

که هر که در انگشتر خود آیه از قرآن نقش کند آمرزیده شود و از ابن طاوس علیه الرحمه بروایت قاسم بن علا نقل کرده است از صافی
خادم حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه که رخصت طلبیدم از آنحضرت که بزیارت جدش امام رضا بروم فرمود که باید انگشتری
داشته باشی که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله باشد و بر روی نگین دیگر محمد و علی
نقش کرده باشند چون این انگشتر را با خود داری امانی یابی از شر دزدان و راه زنان و برای سلامتی تو تمامتر است و دین را حفظ کننده تر است صافی
گفت که بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرموده بود بهمرسانیدم برگشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا برگردانید چون برگشتم گفت ای
صافی گفتم لبیک ای آقای من فرمود که باید انگشتر فیروزه هم با خود داشته باشی بدرستیکه در میان طوس و نیشابور شیر عظیمی
برخواهد خورد تو و قافله را منع از رفتن خواهد کرد تو این انگشتر را بشیر بنما و بگو مولای من میگوید که دور شو از راه و باید که بر یکطرف نگین فیروزه الله الملک نقش کنی
در طرف دیگر الملک لله الواحد القهار زیرا که نقش نگین حضرت امیر المؤمنین الله الملک بود و چون خلافت بآنحضرت رسید الملک لله الواحد القهار نقش کرد و نگینش
از فیروزه بود و چنین نگینی امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه میشود در جنگها صافی گفت که رفتیم بخدا سوگند که در همانمکان که حضرت فرموده بود شیری
بسر راه آمد و آنچه فرموده بود بعمل آوردم و شیر برگشت چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود بخدمت آنحضرت عرض کردم فرمود که یک چیز ماند که نقل نکردی
اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید فراموش کرده باشم فرمود که شبی در طوس نزدیک روضه امام رضا خوابیده بودی گروهی
از جنیان بزیارت قبر میرفتند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند پس آنرا از دست تو بیرون آوردند و بردند نزد بیماری
که داشتند و آن انگشتر را در آبی شستند و آبرا به بیمار خود خورانیدند و بیمار ایشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست کرده بودی
ایشان در دست چپ تو کردند چون بیدار شدی بسیار تعجب کردی و سببش را ندانستی و بربالین خود یاقوتی یافتی آنرا برداشتی
و الحال همراه تست ببر بازار و آنرا بهشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیه آن جنیانست که برای تو آورده بودند خادم گفت یاقوت را بهشتاد اشرفی
ببازار برده و فروختم و ایضا سید بن طاوس روایت کرده است که شخصی آمد بخدمت حضرت صادق علیه السلام و گفت من میترسم از حاکم شهری
و جزیره و میترسم که دشمنان من او را بامن بخشم آورند و ایمن نیستم از آنکه مرا بکشد حضرت فرمود که انگشتری که نگین آن حدید صینی باشد و بر روی
نگین سه سطر نقش کن در سطر اول اعوذ بجلال الله و در سطر دوم اعوذ بکلمات الله و در سطر سیم اعوذ برسول الله و در زیر نگین دو سطری
نقش کن سطر اول آمنت بالله و کتبه و سطر دویم و انی واثق بالله و رسله و در دور نگین نقش کن اشهد ان لا اله الا الله مخلصا و این
صورت نگین است و در دست کن این انگشتر را هر حاجتی که بر تو دشوار شود و در وقتی که از آزار احدی از مردم بترسی بدرستیکه حاجتهای
ترا آورده میشود و ترسهای تو بایمنی بدل میشود و زنی که زائیدن بر او دشوار شود بر بازوی او ببندید که بمشیت خدا بزودی
وضع

وضع حمل او میشود و همچنین دفع میکند اثر چشم بد را و حذر کن که نجاستی و چربی بآن نگین برسد و با خود بحمام و بیت الخلا مبر و خوب محافظت
نما آن را که از اسرار خداست و شما شیعیان از دشمنان خود میترسید بر جان خود باید که این انگشتر را داشته باشید و از دشمنان خود پنهان
دارید و تعلیم نکنید مگر بکسی که اعتماد بر او داشته باشید راوی حدیث گفت که من تجربه کردم و اثرش را یافتم و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد که در تمثیت راست کرده باشد و پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آنرا
بجانب کف دست بگرداند و در آن نظر کند و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را تا آخر بخواند پس بگوید آمنت بالله وحده لا شریک
له و کفرت بالجبت و الطاغوت و آمنت بسر آل محمد و علانیتهم و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و آخرهم چون چنین کند خداوند عالمیان
او را نگاه دارد در آنروز از شر آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بالا میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو میرود و آنچه بیرون می
آید از زمین و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام و در حدیث دیگر منقولست که هر که انگشتری از عقیق بسازد و در نگین
آن نقش کند محمد نبی الله و علی ولی الله خدا او را از مرگ بد نگاه دارد و نمیرد مگر بر دین حق فصل ششم در زیور طلا و نقره پوشیدن
و بزنان و اطفال پوشانیدن و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است پسران نابالغ
را از زیور طلا بپوشانند فرمود که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه زینت میفرمود زنان و اطفال خود را از زیور طلا و نقره
و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت پرسیدند در این باب فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام زنان و فرزندان خود را از زیور طلا و نقره
میپوشانیدند و در حدیث دیگر پرسیدند از آنحضرت از زیور کردن زنان بطلا و نقره فرمود باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
که سر غلاف شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و دسته اش از نقره بود و در میان حلقهای نقره داشت و زره آنحضرت سه حلقه نقره
در پیش و دو حلقه در عقب داشت و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که ذو الفقار را جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله از
آسمان آورد و زیورش از نقره بود و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که باکی نیست زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث دیگر
فرمود که زیور شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله تمام از نقره بود و دسته اش و سر دسته اش و در حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست بزینت
کردن شمشیر بطلا و نقره و بسند موثق دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که همیشه زنان زیور میپوشیدند و در حدیث معتبر
از فضیل بن یسار منقولست که از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسید از کرسی که در آن طلا باشد آیا میتوان در خانه نگاه داشت حضرت
فرمود که اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا باشد بر آن مالیده باشند باکی نیست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سزاوار نیست که زن خود را معطل
بگذارد و زینت نکند اگرچه گردن بندی باشد که در گردن ببندد و سزاوار نیست که دستش از خضاب خالی باشد اگرچه بمالیدن حنا باشد

هرچند سال دارد باشد و در روایت معتبر وارد شده است که جایز است که دندانها را بطلا بگیرند یا ببندند و آنکه در باب زر و طلا حرام شده
اولی آن است که مردان اجتناب نمایند اگرچه در شمشیر و مصحف باشد **فصل نهم** در آداب سرمه کشیدن در حدیث معتبر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله سرمه سنگ بچشم میکشیدند در وقت خواب طاق طاق و در
حدیث معتبر از حسن بن جهم منقول است که گفت حضرت امام رضا علیه السلام میلی از آهن بمن نمودند و سرمه دانی از استخوان و فرمودند
که اینها از حضرت امام موسی علیه السلام است باید باین میل سرمه بکش و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سرمه کشیدن در شب
چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است که سرمه سنگ
در دیده کشیدن دهان را خوشبو میکند و مژگان را محکم میکند و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سرمه کشیدن
دهان را شیرین میکند و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند و منی را زیاد میکند و اعانت میکند بر طول
دادن سجود و در حدیث دیگر فرمود که سرمه سنگ چشم را جلا میدهد و موی مژگان را میرویاند و آب ریختن چشم را زایل میکند و در روایت
دیگر فرمود که سرمه کشیدن قوت جماع را زیاد میکند و فرمود که هرکه هر شب سرمه سنگ که مشک نداشته باشد در دیده کشد چشمش
هرگز آب سیاه نیاورد و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هرکه سرمه کشد باید که طاق بکشد و اگر چنین هم نکند
باکی نیست و در حدیث صحیح منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیش از خواب سرمه میکشیدند چهار میل در دیده راست
و سه میل در دیده چپ و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که رو را نورانی میکند نظر کردن در روی
نیکو و در آب جاری و در سبزه زار و سرمه کشیدن در وقت خواب و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هرکه ایمان بخدا
و روز قیامت دارد باید که سرمه بکشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب امان میدهد از آب آوردن
چشم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هرکه را ضعف در باصره بهم رسد هفت میل از سرمه سنگ در وقت خواب در چشم
کشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر چشم
سه میل میکشیدند در وقت خواب و در روایت دیگر وارد شده است که سه میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ میکشیدند
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بر شما باد بمسواک کردن که چشم را جلا میدهد و بر شما باد بسرمه کشیدن که دهان را خوشبو میکند
زیرا که چون مسواک میکند آدمی بلغم نازل میشود از چشم و جلا میباید و چون سرمه میکشد بلغم از چشم برطرف میشود و بدهان نازل
نمیشود و دهان خوشبو میشود و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون اراده نمائی که سرمه بکشی میل را بدست راست بگیر و در سرمه

دان بزن

دان بزن و بگو بسم الله و چون میل را در چشم کشی بگو اللهم نور بصری واجعل فیه نورا ابصر به حقک واهدنی الی طریق الحق وارشدنی الی
سبیل الرشاد اللهم نور علیّ دنیای و آخرتی و در مکارم الاخلاق روایت کرده است که این دعا بخواند اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد
ان تصلی علی محمد و آل محمد وان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر
لک ابدا ما ابقیتنی **فصل دهم** در آداب نظر در آینه کردن بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که خداوند عالمیان واجب میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر در آینه کند و حمد خدا بسیار گوید بر اینکه خدا او را صورت
نیکو آفریده و او را معیوب نگردانیده است و در بعضی روایات مذکور است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نظر در آینه میکردند و موی سر
مبارک و ریش را شانه میکردند و از برای صحاب خود و زنان خود خود را مهیا میساختند و میفرمودند که خدا می پسندد و دوست میدارد از بنده
که چون بنزد برادران مؤمن رود از برای ایشان زینت کند و خود را بیاراید و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقول است که چون
کسی در آینه نظر کند باید که بگوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی وصورنی فاحسن صورتی وزان منی ما شان من غیری واکرمنی بالاسلام
و در فقه الرضا علیه السلام و غیر آن مذکور است که چون خواهی که در آینه نظر کنی آینه را بدست چپ بگیر و بگو بسم الله پس چون در آن نظر کنی
دست راست را بر پیش سر بگذار و بر رو بکش و ریش خود را بدست راست بگیر و در آینه نظر کن و بگو الحمد لله الذی خلقنی بشرا سویا
و زیننی و لم یشنّی و فضلنی علی کثیر من خلقه و منّ علیّ بالاسلام و رضیه لی دینا پس آینه را از دست بگذار و بگو اللهم لا تغیر ما بنا من نعمتک واجعلنا
لانعمک من الشاکرین ولالائک من الذاکرین و در روایت دیگر وارد شده است که آینه را بدست چپ میگیری و چون روی
خود را در آینه دیدی بگو الحمد لله الذی احسن و اکمل خلقی و حسن خلقی و خلقنی خلقا سویا و لم یجعلنی جبارا شقیا الحمد لله الذی زین منی
ما شان من غیری اللهم کما احسنت خلقی فصل علی محمد و آل محمد و حسّن خلقی و تمم نعمتک علیّ و زینی فی عیون خلقک و جملنی فی عیون
بریتک وارزقنی القبول والمهابة والرأفة والرحمة یا ارحم الراحمین و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در آینه نظر کنی بگو اللهم کما حسنت خلقی فحسن خلقی و رزقی **فصل یازدهم** در فضیلت
خضاب کردن مردان و زنان بدانکه مردان را خضاب موی سر و ریش کردن سنت مؤکد است و زنان را خضاب موی
سر و دست و پا سنت است و مردان را خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک رنگی که بعد از نوره که بر جمیع بدن سنت است
حنا مالیدن از آن در دست بماند که رنگ ناخن بسرخی مایل شود چنانچه بسند معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقول است
که چهار چیز است که سنتهای پیغمبران است بوی خوش کردن و نزدیکی زنان و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن و در حدیث دیگر از حضرت

منقولست که یکدرهم که در خضاب صرف شود بهتر است از هزار درهم که در راه خدا صرف نماید و در آن چهارده خصلت هست باد را از گوشها
دور میکند و غبار از چشم جلا میدهد و بینی را نرم میکند و دهن را خوشبو میکند و بن دندان را محکم میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم
میکند وسوسه شیطان را و ملائکه بسبب آن شاد میشوند و سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران میشود و زینت است و بوی خوش است
و موجب خلاصی از عذاب قبر میشود و نکیر و منکر شرم میکنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید خود را رنگ کنید و شبیه مشوید به یهودان
و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بودند پس فرمود که در خضاب
کردن اجر عظیم است و خود را آراستن موجب زیادتی عفت زنان است و جمعی از زنان ورت از عفت بر گشتند بسبب آنکه شوهران ایشان
خود را برای ایشان نمی آراستند عرض کرد که بما رسیده که حنا موی سفید را زیاد میکند حضرت فرمود که موی سفید خود زیاد میشود بی حنا و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و نظر کرد حضرت دید که موی سفید در ریش او بهم رسیده است فرمود
که این موی سفید نور است پس فرمود که هر که در اسلام یکموی سفید در ریش او بهم رسد از برای او نوری باشد در قیامت پس آنشخص بحنا خضاب کرد
و بنزد آنحضرت آمد فرمود که هم نور است و هم اسلام پس وقتی دیگر خضاب بسیاه کرده آمد فرمود که نور است و اسلام و ایمان است و محبوب میگرداند
بسوی زنان و خوف و بیم می افکند در دل کافران و در حدیث معتبر منقولست که گروهی بنزد حضرت امام حسین صلوات الله علیه آمدند
دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است در این باب از آنحضرت سؤال کردند دست را بر ریش خود گذاشتند و فرمودند که امر کرد
رسول خدا صلی الله علیه و اله در یکی از جنگها که مسلمانان بسیاهی خضاب کنند که تا باعث غلبه ایشان شود بر کافران و در حدیث
حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنت است فرمود که بلی حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه برای آن خضاب نمیفرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده بود که یا علی موی ریش تو از خون
سرت خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب میکشید و حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام هر دو خضاب میکردند و
در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که من برای آن خضاب نمیکنم که هنوز صاحب تعزیه ام در مصیبت
وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و در احادیث بسیار منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و اله خضاب میفرمودند
و در حدیث معتبر است که حضرت صادق علیه السلام نظر کردند بمردی که از حمام بیرون آمده بود و در دستهایش حنا بسته بود
حضرت فرمود که آیا ترا خوش می آید که خدا ترا چنین خلق کند گفت نه والله ولیکن خبر بما رسیده است که هر که داخل حمام شود باید
که اثر حمام بر او ظاهر شود یعنی حنا حضرت فرمود که غلط فهمیده اند بلکه مراد آن است که چون بسلامتی از حمام بیرون آید رکعتی نماز

نسبت حنا

قیمت دو رکعت نماز بگذارد و در حدیث حسن منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود
آن است که آثار زنان در مردان فرزندان عباس ظاهر شود و خضاب کنند و خود را مشاطگی کنند بروش زنان و ظاهر آن است که مراد
خضاب دست و پا باشد زیرا که خضاب سر و ریش سنت است و از علامات مردان است و در حدیث معتبر منقولست از آنحضرت که باکی
نیست که در حمام خلوق بدن بست و پا مالد چه بر اگها بکه در دست و پا بهم رسد از بابت دوا اما خوشم نمی آید که همیشه این کار کند و خلوق بوی
خوشی بوده است که زعفران داشته است و رنگ از آن در بدن میمانده است و در حدیث صحیح از ابو الصباح منقولست که گفت
اثر حنا در دست حضرت امام محمد باقر علیه السلام دیدم از ضعیفی که از حنا مالیدن بعد از دارو میماند چنانچه بعد از این مذکور خواهد شدن و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست زن را که دستش از خضاب خالی گذارد اگرچه بمالیدن حنا باشد هر چند پیر باشد
و فرمود که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان شوهر دار و بی شوهر را بخضاب اما شوهر دار برای شوهر خود اما غیر شوهر دار برای
آنکه دستش بدست مردان نماند **فصل دوازدهم** در کیفیت خضاب و احکام آن در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه برای مرد پیر و در صحیح موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که فرمود که خضاب کردن
بوسمه دندانهای مرا سست کرد و در هم شکست و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که چون حضرت امام حسین صلوات الله علیه شهید
شد خضاب بوسمه در ریش مبارک آنحضرت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خضاب کردن بوسمه موجب انس زنان است
و مهابتی از آن در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که خضاب کردن بحنا آبرو را زیاد میکند و سفیدی مو را
زیاد میکند و در حدیث صحیح و حسن منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بحنا میفرمودند خضاب سرخ رنگی و در حدیث دیگر
فرمود که خضاب بحنا بوهای بد را زایل میکند و آبرو را می افزاید و دهان را خوشبو میکند و فرزندان را خوشرو میگرداند و از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که هر زنی که علت حیضش قطع شده باشد بحنا خضاب کند تا حیضش برگردد و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت امام حسین و امام محمد باقر علیهما السلام خضاب بحنا و وسمه باهم میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین خضابها
نزد خدا رنگ سیاه است و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله رخصت فرمودند زنان را
که سر خود را بسیاهی خضاب کنند و بدانکه مشهور میان علما آن است که جنب را خضاب کردن مکروه است و همچنین مکروه است در حال
خضاب جنب شدن و از بعضی اخبار معتبره ظاهر میشود که چون حنا رنگ خود را داده باشد بعد از آن جنب شدن باکی نیست و همچنین
مکروه است زن حایض را خضاب کردن باب ... در آداب خوردن و آشامیدن ... در بیان ظرفهایی که در خوردن

داشامیدن و سایر استعمالات نتوان استعمال نمود و آنچه نهی از آن وارد شده است جایز نیست خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و در استعمال
غیر اکل و شرب خلافست و احوط اجتناب است و همچنین در نگاه داشتن برای زینت احوط اجتناب است و بعضی گفته اند که طعامی را که
در ظرف طلا و نقره کنند حرام میشود و اگر چه طعام را در جای دیگر کنند اگر چه دلیلی ندارد و اما احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند وضوئی را که
از ظرف طلا و نقره   و در مانند سرمه دان و عنبرچه و سر غلیان و قندیلها که در هر دو طرفش گشوده باشد که   مشرف می آویزند
و ظرف مصحف و دعا و آینه را طلا و نقره کردن بلکه چوب و نی را به نقره کردن خلافست و احوط در همه اجتناب است اگر چه حرمت اینها بر
ظهور ثابت نیست و در نعلبکی غلیان که از نقره و طلا باشد احتیاط بیشتر باید کرد و مکروه است از ظرف نقره کوب و طلا کوب چیزی خوردن و آشامیدن
و اگر بخورد بهتر آن است که دهان را موضع طلا و نقره نرساند و اشهر میان علما آن است که جایز نیست استعمال پوست مگر پوست حیوانی که
در حال حیوة پاک باشد و او را بعنوان مشروع کشته باشند یا از دست مسلمانی گرفته باشند و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و همچنین
پوستی که یافته باشند اگر چه گمان باشد که از دست مسلمان افتاده است مثل کفش در مسجد مسلمانان و بعضی گفته اند که جایز است استعمال میته در عملی
که مشروط بطهارت نباشد مثل آب بزراعت و حیوانات دادن و مثال اینها و این قول قوی است و احوط اجتناب است و همچنین بعضی
جایز دانسته اند استعمال پوستی را که ظن بهم رسد که از کشته شده یا از دست مسلمانی افتاده است و خالی از قوتی نیست و احوط اجتناب است و پوست
حیوان طاهر که گوشت او را نخورند و قابل تذکیه باشد استعمال می توان کرد اما پیش از دباغی کردن مکروه است استعمال آن و ظرفی که شراب
در آن کرده باشند هر چه نجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس شستن پاک میشود و همچنین هر چه کاشی داشته و منفذی نداشته باشد که شراب
در جرم آن جا کند و در مثل سبو و کدو و خم بیکاشی و مثال اینها خلافست و اشهر آن است که بآب کشیدن پاک میشود خصوصا در وقتی که آنقدر
در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند و احوط اجتناب است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد در آخرت از ظروف طلا و نقره بهشت محروم باشد و بسند معتبر منقولست که محمد بن اسمعیل بن
بزیع از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کرد از ظرف طلا و نقره و حضرت اظهار کراهت فرمودند گفت که بما روایت رسیده است
که حضرت امام موسی علیه السلام آینه داشتند که به نقره گرفته بودند حضرت فرمود که نه الحمد لله همین حلقه داشت از نقره و آن آینه الحال نزد من است
و فرمود که برادرم عباس را چون ختنه میکردند برای او چوبی ساخته بودند و آن را به نقره گرفته بودند که قصبه نقره اش نزدیک بده درهم بود
که ششصد و سی دینار عجمی باشد حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که از آن شکستند و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه
منقولست که ظرف طلا و نقره متاع جماعتی است که یقین بآخرت ندارند و در حدیث دیگر از عمرو بن ابی المقدام منقولست که ظرفی

آوردند

آوردند نزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آب بخورد پاره از نقره بر آن ظرف چسبانیده بودند دیدم که حضرت بدندان خود
آن را از آن ظرف میکندند و در حدیث موثق از آن حضرت منقولست که مکروه است آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد یا بعضی از آن
نقره باشد و روغن مالیدن از روغندان چنین و شانه کردن از شانه و آن چنین مکروه است و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست
که کراهت دارد خوردن چیزی که در سفالی که از مصر می آورند پخته باشند و در روایت موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که از مصر می آورند و از بزیع بن عمرو منقولست که بخدمت امام محمد تقی علیه السلام آمد دید که حضرت طعام
تناول میفرمودند در میان کاسه سیاهی که در میان آن برنگ زرد سوره قل هو الله احد نقش کرده بودند فصل دوم در
تجویز خوردن طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن و تکلف در خوبی و پاکیزگی اینها خوبست و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن
خوب نیست اما باید که از حلال باشد و آنقدر نخورد که او را از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته همتش مصروف خوردن
و آشامیدن نباشد بلکه باید منظور و مقصود او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد و باید آنقدر صرف کند که نسبت
بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفان را دوست نمیدارد و بسند معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسیار بود که نانهای
فرنی نفیس و حلواهای نفیس لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هر گاه خدا بر ما توسعه میدهد ما نیز توسعه میکنیم و هر گاه خدا بر ما تنگ
میگیرد ما نیز تنگ میگیریم و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که سه چیز است که حق تعالی مؤمن را در قیامت بر اینها حساب
نمیکند طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه که یاور او باشد و فرج او را از حرام نگاهدارد و ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت
حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه رفتم حضرت چاشت طلبیدند و من خوردم با آن حضرت هرگز از آن نیکوتر و پاکیزه تر
طعامی نخورده بودم پس فرمود که چگونه دیدی طعام ما را گفتم فدای تو شوم هرگز طعامی باین خوبی نخورده بودم ولیکن بیادم آمد آن
آیه که در کتاب خداست ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ که ترجمه اش این است که البته سؤال کرده خواهید شد در روز قیامت
از نعمت الهی حضرت فرمود که مراد از نعیم در این آیه مذهب تشیع است و ولایت اهلبیت علیهم السلام که در قیامت از شما سؤال
خواهند کرد و بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی از آن کریم تر است که سؤال کند از مؤمن از خوردنی
و آشامیدنی که در دنیا بر او حلال کرده باشد و بسند حسن از آنحضرت منقولست که طعام بعمل بیاور و نیکو بعمل بیاور و اصحاب خود را
بطلب و با ایشان بخور و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که با سیری چیزی خوردن مورث پیسی است و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که سه چیز است که خدا دشمن میدارد صاحب اینها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر

محل تعجب خوردن طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مؤمن در یک شکم چیزی میخورد و کافر در هفت شکم
چیزی میخورد یعنی بسیار میخورد و در حدیث دیگر منقولست که ابو جحیفه بخدمت آنحضرت آمد و آروق میزد از سیری حضرت فرمود که آروق
خود را منع کن که هر که در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه‌تر است پس ابو جحیفه بعد از آن طعام سیر نخورد تا از دنیا رفت و در حدیث دیگر فرمود
که هیچ چیز را خدا دشمن نمیدارد مانند شکم پر از طعام و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت عیسی علیه السلام بشهری رسید
که مرد و زنی فریاد میکردند و با یکدیگر نزاع داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن منست و صالحه است و عیبی ندارد اما من او را
دوست نمیدارم و میخواهم از او جدائی اختیار کنم فرمود که بهمه حال سبب این کراهت را بگو چیست گفت که رویش کهنه و بی‌طراوت شده است
بی آنکه پیر شده باشد حضرت عیسی بآن زن فرمود که میخواهی آب رویت برگردد و تازه شود گفت بلی فرمود که طعام میخوری سیر مخور زیرا که
طعام زیاد که در معده بجوش آید آب رو را میبرد آن زن چنین کرد رویش بحالت طراوت اول برگشت و محبوب شوهر شد و از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که اگر مردم میانه رو باشند در طعام خوردن همیشه بدن ایشان صحیح باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که پنج خصلت است که مورث برص و پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده
باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن و در حال حیض با زن جماع کردن و در وقت سیری چیزی خوردن و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که آدمی را ناچار است از طعامی که بآن قوت بیابد هرگاه طعامی خورد باید که یکحصه شکم برای طعام قرار دهد و یکحصه برای
آب و یکحصه برای نفس و سعی نکند در فربه کردن خود چنانچه حیوانات را برای کشتن فربه میکنند و فرمود که هرگاه شکم سیر باشد باعث طغیان
و فساد میشود و فرمود که هر دردی و بیماری از بسیار خوردن بهم میرسد بغیر از تب که آن ناگاه میرسد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
عیسی علیه السلام فرمود که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیزی نخورید و هرگاه گرسنه شوید بخورید و سیر مخورید زیرا که چون سیر شدید گردنهای شما
کنده میشود و پهلوهای شما فربه میشود و پروردگار خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که کفران نعمت الهی است
آنکه کسی گوید فلان طعام مرا آزار کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که روزی شیر و عسل نزد آنحضرت آوردند اندکی
تناول نمودند و بر زمین گذاشتند گفتند یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن این را فرمود که نه اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا و پالوده
بسیار طیب و خوشبو نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه آوردند انگشتی بآن فرو بردند و بدهان گذاشتند و فرمودند
حرام نیست اما نمیخواهم خود را عادت فرمایم بچیزیکه عادت نکرده ام و در حدیث دیگر وارد است که فرمود که چیزیکه حضرت رسول صلی الله
علیه و آله نخورده است نمیخواهم بخورم و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که همیشه این امت با خیر و نعمت باشند مادام که لباس

تجّار را

تجّار را نپوشند و طعامهای تجّار را نخورند پس چون چنین کنند خدا ایشان را ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که نیکو نان خورشی است سرکه و همین بس است در اسراف که نعمتی را که نزد او بیاورند دشمن دارد و نخواهد فصل پنجم در بیان بعضی از آداب
و اوقات طعام خوردن سنت است که چاشت بامداد بخورد و در میان روز دیگر چیزی نخورد و بعد از نماز خفتن بار دیگر طعام بخورد و لقمه
را کوچک بردارد و نیکو بخاید و نظر بروی مردم نکند و طعام بسیار گرم نخورد و در طعام گرم ندمد بلکه بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد
و نان را انگار نبرد و استخوان را پاک نکند و بکمتر از سه انگشت چیزی نخورد و از پیش خود چیزی بخورد و دست در پیش دیگران دراز نکند
و کاسه و انگشتان را بلیسد و در حالت جنابت مکروه است طعام و آب خوردن و اگر وضو بسازد یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق
بکند یا دست و رو را بشوید و مضمضه بکند یا دستها را بشوید و مضمضه بکند کراهتش ضعیف میشود و در حدیث وارد است که اگر چیزی
بخورد و در حالت جنابت بی آنکه اینها را بعمل آورد بیم آن است که پیس شود و در حدیث معتبر منقولست که پسر برادر شهاب بحضرت امام
جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد و امتلاء و فساد معده حضرت فرمود که چاشت و شام بخور و در میان دیگر چیزی مخور زیرا که
خداوند عالمیان در وصف طعام اهل بهشت میفرماید که لهم رزقهم فیها بکرة و عشیا که ترجمه‌اش این است که مهیاست برای اهل بهشت
روزی ایشان در بهشت در بامداد و پسین یا خفتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که طعام خوردن آخر روز
پیغمبران بعد از نماز خفتن است پس آنرا ترک مکنید که ترکش موجب خرابی بدن است و در حدیث دیگر منقولست که ترک طعام خوردن طرف
شب آدمی را پیر میکند و فرمود که چون آدمی پیر شد باید که در شب پیش از خواب البته چیزی بخورد که بهتر بخواب میرود و دهانش خوشبو
میشود یا خلقش نیکو میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چیزی خوردن شب را ترک مکنید اگر چه پاره نان خشکی باشد
که باعث قوت بدن و قوت جماعست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ترک کند طعام خوردن را در شب شنبه و شب
یکشنبه از او برطرف شود قوتی که تا چهل روز بآن برنگردد و فرمود که طعام شب نافع‌تر از طعام روز است و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که در بدن رگی است که آن عشا نام دارد و هر که در طرف شب چیزی نخورد آن رگ او را نفرین میکند تا صبح میگوید که خدا
ترا گرسنه بدارد چنانچه مرا گرسنه گذاشتی خدا ترا تشنه بدارد چنانچه مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید عشا را اگر چه بلقمه نانی باشد
و اگر چه بجرعه آبی باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست که مؤمن از خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد
که باعث زیادتی عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی که پی حاجتی بروی پاره نانی با نمک بخور که بیشتر باعث
عزت تست و حاجتت زودتر بر می‌آید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که طعام گرم را بگذار تا سرد شود

بدرستی که طعامی نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند فرمود بگذارید تا سرد شود که خدا آتش را طعام ما نگردانیده و برکت در طعام
سرد است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که طعام گرم برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد و در حدیث موثق
از سلیمان بن خالد منقولست که گفت حاضر شدم شب بر سر سفره حضرت امام جعفر صادق در تابستان خوانی آوردند که نانی در آن
بود و کاسه آوردند که ترید و گوشت در آن بود پس دست بر آن گذاشتند و بر داشتند و فرمودند که امان میطلبم از خدا از آتش جهنم پناه
میبرم بخدا از آتش جهنم تاب این گرمی را نداریم و صبر بر این نمیتوانیم کرد چگونه تاب آوریم و صبر کنیم بر آتش جهنم این را مکرر میفرمود تا طعام
چنان شد که میتوانست خورد پس تناول فرمود و ما تناول کردیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نهی فرمود از دمیدن
در خوردنی و آشامیدنی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروهست دمیدن در گرهها و افسونها و در طعام و در موضع سجده
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که اگر از برای سرد کردن بدمد قصوری ندارد و حمل بر ضرورت و حالت استعجال میتوان کرد و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مخورید از بالای ترید و از پهلوهایش بخورید که برکت در بالای طعام است و در حدیث معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه یکی از شما طعام خورد باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقولست که
آنحضرت کاسه طعام را میلیسیدند و میفرمودند که هر که کاسه طعام را بلیسد چنانست که مثل آن طعام را تصدق کرده باشد
و منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بتمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و میگفتند که هر که کاسه طعام را بلیسد ملائکه بر او
صلوات میفرستند و دعا کنند برای او بفراخی روزی و حسنات مضاعف برای او بنویسند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که در وقت طعام خوردن دو زانو بروش بندگان می‌نشستند و دست بر زمین میگذاشتند و به سه انگشت چیزی تناول میکردند
و میفرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین طعام تناول میفرمودند بروش متکبران و جباران که بدو انگشت چیزی میخورند
و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه کسی طعام خورد و انگشتان خود را بمکد و بلیسد خداوند عالم فرماید که
خدا برکت دهد ترا و از حضرت صادق صلوات الله علیه منقولست که آنحضرت کراهت داشتند از اینکه دست را بدستمال پاک کنند
در وقتی که چیزی از طعام در آن باشد تا آنکه خود میمکیدند یا آنکه بطفلی که در پهلوی آنحضرت بود میدادند که میمکید برای حرمت طعام و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود و معده پاک نشود چیزی نخورد
و چون خواهد بخورد بسم الله بگوید و نیکو بخاید و دست از طعام وقتی بکشد که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر منقولست از
حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما که استخوانها را پاک مکنید که جنیان را در آن بهره هست و اگر پاک کنید ایشان از خانه تنها

میبرند چیزی را که بهتر از این باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسن صلوات الله علیه منقولست که در خوان دوازده خصلتست که بر هر مسلمان
واجبست که بداند چهار از آنها فرض است و چهار دیگر سنت است و چهار دیگر تادیب است اما فرض پس آنست که منعم خود را بشناسد
و بداند که نعمت از جانب پروردگار است و راضی باشد بآنچه خدا باو عطا کرده است و بسم الله بگوید و خدا را شکر کند و اما سنت پس دست
شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و به سه انگشت چیزی خوردن و انگشتان را لیسیدن و اما تادیب پس از پیش خود چیزی خوردن
و لقمه را کوچک برداشتن و بسیار خائیدن و در روی مردم کم نگاه کردن و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام حسن امیر المؤمنین بحضرت
امام حسن صلوات الله علیهما فرمود میخواهی ترا تعلیم کنم چهار خصلت که اگر بجا آوری از طبابت طبیبان مستغنی شوی گفت بلی یا امیر المؤمنین
فرمود منشین بر طعام مگر وقتی که گرسنه باشی و بر مخیز مگر وقتی که خواهش داشته باشی و نرم بخاو هرگاه خواهی بخواب روی به بیت الخلا برو
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که وقتی که طعام میخوردند بسم الله میگفتند و از پیش خود چیزی بر میداشتند و پیش
از مهمان شروع بطعام میکردند و بانگشت مهین و انگشت بعد از آن و انگشت میانین میخوردند و گاهی انگشت چهارم را هم ضم میکردند
و گاهی بتمام انگشتان میخوردند و هرگز بدو انگشت چیزی نمیخوردند و میفرمودند که این خوردن شیطان است

در سایر آداب طعام خوردن

سنت است که بدست راست چیزی بخورد و دو زانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد اما اگر بدست چپ تکیه کند
باکی نیست و چهار زانو نشستن مکروه است و اگر پا را بر روی زانو گذارد بدتر است و تنها چیزی خوردن مکروه است و با خدمتکاران
چیزی خوردن و بر روی زمین چیزی خوردن سنت است و مشهور اینست که در وقت راه رفتن چیزی خوردن مکروه است و پیش
از طعام و بعد از آن دست شستن سنت است و در دست شستن پیش از طعام سنت است که دست را بدستمال خشک نکند و
اول صاحب خانه دست بشوید و بعد از او هر که در جانب راست اوست و بترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از
جانب چپ صاحب خانه ابتدا کنند و خود آخر همه بشوید و سنت است که همه در یک طشت بشویند و آنرا نریزند و در سر خوانی که شراب
در آن خورند چیزی خوردن حرام است و بعضی گفته‌اند که هر حرامی که خورند یا کنند در آن مجلس چیزی خوردن حرام است حتی در سفره
که جماعتی غیبت مسلمانان کنند بحرام و سنت است که در اول و آخر طعام نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت فرمود سه کس را کسی که توشه خود را تنها بخورد و کسی که بسفر تنها برود و کسی که
در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام است هرگاه که از حلال باشد و دست
بسیار در آن دراز شود و نام خدا در اولش گفته شود و در آخرش حمد الهی بکنند و در حدیث صحیح منقولست که چون خوان

طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر میشد کاسه میطلبیدند و از طعامها که لذیذتر بود از هر طعامی قدری بر میگرفتند و در آن کاسه میکذاشتند و میفرمودند که بمساکین و درویشان بدهند و در احادیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت یعقوب بمفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی کوسفندی فربهی کشت و بریان کرد مرد صالح روزه داری در نزدیک خانه او بود و بوی آن را شنید و غافل شد که باو بخوراند پس جبرئیل در همان شب آمد گفت مهیای بلا باش از جانب خدا و در همان شب حضرت یوسف آن خوابرا دید پس بعد از آن حضرت یعقوب در وقت چاشت میفرمود که ندا میکردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت میخواهد بطعام یعقوب حاضر شود و در شب نیز چنین ندا میکردند و در حدیث دیگر منقولست که چون خوان طعام حاضر شود هر سائلی که بیاید رد مکنید و بسند صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست ملعون است کسی که بنشیند بر سر خوانی که در آن شراب خورند و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس نخورد چیزی بر سر سفره که در آن شراب خورند و در فقه امام رضا علیه السلام مذکور است که مخور طعام در خوانی که بعد از رفتن تو بر سر آن شراب خورند و در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از خوردن و آشامیدن بدست چپ مگر آنکه مضطر باشد و در دست راستش علتی باشد و بسند های معتبر منقولست از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز تکیه کرده بر پهلوی راست و پهلوی چپ چیزی تناول نفرمودند تا از دنیا رفت و بروش بندگان می‌نشست و بروش بندگان چیزی میخورد از جهة تواضع و فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر منقولست از آنحضرت که نباید تکیه کرده و بر روخوابیده چیزی نخورند و در حدیث حسن منقولست که روزی عباد بصری که از مشایخ صوفیه و علمای عامه است در خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بود و حضرت طعام تناول میفرمود و دست چپ خود را بر زمین گذاشته بود عباد گفت که مگر نمیدانی پیغمبر نهی کرده است از تکیه بر دست کردن در وقت طعام خوردن حضرت لحظه دست را برداشتند و باز بر زمین گذاشتند باز عباد اعاده آن سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که والله که حضرت رسول هرگز از این نهی نفرموده و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که هر گاه بخوردن طعام بنشینید بروش بندگان بر دو زانو بنشینید و یکپای را بر روی پای دیگر مگذارید و چهار زانو منشینید که این نشستن را خدا دوست نمیدارد و صاحبش را دشمن میدارد و ظاهر این حدیث آن است که چهار زانو که نهی واقع شده است آن است که بروش جباران یکپای را بر بالای ران گذارد و در حدیث منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر سر خوان می‌نشستند از پیش خود طعام میخوردند و بروشی که در تشهد نماز می‌نشستند و زانوی راست را بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر شکم پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده‌ام بروش

... و در احادیث ... وارد شده است

بندگان

بندگان میخورم و بروش بندگان می‌نشینم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروه است آدمی را که از دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی بآن بردارد و حال آنکه تواند از دست راست بردارد و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین ع منقولست که باکی نیست که در حالت راه رفتن چیزی بخورند و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیش از نماز صبح بیرون آمدند پاره نانی در دست داشتند که در میان شیر فرو برده بودند و میخوردند و بنماز می‌آمدند و بلال اقامه نماز میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مخور چیزی در حالت راه رفتن مگر آنکه مضطر باشی و در احادیث معتبر بسیار از حضرت امیر المومنین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که هر که خواهد خیر در خانه‌اش بسیار شود دست را پیش از طعام خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام فقر را زایل میکرداند و روزی را زیاد میکند و چرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا میدهد و درد ها را از بدن دور میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دستها را همه در یکظرف بشوئید تا اخلاق شما نیکو شود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که در دست شستن پیش از طعام اول صاحب خانه میشوید که دیگران را دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام فارغ شوند ابتدا از کسی میکنند که در جانب راست در کاه نشسته است و در روایت دیگر این است که در شستن پیش از طعام اول صاحب خانه میشوید و بعد از او هر که در جانب راستش نشسته است و در شستن بعد از طعام ابتدا بدست چپ صاحب خانه میکنند و خود آخر همه میشوید زیرا که او اولی است بانکه صبر کنند بر آلودگی دست و در حدیث حسن از مرازم منقولست که دیدم حضرت امام موسی علیه السلام را که چون پیش از طعام دست میشستند دست را بدستمال پاک نمیکردند و بعد از طعام دست را بدستمال پاک میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دست را برای طعام خوردن که بشوئی دست را بدستمال پاک مکن زیرا که تا تری در دست است برکت در طعام است و فرمود که بعد از دست شستن دست را بر رو مالیدن کلف را از رو برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و از مفضل بن عمر منقولست که شکایت کردم بآنحضرت از آزار چشم حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئی دستها را بر رو بمال و سه نوبت بگو الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل مفضل گوید چون چنین کردم هرگز آزار چشم ندیدم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از طعام دست میشستند آب در دهان میگردانیدند و مضمضه میفرمودند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دستهائی که دست بآن میشویند سعد داخل کنید که دهان را خوشبو میکند و بر قوت جماع می‌افزاید و منقولست که چون حضرت امام رضا علیه السلام با اشنان دست میشستند اشنان را در دهان میگردانیدند و میخائیدند و می‌انداختند و منقولست که حضرت امام محمد تقی ع

بعد از آنکه جارت تناول فرمودند و دست شستند دستها را بسر و رو مالیدند پیش از آنکه بدستمال پاک کنند و فرمودند اللهم
اجعلنی ممن لا یرهق وجهه قتر ولا ذلة و در روایت دیگر از حضرت رسول الله علیه و آله منقولست که چون دست را بعد از طعام
بشوئی بر رو و دیدها بمال پیش از آنکه بدستمال پاک کنی و بگو اللهم انی اسئلک الزینة والمحبة و اعوذ بک من المقت والبغضة و از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که هر که دستش پاکیزه باشد باکی نیست که طعام بخورد بدون آنکه دست بشوید و از فضل بن یونس منقولست که حضرت امام
موسی علیه السلام بمنزل من آمدند و چون طعام حاضر شد دستمالی آوردم که در دامن ایشان بیندازم قبول نکردند و فرمودند که این طریقه عجمانست و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون بعد از طعام دست بشوئی بآن تری که در دست هست دیدهای خود را مسح کن که این امانست از درد چشم
و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله از دست شستن بعد از طعام
فارغ میشدند دست را بر رو میکشیدند و این دعا میخواندند الحمد لله الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل بلاء صالح اولانا و در حدیث دیگر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین فرمود که یا علی در اول طعام و آخر طعام
نمک بخور که هر که در طعام افتتاح و اختتام بنمک کند خدا دفع کند از او هفتاد نوع از انواع بلا را که آسان ترینها خوره باشد و از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که عافیت یابد از هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی است و در روایت دیگر از درد شکم
و درد گلو و درد دندان و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در نمک شفا از هفتاد نوع از انواع درد هست و اگر مردم
بدانند که چه منفعتها در نمک هست مداوا نکنند مگر بآن و فرمود که حق تعالی وحی نمود بموسی علیه السلام که امر کن قوم خود را که افتتاح و اختتام
بنمک بکنند و اگر نکنند ببلائی مبتلا شوند ملامت نکنند مگر خود را و در روایت معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در اثنای نماز عقربی گزید حضرت نعل را برآورده او را کشت و چون فارغ شد فرمود که
لعنت خدا بر تو نه نیکوکاران را میگذاری و نه بدکرداران را مگر آنکه آزار میرسانی پس نمک ساییده طلبیدند و بر موضع گزیده مالیدند فرمود که اگر مردم
منفعتهای نمک را بدانند محتاج تریاق و غیر آن نشوند و در بعضی روایات معتبر وارد شده است که ابتدا به نمک سنت است و عقل را زیاد میکند و از حضرت امام
جعفر صادق منقولست که ما ابتدا بنمک و ختم بسرکه میکنیم و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که نمک بپاشد بر اول لقمه که
میخورد روی تو انگری آورد و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود که من روزی بمجلس سفاح که یکی از خلفای بنی عباس بود رفتم
در وقتی که سفره اش گسترده بود پس دست مرا گرفت و نزد خود کشید پای من بر کنار سفره واقع شد پس اندوهگین شدم
که خداوند زیرا که این کفران نعمت است و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که طول دهید نشستن بر سر سفره را که این ساعتی است که

از عمر شما حساب نمیشود و در حدیث معتبر منقولست از یاسر خادم حضرت امام رضا علیه السلام که چون آنحضرت بر سر سفره می نشستند
هیچ کوچک و بزرگی را نمی گذاشتند مگر آنکه بر سر سفره میطلبیدند حتی مهتر و حجام و از ابراهیم بن عباس مرویست که آنحضرت چون خلوت
می شد و سفره می آوردند غلامان خود را همه بر سر خوان میطلبیدند حتی دربانان و خدمتکاران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که چون طعام خورید نعل و کفش را از پا بیرون کنید که سنت نیکوست و بیشتر راحت مییابد پاهای شما و در خبر معتبر وارد شده است
که یک امتیاز انسان از حیوانات دیگر آنست که بدست چیزی میتواند خورد پس باید بدست چیزی بخورد و باسانید معتبره منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون با جماعتی طعام میخوردند یعنی مهمانان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست می کشیدند
برای آنکه ایشان بیشتر چیزی بخورند و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز بر خوان چیزی نمیخوردند بلکه بر روی سفره میخوردند و از
فحوای اخبار چنین معلوم میشود که در آن زمان خوانها را پایه دار و بلند میساخته اند از روی تکبر که برای طعام خوردن خم نباید شد و الله
یعلم و در حدیث موثق منقولست از سماعة بن مهران که از حضرت صادق علیه السلام پرسید که وقت نماز می شود و طعام رسیده است
بکدام یک ابتدا کنیم فرمود که اگر اول وقت نماز باشد اول طعام بخورید و اگر از وقت پاره گذشته باشد و بیم آن باشد که تا طعام
خوردن وقت فضیلت بدر رود ابتدا بنماز کنید **فصل پنجم** در بیان دعاهای وقت طعام خوردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون خوان را میگذارند چهار هزار ملک بر دور آن احاطه میکنند اگر بنده بسم الله گفت ملائکه میگویند خدا برکت دهد
بر شما در طعام شما پس با شیطان میگویند که بیرون رو ای فاسق که ترا بر ایشان سلطنتی نیست و بعد از فارغ شدن اگر گفتند
الحمد لله ملائکه میگویند که ایشان جماعتی اند که نعمت داد خدا بایشان پس ادا کردند شکر پروردگار خود را و اگر بسم الله در اول نگفتند ملائکه
با شیطان میگویند که بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور و اگر خوان را برداشتند و ایشان حمد الهی نکردند ملائکه میگویند که ایشان گروهی اند
که خدا بایشان نعمت داد و ایشان پروردگار خود را فراموش کردند و در حدیث معتبر از حضرت ابی عبد الله صلوات الله منقولست
که چون خوان را بگذارند بگو بسم الله و چون شروع کنی بخوردن بگو بسم الله علی اوله و آخره و چون خوان را بردارند بگو الحمد لله و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که نام خدا در اول طعام ببرد و حمد خدا در آخر کند هرگز از آن طعام از او سؤال نکنند
و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مسلمانی خواهد که طعام بخورد و چون لقمه را بر دارد و بگوید بسم الله و الحمد لله رب العالمین
پیش از آنکه لقمه بدهانش برسد خدا گناهانش را بیامرزد و در حدیث دیگر منقولست که چون سفره نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله
میگستردند این دعا میخواندند سبحانک اللهم ما احسن ما تبتلینا سبحانک ما اکثر ما تعطینا سبحانک ما اکثر ما تعافینا اللهم اوسع علینا و علی

لفقراء المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و در روایت دیگر منقولست که چون طعام نزد حضرت امام زین العابدین می
نهادند میخواندند اللهم هذا منک و من فضلک و عطائک فبارک لنا فیه و سوغناه و ارزقنا خلفاً اذا اکلناه
و رب محتاج الیه رزقت فاحسنت اللهم اجعلنا من الشاکرین و چون خوان را بر میداشتند میخواندند الحمد لله الذی
حملنا فی البر و البحر و رزقنا من الطیبات و فضلنا علی کثیر من خلقه تفضیلاً و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نام خدا
بر طعام ببرید و چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم و در حدیث دیگر منقولست که چون خوان را بر میداشتند حضرت
رسول صلی الله علیه و آله میخواندند اللهم اکثرت و اطبت و بارکت و اشبعت و ارویت الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم
و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که فرمود که پدرم بعد از طعام میخواند الحمد لله الذی اشبعنا فی
جائعین و اروانا فی ظامئین و آوانا فی ضاحین و حملنا فی راجلین و آمننا فی خائفین و اخدمنا فی عانین و در حدیث کالصحیح
از زراره منقولست که با حضرت صادق علیه السلام طعام خوردم بسیار میگفت الحمد لله الذی جعلنی اشتهیه و در حدیث معتبر دیگر از
آنحضرت منقولست که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که من ضامنم از برای کسی که بسم الله بر طعامی بگوید که آزارش
نکند ابن کوا گفت یا امیر المؤمنین دیشب طعام خوردم و بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شاید چند رنگ طعام خورده
باشی و بر بعضی گفته باشی و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که
از طعام آزار میکشم فرمود دیگر بسم الله نمیگوئی گفت میگویم و باز آزار میکشم فرمود که هرگاه سخن میگوئی باز بسم الله میگوئی گفت
نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ شوی و عود بخوردن کنی بسم الله بگو و در روایت صحیح دیگر منقولست
از آنحضرت که هرگاه چند ظرف باشد بر هر ظرفی یک بسم الله بگو راوی گفت اگر فراموش کنم چکنم فرمود که بگو بسم الله علی
اوله و آخره و در روایت معتبر دیگر منقولست که آنحضرت بعد از طعام میخواندند اللهم هذا منک و محمد رسولک صلی الله
علیه و آله اللهم لک الحمد صل علی محمد و آل محمد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خدا را یاد کنید در هنگام
طعام خوردن و حرف بسیار مگوئید که آن طعام نعمت و روزی خداست و بر شما واجبست که در وقت صرف کردن آن
شکر خدا و یاد او و حمد او بکنید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ملائکه نزد حضرت ابراهیم
آمدند گوساله بریان برای ایشان آورد و گفت بخورید گفتند نمیخوریم تا بگوئی که قیمت این نعمت چیست حضرت ابراهیم گفت که
چون شروع در خوردن کنید بگوئید بسم الله و چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله حضرت فرمود جبرئیل رو کرد بسوی سه ملک دیگر

بسم الله

و گفت لازم

و گفت لازم است یا بر او اینست که حق تعالی چنین بنده را خلیل خود گرداند و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که طعام خورنده شکر کننده بهتر از روزه دار خاموش است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
بسماعه گفت که ای سماعه بخور و حمد خدا بکن و مخور که خاموش باشی و بسند صحیح منقولست که حضرت علی بن الحسین علیه السلام بعد
از طعام میخواندند الحمد لله الذی اطعمنا و سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم و در
حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که فرمود که هرگز از امتلاء طعام آزار نکشیده ام زیرا که هیچ لقمه
را نزدیک دهان نبرده ام مگر آنکه نام خدا بر آن گفته ام و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت فرمود که من ضامنم که هر که این
کلمات را بگوید هیچ طعامی او را آزار نکند اللهم انی اسئلک باسمک خیر الاسماء ملأ الارض و السماء الرحمن الرحیم الذی
لا یضر معه داء و در روایت دیگر منقولست که شخصی از ضعف معده بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود که
چون از طعام خوردن فارغ شوی دست بر شکم بمال و بگو اللهم هنئیه اللهم سوغنیه اللهم امرئنیه و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که چون خوان حاضر شد اگر یکی از حاضران بسم الله بگوید از دیگران مجزیست **فصل ششم** در آداب بعد از طعام
در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پای راست را بر روی
پای چپ گذار و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که بخورید آنچه از خوان بر زمین میافتد که خوردن
آن شفای هر دردیست باذن الهی برای کسی که بآن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام
شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که بر تو باد بآنچه از خوان بر زمین می افتد بخور پس چند کسی که صاحب این درد بودند کردند
و زایل شد از ایشان و در حدیث دیگر معویة بن وهب گوید که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون خوان را برداشتند
بر می‌چیدند آنچه از خوان افتاده بود تناول میفرمودند بعد از آن فرمودند که خوردن اینها فقر و درویشی را برطرف میکند
و فرزند را زیاد میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه پاره نانی بیابد و بردارد و بخورد یک حسنه
از برای او باشد و هرگاه پاره نانی در جای کثیفی یا نجسی بیابد پس بشوید آنرا و بردارد برای او هفتاد حسنه باشد و در حدیث
معتبر دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله روزی بخانه عایشه آمدند و پاره نانی دیدند که بر زمین افتاده
آنرا برداشتند و تناول فرمودند و گفتند ای عایشه گرامی دار نعمتهای خدا را بر خود که نعمت خدا از جماعتی که
گریخت دیگر بسوی ایشان برنمیگردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در خانه طعامی

سر شما بایستم در وقت طعام خوردن برمخیزید تا فارغ شوید و بسیار بود که یکی از ما را مطلبید میگفت چیزی میخورد
میفرمود بگذارید تا فارغ شود و در وقت طعام خوردن بار از خدمت نمیفرمود **فصل ششم** در فضیلت نان و سویق و گوشت
و روغن و سایر آنچه از حیوانات حاصل میشود و سرکه و شیر فیها و بروایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که گرامی دارید نان را که کار کرده اند در او ملائکه از مابین عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین تا آنکه برای شما عمل
آمده است بعد از آن فرمود که روزی حضرت دانیال نزد کشتی بانی آمد و گرده نانی باو داد که مرا از آب بگذران
کشتی بان نان را انداخت و گفت این نان را چه میکنم در پیش ما این نان در زیر پای مردم افتاده است و پای بر آن میمالند پس
دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت پروردگارا نان را گرامی دار به تحقیق که دیدی که این بنده چه کرد با نان
و چه گفت پس خداوند عالمیان وحی نمود بآسمان که باران مبار بر ایشان و وحی فرمود بزمین که گیاه مرویان برای
ایشان تا آنکه کار ایشان از گرسنگی بجائی رسید که یکدیگر را میخوردند پس دو زن که هر یک فرزندی داشتند روزی یکی
بدیگری گفت که بیا من و تو امروز فرزند مرا بخوریم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون نوبت بفرزند زن دیگر رسید ابا
کرد از خوردن فرزند و نزاع کردند و مخاصمه نزد حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود که کار باینجا رسیده است
گفتند بلی و بدتر پس دست بآسمان برداشت و گفت پروردگارا عود کن بر ما بفضل و رحمت خود و عقاب مکن اطفال
و بیگناهان را بگناه کشتی بان پس حق تعالی وحی فرمود بآسمان که باران ببار و بزمین که گیاه برویان برای خلقم آنچه در اینمدت
از ایشان فوت شده است بدرستی که رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند صحیح و غیر صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که نان را در زیر کاسه مگذارید و در حدیث دیگر فرمود که نان را گرامی دارید گفتند گرامی داشتن نان کدام است
فرمود که چون نان حاضر شود بخورید و انتظار چیز دیگر مبرید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که نان را گرامی کنید
بهوش دهندگان که نان مبارک است و بآن نماز میکنید و روزه میدارید و حج خانه پروردگار میکنید و در روایت دیگر
فرمود که خداوندا برکت بده از برای ما در نان و میان ما و آن جدائی میفکن و اگر نان نباشد ما نماز نمیکنیم و روزه نمیگیریم
و فرایض خدا را ادا نمیتوانیم کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون نان و گوشت حاضر شود ابتدا بنان کنید و رخنه گرسنگی را
بنان به بندید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که گرده های
نان را کوچک کنید که با هر گرده برکتیست و در چند حدیث معتبر منقول است که نان را به روش عجمان از کارد مبرید ولیکن بدست

بخورد و اندرون طعام چیزی بیفتد آنرا بردارد و بخورد و اگر در صحرا باشد برای مرغان بگذارد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقول است که اگر در صحرا باشد بردار اگر چه یکران گوسفند باشد و از عبدالله بن ارجانی منقول است که گفت در خدمت حضرت
صادق علیه السلام بودم دیدم بعد از طعام میگردد و آنچه بر زمین افتاده برمیدارد حتی کنجد و امثال آن را گفتم فدای تو شوم اینها را
هم برمیچینید فرمود که اینها روزی تست مگذار از برای دیگری که اینها شفایند از همه دردی و در حدیث دیگر منقول است
که خوردن آن فقر را برطرف میکند از خورنده آن و فرزندان او و فرزندان فرزندان او تا فرزند هفتم و در روایت
دیگر هر که بخورد خدا نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و زرداب و حماقت و در حدیث دیگر منقول است که هر که خرمائی
یا پاره نانی به بیند که بر زمین افتاده است پس بردارد و پاک کند و بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه بهشت او را واجب
شود و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که آنچه از سفره و خوان میریزد مهر حور العین است و بسند معتبر
منقول است که روزی حضرت امام حسین صلوات الله علیه داخل بیت الخلا شدند دیدند که لقمه نانی افتاده است برداشتند
و بغلامی از غلامان خود دادند و فرمودند هر اوقات که بیرون آیم این را بمن ده پس چون بیرون آمدند پرسید که چه شد
لقمه گفت خوردم فرمود ترا آزاد کردم از برای خدا شخصی از سبب آزاد کردن غلام پرسید حضرت فرمود که از جدم رسول
خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که هر که لقمه بیابد و آنرا پاک کند یا بشوید پس بخورد آنرا در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه خدا او را
از آتش جهنم آزاد کرده باشد و من نمیخواهم در بندگی بدارم کسی را که خدا آزاد گردانیده از آتش جهنم و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که نیم خورده مؤمن شفای هفتاد درد است و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت فرمود
که من انگشتان خود را بعد از طعام القدر میلیسم که خادم من گمان میکند که این از حرص است و همچنین بدرستی
که حق تعالی نعمت فراوان عطا فرمود بر اهل نهر ثرثار بحدی که از مغز گندم نان نفیس می پختند و با آن استنجا میکردند
و بر مقعد اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از آن نانها جمع شد روزی مرد صالحی گذشت دید که زنی از نان
نجاست اطفال خود را پاک میکند گفت که از خدا بترسید و نعمت خدا را از خود برمگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی
می ترسانی تا این نهر ما جاریست ما از گرسنگی نمیترسیم پس حق تعالی بر ایشان غضب کرد و باران آسمان و گیاه زمین را
از ایشان باز داشت تا آنکه محتاج شدند بآن نانها که استنجا کرده بودند و بترازو در میان خود قسمت میکردند و بسند معتبر
از یاسر و نادر خادمان حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که آنحضرت میفرمود بخادمان خود که اگر من بر بالای

ابی

بشکنند و در بعضی روایات وارد شده است که اگر نان خورش نباشد نان را بکارد میتوان برید و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که فضیلت نان جو بر نان گندم مانند فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست
مگر آنکه دعا کرده برای خورنده نان یا آش جو و برکت فرستاده است بر او و داخل هیچ شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردی که در آن هست
بیرون میکند و نان و طعام جو قوت پیغمبران و طعام نیکان است و حق تعالی ابا کرده است که قوت پیغمبران را …
که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزی که نافع تر از نان برنج باشد و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر علیه السلام
منقولست که برای صاحب اسهال نان برنج نیکوست و همچنین برای صاحب سل و دردها را از بدن میکشد و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که پیوسته خوراک حضرت رسول صلی الله علیه و آله نان جو بود تا از دنیا مفارقت کردند و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که سویق بوحی الهی ساخته شده است و گوشت را میرویاند و استخوان را محکم میکند
و درد کهنه است و تب خشک [illegible] را زایل میکند و با زیت خوردن گوشت را میرویاند و استخوان را سخت میکند
و بشره را نازک میکند و قوت جماع را زیاد میکند و اگر سه کف سویق ناشتا خورده شود بلغم و صفرا را برطرف میکند
و در حدیث دیگر فرمود که سویق هفتاد نوع از بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد کتفین او پر میشود از قوت
و در حدیث دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را زایل میکند و معده را قوت میدهد و صفرا را فرو مینشاند و معده را پاک
میکند و شفای هفتاد درد است و هیجان خون و حرارت را برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که زنی که خون حیضش بند نشود سویق باو باید خورانید تا بند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که بهترین نان خورشها در دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده که حق تعالی [در وصف بهشت] میفرماید و لحم طیر مما
یشتهون یعنی گوشت مرغ آنچه خواهش داشته باشند از او و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عبد الاعلی [illegible]
بآنحضرت عرض نمود که نزد ما روایت میکنند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که خدا دشمن میدارد خانه پر
گوشت حضرت فرمود که راست میگویند اما این معنی ندارد که ایشان فهمیده اند بلکه معنیش آن است که خدا دشمن
میدارد خانه را که گوشت مردم را بغیبت در آنخانه بخورند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله گوشت بسیار میخوردند و دوست میداشتند و فرمود که پدرم گوشت را دوست میداشت
و روزی که پدرم فوت شد سی درهم برای خریدن گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ما

گروه قریش

گروه قریش گوشت را دوست میداریم و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که گوشت خوردن در بدن
گوشت میرویاند و کسی که چهل شبانه روز گوشت نخورد کج خلق میشود و هر که کج خلق میشود اذان در گوشش بگویند و فرمود
که هر که چهل روز بگذرد و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا میشود و در حدیث صحیح منقولست
که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که اهل بیت ما گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند که سودا را حرکت
می آورد و از آن درد سر و دردهای دیگر بهم میرسد حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل گوشتی بهتر از گوشت گوسفند میدانست
فدای اسمعیل را گوسفند قرار نمیکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بنی اسرائیل بحضرت موسی علیه السلام شکایت
کردند از پیسی که در میان ایشان بسیار شده بود حق تعالی وحی نمود بحضرت موسی که امر کن ایشان را که گوشت گاو را با چغندر
بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مرق گوشت گاو پیسی را زایل میکند و فرمود که شیر گاو دواست و
روغن گاو شفاست و گوشت گاو درد است و در چند حدیث منقولست که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد بقدر آن درد
از بدنش بیرون رود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که اردک گامیش مرغان است چون لجن میخورد
و مرغ خانگی خوک مرغان است زیرا که فضله آدمی میخورد و دراج حبشی مرغان است چرا نمیخوری و کبوتر بچه را که تازه پر
بر آورده به پرواز آمده باشند و زنگی بزیادتی قوت پاکیزه خود ایشان را تربیت کرده باشند و در احادیث معتبره وارد شده است
که هر که خواهد خشم او کم شود و اندوهش زایل شود گوشت دراج بخورد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که گوشت
کبک ساق پا را قوی میکند و تب را دور میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که گوشت
اسفرود مبارک است و پدرم آنرا دوست میداشت و میفرمود که برای صاحب یرقان بریان کنند و باو بخورانند
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که گوشت هبره را خوردن باکی نیست و از برای دفع بواسیر و درد پشت
نافع است و احاطه میکند به بسیاری جماع و از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کردند از گوشت گورخر فرمود که چون
وحشی است خوردنش جایز است اما نخوردنش نزد من بهتر است و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که باکی نیست
در خوردن گوشت و شیر و روغن گامیش و در حدیث حسن منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از خوردن
گوشت خام و فرمود که این خوردن حیوانات درنده است بلکه نباید خورد تا آنکه آتش یا آفتاب آنرا تغییر دهد و در حدیث
صحیح منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از خوردن گوشت خام فرمود که طعام درندگان است و در احادیث

منقول است از خوردن گوشت قدید که در سایه خشک کرده باشند و وارد شده است که درد مار را حرکت می آورد و معده را سست
میکند و در بعضی احادیث بجای خوردن روغن هم وارد شده و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه چیز است که بدن را خراب میکنند و بسا
باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت قدید بدبو و با کاستن معده بحمام رفتن و جماع با زنان پیر کردن و در روایت دیگر و با امتلا
جماعت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه چیز است که خوردنی نیستند و بدن را فربه میکنند و سه چیز است که
خوردنی اند و بدن را لاغر میکنند و دو چیز است که بهمه چیز نفع میرسانند و هیچ چیز ضرر نمیرسانند و دو چیز است که بهمه چیز ضرر میرسانند
و هیچ چیز نفع نمیرسانند اما آنها که خوردنی نیستند و فربه میکنند پس این کتان پوشیدن و بوی خوش کردن و نوره مالیدن
و اما آنها که خوردنی اند و لاغر میکنند گوشت خشک و پنیر و شکوفه خرما و اما آن دو چیز که بهمه چیز نفع میرسانند آب
نیم گرم و انار و اما آن دو چیز که بهمه چیز ضرر میرسانند گوشت خشک کرده و پنیر و در احادیث بسیار وارد شده است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گوشت دست و کتف را دوست میداشتند و از گوشت ران گوسفند کراهت
داشتند برای آنکه محل بول نزدیک است و بسند معتبر منقول است که حضرت آدم علیه السلام گوسفندی قربانی کرد
برای پیغمبران از اولاد خود و برای هر پیغمبری عضوی نام برد و دست را برای پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله دست گوسفند را
نام برد و بان سبب آنحضرت از او دوست میداشت و بر همه اعضای گوسفند تفضیل میداد و در حدیث دیگر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که گوشت که با شیر پخته باشند مرق پیغمبران است و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله منقول است که هرگاه ضعیف شود مسلمانی گوشت را با شیر بپزد و بخورد و در حدیث دیگر منقول است که یکی
از پیغمبران بحق تعالی شکایت کرد از ضعف و سستی بدن وحی رسید باو که گوشت را با شیر طبخ کن و بخور که بدن را قوت
میدهد و در روایت معتبر منقول است که محبوب ترین طعام نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آش انار بود
و بسند صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام زیربا را دوست میداشت و آن آشی با قلیه است که بوزر
در آن نکرده اند و در احادیث بسیار مدح مرق گوشت که نان در آن ترید کرده باشند وارد شده است و احادیث
معتبر در مدح کباب منقول است که ضعف را زایل میگرداند و در حدیث معتبر منقول است که اصبغ بن نباته گفت
روزی بخدمت حضرت امیر صلوات الله و سلامه علیه در پیش آنحضرت گوشت بریانی گذاشته بود فرمود که نزدیک بیا
و بخور گفتم یا امیر المؤمنین مرا ضرر میکند فرمود که نزدیک بیا که ترا دعائی تعلیم کنم که چون آن دعا را بخوانی هیچ ترا ضرر نرساند

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم خیر الاسماء ملاء الارض والسماء الرحمن الرحیم الذی لا یضر مع اسمه شیء ولا داء و مدح کله نیز در احادیث وارد شده است
که محل ذکاة است و بچراگاه از همه اعضا نزدیکتر است و از کثافات دورتر است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه
منقول است که بر شما باد بخوردن هریسه که تا چهل روز قوت عبادت میدهد و از جمله مائده است که خداوند عالم و عالمیان
بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل گردانید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری از پیغمبران
نزد حق تعالی شکایت نمود از ضعف و کمی قوت جماع حق تعالی او را امر فرمود بخوردن هریسه از هریسه های بهشت که دانه آن از
بهشت رسیده بود و حوران بهشت بدست خود آنرا بعمل آورده بودند پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را
تناول فرمودند قوت چهل مرد بر قوت آنحضرت افزود و آن چیزی بود که حسد آنجناب میبردند منافقان
کرده اند و مدح کشته واقع شده است و آن طعامی بوده است که بکقفیز برنج و بکقفیز نخود و یک قفیز باقلا را کوبیده اند و می پخته اند
و گاه بعوض باقلا دانه دیگر میکرده اند و مدح تلبین نیز وارد شده است و آن حلوای روانی بوده است که از آرد و شیره و عسل بعمل می
آورده اند و از هرون بن موفق منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام روزی مرا طلبید و در خدمت آنحضرت طعام خوردم و حلوای
بسیار آورده بودند گفتم چه بسیار است حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی خلق شده ایم پس دوست میداریم حلوا را و از عبدالاعلی
منقول است که روزی در خدمت صادق علیه السلام طعام خوردم مرغی آوردند که میانش را از خرما و روغن پر کرده بودند و در حدیث موثق
منقول است از یونس بن یعقوب که او گفت ما در مدینه بودیم حضرت صادق علیه السلام نزد ما فرستاد که برای ما پالوده بسازید و کم
بفرستید با کاسه کوچکی بخدمت آنحضرت فرستادیم و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که شب ماهی بخورد و بعد
از آن خرما یا عسل نخورد تا صبح رگ فالج در بدن او متحرک میشد و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون ماهی تناول
میکردند میفرمودند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا به خیرا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این ماهی و بعوض این
بهتر از این بما عطا کن و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که بر شما باد بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید
کافیست و اگر با نان بخورید گوارا است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مداومت منمائید بر خوردن ماهی که بدن را
میکاهد و در روایت دیگر منقولست که ماهی تازه پیه چشم را میگدازد و در حدیث صحیح وارد است که شخصی بخدمت حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام نوشت که هرگاه حجامت میکنم صفرا بهیجان می آید و اگر نمیکنم خون آزار میکند حضرت در جواب نوشتند که
حجامت بکن و بعد از آن ماهی تازه که با آب نمک کباب کرده باشند بخور پس آن مرد چنین کرد و همیشه در عافیت بود

در حدیث دیگر معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام که تخم کسنک است و خواهش گوشت را بر طرف میکند و معده گوشت را
ندارد و تشنگی میکند حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از کمی فرزند فرمود که استغفار بکن و تخم مرغ با پیاز بخور و از حضرت
امام جعفر علیه السلام منقول است که پیغمبری بحق تعالی شکایت کرد از کمی نسل وحی باو رسید که تخم با گوشت بخورد و در حدیث معتبر دیگر وارد
تخم نیکو است [illegible] و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که بسیار خوردن تخم فرزند را زیاد میکند
سرکه با زیت وارد شده است که خوراک پیغمبران است و ائمه علیهم السلام تناول میفرمودند و در مدح سرکه احادیث معتبر بسیار
وارد شده است و منقول است که بهترین نان خورشها نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله سرکه بود و منقول است که خانه که سرکه
در آن باشد خالی از نان خورش نیست و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که سرکه نیکو نان خورشی است سرکه صفرا را
فرو مینشاند و دل را زنده میکند و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که سرکه که از شراب بهم رسیده باشد کرم معده را
میکشد و بن دندان را محکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوت زنان را قطع میکند فرمود [illegible] و اول
[illegible] سرکه میخورند و در اول طعام [illegible] و آخر طعام سرکه میخوریم و در احادیث بسیار در مدح [illegible]
[illegible] منقول است که [illegible] خورش پیغمبران [illegible] کدو است و در مدح [illegible]
[illegible] صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین منقول است که تخم
[illegible] خوردن عسل و تلاوت قرآن و خواندن [illegible] بلغم را [illegible]
[illegible] مراد از آن [illegible] از قبیل ثقل چیزی را از شکر میساخته اند
و منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام در وقت خواب تناول میفرمودند و منقول است که به همه جهت نافع است و دفع بلغم
میکند و در روایتی وارد شده است که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و بغیر آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر بخورد
مسرف نخواهد بود و در مدح روغن خصوصا روغن گاو احادیث بسیار وارد شده است و از برای پیران که پنجاه
سال و زیاده داشته باشند منع از خوردن روغن وارد شده است و منقول است که روغن گاو شفا است و در حدیث
معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرچه میخوردند و چیزی میآشامیدند میگفتند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا
خیرا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این که خوردیم و بعوض آن بهتر از آن بما عطا فرما و چون شیر تناول میکردند
اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این که آشامیدیم و از این بیشتر بما عطا فرما و از حضرت

امام محمد باقر

امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیر یک گوسفند سیاه بهتر است از شیر دو گوسفند سرخ و شیر یک گاو سرخ بهتر است
از شیر دو گاو سیاه و منقول است که شیر خوراک پیغمبران است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
که شیر خوردم و آزار رسید مرا حضرت فرمود که شیر آزار نمیکند ولیکن با چیز دیگر خورده و آزار رسیده از آن و شخصی با آن حضرت
شکایت نمود از ضعف بدن حضرت فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند و استخوان را سخت میکند و حضرت امام موسی
علیه السلام فرمود که هر که آب پشتش متغیر شود یعنی فرزندش از آن حاصل نشود شیر با عسل بخورد و بسند موثق کالصحیح از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بر شما باد بشیر گاو که از همه درختی میخورد و خاصیت هر گیاه در شیرش هست و حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که شیر گاو دوا است و در حدیث دیگر منقول است که برای فساد معده نافع است و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که بول
شتر نافع تر است از شیر او و حق تعالی در شیر شفا قرار داده است و در روایت دیگر منقول است که شیر شتر شفای تمام دردها ست
و در روایتی چند مدح شیر الاغ و خاصیت آن وارد شده است و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
که هر که خواهد که ماست او را ضرر نرساند با زنیان بخورد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که دوست میدارم پنیر را
و در روایتی وارد شده است که در طرف چاشت مضر است و در طرف شب نافع است و موجب تولد فرزند میشود
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت اندرون را بحرکت می آورد
و دملها در بدن احداث میکند و در زمستان گرده ها را گرم میکند و سرما را دفع میکند و در چند روایت واقع شده است
که پنیر و مغز گردکان را چون با هم بخوری دوا است و هر یک را تنها بخوری درد است و در فواید حبوب
و سبزیها و میوه ها و سایر ماکولات از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که نیکو طعامیست
برنج روده ها را گشاده میکند و بواسیر را قطع میکند و در چند روایت وارد شده است که ما بیماران خود را برنج
دوا میکنیم و در حدیث موثق منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام از درد شکم شکایت نمود حضرت
فرمود که برنج بشوی و در سایه خشک کن و اندکی بریان کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف بخور و در روایت دیگر منقول است
که آنحضرت را درد شکم بود فرمود که برنج را با سماق بپزند و چون تناول نمود بر طرف شد و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت امام رضا علیه السلام بخور بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند و در روایت دیگر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هفتاد پیغمبر بر آن برکت فرستادند و در روایات معتبره بسیار وارد شده است که خوردن

عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند و در روایت معتبره منقولست که خوردن باقلا ساق پا را مغز میکند و دماغ
را زیاد میکند و تولید خون تازه میکند و در روایت دیگر مرویست که باقلا را با پوست بخورند که معده را دباغی میکند و منقولست
که خوردن لوبیا بادهای اندرونی را دفع میکند و منقولست که بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت نمود از بهق فرمود که ماش
را [illegible] و داخل کن و در حدیث معتبر منقولست که اگر چند طعام نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها
خرما بود ابتدا بخوردن خرما میفرمودند و حضرت علی بن الحسین علیهما السلام دوست میداشت و از سلیمان جعفری منقولست که رفتم
بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام و نزد آنحضرت خرمای برنی گذاشته بود و آنحضرت باهتمام از روی خواهش تناول مینمود
فرمود که ای سلیمان نزدیک بیا و بخور پس گفتم فدای تو شوم بسیار بجد تناول میفرمایید فرمود که بلی دوست میدارم که حضرت
رسول و امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و پدرم همگی خرما دوست میداشتند
و من دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب دوست میدارند زیرا
که از آتش خلق شده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه هر روز هفت دانه خرمای عجوه از خرماهای اطراف مدینه
تناول نماید ناشتا هیچ زهری و سحری و شیطانی باو ضرر نرساند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه هفت دانه عجوه در هنگام خواب
بخورد کرمهای شکمش را میکشد و در احادیث معتبره منقولست که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار ملسی و سیب شامی و به
و انگور رازقی و رطب مشان و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کراهت دارد پوست میوه کندن و در حدیث
دیگر فرمود که بر روی میوه زهری است پس چون بیاورند برای شما با آب فرو برید و بخورید و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت
موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند از انجیر و خرما و سایر میوه ها دو دانه با هم خوردن چون است حضرت فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله نهی فرمود از این پس اگر تنها باشی بهر روشی که خواهی بخور و اگر جمعی از مسلمانان خوری چنین مکن و یکدانه یکدانه بخور و
در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو تا دو تا بخوری رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر و بخور و در روایت دیگر منقولست
که روزی حضرت امام رضا علیه السلام دیدند که ملازمان میوه را نیم خورده انداخته اند فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید
دیگران مستغنی نشده اند بکسی که محتاج باشد بخورانید و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دو چیز است که میباید
بدو دست خورد انگور و انار و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که سه چیز است که ضرر نمیرساند انگور رازقی و نیشکر و سیب
و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد از دیدن استخوان

مردها غم عظیم او را عارض شد پس حق تعالی وحی باو فرمود که انگور سیاه بخور تا غمت زایل گردد و در حدیث دیگر فرمود که پیغمبری
از پیغمبران بخدا شکایت نمود از اندوه و غم باو وحی رسید که انگور بخور تا غمت زایل شود و در حدیث حسن منقولست که حضرت
علی بن الحسین علیه السلام انگور بسیار دوست میداشتند روزی روزه بودند چون افطار شد ام ولد آنحضرت خوشه انگوری
نزد آنحضرت گذاشت و اول انگور بود پس سایلی رسید حضرت آن انگور را بسایل دادند پس ام ولد پنهانی فرستاد
و آن انگور را از سایل خرید و نزد حضرت گذاشت پس سایلی دیگر رسید باز حضرت از آن بسایل دادند باز کنیز
رفت و خرید و آورد تا چهار مرتبه پس در مرتبه چهارم تناول فرمودند و منقولست که ابو عکاشه بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام آمد انگوری نزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خورد یکدانه یکدانه میخورند
و کسی که میترسد که سیر نشود سه دانه و چهار دانه میخورد و تو دو دانه دو دانه بخور که مستحب است و بدو سند از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بیست و یکدانه مویز سرخ ناشتا خوردن جمیع مرضها
را دفع میکند مگر مرض مرگ و بدو سند از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مویز طایف عصبهای بدن را
محکم میکند و کلال و ماندگی را می برد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که میوه
صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود که بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را سیر میکند سیر را
هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله محبوب تر از انار نبود و نمیخواست که در
خوردن آن کسی با او شریک شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که در هر اناری دانه از بهشت
هست و چون کافر میخورد ملکی می آید و آن دانه را برمیدارد که او نخورد و باین سبب مستحب است که انار را تنها بخورند
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یک انار را تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او
چهل روز دور گرداند و هر مؤمن که دو انار را تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او صد روز دور گرداند و هر مؤمن
که سه انار را تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او یکسال دور گرداند و هر که یکسال از او دور گردد گناه نمیکند و هر که
گناه نکند داخل بهشت میشود و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که بر شما باد بخوردن انار شیرین که هیچ حبه از آن
در معده مؤمن نمی افتد مگر آنکه دردی را برطرف میکند و شیطان و وسوسه را از او دور میکند و در حدیث حسن منقولست
که هر که یک انار ناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر فرمود که انار را با پیه اش بخورید که دباغی

معده میکند و شور را می فزاید و فرمود که انار ترش و شیرین [illegible] در شکم و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر که
در روز جمعه یک انار بخورد تا چهل روز دلش روشن گردد و اگر دو تا بخورد تا هشتاد روز و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز ناشتا
وسوسه شیطان را از او دور گرداند و هر که وسوسه شیطان از او دور شود معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل
بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که دود چوب درخت خرما حشرات و گزندهای زمین را برمی اندازد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خوردن سیب نافع است
برای سحر و زهر و استیلای جنه و غلبه بلغم و هیچ چیز منفعتش از آن شدیدتر نیست و در روایات معتبر وارد شده است که خوردن
سیب دفع تب و رعاف و طاعون میکند و در روایت معتبر دیگر منقولست که سویق سیب خشک قطع رعاف میکند و فرمود
که هیچ دوائی برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند که چه منفعتها در سیب هست هرآینه بیماران
خود را دوا نکنند مگر بسیب و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که بخورید سیب را که دباغی میکند معده را و از حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خوردن به دل ضعیف را قوت میدهد و معده را پاکیزه میکند و دل را زیرک میکند و مرد
ترسنده را شجاع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو میکند و در حدیث دیگر
فرمود که هر که به ناشتا بخورد آب منی او پاکیزه شود و فرزندش وجیه شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که به بخورد حق تعالی
حکمت را بر زبان او گویا گرداند چهل صباح و فرمود که خدا هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود
که به غم اندوهگین را می برد چنانچه دست عرق جبین را می برد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که انجیر گنده دهان را زایل میکند و استخوان را سخت میکند و فرمود که مو را میرویاند و درد را میبرد و با آن دوای دیگر حاجت
نیست و شبیه ترین میوه هاست بمیوه های بهشت و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بخورید
امرود که جلا میدهد دل را و دردهای اندرون را ساکن میکند بامر الهی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که امرود دباغی معده میکند و قوت میدهد معده را و با سیری خوردن نافع تر است از ناشتا خوردن و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که انجیر گنده دهان را برطرف میکند و استخوان را سخت میکند و مو را میرویاند و درد را میبرد که
با آن دوای دیگر حاجت نیست و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع قولنج نافع است و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که خوردن انجیر سده ها را نرم میکند و برای بادهای قولنج نافع است و در روز بخورید و بسیار بخورید و در شب
نخورید.

بخورید و بسیار بخورید و منقولست که دفع میکند بواسیر و نقرس را و قوت مجامعت را می افزاید و از زیاد قندی منقولست
که رفتم بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام دیدم که نزد آنحضرت ظرف آبی گذاشته و در میان آن آلوی سیاه ریخته اند
پس فرمود که حرارتی بر من غالب شده و آلوی تازه حرارت را فرو می نشاند و صفرا را ساکن میگرداند و آلوی خشک خون را
ساکن میکند و دردهای کهنه را از بدن میکشد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام از شخصی سؤال نمود
که اطبای شما چه میگویند در باب ترنج گفتم که میگویند پیش از طعام میباید خورد فرمود که من میگویم بعد از طعام بخورید و در حدیث
دیگر فرمود که بخورید ترنج که آل محمد میخوردند آنرا و فرمود که نان خشک هضم میکند ترنج را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را خوش می آمد نگاه کردن بسوی ترنج سبز و سیب سرخ بدانکه عرب لیمو و نارنج را
هم ترنج میگویند و در بعضی احادیث مدح موز وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سنجد مغز گوشت را میرویاند
و پوستش پوست را میرویاند و استخوانش استخوان را میرویاند و خوردن سنجد گرده ها را گرم میکند و معده را دباغی میکند و امان میدهد
از بواسیر و از تقطیر بول و ساق پا را قوت میدهد و رگ خوره را قطع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بخورید
خربزه که در آن ده خصلت هست دردی و فسادی در آن نیست و خوردنی و آشامیدنی است و میوه است و گلست و اشنان است
که دهان را پاک میکند و نان خورش است و قوت جماع را زیاد میکند و مثانه را میشوید و ادرار بول میکند و ریگ مثانه را دفع میکند
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که خربزه خوردن ناشتا مورث فالج است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله رطب را
با خربزه میل میفرمودند و دوست میداشتند و گاهی شکر و قند با خربزه میخوردند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله میوه تازه میدیدند میبوسیدند و بر هر دو دیده میگذاشتند و میگفتند اللهم کما اریتنا اولها
فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی خداوندا چنانکه نمودی بما اولش را در عافیت پس بنما بما آخرش را در عافیت و در حدیث
دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که میوه بخورد و در اول بسم الله بگوید باو ضرر نرساند و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هرگز خوانی نزد حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نمی آوردند مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که
دلهای مؤمنان سبز است و بسبزی مایل است و فرمود که هر که شب بخوابد و هفت برگ کاسنی بخورد در آن شب از قولنج ایمن
گردد و فرمود که کسی که خواهد که مال و فرزندش زیاد شود بسیار بخورد برگ کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزی است
کاسنی هیچ برگی نیست از آن مگر آنکه قطره از بهشت بر روی آن هست پس در وقت خوردن حرکت مدهید که قطره اش

بریزد و فرمود که کاسنی بهترین سبزیهاست و فرزند را بسیار و نیکو میکند و بسرخی آورد و فرمود که فضیلت آن بر سبزیها
مانند فضیلت ماست بر جمیع خلایق و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خوردن کاسنی شفای همه دردهاست و هیچ
دردی در اندرون فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آن را از بیخ میکند و شخصی را تب عارض میشد و صداع داشت
حضرت فرمود که کاسنی را بکوبند و بر روی کاغذی پهن کنند و روغن بنفشه بر آن بریزند و بر پیشانیش بچسبانند که تب
و صداع را برطرف میکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول خدا صلی الله علیه و آله است و بادروج
سبزی امیرالمؤمنین علیه السلام است و برگ خرفه سبزی فاطمه علیها السلام است و احادیث بسیار در تعریف بادروج مروی است
و آنکه باید در اول طعام خورده شود که فتح سده میکند و اشتهای طعام را زیاده میکند و سل را می برد و آروغ را
خوشبو میکند و امان است از خوره و چون در شکم ساکن شود همه دردها را زایل میکند و در روایت معتبر از حضرت موسی بن
جعفر علیه السلام منقولست که شخصی را علت پیس عارض شده بود فرمود که سه روز تره باد بخورانید چنان کرد صحت یافت
مبدل شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بخورید تره را که در آن چهار خصلت است گندها را برطرف میکند
و بادها را دفع میکند و بواسیر را قطع میکند و هر که مداومت کند بر آن از خوره ایمن است و منقولست که حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام تره را با نمک سائیده تناول میکردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و یوشع بن نون است و از حضرت امام
موسی علیه السلام مرویست که خوردن سیب ترش و گشنیز مورث فراموشی است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که بر روی زمین سبزی اشرف و نافعتر از برگ خرفه نیست و آن سبزی فاطمه علیها السلام است و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخوردن
کاهو که خون را صاف میکند و در دو حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که تره تیزک را بعد از
نماز خفتن سیر بخورد تا صبح نفس او را نکشد بسوی خوره و در حدیث دیگر فرمود که کاسنی و بادروج از ماست و تره تیزک از بنی
امیه است و در روایت دیگر از خادم امام موسی علیه السلام منقولست که هرگاه که آنحضرت ما را امر میکرد بخریدن سبزی میفرمودند
که تره تیزک بسیار بخریم و میفرمود که چه بسیار احمق اند بعضی از مردم میگویند که تره تیزک در کنار رودخانه جهنم میروید و حال آنکه
حق تعالی میفرماید که آتش افروز جهنم مردمند و سنگهای بتان یا سنگ کبریت پس چون تواند بود که سبزی در جهنم بروید و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی از یهودان دفع کرد خوره را بخوردن چغندر و بیرون آوردن رگهای گوشت و حضرت امام موسی

علیه السلام

علیه السلام فرمود که نیکو سبزیست چغندر و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بخورانید بیماران خود را برگ چغندر که در آن شفاست و در آن
دردی نیست و مضرت ندارد و بیمار را از خواب راحت میبرد و اصلش سودا را بحرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود که داخل شکم صاحب
ذات الجنب نشده است مثل برگ چغندر و در حدیث معتبر منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله دوست میداشته کدو را و در میان
دیگ و از میان صحن برمیچیدند کدو را و امر میفرمودند زنان خود را که کدو در طعام بسیار کنند و وصیت نمود بحضرت امیرالمؤمنین
که یا علی بر تو باد بخوردن کدو که دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در ترب سه خصلت است برگش
دفع بادها میکند و تخمش طعام را هضم میکند و ریشه اش قطع بلغم میکند و در روایت دیگر فرمود که ترب مورث ادرار بول است و در روایت
دیگر تخمش ادرار بول میکند و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی علیهما السلام منقولست که کرفس قوت جماع را زیاد میکند
و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که بخورید شلغم و مداومت بر خوردنش نمائید که هیچ
کس نیست مگر آنکه رگ خوره در او هست و شلغم آن رگ را میگدازد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
خیار را با نمک میخوردند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خیار از ته اش ابتدا کنید بخوردن که باعث زیادتی برکت
آن میشود و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که بخورید بادنجان که درد را میبرد و با آن درد نیست و احادیث در مدح
و منافعش بسیار است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پیاز گند دهانها را می برد و بلغم را زایل میکند و سستی و درد پی را
برطرف میگرداند و پیهای بدن را محکم میکند و بن دندان را سخت میکند و قوت جماعت را می افزاید و نسل را زیاد میکند و تب را
میبرد و بدن را نازک میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون داخل شهری شوید پیاز آن شهر را بخورید که
طاعون آن شهر را از شما دور میگرداند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که سیر بخورد داخل مسجد ما نشود اما اگر کسی بمسجد نرود باکی نیست که آنرا بخورد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پیاز
و تره را خام و پخته خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا که کراهت دارد بسبب آزار کسی که در پهلوی او می
نشیند و احادیث در مدح الشم وارد شده است که تقویت معده میکند و اگر در صبح ناشتا سفوف کند و بخورد رطوبت
معده را دفع میکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن
خاک را بر فرزندان او حرام گردانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که گل بخورد و بمیرد در خون خود شریک شده است
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بزرگترین دامهای شیطان خوردن خاک و گل است دردها در بدن حادث میشود

میکند و خارش بدن و بواسیر از آن بهم میرسد و دردهای سودائی از آن متولد می‌شود و قوت را از ساق و قدم میبرد و هر چه از فوق نشستن
بسبب آن کم شود و از اعمال خیر کاسته است در قیامت او را بر آن حساب عذاب میکنند و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود
که چهار چیز است که از وسواس شیطان است خوردن گل و گل را بدست خورد کردن و ناخن را بدندان کردن و ریش را خائیدن
و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است مانند مردار و خون و گوشت خوک مگر گل قبر حضرت امام حسین علیه السلام
که خوردن آن بقدر یک نخود شفاست از هر دردی و امان است از هر خوفی فصل نهم در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب
آن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید او را تکلیف خوردنی بکن اگر نکند تکلیف
آشامیدنی بکن اگر نکند تکلیف دست و روشستن با آب یا بعرق بکن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از جمله گرامی
داشتن آدمی برادر مؤمنش را آن است که تحفه او را قبول کند و آنچه حاضر داشته باشد برای او تحفه بیاورد و چیزی که نداشته باشد
برای او تکلف نکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه را حاضر دارد از برای آوردن نزد برادر مؤمن
خود و هلاک شد هر که حقیر شمارد آنچه را برادر مؤمن نزد او می‌آورد و بسند حسن از آنحضرت منقولست که هرگاه برادر مؤمن تو طلبیده نزد
تو آید آنچه حاضر داری برای او بیاور و اگر طلبیده باشی او را برای او تکلف کن و در حدیث حسن از هشام منقولست که با ابن
ابی یعفور بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم آنحضرت چاشت طلبید هشام گفت که من کمتر چیزی میخوردم حضرت فرمود
که نمیدانی که محبت مؤمن نسبت ببرادر مؤمن او بقدر آن است که از طعام او میخورد یعنی هر چند او را بیشتر دوست میدارد طعامش را
بیشتر میخورد و در این مضمون احادیث بسیار وارد شده است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که سخی و صاحب همت از طعام مردم میخورد
تا مردم از طعام او بخورند و بخیل از طعام مردم نمیخورد تا مردم از طعام او نخورند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ولیمه
و مهمانی سنت در پنج چیز میباشد در عروسی و عقیقه و ختنه کردن پسر و خانه نو خریدن یا بنا کردن و در وقتی که از سفری بخانه
خود برگردد و در حدیث دیگر وقتی که از سفر حج برگردد و منقولست که آنحضرت نهی فرمود از ولیمه که مخصوص توانگران باشد
و فقرا را در آنجا نطلبد و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان برادران مؤمن و اهل
دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار نیست که مهمان روزه دارد مگر برخصت صاحبان خانه که مبادا
طعامی برای او بعمل آورند و ضایع شود و سزاوار نیست اهل خانه را روزه داشتن مگر برخصت مهمان که مبادا بسبب
روزه ایشان او شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ضیافت سه روز است

و بعد از سه روز تصدق و ترحم است که نسبت باو میکنی و فرمود انقدر نمانید نزد برادر مؤمن خود که او را بتنگ آورید که دیگر
چیزی نداشته باشد که خرج شما کند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که در خانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مهمانی دیدم
که برخواست پی کاری او را منع کردند و خود برخواستند و آن کار را بجا آوردند و فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی
فرموده است از خدمت فرمودن مهمان و در حدیث دیگر منقولست که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بود و دست دراز
کرد که چراغ را اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح چراغ کردند و فرمودند که ما اهل بیت خدمت نمیفرمائیم مهمانان خود را
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که از جمله ضعف و سستی آن است که کسی بتو احسانی کند و تو بعوض مکافات آن نکنی و خلاف
آداب است خدمت فرمودن مهمان پس چون مهمان بیاید او را اعانت و یاری کنید در فرود آمدن و در وقتی که خواهد بار کند و برود او را
مدد مکنید بر رفتن که این دلیل رخصت نفس است و در وقت رفتن توشه همراهش بکنید و توشه را نیکو و خوشبو بعمل آورید
که این دلیل جوانمردی است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از جمله حق مهمان آن است که همراه او بروی
تا در خانه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون شخصی بخانه کسی برود هر جا که صاحب خانه امر کند بنشیند که صاحب خانه
امور مخفی خانه خود را بهتر میداند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هشت کسند که اگر با ایشان مذلتی و خواری برسد
ملامت نکنند مگر خود را کسی که بر سر سفره حاضر شود که او را نطلبیده باشند و کسی که بر صاحب خانه تحکم کند و کسی که طلب خیر از دشمنان خود
بکند و کسی که طلب فضل و احسان از لئیمان و بخیلان بکند و کسی که خود را داخل کند در رازی که میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسی که
استخفاف کند بپادشاهان و صاحبان حکم و کسی که در مجلسی بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد و کسی که با شخصی سخن گوید که گوش بسخن او ندهد
در حدیث دیگر فرمود که بطعام خود ضیافت کن کسی را که از برای خدا او را دوست داری و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که یک برادر مؤمن را که از برای خدا با او برادری کنم و سیر کنم بهتر است نزد من از آنکه ده مسکین را سیر کنم و فرمود که چون حضرت رسول
صلی الله علیه و آله با مهمانان طعام تناول میفرمودند پیش از همه شروع میکردند و بعد از همه دست میکشیدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که کسی بجماعتی آب دهد باید که خود بعد از همه آب بخورد و از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح منقولست که چون برادر مؤمن
تو بخانه تو بیاید مپرس که امروز چیزی خورده ولیکن هر چه حاضر داری نزد او بیاور که جوانمردی آن است که هر چه دارد حاضر
سازد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعامی کند و مؤمنی از آن بخورد اسراف نکرده است و در احادیث معتبره
بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود

که از جمله حق مهمان آن است که او را گرامی دارند و خلال برای او حاضر کنند و در احادیث بسیار وارد شده است که هرگاه مهمان می آید
با روزی خود می آید چون خورد خدا صاحبان خانه را می آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون رود گناه تو و عیال ترا بیرون میبرد و در حدیث دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرمود که سه مؤمن را طعام دهم نزد من بهتر است از بنده آزاد کردن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که هر مؤمنی که صدای مهمان را بشنود و بآن شاد شود گناهانش آمرزیده شود اگرچه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که هر خانه که مهمان بآن خانه نمیرود ملائکه داخل آنجا نمیشوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از
حقوق واجبه مؤمن بر مؤمن آن است که او را اگر بضیافت بطلبد قبول کند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که وصیت میکنم
حاضران و غایبان امت خود را که دعوت مسلمانان را قبول کنند بضیافت اگرچه پنج میل راه باشد که این از امور است که در دین لازم است
و هر میل یک ثلث فرسخ است و فرمود اگر مؤمنی مرا برای پاچه گوسفندی بطلبد میروم و فرمود که بدترین عجزها آن است که شخصی برادر
او را بطعامی بخواند و او قبول نکند و در فضیلت خلال و آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که جبرئیل علیه السلام
برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و خلال و حجامت را آورد و فرمود که خلال بن دندان را باصلاح می آورد و روزی را زیاد
میکند و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خلال مکنید با چوب کل و بچوب درخت انار که بهر دو رگ خوره را بحرکت می آورد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که هرکه بنی خلال کند تا شش روز بحرکتش آورده نشود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بهر چه میسر میشد
خلال میکردند بغیر از برگ درخت خرما و نی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی نموده از خلال کردن بچوب درخت
انار و درخت مورد و نی و فرمود که بحرکت می آورند عرق خوره را و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خلال کردن بچوب
گز مورث فقر و بی چیزیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر کرد ما را که چون خلال کنیم آب بخوریم تا سه نوبت
مضمضه کنیم دهن را بآب و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از جمله حق مهمان آن است که خلال از برای او حاضر کنی و
فرمود که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه ببینند در بن دندان بنده طعامی و در حدیث صحیح از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرچه از طعام در بن دندان مانده باشد بخور و آنچه در میان دندان مانده باشد بینداز و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که هرچه را بزبان از میان دندانها بدر می آوری بخور و آنچه را بخلال بدر می آوری میخواهی بخور و
میخواهی بینداز و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آنچه بخلال بیرون می آورد فرو نبرد که جراحتهای اندرونی بهم میرساند

و در احادیث

و در احادیث دیگر وارد شده است که هرچه را بخلال بیرون می آوری بینداز و در احادیث معتبره وارد شده است که اندرون و بیرون دهان را
بعد از طعام بسعد و اشنان بشستن و در فضیلت آب و انواع آن در احادیث معتبره وارد شده است که بهترین آشامیدنیهای
دنیا و آخرت آب است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه محظوظ و متلذذ باشد از آب دنیا خدا او را متلذذ گرداند از
آشامیدنیهای بهشت و شخصی از آن حضرت پرسید که آب چه مزه دارد فرمود که مزه زندگانی حق تعالی میفرماید که از آب آفریده ایم
هر چیز صاحب حیاتی را آیا ایمان نمی آورند بخدا کافران و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که در تفسیر آیه کریمه
ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی پس سؤال کرده خواهید شد روز قیامت از نعمتهای دنیا فرمود که مراد از نعمتها رطب
و آب سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که آب زمزم بهترین آبهاست بر روی زمین و بدترین آبها
بر روی زمین آبی است که در برهوت است در بلاد یمن که روح کافران در آنجا وارد میشوند در شب معذب میباشند
و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دواست از برای هر دردی و در روایت دیگر برای هر مطلبی که بخورند آن مطلب
حاصل میشود و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که بخورید آب باران را که بدن را پاک میکند
و بیماریها و دردها از بدن دفع میکند و از حضرت صادق علیه السلام نهی وارد شده است از خوردن بگرگ و در روایت
دیگر وارد شده است که خوردن تگرگ برای دندان نافع است و مصادف روایت کرده است که شخصی از یاران
ما در مکه بیمار شد تا آنکه بحال مرگ افتاد بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم و حال او را فرمود که اگر من بجای
شما بودم از آب ناودان کعبه باو میخورانیدم پس ما طلب کردیم نزد هیچکس نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق
ظاهر شد و باران آمد قدحی گرفتم و از آب ناودان پر کردم و آوردم نزد بیمار و از آن آب آشامید و در ساعت شفا
یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که گمان ندارم که طفلی را که کامش از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست
ما اهلبیت باشد و فرمود که پیوسته در ناودان از آب بهشت در آن میریزد و فرمود که اگر میان من و آب فرات
راه بسیار باشد که برای شفا بنزد آن میروم و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات میبودم دوست میداشتم
که هر صبح و شام بنزد آن میروم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را از آب
فرات بردارند هرآینه همه شیعه ما باشند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که ملکی در هر شب می آید و سه
مثقال از مشک بهشت در آب فرات میریزد و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش زیاده از نهر فرات نیست و در احادیث

که در روایتی آنکه بخورند و حضرت صادق فرمود که آب باران شفاست از برای دردها

بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی کرد از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها میباشد و بوی گوگرد میدارد
و فرمود که گرمی آبهای گرم از جهنم است و حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما که ولایت و دوستی ما را بر همه آبها عرض کردیم هر آبی
که قبول کرد شیرین و نیکو شد و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام کراهت داشتند از آنکه کسی طلب شفا
کند از آب تلخ و آبی که بوی گوگرد دارد از آن شنیده میشود و میفرمود که حضرت نوح در وقت طوفان همه آبها را طلبید همه اجابت کردند
بغیر از آب تلخ و آب گوگرد پس نفرین کرد و لعنت کرد هر دو را و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که آب رود نیل مصر دلها را
میمیراند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که آب سرد حرارت را فرو مینشاند و صفرا را ساکن میکند و طعام را در معده
میگدازد و تب را زایل میکند و فرمود که آب جوشانیده برای همه دردی نافع است و بهیچ جهة ضرر ندارد و حضرت امام موسی ع
فرمود که خوردن آب سرد لذیذترست و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه و از ظرفی بظرف دیگر
بگردانند تب را زایل میکرداند و قوت میدهد ساق و قدم را و از ابن طیفور طبیب منقولست که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام
رفت و آنحضرت را نهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود که خوردن آب بد نیست طعام را در معده میگرداند و غضب را فرو می نشاند و عقل
را زیاد میکند و صفرا را کم میکند و شخصی دیگر بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفت حضرت خرما تناول فرمودند و آب بعد از آن خوردند
گفت اگر آب بعد از خرما نخورید بهتر است فرمود که خرما را از برای این میخورم که لذت آب را بیابم فصل دوم در آداب خوردن
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر بنده که آب بخورد و حضرت امام حسین و اهلبیت او را یاد کند و لعنت کند کشندگان
آنحضرت را حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او بیندازد و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد
که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حق تعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن الخاطر محشور گرداند و اگر باین نحو بگوید بهتر است صلوات الله
علی الحسین و اهل بیته و اصحابه و لعنة الله علی قتلة الحسین و اعدائه و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که گاه باشد که شخصی یک شربت
آب بخورد و خدا تعالی او را بهمان آب خوردن ببهشت برد باینکه آب بخورد و هنوز خواهش داشته باشد از لب بردارد و حمد خدا
بگوید پس باز بخورد خدا بسبب این بهشت را او واجب گرداند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه وآله چون آب میخوردند دعا میخواندند الحمد لله الذی سقانا عذبا زلالا و لم یسقنا ملحا اجاجا و لم یؤاخذنا بذنوبنا و در روایت
دیگر از آنحضرت منقولست که هر گاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله بگوید و دمی بخورد و الحمد لله بگوید پس باز بسم الله بگوید و دمی بخورد
و الحمد لله بگوید پس باز بسم الله بگوید و بخورد پس بعد از خوردن الحمد لله بگوید مادام که آن آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید و ثوابش از او باشد

ودر حدیث

و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه خواهی در شب آب بخوری ظرف آب را حرکت بده و بگو یا ماء ماء زمزم و ماء فرات یقرانک
السلام و در روایت دیگر فرمود که هر که در شب آب بخورد و سه مرتبه بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات آب خوردن
شب باو ضرر نرساند و در روایت دیگر منقولست که در وقت آب خوردن این دعا بخواند الحمد لله الذی سقانی فارونی و اعطانی
فارضانی و عافانی و کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه وآله و تسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب بسیار مخور که هر دردی را بسوی تو میکشد و تا تاب داری دوا مخور و حضرت امام رضا
فرمود که بر بالای آب بسیار خوردن ضرر ندارد اما در غیر آن حال آب بسیار مخور و فرمود که اگر کسی بقدر دو کف طعام بخورد و آب
بعد از آن نخورد عجب دارم که چرا معده اش نمی شود و مشهور میان علما آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و سنت است
که بسه نفس خورده شود و احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن خوب است و آب بیک نفس خوردن خوب است
و بهتر آنست که بسه نفس خورده شود و در روز ایستاده بخورد و در شب نشسته چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا میکند و در شب ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرداب و صفرا میشود و در حدیث
دیگر فرمود که آب ایستاده خوردن بیشتر باعث قوت و صحت بدن می شود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که آب ایستاده مخورید که باعث دردی میشود که دوا نداشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست
که ایستاده آب مخور و بر دور قبر مگرد و در آب ایستاده بول مکن هر که چنین کند و بلائی باو رسد ملامت نکند مگر خود را و ابن بابویه
علیه الرحمه گفته است که مراد از این احادیث آب خوردن شب است و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آب را بسه
نفس خوردن بهتر است از خوردن بیک نفس و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب بردارد
تا سیراب شود چون است حضرت فرمود که مگر لذتی هست در غیر این گفت که مردم میگویند که این شرب هیم است یعنی شتر تشنه
حضرت فرمود که شرب هیم آن است که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقولست که اگر آنکسی که آب
بتو میدهد بنده تو باشد بسه نفس آب بخور و اگر آزاد باشد بیک نفس آب بخور و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله دوست میداشتند آب خوردن در قدح شامی را و میفرمودند که پاکیزه ترین ظرفهای شماست و برای
آنحضرت قدحها از شام بهدیه می آوردند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزه سفال آب میخوردند
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله گذشتند بر جماعتی که دهان بآب گذاشته بودند و میخوردند حضرت

فرمود که بدست خود بخورید که بهترین طرفهای شماست و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که آداب آب خوردن آن است که در ابتدا بسم الله بگوئی و چون فارغ شوی الحمد لله بگوئی و از پیش دسته کوزه و از جائی که شکسته باشد یا رخنه داشته باشد نخوری که این مواضع جای شیطان است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از دمیدن بدهان در آب و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دمیدن در آب وقتی مکروهست که دیگری حاضر باشد که خواهد از آن آب بخورد که مبادا از او خوشش نیاید و در حدیث دیگر از آنحضرت نهی فرموده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم بخورید و دهان را بر نکنید که باعث درد جگر میشود و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گاهی در قدحهای آبگینه که از شام می آوردند آب تناول میکردند و گاهی در قدح چوب و گاهی در پوست و گاهی در خزف و اگر ظرف حاضر نبود آب در کف میکردند و می آشامیدند باب چهارم در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان فصل اول در فضیلت تزویج کردن و نهی از رهبانیت بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از اخلاق پیغمبران است دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی که در ایمان خیری زیاد شود او را مگر آنکه محبت زنان او را زیاده شود و فرمود که هرکه محبت زنان او را زیاده میشود فضیلت ایمانش بیشتر میشود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که سه چیز است که از سنت پیغمبران است بوی خوش کردن و موهای زیادتی بدن را ازاله کردن و زنان بسیار کردن یا بسیار با ایشان مقاربت کردن و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که از دنیای شما اختیار کرده ام زنان و بوی خوش را و روشنی دیده من در نماز است و در حدیث معتبر منقولست که سکین نخعی اختیار عبادت کرده بود و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و در این باب نامه بحضرت صادق علیه السلام نوشت آنحضرت در جواب نوشتند که اما زنان پس میدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چه عدد از زنان داشتند و اما طعام لذیذ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت و عسل تناول میفرمودند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه زنی بعقد خود در می آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا به پرهیزد در نصف دیگر و فرمود که بدترین مردها عزبانند و فرمود که چه چیز مانع است مؤمن را از آنکه زنی بگیرد شاید فرزندی خدا باو عطا فرماید که سنگین کند زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هرکه خواهد متابعت سنت من بکند از سنت من زن خواستن است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم نمی آید که دنیا را و آنچه در دنیاست داشته باشم و یکشب بی زن بخوابم پس فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا میکند از او بهتر است

ارعزب

از عزبی که شبها تمام کند و روزها روزه باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه ترک کدخدائی بکند از ترس پریشانی پس بتحقیق که گمان بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله یعنی اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز میکرداند ایشانرا خدا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زن عثمان بن مظعون آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه میدارد و شبها نماز میکند و نزد من نمی آید حضرت غضبناک نزد عثمان آمدند و فرمودند که ای عثمان خدا مرا برهبانیت نفرستاده ولیکن بدین مستقیم سهل آسان فرستاده است روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هرکه دین مرا میخواهد باید که بسنت من عمل کند و از سنت من نکاح زنان است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه زن آمدند نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی گفت که شوهرم گوشت نمیخورد و دیگری گفت که شوهرم بوی خوش نمی بوید دیگری گفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت برخاستند بیرون آمدند و از روی غضب ردای خود را بر زمین میکشیدند تا بر منبر برآمدند و حمد و ثنای الهی گفتند و فرمودند که چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمیخورند و بوی خوش نمی بویند و نزد زنان نمیروند من گوشت میخورم و بوی خوش میبویم و نزد زنان میروم هرکه سنت مرا نخواهد از من نیست و در حدیث دیگر منقولست که زنی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد شکایت کرد که شوهر من نزد من نمی آید حضرت فرمود که خود را خوشبو کن تا نزد تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی را نگذاشته ام مگر آنکه خود را بآن خوشبو کردم و از من دوری میکند حضرت فرمود که اگر میدانست چه قدر ثواب دارد در آمدن نزد تو از تو دوری نمیکرد پس فرمود که چون متوجه جانب تو میشود دو ملک جانب او احاطه میکنند و ثواب آن دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند پس چون با تو مجامعت میکند گناهان از او میریزد چنانچه برگ از درخت بریزد پس چون غسل میکند از گناهان بدر می آید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا میکند برابر است با هفتاد رکعت نماز که عزب بکند فصل دویم در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زن بمنزله قلاده ایست که در گردن خود می افکنی پس ببین که چگونه قلاده برای خود میگیری و فرمود که زن صالح و غیر صالح هیچیک قیمت ندارند زن صالح طلا و نقره قیمت و قدر او نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالح بخاک هم نمی ارزد و خاک بهتر از اوست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دختر بکفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه خود زنی پیدا کنید که شایسته آن باشد که فرزند او بهم رسانید و در حدیث

صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که زنی بخواهد برای حسن و جمال یا برای مال از هر دو محروم ماند و اگر از برای دین
داری و صلاح او بخواهد حق تعالی مال و جمال او را روزی کند و حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که زن باکره بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن
مقبولی که فرزند نیاورد مخواهید که من مباهات میکنم بشما با امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان در زیر عرش الهی از برای پدران
خود طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ایشانرا نگاهداری میکند و حضرت ساره ایشانرا تربیت مینماید در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران
و در حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که دهنهای ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان خوشگوتر و پستانهای ایشان
پرشیرتر است و فرزند آورنده‌تر مگر نمیدانی که من مباهات میکنم به بسیاری شما در روز قیامت حتی بفرزندی که ناتمام از شکم مادران
افتاده باشند او می آید و خشمناک بر در بهشت می ایستد پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شو میگوید که نمیروم تا پدر و مادرم پیش از من
نروند پس حق تعالی بملکی امر میفرماید که پدر و مادرش را بیاور و داخل بهشت کن پس آن طفل خطاب میفرماید که ایشان
را داخل بهشت کردم برای زیادتی رحمت من نسبت بتو و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که بخواه زن گندمگون فراخ چشم سیاه چشم سرین
بزرگ میانه بالا پس اگر نخواهیش بیا مهر را از من بگیر و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون
بخواستگاری زنی میفرستاد میفرمود که گردنش را بو کنید که اگر خوشبو باشد و کعبش پر گوشت باشد و از حضرت امام رضا منقولست که از سعادت آدمی است که زن
سفیدی داشته باشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون زنی را خواهید خواستگاری کنید از مویش بپرسید چنانکه از رویش
میپرسید که نصف حسن موست و بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که بهترین زنان شما زنیست که فرزند بسیار آورد و دوست شوهر باشد و در میان
خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهرش ذلیل باشد و صاحب عفت باشد و از برای شوهر خود زینت و بشاشت کند و از دیگران
شرم کند و عفت ورزد و هرچه شوهر گوید بشنود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند آنچه خواهد مضایقه نکند اما باید زن
شوهر در نیاورد که او را به تکلیف بر جماع بدارد و بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و چون
شوهر غایب شود زینت کند و خود را بدیگران نماید و فرزند نیاورد و کینه ور باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر آید مستوری کند سخنش
را نشنود و اطاعتش نکند و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب مضایقه کند از آنکه شوهر با او اراده دارد و عذرش را قبول نکند و از تقصیرش
در نگذرد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلعم آمد و گفت زنی دارم که هرگاه میروم مرا استقبال میکند و چون
بیرون می آیم مشایعت میکند و چون مرا غمگین می بیند میگوید چه غم داری اگر برای روزی غم میخوری خدا متکفل روزی و دیگران
شده است و اگر برای آخرت غم میخوری خدا غم ترا زیاد کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان

خداست

خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که بهترین زنان امت من آن است که خوشروتر و مهرش کمتر باشد
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خوبی زن آن است که خرجش کم باشد و زاییدنش آسان و شومی زن آن است که مهرش گران
و زاییدنش دشوار باشد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که بهترین زنان شما زنان قریش‌اند مهربان‌ترین زنانند بشوهران
و رحیم‌ترین ایشانند بفرزندان و آیا نمی‌اند با شوهران و با عفت‌اند از دیگران و مصداق قریش در این زمان سادات‌اند و در حدیث
دیگر از آن حضرت منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که چون خواهم که جمع کنم برای مسلمانی تمام نیکیهای دنیا و آخرت را بدو میدهم
دل شکسته خاشع و زبان ذکر کننده و بدنی صبر کننده بر بلا و زن مؤمنه که هرگاه باو نظر کند شاد شود و چون غایب شود شوهر
خود را نگاهداری کند و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در بنی اسرائیل شخصی
بود بسیار عاقل و مال بیشمار و یک فرزند داشت از زن عفیفه و در شکل و شمایل با او شبیه بود و دو فرزند داشت از زن دیگر
که عفیفه نبود پس وقت فوت او شد گفت همه مال من از یکی از شماهاست چون مرد هر یک دعوی کردند که مال از من است
نزد قاضی رفتند قاضی گفت نزد آن سه برادر که بعقل مشهورند بروید پیش یکی از ایشان رفتند مرد پیری بود گفت بروید نزد
فلان برادر من که از من بزرگتر است نزد او رفتند نه پیر بود و نه جوان او گفت نزد برادر بزرگتر من روید چون نزد او رفتند
او را جوان یافتند پس اول سؤال کردند که بچه سبب برادر کوچکتر از همه پیرتر بود و تو از همه بزرگتری جوانتری گفت اما آن
برادر کوچک زن بسیار بدی دارد و بر بدیهای او صبر میکند که مبادا بابتلای دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد باین سبب از همه
پیرتر مینماید و اما آن برادر دیگر زنی دارد که گاهی خوشحالش میکند و گاهی غمگینش میکند باین سبب میانه حال مانده است
و من زنی دارم که همیشه مرا خوشحال دارد و هرگز آزرده ام نمیکند باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال خود را بیان
کردند گفت اول بروید و استخوان پدر خود را بدر آورید و بسوزانید بعد از آن بیایید تا در میان شما حکم کنم چون رفتند پسر کوچک
شمشیری برداشت و برادرانش کلنگها برداشتند و چون بسر قبر رسیدند آن دو برادر کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشکافند
برادر کوچک شمشیر کشید که نمیگذارم که قبر پدرم را بشکافید و من از حصه خود گذشتم و مال را بشما گذاشتم چون نزد قاضی آمدند قاضی
مالها را به برادر کوچک داد و بایشان گفت که اگر شما هم فرزند او می بودید همچنانکه برادر کوچک را شفقت فرزندی مانع شد از
در آوردن و سوختن پدر شما را هم مانع می شد **فصل دویم** در آداب نکاح کردن و اراده آن در حدیث حسن از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هرگاه کسی اراده خواستگاری نماید دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی بکند و این دعا بخواند اللهم انی

ارید ان اتزوج فقدر لی من النساء اعفهن فرجا و احفظهن لی فی نفسها و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن
برکة و قدر لی ولدا طیبا تجعله خلفا صالحا فی حیوتی و بعد موتی و در دو حدیث معتبر منقولست که سنت است
که تزویج در شب واقع شود و در حدیث موثق منقولست که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید که شخصی
زنی خواسته است در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که میان ایشان اتفاق
بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عقد کردن در ماه شوال خوب است
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند
و در روایت دیگر منقولست که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف بکند بداند که فرزندی که منعقد شود پیش از تمام
شدن سقط میشود و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است
و بدانکه مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است و از حضرت در نکاح
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از سنت پیغمبران است طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
چون میمونه را تزویج نمود ولیمه فرمود و حلیس بمردم خورانیدند و آن چنگالی بوده است که از خرما و روغن و کشک میساخته اند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ولیمه روز اول لازم است و روز دویم نیک است و روز سیم ریا و سمعه است و منقولست
که حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون دختر مامون را عقد کردند این خطبه را خواندند الحمد لله اقرارا بنعمته و لا اله الا الله
اخلاصا لوحدانیته و صلی الله علی سید بریته و الاصفیاء من عترته اما بعد فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم بالحلال
عن الحرام فقال سبحانه و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم و سایر
خطبهای طولانی در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در باب آداب صیغ رساله جدائی تالیف
کرده ام **فصل سیم** در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن در وقتی که ماه در برج عقرب باشد یا تحت الشعاع
باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن در وقتی حایض باشد یا خون نفاس باشد حرام است و از ما بین ناف تا زانو از ایشان
تمتع بردن مکروه است و بعد از پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر وقتی که
که ضرورتی باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سایر اعمال که او را میباید کرد بجا آورد
با او جماع میتوان کرد و در وطی دبر زن خلافست و بعضی حرام میدانند و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست

که بازن

که با زن خود که جماع کند و آزاد باشد منی خود را در بیرون فرج بریزد و بعضی از علما حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که نباید مرد را دخول کردن بزن خود در شب چهارشنبه و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که هر که جماع کند با زن خود
در تحت الشعاع پس باید خود قرار دهد افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جماع مکن در اول ماه و میان
ماه و آخر ماه که باعث این میشود که فرزند سقط شود و نزدیکست که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی کسی را
که صرع میگیرد اکثر آن است که یا در اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه مبتلا شده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جماع کند با زن خود
در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پیسی پس ملامت نکنند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دشمن ما اهل بیت
نیست مگر کسی که ولد الزنا باشد یا مادرش در حیض باو حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که چون کسی خواهد با زن خود جماع کند بروش مرغان بر او بر رود بلکه اول با او درست بازی و خوش طبعی بکند و بعد از ان جماع کند و در
حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقت جماع سخن نگویند که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد لال باشد و در آن
وقت نظر بفرج زن نکنند که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از ان حضرت است که باکی نیست نگاه
کردن بفرج در وقت جماع و در چند حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در حالتی که خضاب بحنا و غیر آن بسته باشند جماع نکنند
و از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند که اگر حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور شود چون است فرمود که باکی نیست و باز
پرسیدند که اگر کسی فرج زنش را ببوسد چون است فرمود که باکی نیست و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن خود را
عریان کند و باو نظر کند چون است فرمود مگر لذتی از این بهتر میباشد و پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فرج زن خود
و کنیز خود بازی کند چون است فرمود که باکی نیست اما بغیر اجزای بدن خود چیزی در آنجا نکند و پرسیدند که آیا در میان آب جماع
میتوان کرد فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفلی باشد که آن طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم میرسد
زناکار میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که بحق آن خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست اگر
شخصی با زن خود جماع کند و در آن خانه شخصی بیدار باشد که ایشان را ببیند یا سخن و نفس ایشان را بشنود فرزندی که از ایشان
بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام اراده مقاربت زنان مینمودند خدمتکاران
را دور میکردند و درها را می بستند و پردها را می انداختند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که با کنیزی جماع کند و خواهد

که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع کند وضو بسازد و در حدیث صحیح وارد شده است که باکی نیست که با کنیز وطی کند و در خانه دیگری باشد که ببیند
و بشنود و مشهور میان علما آن است که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث
موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز و دو آزاد بخوابد و فرمود که کراهت دارد که مرد رو بقبله
جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع میتواند کرد فرمود نه و رو بقبله و پشت بقبله جماع نکند و در کشتی
جماع نکند و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که دوست نمیدارم که کسی که در سفر آب نیابد برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف ضرری
داشته باشد بر خود و بعضی از علما قایل بحرمت شده اند و حضرت رسول نهی فرمود از آنکه کسی محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند
و فرمود که اگر کند و فرزندی که بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مکروه است جنب شدن
در وقتی که آفتاب طلوع میکند و زرد میباشد و همچنین در زردی آفتاب وقت فرو رفتن و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که مستحب است در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابو سعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
وصیت نمود بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که یا علی چون عروس داخل خانه تو شود کفشهایش را بکن تا بنشیند و پاهایش
بشوی و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش چون چنین کنی خدا هفتاد هزار نوع از پریشانی را از خانه تو بیرون کند
و هفتاد هزار نوع برکت را داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو بفرستد که بر سر هر عروس فرود آید تا آنکه آن
برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خوره و پیسی تا در آنخانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز
از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش پس حضرت امیر المؤمنین ع گفت یا رسول الله بچه سبب او را منع کنم از اینها فرمود که
زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم میشود و فرزند نمی آورد و حصیری که در ناحیه خانه افتاده باشد بهتر است از زنی
که فرزند از او بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که دیوانگی و خوره و خبط دماغ راه میابد
بآن زن و فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزند بهم رسد احول خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر
فرزند حاصل شود ایمن نیستی که لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود و چشم بپوشد در آنحالت که نظر کردن بفرج در
آنحالت باعث کوری فرزند میشود یا علی بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد مخنث یا دیوانه
باشد یا علی هر که جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند میترسم که آتشی از آسمان بر هر دو نازل شود و بسوزاند
ایشان را یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو دستمالی از برای خود داشته باشی و او دستمالی از برای خود داشته باشد و هر دو

را یک دستمال پاک نکنید که دشمنی در میان شما پیدا میشود و آخر بجدائی میکشد یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که از
خران است و اگر فرزند بهم رسد مانند خران بر رختخواب بول کند یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزندی بوجود آید شر
بسیار از او بظهور آید یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت در دست داشته باشد یا علی در
زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشنده مردم باشد یا رئیس و سرکرده ظلمه باشد یا علی برابر آفتاب جماع مکن
مگر پرده بیاویزی که اگر فرزندی بوجود آید همیشه در بدحالی و پریشانی باشد تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی
بوجود آید راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد کور دل و بخیل باشد
یا علی در شب نیمه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان باشد و هلاک بسیاری از مردمان بر دست او بشود یا علی بر
بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریا کننده و صاحب بدعت باشد یا علی چون بسفری بروی در آن شب که بیرون میروی جماع
مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش را بناحق صرف کند و اسراف کنندگان برادران شیاطین اند و اگر بسفری روی که سه روز راه باشد جماع
مکن که اگر فرزندی بوجود آید یاور ظالمان باشد یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که فرزندی بوجود آید حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد یا علی
اگر جماع کنی در شب سه شنبه و فرزندی بهم رسد بعد از سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش
جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه و فرزندی بهم رسد حاکمی از حکام شریعت یا عالمی از علما باشد و اگر
در روز پنجشنبه وقتی که آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزندی بهم رسد شیطان نزدیک او نشود تا پیر شود و خدا او را روزی
کند سلامتی در دنیا و دین یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی بهم رسد خطیب و سخنگو باشد و اگر در روز جمعه بعد از عصر جماع کنی و
فرزندی بهم رسد از دانایان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست که آن فرزند از ابدال باشد یا علی در
ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را از من
بیاموز چنانچه از جبرئیل آموختم و در حدیث معتبر منقول است که در روز عقد حضرت فاطمه صلوات الله علیها حق تعالی امر فرمود سدرة المنتهی را که
آنچه داری فرو بریز برای نثار فاطمه پس آنچه داشت از مروارید و مرجان و جواهر بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثار را ربودند تا
روز قیامت مفاخرت میکنند و بهدیه بیکدیگر میفرستند و میگویند این نثار حضرت فاطمه است و در شب زفاف استر شهبا حضرت
رسول صلی الله علیه و آله را آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند و حضرت فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام استر را میکشید و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله از عقب روان شد در اثنای راه صدای ملائکه بگوش مبارک آنحضرت رسید و جبرئیل با هزار ملک و میکائیل

با هزار ملک فرود آمدند الله اکبر میگفتند و ملایکه با ایشان موافقت میکردند و باین سبب سنت شد که در زفاف الله اکبر بگویند و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها بعمل می آوریم و بسیار پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود که
زیرا که طعام عروسی نسیم بهشت میوزد چون طعامیست که برای حلال مهیا میکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که سنت آنست که
عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی اخبار وارد شده است که نثار عروسی را میتوان برداشت اما چون غارت
میکنند و از یکدیگر میربایند کراهت دارد و علما گفته اند که وقتی جایز است برداشتن که بقراین معلوم باشد که صاحبانش راضی اند که مردم بردارند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه شما را بعروسی طلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می آورد و چون شما را بجنازه بخوانند زود
بروید چون آخرت را بیاد شما می آورد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه
که مردم تردد کنند و فرمود که هرکه در میان راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که
بیاموزید از کلاغ سه خصلت را پنهان جماع کردن و بامداد طلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که هرگاه کسی خواهد که با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زنان را کارها بسیار است مهیا شوند پیش از جماع و هرگاه کسی زنی ببیند و خوشش آید
پس برود و با اهل خود جماع کند که آنچه با این هست با آن هم هست و شیطان را بدل خود راه ندهد و اگر زنی نداشته باشد دو رکعت نماز بکند
و حمد خدا بسیار بگوید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس از فضل خدا زنی سؤال کند که البته خدا تعالی باو عطا میفرماید آنچه او را از حرام
بی نیاز گرداند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر را
که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور میشوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که جایز نیست جماع کردن با دختر
پیش از آنکه نه سالش تمام شود پس اگر بکند و عیبی برسد بآن زن ضامن است و در حدیث معتبر دیگر منقولست که مکروه است جماع کردن
میان طلوع صبح و طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب و در روزی که در آن روز آفتاب بگیرد
و در شبی که در آن شب ماه بگیرد و شب یا روزی که در آن باد سیاه یا باد سرخ یا باد زرد حادث شود و در شب یا روزی که در آن زلزله حادث
شود و الله که اگر کسی جماع کند در این اوقات پس او را فرزندی بهم رسد نبیند در آن فرزند چیزی که دوست دارد زیرا که آیات غضب
الهی را سهل شمرده اند و در فقه الرضا علیه السلام مسطور است که چون بعد از غسل دادن میت پیش از آنکه غسل کنی خواهی که جماع کنی وضو بساز
بعد از آن جماع بکن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هرگاه کسی را دردی در بدن بهم رسد یا حرارت بر او غالب
شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرکه در حالت خضاب با زن خود جماع
کند

کند فرزندی که بهم رسد مخنث باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود زن آزاد را برابر زن آزاد دیگر جماع مکن اما کنیز را در برابر
کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت صادق علیه السلام هرگاه بعد از جماع و پیش
از غسل اراده جماع میکردند وضو میساختند و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی انگشتری با او باشد که بر او نام خدا نقش کرده
باشند جماع نکند فصل پنجم در آداب نماز و دعا در شب زفاف و در وقت مقاربت زنان و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چون عروس را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو ساخته باشد و تو وضو بساز و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را امر کنند
که دو رکعت نماز بگذارد پس حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده اند که آمین بگویند
و این دعا بخوان اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها و ارضنی بها و اجمع بیننا باحسن اجتماع و آنس ایتلاف فانک تحب الحلال و تکره
الحرام بعد از آن فرمود که بدانکه الفت از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطان است که خواهد که آنچه را که خدا حلال گردانیده
مکروه طبع مردم گرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون در شب زفاف نزد عروس بروی موی
پیشانیش را بگیر و رو بقبله آور و بگو اللهم بامانتک اخذتها و بکلماتک استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا تقیا من
شیعة آل محمد و لا تجعل للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که دست بر بالای پیشانیش بگذار و بگو
اللهم علی کتابک تزوجتها و فی امانتک اخذتها و بکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سویا
و لا تجعله شرک شیطان راوی پرسید چگونه شرک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا ببرند شیطان از او دور می
شود و اگر نبرند ذکر خود را با ذکر آن شخص داخل میکند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه از یکیست پرسید که بچه چیز میتوان
دانست که شیطان در کسی شریک شده است فرمود که هرکه ما را دوست میدارد شیطان در او شریک نشده است و هرکه دشمن
ماست شیطان در او شریک شده است باین مضمون احادیث از طرق خاصه و عامه بسیار وارد شده است و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که در وقت زفاف این دعا بخواند اللهم بکلماتک استحللتها و بامانتک اخذتها اللهم
اجعلها ولودا ودودا لا تفرک تأکل مما راح و لا تسئل عما سرح و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که این دعا
بخواند بکلمات الله استحللت فرجها و فی امانة الله اخذتها اللهم ان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا و اجعله مسلما
سویا و لا تجعل فیه شرکا للشیطان و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان
کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته باشی بگو بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا هو بدیع السموات والارض اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا ولا
حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان ورجزه جل ثناؤک و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد شیطان
شریک نشود بگوید بسم الله و پناه به برد بخدا از شر شیطان و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون
کسی اراده جماع داشته باشد بگوید بسم الله و بالله اللهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنی پس اگر فرزندی بهم رسد
شیطان هرگز باو ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون اراده جماع کنی بگو بخوان اللهم ارزقنی
ولدا واجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان واجعل عاقبته الی خیر **فصل ششم** در بیان حق زن و شوهر
بر یکدیگر و احکام ایشان از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست که چون حق تعالی برای زنان
غیرت جایز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیرا که از برای مردان چهار زن و از متعه و کنیز
آنچه خواهند حلال گردانیده است و از برای زن بغیر از یک شوهر حلال نکرده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده نماید
نزد خدا زناکار است و غیرت و رشک نمیبرند مگر زنان بد و زنان مؤمنه صاحب رشک نمیباشند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام فرمود که رشک بردن زنان از بسیاری دوستی ایشان است نسبت بشوهران و از حضرت رسول ص
منقولست که گفتن مرد با زن خود که ترا دوست میدارم هرگز از یاد او بدر نمیرود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن فرمود که لازم است که طاعت شوهر کند
و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او بیرون نرود و تصدق نکند و روزه سنت بی رخصت او ندارد و هر وقت که اراده نزدیکی
او کند مضایقه نکند اگر چه بر بالای پالان پشت شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت او بدر نرود و اگر بی رخصت او بدر رود ملائکه آسمان
و ملائکه زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد و گفت یا رسول الله حق کی بر زن بیشتر از همه
کس عظیم تر است فرمود که حق پدر گفت که حق کی بر زن از همه کس عظیم تر است فرمود که حق شوهر پرسید که من بر شوهر بقدر حق ندارم که
او بر من دارد فرمود که از صد یکی نه آن زن گفت قسم بآن خدائی که ترا بحق فرستاده است که هرگز شوهر نکنم و در حدیث دیگر منقولست
که زنی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و سؤال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده از آن است که توان گفت پس فرمود
که از جمله حقها آن است که روزه بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش خود را خوشبو کند
و نیکوترین جامهای خود را بپوشد و به بهترین زینتها خود را بیاراید و هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد

ابا نکند

ابا نکند و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیزی بی رخصت او بکسی ندهد اگر بدهد گناهش برای آن زن است و ثوابش از برای شوهر و هیچ
شب نخوابد که شوهر از او خشمناک باشد زن گفت که هر چند شوهر بر او ظلم کرده باشد فرمود که بلی و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که هر زنی که شب بسر آورد و شوهر از او آزرده باشد نمازش مقبول نباشد تا شوهر از او راضی شود و هر زنی که
بوی خوش برای غیر شوهرش بکند نمازش مقبول نباشد تا آن بوی خوش را از خود بشوید و فرمود که سه کسند که هیچ عمل
ایشان بآسمان بالا نمیرود غلام گریخته و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی که جامه خود را از روی تکبر بلند آویخته باشد
و در احادیث معتبره وارد شده است که جهاد مردان آن است که مال خود را در راه خدا صرف کند تا کشته شود و جهاد
زنان آن است که بر آزار شوهران و غیرت آوردن ایشان صبر کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اگر
امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آینه میگفتم که زنان برای شوهران سجده کنند و فرمود که زن نماز خود را طول
ندهد برای آنکه منع کند شوهر خود را از آنچه از او میخواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد و او تأخیر کند که تا شوهر بخواب
رود پیوسته ملائکه او را لعنت کنند تا شوهر او بیدار شود و در حدیث صحیح منقولست که زن از مال خود هم چیزی بی رخصت شوهر نمیتواند
داد مگر حج یا زکوة یا نیکی به پدر و مادر یا صله و احسان بخویشان و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر زنی که شوهرش
بگوید که هرگز از تو نیکی ندیده ام ثواب عملهایش برطرف شود و در احادیث معتبره وارد شده بسیار است که حق زن بر شوهر آن است که او را سیر کند و
بدنش را بپوشاند و اگر بدی کند بر او ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که رو ترش نکند بر زن او و دیگر روزی روغن برای بدن مالیدن باو
بدهد و هر سه روز یکمرتبه گوشت برای او بیاورد و رنگ مانند حنا و وسمه هر شش ماه یکبار باو بدهد و در هر سال چهار جامه باو بدهد دو از برای
تابستان و دو از برای زمستان و باید که خانه اش را خالی نگذارد از روغن برای مالیدن سر و سرکه و زیت و روزی یک من کهنه قوت باو بدهد و میوهائی
که همه کس خورند باو بخوراند و در عیدها زیاده از روزهای دیگر خوردنی برای او بگیرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بترسید از خدا در حق دو
ضعیف یتیمان و زنان و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین شما کسی است که بهتر با زنان سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیران
اویند و محبوبترین بندگان نزد خدا کسی است که احسان با اسیران خود بیشتر کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موجب هلاک صاحب
مروت است که در شهری که زنش در آن شهر باشد در خانه دیگر بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وصیت فرمود بحضرت امام
حسن علیه السلام که زنهار که مشورت با زنان مکن که رای ایشان ضعیف است و عزم ایشان سست است و ایشان را پیوسته در پرده بدار و بیرون
مفرست و تا توانی چنان کن که بغیر تو مردی را نشناسند و با ایشان خدمتی بغیر آنچه تعلق بخود ایشان دارد مگذار که این از برای حال ایشان

وخوشنودی ایشان وحسن وجمال ایشان بهتر است زیرا که زن کلید خدمتکاری نیست وهمین خوددستی را گرامی دار وبخشش را در حق دیگران
قبول کن وخود را بسیار بدست آورده ودر حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که زنان را در غرفه وبالاخانه
جا مدهید وچیزی نوشتن بایشان میاموزانید وسوره یوسف را تعلیم ایشان مکنید وچرخ رشتن بیاد ایشان بدهید وسوره نور را
بایشان تعلیم کنید وحضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از آنکه زنان را بر زین سوار کنند وفرمود که در هیچ طاعت زنان
مکنید تا آنکه طمع نکنند در امر کردن شما بمعصیتها وبخدا پناه برید از بدان ایشان واز نیکان ایشان بر حذر باشید وحضرت امام
محمد باقر علیه السلام فرمود که مردی که کارهای او را زنی تدبیر کند ملعون است وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله چون اراده جنگ داشتند
با زنان خود مشورت میکردند که آنچه ایشان میگفتند خلاف آن میکردند وحضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که طاعت زن
خود کند او را سرنگون در جهنم در اندازند گفتند یا رسول الله این طاعت کدام است فرمود که از او رخصت طلبد که برای سیر حمامها
وعروسیها وعیدگاهها وعزا برود واو رخصت بدهد وجامهای نازک از او طلبد که در بیرون بپوشد وبرای او بگیرد ودر حدیث دیگر
فرمود که مثل زنان مثل استخوان کج پهلوست که اگر او را بحال خود بگذاری منتفع شوی واگر میخواهی راست کنی میشکند
پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان وبدانکه از جمله حقوقهای زن بر مرد آنست که هر چهار ماه یک مرتبه با او جماع کند اگر حاضر باشد
وعذری نداشته باشد واین واجب است واگر چند زن داشته باشد در پیش یکی از ایشان یک شب بخوابد واجب است که پیش آنهای دیگر یک شب
بخوابد وجمعی را اعتقاد آنست که مطلقا واجب است که پیش هر زنی هر چهار شب یک شب بخوابد خواه یک زن داشته باشد خواه زیاده واین
احوط است ودر کنیز ومتعه اینها واجب نیست اما بهتر آنست که کنیزی که داشته باشد یا خود شهوت او بکند یا او را بشوهر دهد ودر بعضی رفع
اخبار وارد شده است که اگر نکند واینها زنا کنند گناهش بر اوست ومشهور میان علما آنست که اگر کسی زنی داشته باشد وزن
دیگر بخواهد اگر باکره باشد تا هفت شب نزد مخصوص اوست واگر غیر باکره باشد تا سه شب **فصل هفتم** در بیان دعاهای طلب فرزند وفضیلت
آن از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که فرزند صالح گلیست از گلهای بهشت وفرمود که از سعادت آدمیست فرزند صالح
وفرمود که فرزند بسیار بهم رسانید که من به بسیاری شما در قیامت مباهات خواهم کرد وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که بیماری که بفرزندان میرسد کفاره گناهان پدر و مادر اوست ودر حدیث صحیح منقولست که روزی جبرئیل ع نازل شد وحضرت
رسول صلی الله علیه وآله وامیر المؤمنین علیه السلام ناله میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت رسول ص فرمود که دو طفل
ما آزرده شدند وبگریه ایشان متأذی شدیم جبرئیل گفت یا محمد حق تعالی برای فرزندان شما شیعه چند برانگیزد که چون اطفال

ایشان

ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله الا الله باشد وچون هفت سال بگذرد گریه ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر
پس چون بحد بلوغ رسند پدر و مادر در ثواب ایشان شریک باشند ودر گناهان شریک نباشند واز حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله
منقولست که زن از آن روزی که حامله میشود تا وضع حملش میشود وتا فرزند از شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد کافران مرابطه نماید
ودفع ایشان از مسلمانان بکند واگر در این مابین بمیرد ثواب شهیدان دارد ودر حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست
که حضرت عیسی علیه السلام بقبری بگذشت که صاحبش را عذاب میکردند پس دو سال دیگر بهمان قبر گذشت صاحبش را عذاب نمیکردند
از آنحال سؤال کرد از پروردگار وحی باو رسید که در این سال فرزند شایسته از او بحد بلوغ رسید وراهی را اصلاح کرد ویتیمی را
جا داد وباین سبب او را بکرده فرزندش آمرزیدم پس حضرت فرمود که میراثی که از برای خدا از بنده میماند فرزندیست که
بعد از او عبادت خدا کند ودر روایت دیگر منقولست که کسی که بی فرزند بمیرد گویا که هرگز در میان مردم نبوده است وکسی که
بمیرد وفرزندی از او بماند گویا نمرده است ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که حق تعالی بر دختران
مهربانتر است از پسران وهر مردی که شادی برساند بزنی که با او خویشی داشته باشد ومحرم او باشد خدا او را در قیامت
شاد گرداند وحضرت صادق علیه السلام فرمود که دختران حسنات اند وپسران نعمتها وخدا از حسنات ثواب میدهد واز نعمت
سؤال میکند وبآنحضرت یکی از اصحاب خود فرمود که شنیده ام که دختری بهم رسانیده وملولی او را چه ضرر دارد وتو گلیست
بو میکنی وروزی او وروزیش بر خداست وحضرت رسول صلی الله علیه وآله پدر دختران بود ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت ابراهیم
از پروردگار خود سؤال کرد که دختری او را روزی کند که بعد از مرگ بر او گریه کند وفرمود که هر که آرزوی مرگ دختران کند وبمیرد
ثواب نداشته باشد ودر قیامت نزد خدا عاصی باشد ودر حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله
نشسته بود خبری باو رسید که دختری برای او متولد شده رنگش متغیر شد حضرت فرمود که زمین او را بر میدارد وآسمان بر او
سایه میافکند وخدا روزیش میدهد وگلیست او را میبوئی پس رو بجانب صحابه کردند وفرمودند که هر که یک دختر دارد بارش گران است وهر که
دو دختر دارد بخدا گوئید که بفریاد او برسید وکسی که سه دختر داشته باشد جهاد وسایر آزارها از او برداشته وکسی که چهار دختر داشته
باشد او را یاری کنید ای بندگان خدا باو قرض دهید ای بندگان خدا او را رحم کنید ودر حدیث صحیح از آنحضرت
منقولست که هر که سه دختر یا سه خواهر را نفقه دهد بهشت او را واجب شود بعد از آن فرمود که هر که دو تا یا یکی نفقه دهد بهشت
او را واجب شود واز حضرت صادق ع منقولست که هر گاه کسی را فرزند بهم رسد بهم رسد این دعا بخواند اللهم لا تذرنی فردا انت

الوحشة
خیر الوارثین وحیداً وحیداً فیقصر شکری عن تفکّری بل ابتلی عاقبة صدق ذکوراً واناثاً آنس بهم من الوحدة واسکن
الیهم من الوحدة واشکرک عند تمام النعمة یا وهّاب یا عظیم یا معظّم ثم اعطنی فی کلّ عافیة شکراً حتی تبلّغنی منها رضوانک فی
صدق الحدیث واداء الامانة ووفاء بالعهد و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند در سجده این
دعا را بخوانند رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی فرداً وانت خیر الوارثین و در روایت
دیگر فرمود که هر که خواهد که زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بکند و رکوع و سجود را طول بدهد پس بگوید اللهم انی اسئلک بما
سئلک به زکریا رب لا تذرنی فرداً وانت خیر الوارثین اللهم هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء اللهم باسمک استحللتها
وفی امانتک اخذتها فان قضیت فی رحمها ولداً فاجعله غلاماً مبارکاً زکیاً ولا تجعل للشیطان فیه شرکاً ولا نصیباً و در روایت
دیگر منقولست که ارش حلبی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که در هر روز یا در هر شب صد مرتبه بگو و بهتر آنست
که استغفر الله واتوب الیه بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر صبح و شام هفتاد نوبت سبحان الله بگوید پس ده نوبت استغفر الله
ربی واتوب الیه بگوید پس نه نوبت سبحان الله پس یک نوبت استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید راوی میگوید که جمع کثیر این عمل مداومت کردند
و فرزندان بسیار بهم رسانیدند و در هر یک از اینها بگفتن استغفر الله تنها اکتفا میتوان کرد و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که از برای فرزند در هر سحر صد مرتبه استغفار کند و اگر در شبی فراموش کند در وقت دیگر قضا کند و شخصی دیگر بآنحضرت شکایت کرد
که مرا فرزند نمیشود فرمود که چون اراده جماع کنی بگو اللهم ان رزقتنی ولداً ذکراً سمیته محمداً و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزندی نمیشود فرمود که در خانه خود صدا باذان گفتن بلند کن چنان کرد
بدنش صحیح شد و فرزندان بسیار بهم رسانید و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود
حضرت فرمود که چون خواهی که نزد زن خود بروی این سه آیه را بخوان که انشاء الله خدا ترا فرزندی روزی میکند وذا النون اذ ذهب
مغاضباً فظنّ ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجّیناه من الغم
وکذلک ننجی المؤمنین وزکریا اذ نادی ربه رب لا تذرنی فرداً وانت خیر الوارثین و در حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود نیت
کند که اگر مرا فرزند شود علی نام خواهم کرد و اگر چنین کند خدا او را پسری روزی کند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که
هر که این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت خدا باو عطا فرماید رب لا تذرنی فرداً وانت خیر الوارثین واجعل
لی من لدنک ولیاً یرثنی فی حیوتی ویستغفر لی بعد موتی واجعله خلقاً سویاً ولا تجعل للشیطان فیه نصیباً اللهم انی استغفرک واتوب الیک
انک

انک انت الغفور الرحیم و از برای فرزند هفتاد مرتبه این دعا بخوانند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر گاه زنی را حمل باشد و چهار ماه
بر او بگذرد روی آن زن را بقبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اللهم انی قد سمّیته محمداً النبی خدایا من او را محمد نام کردم
چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس اگر او را محمد نام کند مبارک باشد و اگر نام نکند خدا اگر خواهد او را از او بگیرد و اگر خواهد
باو ببخشد و در چند حدیث معتبر وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد و عزم کند که او را محمد یا علی نام کند او پسر شود و در حدیث
دیگر آنست که او را علی نام کن که عمرش درازتر باشد و در کتاب طب الائمه روایت کرده‌اند که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت
کرد که فرزند ندارد حضرت فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و نماز خفتن هفتاد مرتبه سبحان الله بگو و هفتاد مرتبه استغفر الله بگو و بعد از آن
این آیه را بخوان استغفروا ربکم انه کان غفاراً یرسل السماء علیکم مدراراً ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم
انهاراً پس در شب سیم با زن خود جماع کن که خدا پسری که خلقتش درست باشد بتو عطا میفرماید و در کتاب نوادر الحکمه روایت کرده است
که شخصی بنزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت یا ابن رسول الله هشت دختر دارم و روی پسر ندیده‌ام حضرت فرمود که
وقتی که در میان پای زن بنشینی دست راست خود را بر جانب ناف راست زن بگذار و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را
بخوان و بعد از آن جماع کن و چون اثر حمل در او ظاهر شود پس در شبها دست بر جانب راست ناف او بگذار و هفت مرتبه
سوره انا انزلناه را بخوان آن مرد گفت چنین کردم هفت پسر پی هم خدا بمن روزی کرد و از حضرت امام حسن علیه السلام
منقولست که هر که فرزند خواهد باید که استغفار بسیار بگوید **فصل هشتم** در احکام ایام حمل و آداب روز ولادت
و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زن حامله به بخورد تا فرزندش خوشبوتر و رنگ فرزند
صافتر باشد و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اول چیزی که زن زائیده بخورد باید
که رطب باشد چنانچه حق تعالی بحضرت مریم فرمود که بعد از زائیدن حضرت عیسی ع رطب بخورد گفتند اگر وقت زائیدن
رطب نباشد چکند فرمود که نه دانه خرما از خرماهای مدینه بخورد و اگر نباشد نه دانه از هر خرمائی که باشد بدرستی که حق تعالی
میفرماید بعزت و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زائیده که خرما بخورد فرزند او را بردبار گردانم و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که زنان را بعد از ولادت فرزند خرمای برنی بخورانید تا آنکه فرزند زیرک و بردبار
شود و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زن حامله را بخورانید کندر بدرستی که چون طفل در شکم
مادر کندر غذای او شود دلش محکم و عقلش زیاد میشود و اگر پسر باشد شجاع میشود و اگر دختر باشد سرینش بزرگ میشود و بسبب این

نزد شوهر عزیز باشد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه چون وقت ولادت طفل می
رسید ~~نزد شوهر عزیز باشد~~ شد میفرمود که زنان را از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر زن بر عورت طفل نیفتد و منقول است
که چون بآنحضرت بشارت فرزند میدادند نمی پرسیدند که پسر است یا دختر بلکه اول می پرسیدند که خلقتش درست میباشد پس اگر
میگفتند که درست است و عیبی در خلقتش نیست میفرمودند الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها یعنی سپاس خداوندی را که از من
نیافرید فرزندی که معیوب و قبیح باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون فرزند متولد شود بقدر عدسی از
جاوشیر بگیر و در آب حل کن و دو قطره در بینی راست و یکقطره در بینی چپش بریز و در گوش راستش اذان بگو و در گوش
چپش اقامه بگو پیش از آنکه نافش ببرند اگر چنین کنی هرگز ترس باو نرسد و ام الصبیان او را ضرر نرساند و در حدیث دیگر موجود
که قابله یا دیگری را بگویند که اقامه در گوش راستش بگوید که هرگز ضرر جنیان باو نرسد و دیوانه نشود و حضرت امیر المؤمنین ع
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کام طفل را با آب فرات بردارند و اقامه در گوشش بگویند و در روایت دیگر وارد
شده است که کامش با آب فرات یا تربت امام حسین علیه السلام بردارید و اگر آب فرات نباشد با آب باران
بردارید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کام فرزندان خود را با خرما بردارید که حضرت پیغمبر صلعم
چنین کرد با امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که فرزندی از او
متولد شود باید که اذان در گوش راستش بگوید و اقامه در گوش چپش بگوید که نگاه دارنده اوست از شر شیطان
و از ولادت حسنین صلوات الله علیهما ظاهر میشود که مکروهست طفل را در ابتدای ولادت در جامه زرد پیچیدن و سنت است
که در جامه سفید بپیچند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو عطا فرموده
بود و گفت رزقک الله شکر الواهب و بارک لک فی الموهوب و بلغ اشده و رزقک بره یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خداوندی
که فرزند را بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه بتو بخشیده است و او را بنهایت قوه برساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی بتو
نیکوکار باشد و نزدیک باین عبارت بسند بسیار از حضرت امام حسن علیه السلام منقولست و ابن ادریس علیه الرحمه در کتاب سرایر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه بر زن دشوار شود زائیدن بنویس از برای او در پوست این آیات
را و بر دستمالی ببندد و بر ران راستش و چون وضع حمل شود باز کن و آیات این است بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون
لم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرات عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی

محررا و مولف کتاب طب الائمه علیه السلام روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت
زن من از درد زائیدن مشرف بر مردن است حضرت فرمود که برو و این آیه را بخوان فاجاءها المخاض الی جذع النخلة
قالت یا لیتنی مت قبل هذا و کنت نسیا منسیا فناداها من تحتها ان لا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریا و هزی
الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا پس باواز بلند بگو و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا و جعل لکم
السمع و الابصار و الافئدة لعلکم تشکرون کذلک اخرج ایها الطلق باذن الله چون بخوانی در ساعت نجات مییابد
بیاری خدا و بسند دیگر از آنحضرت روایت کرده است که برای دشواری زائیدن این آیات را در ظرف پاکیزه بمشک
و زعفران بنویسند و با آب چاه بشویند و بخورد آن زن بدهند و بر شکم و فرجش بپاشند کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة
او ضحیها کانهم یوم ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون لقد کان فی قصصهم
عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتری و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمة لقوم یؤمنون
و بسند دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که این آیات را برای حامله در کاغذی بنویسند در وقتی که داخل
شود در ماهی که در آن ماه وضع حمل او میشود و چیزی بر آن بپیچد و گره نزنند و بر کمر آن زن ببندد و چون چنین کند درد و آزار
زائیدن باو نرسد و بعد از زائیدن بزودی بگشایند و یکساعت باو نگذارد و آیات این است او لم یر الذین کفروا
ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار
فاذا هم مظلمون و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم و القمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم لا الشمس
ینبغی لها ان تدرک القمر و لا اللیل سابق النهار و کل فی فلک یسبحون و آیة لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون و خلقنا
لهم من مثله ما یرکبون و ان نشا نغرقهم فلا صریخ لهم و لا هم ینقذون الا رحمة منا و متاعا الی حین و نفخ فی الصور فاذا هم
من الاجداث الی ربهم و در پشت کاغذ این آیات را بنویسد کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار
بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که راستترین نامها نامیست که دلالت بر بندگی خدا کند مثل عبد الله و بهترین نامها نام پیغمبران است و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید که اگر نام نگذارید و سقط شود در قیامت پدر خود میگوید
که چرا مرا نام نگذاشتی و رسول خدا صلی الله علیه و آله محسن فرزند حضرت فاطمه را در شکم نام گذاشت و محسن آن فرزند است

بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله هنوز در شکم بود که عمر علیه اللعنه او را شهید کرد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
که اول نیکی که پدر با فرزند خود میکند آن است که او را نام نیک بگذارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که چهار
فرزند از برای او بوجود آید و هیچ یک را بنام من مسمّی نسازد مرا جفا کرده است و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی منقول است
که فقر و بی نوائی داخل خانه نمی شود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه بوده باشد و در
حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد که مرا پسری بهم رسیده است چه نام کنم او را فرمود
که نام کن او را به بهترین نامها نزد من که آن حمزه است و از جابر منقول است که گفت با حضرت امام محمد باقر علیه السلام بخانه شخصی رفتیم
طفلی بیرون آمد حضرت از او پرسید که چه نام داری گفت محمد پرسیدند چه کنیت داری گفت ابو علی حضرت فرمود که خود را
از شیطان در حظیره محکمی در آورده بدرستی که هرگاه شیطان میشنود که کسی را آواز میکنند یا محمد یا علی آب می شود چنانچه قلع
آب می شود تا آنکه بشنود که کسی را آواز میکنند بنام یکی از دشمنان ما شادی میشود و فخر میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی
بحضرت صادق علیه السلام گفت خدا پسری بمن داده است فرمود که مبارک باشد چه نام کرده او را گفت محمد حضرت سر را بجانب
زمین فرود آوردند و مکرر اسم محمد را میگفتند تا نزدیک شد که روی ایشان بر زمین برسد پس فرمود که جان خودم و
فرزندانم و زنانم و پدر و مادرم و جمیع اهل زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله باد چون او را چنین نام مبارکی کرده
او را دشنام مده و او را مزن و بد باو مرسان و بدانکه هیچ خانه نیست که در آنجا نام محمد باشد مگر آنکه هر روز آنخانه را
مقدس و مطهر میگردانند و در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از نام گذاشتن
باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و فرمود که دشمن ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و نهی فرمود از چهار کنیت
ابو عیسی و ابو الحکم و ابو مالک و ابو القاسم در وقتی که نام محمد باشد که نام و کنیت هر دو موافق حضرت رسول صلی الله علیه و آله
باشد و در حدیثی وارد شده است که یاسین نام نکنند که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که هر گروهی که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد باشد یا حامد یا محمود یا احمد البته آنچه خیر است رای ایشان
بر آن قرار میگیرد و فرمود که فرزندی را که محمد نام کنید او را گرامی دارید و جا از برای او در مجلس بگشائید و روی بسوی او
ترش مکنید و فرمود که هر اهل بیتی که در میان ایشان نام پیغمبری باشد البته حق تعالی هر روز صبح و شام ملکی میفرستد که دعا کند برای
ایشان بتقدس و پاکی و در فقه الرضا مذکور است که نام را در روز هفتم تعیین کنید و بدانکه از جمله اعمالی که در وقت ولادت سنت

موکد است

موکد است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و چون آن است که نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و سرش را
اول بشوید و بعد از آن جانب راستش را و بعد از آن جانب چپش را **فصل نهم** در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک بدانکه عقیقه
فرزند سنت موکد است بر کسی که قادر بر آن باشد و بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند تا بلوغ طفل
بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر خودش را سنت است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسی که او را
فرزندی بهم رسد و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر نکنند او در معرض مردن و انواع بلاهاست و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که عقیقه لازم است بر کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آن که بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر او چیزی نیست و اگر
عقیقه برای او نکنند تا وقتی که قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه مجزیست و در حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب
کردیم گوسفند برای عقیقه و بدست نیامد چه میفرمائید که تصدق کنیم قیمتش را فرمود که نه طلب کنید تا بیابید که خدا دوست میدارد خورانیدن
طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر پرسیدند که فرزندی که در روز هفتم میمیرد عقیقه اش میباید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد
و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقول است که بخدمت آنحضرت عرض کرد که نمیدانم پدرم برای من عقیقه کرده است
یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که فرزند را در روز هفتم نام میگذارند و عقیقه
میکنند و سرش میتراشند و موی سرش را با نقره میکشند و آن نقره را تصدق میکنند و پا و ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده است
در زائیدن میفرستند و باقی را انچه از مردم میدهند و تصدق میکنند و در حدیث موثق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولد
شود عقیقه میکنی در روز هفتم گوسفندی یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و بوزن موی سرش طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث
دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را بقابله میدهد و اگر بی قابله زائیده باشد از ابا در میدهد که هر که خواهد بدهد و اقلا بخورد ده کس
از مسلمانان میدهد و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمیخورد و اگر قابله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند باو میدهد
و مشهور میان علما آن است که عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بز میباید باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلعم
در روز ولادت اذان در گوش حسنین صلوات الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها در روز هفتم عقیقه از برای ایشان کردند
و بقابله پای گوسفند را دادند با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنجساله یا در ششم باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یکساله یا در دوم باشد یا بیشتر
و اگر گوسفند باشد اقلا ششماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام داشته باشد بهتر است و میباید که خصیه اش را نکشیده
باشند و بهتر آن است که نمالیده باشند و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار لنگ نباشد که بر آن راه رفتن

دشوار باشد امّا در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد
خوب است غرض گوشت است هر چند فربه تر باشد بهتر است و مشهور میان علما آن است که سنت است که عقیقهٔ پسر نر باشد
و عقیقهٔ دختر ماده باشد و گمان فقیر این است که از برای هر دو نر بهتر است موافق احادیث معتبرهٔ بسیار وارد شده است
که از برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آن است که از طعامی
که در آن پخته باشند نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است و بهتر آن است که عیال پدر و مادر هم که در خانهٔ ایشان میباشند
از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است که استخوانهایش را نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام
تصدق نکنند و اقلش آنست که با آب و نمک بپزند بلکه محتملست که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند هم خوبست
و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کنند تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی که
بخورند عقیقه حاضر میشوند فقیر باشند امّا صلحا و فقرا از طلبیدن بهتر است و مشهور آن است که سنت است که اوّل سر
بتراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر تراشیدن و عقیقه را کشتن و موی سر را بطلا و نقره کشیدن
و تصدق در یکجا و یک وقت میباید کرد و در سر تراشیدن سنت است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی
وارد شده است که طفلی را نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آوردند که برای او دعا کند و آن طفل کاکل داشت حضرت
برای او دعا نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند امّا در روایتی وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای
امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما دو گیسو در جانب چپ سر ایشان گذاشته بودند و در روایت دیگر در میان سر و ممکنست
که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن اوّل کراهت داشته باشد و در روایتی وارد شده است که سنت است
زعفران بر سر او بمالند بعد از تراشیدن سر و در احادیث بسیار نهی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر سر طفل
که آن عمل جاهلیت است و در روایت معتبر مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در وقت کشتن گوسفند عقیقه
اینَدعا بخوانند بسم الله و بالله اللهم عقیقة عن فلان و نام او را بگوید لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه اللهم اجعلها
وقاءً لآل محمد علیه و آله السلام و در روایت معتبر دیگر فرمود که این دعا بخوانند بسم الله و بالله و الحمد لله و الله اکبر ایمانا بالله
و ثناءً علی رسول الله صلی الله علیه و آله و العصمة لامره و الشکر لرزقه و المعرفة بفضله علینا اهل البیت پس اگر پسر باشد
بگوید اللهم انک وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت و کلما صنعنا فتقبله منا علی سنتک

وسنة

وسنة نبیک و رسولک صلی الله علیه و آله و اخسأ عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک و الحمد لله رب العالمین
اللهم لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه و شعرها بشعره و جلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان بن فلان و بجای فلان بن فلان
نام طفل و پدرش را بگوید و در حدیث موثق فرمود که این دعا بخوانند یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی
فطر السموات و الارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له
و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهم منک و لک بسم الله و بالله و الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل من فلان
بن فلان و نام فرزند را ببرد و از ان بکشد **فصل دهم** در ختنه کردن پسران و دختران و سوراخ کردن گوش ایشان
و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم سنت مؤکد است ختنه کردن پسران و اگر در هفتم نکنند هم سنت است بعد از آن تا بالغ
شدن طفل و بعد از بالغ شدن بر خودش واجب است و بعضی گفته اند که نزدیک بلوغ بر ولی طفل واجب است و ختنه کردن
دختران نیز سنت و مستحب است که اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ کردن نرمهٔ گوش است و بالای گوش هم از برای پسران
سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم که پاکتر میکند
بدن طفل را و گوشت در بدن او زودتر میروید و زمین کراهت دارد از بول کسی که ختنه نکرده باشند و در حدیث صحیح فرمود که
گوش پسران را سوراخ کردن و در روز هفتم ختنه کردن از سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زمین نجس
میشود از بول کسی که ختنه نکرده باشد چهل روز و در حدیث دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که پسر را در روز هفتم ختنه کردن سنت است و اگر پس اندازند هم باکی نیست
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که کسی که مسلمان شود ختنه اش میکنند اگرچه هشتاد سال داشته باشد و در چند
حدیث وارد شده است که ختنه کردن در مردان سنت است و در زنان سنت نیست اما باعث این میشود که نزد شوهران
گرامی باشند و چه چیز از این بهتر میباشد و در روایتی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که ختنه نکنند زنان را
مگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقولست که چون زنان بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله هجرت کردند زنی آمد
که او را ام حبیب میگفتند و زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیب آن کاری که داشتی هنوز داری گفت
بلی یا رسول الله مگر آنکه نهی فرمائی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلالست بیا تا ترا بیاموزم که چه باید کرد چون
ختنه کنی زنان را بسیار مبر و اندکی بگیر که رو را نورانی میکند تر و رنگ را صافی تر میکند و نزد شوهر عزیزتر میباشد

پس ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطگی میکرد حضرت باو فرمود که چون مشاطگی کنی برای جلا دادن پارچهای جامه بر روی ایشان مالیدن
خوب نیست آبروی ایشان را میبرد و موهای دیگران بموهای ایشان پیوند مکن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در وقت ختنه
کردن پسران این دعا بخوانند و اگر در آنوقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند اللهم هذه سنتک و سنة نبیک
صلواتک علیه و آله و اتباع منا لک و لنبیک بمشیتک و بارادتک و قضائک لامر اردته و قضاء حتمته و امر انفذته و اذقته حر الحدید
فی ختانه و حجامته بامر انت اعرف به منی اللهم فطهره من الذنوب و زد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الاوجاع عن جسمه و زده من الغنی
و ادفع عنه الفقر فانک تعلم و لا نعلم و از حسین بن خالد منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کرد که تهنیه و مبارکباد فرزند را
در چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن علیه السلام متولد شد جبرئیل برای تهنیت او بحضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد در روز
هفتم و امر کرد که او را نام بگذارد و سرش را بتراشد و عقیقه از برای او بکند و گوشش را سوراخ کند و همچنین در ولادت امام حسین علیه السلام در
روز هفتم جبرئیل آمد و باینها امر کرد و ایشان را دو گیسو بود در جانب چپ سر و در گوش راست در نرمه گوش سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای
گوش و از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه منقولست که اگر پسری را ختنه کنند و باز غلاف بروید و سر حشفه را پنهان کند میباید بار دیگر
ختنه کنند او را زیرا که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول کسی که حشفه اش در غلاف باشد تا چهل صباح و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که کسی که ختنه نکرده باشد پیشنمازی مردم نکند و گواهیش مقبول نیست و اگر بمیرد بر او نماز نکنند زیرا که بزرگترین سنتهای پیغمبر را ترک کرده است
مگر آنکه از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اول زنی را که ختنه کردند هاجر بود مادر اسمعیل که ساره مادر اسحق از
روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی حسن او شد و از آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند در آداب
شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت ایشان و بدانکه منتهای شیر دادن فرزند دو سالست و مشهور میان علما آنست که
بی عذری زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آنکه آزاری داشته باشد و مضطر باشد و از بیست و یکماه کمتر ندهند مگر آنکه ضرورتی
باشد که دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت او نباشد و مادر شیر نداشته یا آزاری داشته باشد و جمعی از علما واجب میدانند که مادر بفرزند
بخوراند از شیر اول که به پستانش می آید و گفته اند که اگر آن شیر را ندهند فرزند باقی نمی ماند یا قوت نمی یابد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که نافعتر و مبارکترین شیرها برای فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدند
که مادر اسحق فرزند خود را شیر میدهد فرمود که ای مادر اسحق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان بشیر بده که یکی بعوض طعام است و یکی بعوض
آب و فرمود که هر چه از بیست و یکماه کمتر بفرزند شیر میدهند بفرزند ظلم است بر طفل و در حدیث دیگر فرمود که دایه بگیرید بفرزندان شما

و دایه یهودی

و دایه یهودی و نصرانی میتوان گرفت اما فرزندان ایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع میباید کرد ایشان را از خوردن شراب و گوشت
خوک و سایر چیزهائی که حرام است در دین مسلمان و ایشان حلال میدانند و در احادیث معتبره نهی کرده است از شیری که از زنا بهم رسیده باشد
و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر کنیزی زنا کند و فرزندی بهم رساند اگر صاحب کنیز حلال کند کنیز خود را با مردی که زنا کرده است آن شیر را
بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است که از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسیده باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از شیر
زن احمق و با زنی که چشمش معیوب باشد زیرا که شیر تاثیر میکند در فرزند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که دایه بگیرید که بصورت و سیرت
نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرایت میکند و طفل شبیه میشود بدایه در صورت و سیرت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرزند خود را تا هفت
سال بگذار تا بازی کند و بعد از آن تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیک شد دیگر سعی کن و اگر نه امید خیری از او نیست و در حدیث
دیگر فرمود که هفت سال بگذار تا بازی کند و هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام خدا را باو بیاموز و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که طفل را هفت سال نگاهداری و تربیت بدنش میباید کرد و هفت سال دیگر آداب باو میباید
آموخت و هفت سال دیگر خدمت باو میباید آموخت و تا بیست و سه سال قدش بلند میشود و تا سی و پنجسال عقلش زیاد میشود و دیگر بعد از آن
او را تجربها حاصل میشود و در روایت دیگر وارد شده است که پسران که شش ساله شدند میباید که با یکدیگر ایشان را در یک لحاف نخوابانید
و در روایت دیگر وارد شده است که پسران و دختران که ده ساله شوند باید که رختخواب ایشان را جدا کنند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که فرزندان خود را زود احادیث بیاموزید پیش از آنکه مخالفان مذهب ایشان را گمراه کنند و در احادیث معتبره وارد شده است
که تادیب کنند فرزندان خود را بر محبت علی بن ابیطالب صلوات الله علیه اگر قبول کنند نظر کنید در امر مادرهاشان یعنی این علامت
فرزند زناست که قبول محبت امیر المؤمنین علیه السلام نکنند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که محبت ما اهلبیت را در حق دل خود
بیابد مادرش را دعا کند که با پدرش خیانت نکرده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق فرزند بر پدر آنست که او را
بنام نیکو بخواند و نیکو تادیب کند و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقولست که سکونی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آمد و گفت من محزونم پرسید که سبب غم تو چیست گفت خدا بمن دختری عطا کرده است فرمود که ای سکونی زمین او را برمیدارد و روزیش
بر خداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی تو را نمیخورد پس فرمود که او را چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمودند که آه آه و دست
بر پیشانی گذاشتند و فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که حق فرزند بر پدر اگر پسر باشد آنست که مادر نیک برای او
بگیرد و نامش را نیک تعیین کند و قران باو بیاموزد و او را ختنه کند و شناگری یاد دهد او را و اگر دختر باشد مادر نیک برای او

قرار دهد و نامش را نیک کند و سوره نور را بیاد او دهد و سوره یوسف را بیاد او ندهد و در بالاخانه او را جا ندهد و زود او را
بخانه شوهرش فرستد و پیغمبر فرمود که چون فرزند خود را فاطمه نام کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و مزن و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بفرزندان خود بیاموزید شناکردن و تیرانداختن را
و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که شوخی و کج خلقی طفل علامت آن است که در بزرگی دانا و بردبار خواهد شد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله مرویست که پدر و مادر را نیز عقوق فرزند میباشد و عاق فرزندان میشوند چنانچه فرزندان عاق پدر و مادر
میشوند و فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزند خود را در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت کند فرزند خود را در نیکی او راوی عرض کرد
که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از او بعمل آید قبول کند و کاری که بر او دشوار باشد و نکند از او درگذرد
و تکلیفهای دشوار باو نکند و سفاهت و تندی با او نکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع
عرض کرد که با کی نیکی کنم فرمود که با پدر و مادرت گفت ایشان مرده اند فرمود که با فرزند خود نیکی کن و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید بایشان و اگر وعده کنید بایشان وفا کنید
بآن که ایشان گمان میکنند که شما روزی میدهید ایشان را و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خدا غضب نمیکند برای
چیزی مثل آنکه غضب از برای ظلم طفلان و زنان میکند و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
فرزند خود را ببوسد خدا حسنه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را در قیامت شاد کند و هر که قرآن
بفرزند خود بیاموزد در قیامت پدر و مادر را طلبند و دو حله بایشان بپوشانند که از نور آن دو جامه روی اهل بهشت
روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت هرگز اطفال خود را نبوسیده ام
چون او رفت حضرت فرمود که این مرد نزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی داشته باشد باید که با او
طفلانه بازی کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه بسیار دوست دارد فرزند خود را
و در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دید شخصی را که دو پسر داشت و یک پسر را بوسید و دیگری را
نبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم مهربانی نکردی و بدانکه بهتر آن است که در میان فرزندان زیادتی قرار ندهد مگر آنکه یکی
عالمتر و صالحتر باشد و باین سبب او را زیادتی دهد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون پسر

سه ساله شود باو بگویند که هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد باو میگویند که هفت مرتبه
بگوید محمد رسول الله پس چون چهار سالش تمام شود باو میگویند که هفت نوبت بگوید صلی الله علی محمد و آله پس چون پنج سالش تمام شود او را میدارند
که خدا را سجده کند پس چون شش سالش تمام شود نماز بیادش میدهند و بنماز میدارند و چون هفت سالش تمام شد وضو را باو یاد میدهند
و امر بنماز میکنند او را و چون نه سالش تمام شد و وضو و نماز خوب بیادش نیست و بترک وضو و نماز میزنندش پس چون وضو و نماز یاد گرفت
خدا پدر و مادرش را می آمرزد و در روایتی منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه نهی فرمود از آنکه حربه آهن باطفال بپوشانند یا بدست
ایشان بدهند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چربی و کثافت دست و روی اطفال را در شب پیش از خواب بشوئید که شیطان می آید و ایشان را
بو میکند و در خواب میترساند و ملائکه نویسندگان اعمال متأذی میشوند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ببازار رود و تحفه بخرد و برد
و برای عیال خود بخانه آورد چنان است که تصدقی برای جمعی از فقرا برداشته بایشان رسانیده است و باید که اول بدختران بدهد پیش از پسران
بدرستی که هر که دختر را خوشحال کند چنان است که بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده است و کسی که دیده پسری را روشن کند و او را شاد
گرداند چنان است که از ترس خدا گریسته باشد و هر که از ترس خدا گرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که باطفال خود بخورانید قاوت که گوشت در بدن ایشان میرویاند و استخوان ایشان را محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود
که انار بخورانید بایشان که زودتر ایشان را بحد جوانی و قوت میرساند و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت
کرده است که اگر طفل گریه بسیار کند یا از چیزی در خواب ترسد یا کسی از درد بیداری را مبتلی شود این آیه را بخوانند فضربنا علی آذانهم فی الکهف
سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و در احادیث معتبره وارد شده است که دختری که شش ساله شود مرد نامحرم
او را نبوسد و در دامن ننشاند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در مجلسی بودند دختری را بمجلس آوردند و مردم میبوسیدند
و در دامن می نشانیدند چون نوبت بحضرت رسید پرسید که چند سال دارد گفتند که پنج سال حضرت او را دور کردند و نبوسیدند و در
دامن ننشانیدند و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر که شش سالش تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نخواباند که بمنزله زناست
و در حدیث معتبر وارد شده است که دختر که شش ساله شد پسران او را نبوسند و پسر که از هفت بگذرد زنان او را نبوسند و در احادیث
معتبره وارد شده است که ملعونست کسی که عیال خود را ضایع گذارد و خرج ایشان را ندهد با قدرت و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که عیال آدمی
اسیران اویند پس کسی که خدا نعمتی باو کرامت کند بر اسیران خود توسعه کند اگر نکند بزودی آن نعمت از او زایل شود و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله را بکشد حاجب او باشد از آتش جهنم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در بهشت درجه هست

که بآن درجه نمیرسد مگر نه کس امام عادل و خویشی که احسان بخویشان خود کند و صاحب عیالی که بر خرج و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که پنج کس‌اند که نفقه ایشان دادن واجب است فرزند و پدر و مادر و زن و بنده و فرزند شامل فرزندان فرزندان هم هست هر چند پایین رود و پدر و مادر شامل
جد و جده پدری و مادری هست هر چند بالا رود   در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت ایشان بدانکه رعایت
حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دین است و ایشان را از خود راضی کردن از جمله اشرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشان را از خود آزرده
داشتن از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند که کافر شو در این باب اطاعت ایشان مکن
اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا وصیتی بکن حضرت
فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند ترا با آتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگویی و دلت بر ایمان ثابت باشد و ترا وصیت میکنم
که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی کنی خواه زنده باشند و خواه مرده باشند هر چند ترا گویند که از زن و مال خود بگذر بکن که این از جمله ایمانست
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود آنکه نام او را نگوید و پیش از او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند
او ننشیند و کاری نکند که مردم به پدرش دشنام دهند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چه مانع است احدی از شما را که احسان کند بپدر و مادر خود
خواه زنده باشند و خواه مرده بآنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند و حج بنیابت ایشان بکند و روزه از برای ایشان بدارد و آنکه میکند هم
ثوابش بانها عاید میشود و هم بخودش و بسبب این نیکی که با ایشان کرده است خدا ثواب بسیار باو میدهد و در حدیث حسن فرمود که شخصی بحضرت
رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله با کی نیکی کنم فرمود با مادرت تا سه مرتبه پرسید و چنین فرمود و در مرتبه چهارم فرمود که با پدرت و در
حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن
در راه خدا که اگر کشته شوی نزد خدا زنده خواهی بود و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزدت بر خداست و اگر زنده برگردی
از گناهان بدر می‌آیی مانند روزی که از مادر متولد شده گفت یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا
شوم حضرت فرمود که پس با مادر و پدر خود باش بحق آن خداوندی که جانم بدست قدرت اوست که انسی که ایشان یکشبانه روز با تو داشته باشند
بهتر است از یکسال جهاد کردن در راه خدا و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی جزای حق پدر را نمیتواند داد مگر بدو چیز یکی آنکه پدر بنده باشد
و او را بخرد و آزاد کند یا بر او قرضی باشد و ادا کند و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ وجه در آن رخصتی نداده است اول
پس دادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار باشد و خواه بدکردار دویم وفا بعهد کردن خواه با نیکوکار خواه با بدکار سیم نیکی با پدر و مادر
کردن خواه نیکوکار و خواه بدکردار و در حدیث دیگر فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر آن است که اف بر روی ایشان بگویی و فرمود که چون

روز قیا

روز قیامت شود پرده از پردهای بهشت را بگشایند پس هر صاحب جانی بوی آن را از پانصد سال راه بشنود مگر کسی که عاق پدر
و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی که از روی خشم و غضب نظر بسوی پدر و مادر کند در وقتی که بر او ظلم کنند ایشان خدا
هیچ نماز او را قبول نکند و در حدیث دیگر فرمود که از عقوق است آنکه کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که پدرم دید که شخصی پسرش با او راه میرود و تکیه بر دست پدر کرده است پدرم دیگر با آن
پسر سخن نگفت تا زنده بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما نیز با شما نیکی کنند و از زنان
دیگران عفت کنید تا زنان شما عفت کنند و فرمود که هر که خواهد که خدا سکرات مرگ را بر او آسان کند باید که با خویشان
خود احسان کند و با پدر و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حق تعالی بر او آسان کند و هرگز در زندگانی او باو پریشانی
نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چهار خصلت است که هر که از مؤمنان در او آن خصلتها جمع شود حق تعالی
در اعلای مراتب بهشت در بلندترین غرفهای عزت و شرف او را جای دهد کسی که یتیمی را پناه دهد و متوجه احوال او گردد
و از برای او بجای پدر باشد و کسیکه ضعیف و شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را متکفل شود و کسیکه خرج پدر و مادر خود را
بکشد و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسی که بنده خود را یاری کند و مباهات و تندی با او نکند و
اعانت کند او را بر خدمتهائیکه میفرماید او را و کاری که بر او دشوار باشد با او نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
که سه دعاست که البته مستجابست دعای پدر و مادر برای فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق ایشان باشد و نفرین
مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسیکه انتقام او را از ظالم کشد و دعای مؤمنین که برای برادر مؤمن دعا کنند که او را از برای
رعایت ما اهل بیت شریک در مال خود ساخته باشد و نفرین مؤمن بر کسی که برادر مؤمنش باو محتاج شده باشد و قدرت داشته باشد
که او را اعانت کند و نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بسوی
پدر و مادر نظر کند بهر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر چند روزی صد مرتبه نظر
کند فرمود که خدا بزرگتر و کریمتر است و در حدیث دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادتست و نظر کردن بسوی پدر و مادر از
از روی مهربانی و ترحم عبادتست و فرمود که سه گناهست که عقوبتش زود در دنیا باینکس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن
بر مردم و کفران نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در میان بنی اسرائیل عابدی بود
که او را جریح مینامیدند و در صومعه خود پیوسته مشغول عبادت بود روزی مادرش نزد او آمد و او مشغول نماز بود آواز داد او

جوانش از بار دیگر آمد و او را طلب کرد باز مشغول نماز شد و جوابش نداد پس بار سیم آمد و او را طلب کرد باز با او سخن نگفت و مشغول نماز بود و مادرش گفت که از خدای بنی اسرائیل میخواهم که ترا باین گناه بگیرد و روز دیگر زن زناکاری در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعه او نشست و فرزندی زائید و گفت این فرزند جریح است با من زنا کرد و این فرزند از او بهم رسید در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آن کسی که مردم را بر زنا ملامت میکرد خود زنا کرد و پادشاه فرمود که او را بردار کشند پس مادرش آمد و بر روی خود میزد جریح گفت خاموش باش که این بلا بنفرین تو متوجه من شده است چون این را شنید از سبب آن واقعه رسید عابد انکار کرد آنچه گذشته بود گفتند ما چون بدانیم که تو راست میگوئی گفت آن طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد از او سوال کرد که فرزند کیستی طفل بامر الهی بسخن آمد و گفت فرزند فلانکس که شبانی گوسفندان فلان میکند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که تا زنده باشد خدمت مادر بکند و از مادر جدا نشود و احادیث در حق پدر و مادر زیاده از آن است که استیفا توان نمود

باب پنجم در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و امثال آن

فصل اول در بیان فضیلت

مسواک کردن در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مسواک کردن از سنت پیغمبران است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که همیشه جبرئیل مرا امر بمسواک میفرمود تا آنکه ترسیدم که دندانهایم کنده شود یا بریزد و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا امر بمسواک کرد که گمان کردم که بر امت من واجب خواهد کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که در مسواک دوازده خصلت است از سنت پیغمبر است و پاک کننده دهان است و جلا دهنده چشم است و موجب خوشنودی پروردگار است و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاد میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را مضاعف میگرداند و بوست اندختن و پوسیدن دندان را میبرد و بن دندان را محکم میکند و اشتهای طعام را زیاد میکند و ملائکه با آن خوشنود میشوند و در حدیث دیگر فرمود که آب رفتن چشم را برطرف میکند و نور چشم را زیاد میکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چرا من دندانهای شما را زرد می بینم چرا مسواک نمیکنید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی و بسند معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام و امام رضا علیه السلام منقول است که از سنتهای حنیفیه حضرت ابراهیم ده چیز است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس مسواک کردن و شارب گرفتن و موی سر را دو حصه کردن که جای مسح گشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهان گردانیدن و استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است پس ختنه کردن و پشت زهار را تراشیدن و موی زیر بغلها را ازاله کردن و ناخن گرفتن و استنجا کردن و در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج که در بدن است موهای بدن را ازاله کردن و ختنه کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و با آب استنجا کردن و از حضرت صادق از رسول صلی الله علیه و آله منقول است که اگر نه این بود که بر امت من دشوار میشد هر آینه

واجب میگردانیدم که در وقت هر نماز مسواک کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بنماز شب برخیزی مسواک بکن که ملک می آید و دهان خود را بر دهان تو میگذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر میخوانی باسمان میبرد پس باید که دهان خوشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود امام موسی ع سوال کرد که آیا میتواند کسی که بنماز شب برخیزد و بانگشت مسواک کند و او تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در اول پیش از فوت ترک مسواک کرد بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند و دردهای بدن را میبرد که ذکر خواندن و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبران است بوی خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خانه کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای بدبوی کافران او وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعوض ایشان جماعتی را بسوی تو خواهم فرستاد که دهانهای خود را بچوب درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل مسواک و خلال از برای آنحضرت آورد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که شخصی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که مسواک را پیش از وضو میباید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد بعد از وضو مسواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقول است که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملک می آید و دهان بر دهان او میگذارد و آنچه میگوید بخاطر نگاه میدارد و اگر مسواک نکند بکناری می ایستد و قرائتش را می شنود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که دو رکعت نماز با مسواک باشد بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بی مسواک باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مسواک کند باید که بعد از آن مضمضه بکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص مسواک را بعرض دندانها میمالیدند و از حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که مسواک کردن در بیت الخلا موروث گند دهان است و منقول است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که مسواک کردن در حمام دندانها را میریزد و فرمود که مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگر چه بیک مالیدن باشد

فصل دویم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که سه چیز است که هر که لذتشان را یافت ترک نمیکند موی را از بیخ گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موی سر را از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردن کلفت کننده شود و دیده ات جلا یابد و بدنت راحت یابد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که من هر جمعه سر میتراشم و در حدیث دیگر فرمود که موی پشت سر را تراشیدن غم را زایل میکند و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی ع منقول است که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف میکند و نورش را کم میکند و در فقه الرضا علیه السلام منقول است مذکور است که چون حجا

که موی سر را بتراشی رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی و بتراش تا دو استخوان که از پهلوهای گوش بلند شده اند
و در حین شروع اینده عا بخوان بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله وسنته حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین
اللهم اعطنی بکل شعرة نورا ساطعا یوم القیمه پس چون فارغ شوی بگو اللهم زینی بالتقی وجنبنی الردی وجنب شعری و
بشری المعاصی وجمیع ما تکره منی فانی لا املک لنفسی نفعا ولا ضرا و در روایت دیگر منقولست که در وقت شروع این دعا
بخواند بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمه و چون فارغ شود بگوید اللهم
زینی بالتقوی وجنبنی الردی فصل در آداب موی سر نگاه داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی
و عذری حرام است موی سر را تراشیدن و مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهترست یا
آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند بآنکه بشویند و شانه کنند و موی پیش سر را دو حصه کنند که در میان سر ته مو
ظاهر شود و چون در اول اسلام سر را تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب و پیغمبر و امام نیز باید کاری بکنند که در نظرها
قبیح نماید حضرت رسول صلی الله علیه وآله موی سر را بقدر چهار انگشت میگذاشتند در حج و عمره میتراشیدند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هرکه موی سر را بلند بگذارد نیکو رعایت و تربیتش بکند یا آنکه از ته
ببرد و بلند نگذارد و در چندین حدیث وارد شده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت رسول صلعم
موی سر را دو حصه میکردند و میانش را میگشافتند فرمود که آنحضرت مو را آنقدر بلند نمیگذاشتند که احتیاج باین شود بلکه
آنقدر بلند میگذاشتند که بنرمه گوش میرسید و هیچیک از پیغمبران موی سر را نگاه نمیداشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که
هرکه موی سر را بلند بگذارد و میانش را نگشاید حق تعالی در قیامت باره از آتش بگشاید و در حدیث دیگر وارد شده است
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از آنکه زنی که بحد بلوغ رسیده باشد بروش مردان جمیع موهای سر را در پیش
سر یا میان سر یا در اطراف سر گره بزند و بیاویزد و در حدیث دیگر منقولست از آنحضرت که نهی فرمود از کاکل گذاشتن
و مو را در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب آنکه مو را در پیش سر
گره میزدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است که نقش خضاب آن باشد که متعارفست در میان زنان عرب که سوزن مراد از
بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر آن در آن میریزند که رنگش میماند و احتمال دارد که نقشهای حنا را هم شامل باشد و در حدیث
دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موی بالای پیشانی خود را میبرد و یا میکند و موهای رو را
میکند

میکند برای زینت یا آنکه کیس خود را باکیس بافند فرمود که باکی نیست و در رد و حدیث دیگر فرمود که اگر با پشم یا موی
حیوانات یا موی همان زن خودش بیافند باکی نیست اما با موی زن دیگر نبافند و موی زن دیگر با موی خود پیوند نکنند
و بدانکه اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد در حال نماز نمیباید باو نباشد که در آن نماز کردن جایز
نیست مگر آنکه از پشم و موئی باشد که پیش مذکور شد که نماز در آن میتوان کرد فصل در فضیلت شارب گرفتن
بدانکه شارب گرفتن یعنی موی لب بالا را گرفتن از ته سنت مؤکد است و هرچند از ته بگیرد بهترست و از حضرت رسول صلعم
منقولست که شارب خود را دراز نکنید که شیطان در آن جا میکند و پنهان میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که شارب گرفتن رفع غم و وسواس میکند و از سنت حضرت رسول صلی الله علیه وآله است و حضرت رسول صلی الله علیه وآله
فرمود که سنت است گرفتن موی شارب تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت صادق علیه السلام شارب را آنقدر میگرفتند
که بته مو میرسید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که ناخن گرفتن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعه دیگر امان میدهد
از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود
حضرت فرمود که شارب و ناخن بگیر و باید که در روز جمعه باشد و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که هرکه ناخن و شارب
در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد وآل محمد بعدد هر ریزه که از مو و ناخن او بریزد حق تعالی
ثواب یک بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کردن باو عطا فرماید و بیمار نشود مگر به بیماری مرگ و از حضرت رسول صلی الله علیه
وآله منقولست که هرکه در روز شنبه و پنجشنبه شارب بگیرد عافیت دهد یابد از درد دندان و درد چشم و در حدیث دیگر
فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید و به یهودان و کافران خود را شبیه مگردانید و فرمود که از ما نیست
هرکه شارب خود را نگیرد فصل در آداب ریش بلند کردن بدانکه سنت است ریش را میانه گذاشتن نه بسیار بلند نه
بسیار کوتاه و زیاده از قبضه گذاشتن مکروه است و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آن است که تراشیدن ریش
اما بر رو و دو طرف لب پایین را تراشیدن جایز است و احوط آن است که اصلاح بسیار نکنند که شبیه بتراشیدن باشد نکنند
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آنچه از ریش که زیاده از یک قبضه است در آتش است و در حدیث دیگر منقولست
که دست در ریش بگیر و آنچه را که زیاده از یک قبضه باشد ببر و از محمد بن مسلم منقولست که گفت مصلی دیدم اصلاح ریش
حضرت امام محمد باقر علیه السلام میکرد حضرت فرمود که ریش را مدور کن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلعم

شخصی کذشت که ریش درازی داشت فرمودند که چه میشد اگر این مرد ریش خود را باصلاح میآورد چون این خبر باو رسید ریش را میانه
ساخت و بخدمت آنحضرت آمد حضرت فرمود که چنین کنید ریش خود را و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر
پهلوهای رو را اشک میکردند موی‌اش را از زیر زنخ را میچیدند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت ریش را اشک میکردند و انبوه
نمیکذاشتند و علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که از روی ریش میتوان گرفت که از عارض یعنی پهلوهای رو بلی و از
پیش رو نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که در زمان پیش گروهی بودند که ریشهای را
تراشیدند و شارب را میتابیدند حق تعالی ایشانرا مسخ کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون حق تعالی
توبه حضرت آدم را قبول کرد در سجده گذاشت و چون سر برداشت رو بآسمان کرد و گفت پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده گردان
پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی بهم رسید و روئید و پیشتر ریش نداشت گفت پروردگارا این چیست باو وحی رسید که این زینت تو
و زینت مردان فرزندان تست تا روز قیامت فصل ششم در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که پیش از زمان حضرت ابراهیم موی سفید در سر و ریش بهم نمیرسید پس گاه بود که
کسی بمجلسی میآمد و پدر و فرزندانش در آن مجلس حاضر بودند میان پدر و فرزندانش فرق نمیکرد و میپرسید که کدام یک از شما پدر شماست
چون زمان حضرت ابراهیم علیه السلام شد دعا کرد که خداوندا برای من موی سفیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس
موی سر و ریشش سفید شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اول کسیکه موی سفید در محاسنش بهم رسید حضرت ابراهیم بود
نظر کرد موی سفیدی در ریش خود دید گفت پروردگارا این چه چیز است خطاب باو رسید که این باعث وقار آدمیست گفت پروردگارا وقار
مرا زیاده گردان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حضرت ابراهیم موی سفید در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوندی را
سزاست که مرا باین سن رسانید و در یکچشم زدن معصیت او نکرده‌ام و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که موی سفید را
مکنید که آن نور مسلمانست و هر که یکموی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نوری باشد برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که سه کسند که خداوند عالمیان در روز قیامت با ایشان سخن نمیکوید و نظر رحمت بسوی ایشان نمی‌افکند و اعمال ایشانرا
نمی‌پسندد و برای ایشان عذاب الیم مهیاست کسی که موی سفید خود را بکند و کسی که با دست خود بازی کند که او را منی بیاید یا با جاهای
دیگر بدن خود و کسی که دیگران با او لواطه کنند و دور نیست که این حدیث محمول بر آن باشد که برای غرض فاسدی موی سفید را بکنند
زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که باکی نیست موی سفید را بریدن و کندن اما بریدنش را دوستر میدارم
از کندن

از کندن و در حدیث دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که کندن و بریدن هر دو باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه تجویز بریدن موی سفید میفرمود اما کندنش را مکروه میدانستند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که موی سفید در پیش سر میمنت است و مبارکست و در عارضها علامت سخاوت و جوانمردیست
و در جای زلف علامت شجاعت است و در پشت سر شومست و ظاهرا مراد ابتدای سفید شدن است فصل هفتم
در کندن موی بینی و بازی کردن با ریش در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که باید که هر کسی موی شارب
و موی بینی را بگیرد و باحوال بدن خود بپردازد که اینها باعث زیادتی جمال اوست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که موی
بینی را گرفتن رو را نیکو میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چهار چیز است که از وسواس شیطانست گل خوردن
و گل را بدست ریزه کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خائیدن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار دست
بر ریش مگذار که رو را معیوب و بدنما میکند فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع میکند و روزی را فراخ میکرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که برای این امر کرده‌اند
بناخن گرفتن که چون بلند شود شیطان در آن جا میکند و موروث فراموشیست و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سنت موکد است
ناخن گرفتن و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مردانرا میفرمود که ناخن را بگیرید و زنان را میفرمود
که اندکی بلندتر بگذارید که زینت شماست و در روایت دیگر وارد شده است که چندگاه وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه
و آله نازل نشد از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه وحی از من باز نه ایستد و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و چرک انگشتان را
ازاله نمیکنید فصل نهم در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از گرفتن
ناخن بدندان و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میکرداند از خوره و پیسی و کوری
و اگر احتیاج بگرفتن نداشته باشی بسای که ریزه‌ها بریزد و در حدیث دیگر فرمود که شارب و ناخن در هر جمعه بگیر و اگر نباشد از سوهان
و غیر آن حک کن تا دیوانگی و خوره و پیسی بتو نرسد و در حدیث دیگر فرمود که هر که در هر جمعه ناخن و شارب بگیرد پیوسته در طهارت باشد
تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر فرمود که ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن در هر جمعه فقر را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث
دیگر منقولست که با آنحضرت عرض کردند که خبر بما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از هر نماز صبح تا طلوع آفتاب نافعترست برای زیادتی
روزی از سفر کردن در شهرها حضرت فرمود که میخواهی چیزی بتو تعلیم کنم که از این هم نافعتر باشد گفتم بلی فرمود که ناخن و شارب را در هر جمعه بگیر

واگر چه لب مدن باشد و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که آزار چشم داشت فرمودند که میخواهی
ترا چیزی بیاموزانم که اگر بجا آوری هرگز درد چشم نبینی گفت بلی فرمود که در هر پنجشنبه ناخن بگیر آنشخص چنین کرد و هرگز درد چشم ندید و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام نیز منقولست که هرکه بر این مداومت کند از درد چشم نبیند هرگز و در حدیث معتبر وارد شده است که ناخن گرفتن ابتدا بانگشت
کوچک دست چپ بکند و بسا بگیرد و بانگشت کوچک دست راست ختم کند و در حدیث دیگر وارد شده است که هرکه در روز چهارشنبه
ناخن بگیرد و ابتدا کند بانگشت کوچک دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست چپ او را امان دهد از درد چشم و در روایت
دیگر وارد شده است که اگر در روز پنجشنبه باز ابتدا کند بناخن انگشت کوچک دست راست و بانگشت مهین بگیرد و پس ابتدا کند بانگشت
کوچک دست چپ و بانگشت مهین بگیرد امان یابد از درد چشم و دور نیست که اگر در روز چهارشنبه باشد ابتدا بانگشت دست چپ کردن
بهتر باشد و اگر در روز پنجشنبه گیرد ابتدا در هر دستی بانگشت کوچک آن دست بکند و اگر در روز جمعه یا سایر روزها گیرد ابتدا بانگشت کوچک دست
چپ بکند خوبست چنانچه علی بن بابویه گفته است و در حدیث دیگر منقولست که هرکه ناخنهای خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز
جمعه بگذارد خدا پریشانی را از او زایل گرداند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در روز سه شنبه ناخن بگیرد و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه ناخنهای خود را در روز جمعه بگیرد حق تعالی درد ها را از سر انگشتان او بیرون کند و دوا را داخل
کند و کسیکه در روز پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که ناخنها
را در روز جمعه گرفتن هر دردی را بر طرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن روزی را فراخ میکند و در حدیث منقولست که بحضرت امام موسی ع
عرض کردند که اصحاب ما میگویند که البته ناخن را در روز جمعه میباید گرفت فرمود که اگر خواهی در روز جمعه بگیر و اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی
اگر در روز دیگر دراز باشد و احتیاج بگرفتن باشد صبر نباید کرد تا روز جمعه چنانچه در حدیث دیگر وارد شده است
که هرگاه که بلند شود بگیر و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه در روز جمعه ناخن بگیرد و ریشه گون
بن ناخنها از او بر طرف میشود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هرکه هر پنجشنبه ناخن بگیرد
فرزندانش درد چشم نبینند و اگر کسی خواهد ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو را بیابد در روز پنجشنبه بگیرد و یکی را
برای جمعه بگذارد و یا همه را در پنجشنبه بگیرد و در جمعه سوهانی بر آن بمالد که ریزه چند بریزد و در وقت ناخن گرفتن
بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلیٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ چنانچه حدیث در این باب در شارب
گرفتن گذشت و آنچه مشهور است در ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهادت است پس
و بعد ازان

و بعد از ان انگشت کوچک و بعد از ان انگشت مهین و بعد از ان انگشت میانی و بعد از ان انگشت دیگر و در دست چپ اول انگشت بعد از ان
کوچک را بگیرد و پس انگشت مهین پس انگشت کوچک پس انگشت شهادت در اخبار اهل سنت چنین وارد شده است و آنچه پیش ذکر کردیم از اخبار
شیعه است عمل بآن کردن اولی است **فصل** در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزها که باید دفن کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در
تفسیر آیه کریمه الم نجعل الارض کفاتا احیاء و امواتا یعنی آیا نگردانیده ایم زمین را محل انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالتی که زنده اند و در حالتی که مرده اند
حضرت فرمود که مراد از حال زندگی دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که رسول خدا ص
امر فرمود ما را که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم مو و دندان و ناخن و خون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هفت چیز است که از
آدمی جدا میشود و آنها را دفن میباید کرد مو و ناخن و خون و حیض و بچه دان و دندان و نطفه که پاره خون شده باشد **فصل یازدهم** در فضیلت شانه
کردن موی سر و ریش در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن
بدحالی و پریشانی را زایل میکند و سر را شانه کردن بت را میبرد و ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که سر را بسیار شانه کردن بت را دور میکند و روزی می آورد و قوت جماع را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شانه کردن
شعر را بر طرف میکند و درد ها را میبرد و در حدیث دیگر فرمود که روزی را زیاد میکند و مو را زیاد میکند و نیکو میکند و حاجت را روا میکند و پشت را
محکم میکند و بلغم را قطع میکند و در روایت دیگر موجب بسیاری فرزند میشود و در حدیث دیگر فرمود که شانه کردن عارض دندانها را محکم
میکند و شانه کردن پایین ریش طاعون را از آنکس دور میگرداند و شانه کردن زلف وسواس سینه را میبرد و شانه کردن سر را بلغم را قطع میکند
فصل دوازدهم در آداب و اوقات شانه کردن و انواع شانه ها در حدیث معتبر منقولست که در میان جای نماز حضرت امام جعفر صادق ع
شانه بود که هرگاه از نماز فارغ میشدند شانه میکردند و در حدیث حسن از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست در تفسیر این آیه
کریمه خذوا زینتکم عند کل مسجد یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود که مراد از زینت شانه کردن پیش از هر
نمازی و در حدیث دیگر نزد هر نمازی واجب و سنتی و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه سر و ریش را شانه کنی شانه را بر سینه خود بکش
که اندوه و بیماری را میبرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکس ریش خود را هفتاد مرتبه شانه کند و بشمارد یکی یکی شیطان
تا چهل روز نزدیک او نیاید و در حدیث دیگر فرمود که در حمام شانه مکن که مو را تنک میکند و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه
اراده شانه کردن داشته باشد شانه را در دست راست بگیرد در حالتی که نشسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه
کند و بگوید اللهم حسن شعری و بشری و طیبهما و اصرف عنی الوباء پس عقب سر را شانه کند و بگوید اللهم لا تردنی

علی عقبی و صرف عنی کید الشیطان و لا تمکنه من قیادی فیردنی علی عقبی پس ابروها را شانه کند و بگوید اللهم زینی بزینة الهدی پس ریش را
از طرف بالا بزیر شانه کند و شانه را بر سینه بمالد و بگوید اللهم سرح عنی الغموم و الهموم و وحشة الصدر و وسوسة الشیطان
پس از پایین ریش بطرف بالا شانه کند و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که چون خواهی
که ریش را شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخوان و از طرف بالا بجانب پایین هفت
مرتبه شانه کن و سوره والعادیات بخوان پس بگو اللهم سرح تا آخر دعا و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که شانه را
هفت مرتبه بر سر و ریش و سینه بکشد دردی نزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که ایستاده شانه مکن که باعث
ضعف دل میشود و نشسته شانه کن دل را قوی میکند و پوست را نرم میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول ص
با آب شانه میکردند یعنی شانه را بآب فرو میبردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که در وقت شانه کردن ریش
سنت است که این دعا بخواند اللهم صل علی محمد و آل محمد و البسنی جمالا فی خلقک و زینة فی عبادک و حسن شعری و بشری و لا
تبتلنی بالنفاق و ارزقنی المهابة بین بریتک و الرحمة من عبادک یا ارحم الراحمین و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض شود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که ایستاده شانه کردن باعث
فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله ریش را از طرف پایین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت
مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که روزی را زیاد میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن ولید منقولست که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدم از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد فرمود که باکی نیست و از حسن بن عاصم منقولست که بخدمت امام موسی علیه السلام رفت
دیدم که حضرت شانه از استخوان در دست دارند و بآن شانه میکنند گفتم فدای تو شوم جماعتی در عراق هستند که شانه کردن از استخوان
فیل را حلال نمیدانند فرمود که چرا پدرم یک شانه یا دو شانه ازین داشت پس فرمود که شانه کنید با استخوان فیل که بت را میبرد و در احادیث
بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام بشانه استخوان فیل شانه میکردند و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بشانه نقره
و نقره نشان شانه کردن مکروهست **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن و گل بوییدن و روغن مالیدن **فصل اول** در بیان
سبب پیدا شدن بوهای خوش در زمین در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون آدم و حوا از بهشت بزمین
آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار گرفت و حضرت حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را شانه کرده
و بسته بود چون بزمین آمد گفت چه امید داشته باشم از شانه کی که در بهشت کرده ام و حال آنکه الحال خدا از من در خشم است گیسوهای
خود را گشو

خود را گشود پس آن بوی خوش که از گیسوی او فرو ریخت باد مغرب و مشرق برد و اکثرش را بزمین هند ریخت باین سبب اکثر بوهای خوش در هند
میروید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون حضرت آدم از آن درخت که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامهها و زیورهای
بهشت همه از او فرو ریخت پس یکی از برگهای بهشت را گرفت و عورت خود را بآن پوشانید چون بزمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ را
بهند رسانید و درختان و گیاههای هند را خوشبو گردانید و باین سبب گیاههای خوشبو در هند بیشتر است و اول جانوری که از آن برگ بهشتی
یا از آن گیاهها خورد آهوی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و خونش جاری شد تا آنکه جمع شد در پیش نافش و از آن مشک
بهم رسید **فصل دوم** در فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده که عطر و بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبران است
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را زیاد میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا
علیه السلام منقول است که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را در هر روز و اگر قادر نباشد یک روز نه و یک روز و اگر قادر نباشد در
هر جمعه البته این را ترک نکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبران است و گرامی داشتن
ملائکه است که اعمال آدمی را مینویسند بسبب آنکه ایشان از بوی خوش خوش می آید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که در اول روز بوی خوش بمالد تا شب
عقلش با او باشد و فرمود که یک نماز کسی که خوشبو باشد بهتر است از هفتاد نماز که بی بوی خوش باشد و فرمود که سه چیز است که بپیغمبران داده است
بوی خوش و زنان و مسواک و در حدیث دیگر فرمود که لازم است بر هر کسی که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و بوی چیزی از خوش خود بزند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چون روز جمعه میرسید و بوی خوش بنزد آن حضرت نبود روپاک بعضی از زنان را میطلبید که بوی خوش داشت تر میکرد
و بر روی مبارک میمالید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هر موضعی که سجده میفرمودند بعد از آن میشناختند آن موضع را
از بوی خوش آنحضرت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمودند که جبرئیل مرا گفت که یک روز در میان خود را خوشبو کن و در روز جمعه البته
ناچار است و ترک مکن و میفرمود که در روز جمعه البته خود را خوشبو کنید اگر از بوی خوش زنان باشد و زن عثمان بن مظعون بخدمت
آنحضرت عرض کرد که میخواهم بوی خوش و چیزی چند را از لذتها ترک کنم حضرت فرمود که ترک بوی خوش مکن که ملائکه بوی خوش مؤمن را
میبویند و هر جمعه البته ترک مکن و فرمود که هر چه صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص
زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمود که بوی خوش زنان باید که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش
ظاهر و رنگش مخفی باشد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که ناخن بگیرید در روز سه شنبه و حمام بروید در روز چهارشنبه و حجامت
بکنید در روز پنجشنبه و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردانید در روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چهار

حسنت که دل را قوی میکند و غم را زایل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه نظر کردن و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که باید زن مسلمان پیوسته برای شوهر خود خود را خوشبو کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در حضرت رسول صلعم
سه خصلت بود که در دیگری نبود اول آنکه آن حضرت را سایه نبود دوم آنکه از هیچ راهی نمیگذشت مگر آنکه دو روز یا سه روز که کسی از
آن راه عبور میکرد میدانست که آن حضرت از آن راه عبور نموده بود از بوی خوشی که در آن راه مانده بود سیم آنکه بهر سنگی و درختی
که میگذشت آن حضرت را سجده میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید
پیوسته لعنت الهی بر او باشد تا بخانه برگردد فصل سیم در کراهت رد کردن بوی خوش از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی
میتواند که بوی خوشی که از برای او می آورند رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوار نیست او را که رد کند کرامت را و در حدیث دیگر
فرمود که بنزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه آوردند روغن خوشبوئی حضرت گرفتند و بخود مالیدند و در آن زودی روغن
مالیده بودند و بعد از آن فرمودند که ما هرگز بوی خوش را رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله
رد نمیکردند بوی خوش و شیرینی را که برای آن حضرت می آوردند و از حسن بن جهم منقولست که گفت رفتم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
برای من ظرفی که در آن بوی خوش بود آوردند و فرمود که بردار و بر خود بمال قدری برداشتم و بر خود مالیدم فرمود که دیگر بردار
و در گریبان کردن خود بمال برداشتم و مالیدم پاره دیگر ماند فرمود که این را هم بر اینجا بمال بعد از آن فرمود که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه میفرمود که رد نمیکند کرامت را مگر خر گفتم کرامت کدامست فرمود که بوی خوش و بالشی که برای نشستن و تکیه
کردن تواضع کنند و مانند آن فصل چهارم در فضیلت مشک و عنبر و زعفران از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بوی
خوش مشک است و عنبر و زعفران و عود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه مشکدانی
از قلعی داشتند و هر وقت که اراده رخت پوشیدن میکردند آن را طلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر وارد شده است
که شیشه از مشک داشتند در جای نماز خود هر گاه بنماز برمیخواستند بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله آنقدر مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله مشکدانی داشتند که هر گاه وضو میساختند با دست تر آن را میگرفتند و چون بیرون می آمدند از بوی خوش
میدانستند که آنحضرت می آید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام حقه بیرون آوردند از آبنوس و در آن خانها بود
که در هر خانه بوی خوشی بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کرد که آیا مشک را

در روغنی

در روغنی که بر خود مالند داخل میتوان کرد فرمود که من میکنم و باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که باکی نیست که مشک داخل طعام کنند
و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند و در احادیث خلوق
وارد شده است و آن بوی خوشی بوده است که از چندین چیز بعمل می آورده اند و بیشتر جزوش زعفران بوده است و در بعضی
اخبار وارد شده است که مداومت بآن نکنند و در روایت دیگر وارد شده است که شب تا صبح بر بدن نگذارند
و دور نیست که این نهیها برای آن باشد که رنگش در بدن بسیار نماند فصل پنجم در فضیلت غالیه بسند موثق
منقولست که اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من [illegible] و غالیه بر خود میمالم برای آنکه
مرا فقیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش مساویست کمتر کن اندک غالیه گاهی بر خود بمال که کافیست او را
اسحق گفت که از بعد از آن بفرموده آنحضرت عمل کردم و سالی ده درهم غالیه بخرم و تمام سال بآن خوشبو شوم و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام شبی از خانه بیرون آمدند و جبه خز و عبای خز پوشیده بودند و ریش مبارک
خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنحضرت که در این شب باین هیئت از برای چه بیرون آمده اید فرمود
که میخواهم عبادت کنم و حوران بهشت را از خدا خواستگاری نمایم یعنی برای عبادت زینت و بوی خوش کردن است
و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که روغنی برای آنحضرت بعمل آوردند که در آن مشک و عنبر
داخل کرده بودند و فرمود که در کاغذی که آیة الکرسی و سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیه چند از
آیات حفظ نوشته بودند در میان غلاف شیشه آن روغن گذاشته بودند و پیوسته بریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا
فرمود که روغن را با مشک از برای آن حضرت بعمل آوردند و هفتصد درهم برآمد فضل بن سهل وزیر مامون بحضرت نوشت که مردم شما را در
این باب غیبت میکنند حضرت در جواب نوشت که مگر نمیدانی که یوسف پیغمبر خدا بود و جامه دیبای طلاباف میپوشید و بر کرسیهای
طلا می نشست و با اینها چیزی از حکمتش کم نشد پس حضرت فرمود که غالیه ساختند بچهار هزار درهم فصل ششم در فضیلت و آداب
روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که روغن مالیدن بشره را نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری
آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد و بدحالی و تنگی روزی را برطرف میکند و رو را نورانی میگرداند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که روغن مالیدن توانگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب میگرداند و رو را سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مؤمنی

روغن بمالد حق تعالی برای او بعدد هر موئی نوری بنویسد که در قیامت باو عطا فرماید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
روغن را بر کف دست بریزی بگو اللهم انی اسئلک الزین والزینة والمحبة واعوذ بك من الشین والشنئان والمقت
پس کف را بر بالای سر خود بگذارد و از آنجا ابتدا کند بروغن مالیدن و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را
بکف بریزی بگو اللهم انی اسئلک الزین والزینة فی الدنیا واعوذ بك من الشین والشنئان فی الدنیا والآخرة و در چند
حدیث نهی وارد شده است از مداومت بر روغن مالیدن در هر روز و در روایتی وارد شده است که ماهی یکبار بمالند
و در روایت دیگر هفته یکمرتبه یا دو مرتبه اما زنان را هر روز مالیدن بد نیست **فصل هفتم** در فواید روغن بنفشه در حدیث
حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شماست و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت
روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ماست بر سایر مردم و در حدیث دیگر مثل شیعیان ما بر سایر خلق و در روایت دیگر فرمود
که مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و فرمود که نیکو روغنی است روغن بنفشه بسیار بمالید که درد از سر و چشم میبرد
و در حدیث دیگر فرمود که از ناحیه آتش چیزی نمی آید که ما بیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقبه منقولست
که شخصی از بهتر زاده بود و در دماغش آفتی یافته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در دماغش بچکانید چنان کردند
شفا یافت بعد از آن فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است و در تابستان خنک است و برای شیعیان ما
نرم است و برای دشمنان ما خشک است و اگر مردم فضیلت آنرا بدانند هر آینه هر اوقیه از آن قیمتش یک اشرفی شود و حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اگر مردم فواید این
روغن را بدانند هر آینه از آن بسیار بخرند و در حدیث دیگر فرمود که گرمی تب را بشکنید در روغن بنفشه و در حدیث دیگر
منقولست که درد سر را زایل میکند و دماغ را باصلاح می آورد **فصل هشتم** در فواید روغن بان و زنبق بدانکه بان قسمی از بید است
که از آن روغن میگیرند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکو روغنی است روغن بان و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت
شکایت کرد از ترکهائی که در دست و پایش بهم میرسید فرمود که پنبه را بگیر و روغن بان بر آن بریز و بر ناف خود بگذار یا روغن را در ناف بریز
آنشخص یکمرتبه این کار کرد و آن آزار از او زایل شد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که روغن بان بر خود بمالد و در
پیش روی شیطان بخوابد بقدرت الهی باو ضرر نتواند رسانید و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بر خود بمالید روغن بان که آن
امانست از هر دردی و پیغمبران آن را استعمال میفرمودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن

زنبق

زنبق نیست و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی و امام رضا صلوات الله علیهما در بینی میچکانیدند و در روایت دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که در روغن زنبق منافع بسیار است و در آن شفا از هفتاد درد است و از حضرت صادق علیه السلام نیز مرویست که در
روغن زنبق شفای هفتاد درد است و ظاهر آن است که مراد زنبق سفید باشد که آنرا رازقی نیز میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد
شده است و از کلام بعضی ظاهر میشود که زنبق یاسمن سفید است **فصل نهم** در فواید سایر روغنها منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بحضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و بر خود بمالد شیطان تا چهل صباح
نزدیک او نیاید و در بعضی اخبار وارد شده است که روغن گل خیری روغن لطیفی است و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام
روغن گل خیری بر خود میمالیدند و در حدیث موثق منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وقتی که صداع ایشانرا عارض میشد روغن
کنجد در بینی میچکانیدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد در بینی بچکانند **فصل دهم** در فضیلت بخور و انواع
و آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار است مرد را که هر گاه قادر باشد جامه‌های خود را بخور کند و از حضرت امام رضا
مردم بسیار بوی بخور می شنیدند و مرازم روایت کرده است که با امام موسی علیه السلام بحمام رفتیم چون حضرت بیرون آمدند در رخت کن عود سوز طلبیدند
و خود را خوشبو کردند پس فرمود که مرازم را نیز خوشبو کنید و در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
میخواستند که بخور کنند اول یک هسته از خرمای صیحانی که نوعیست از خرماهای مدینه میگرفتند و خرما و پوست را از آن دانه پاک میکردند
و در آتش می انداختند و چون اندکی دود میکرد بعد از آن بوی خوش می انداختند و جامه را بر بخور میداشتند و میگفتند که این بیشتر باعث خوشبوئی
میشود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که عود خالص بویش در بدن تا چهل روز میماند و عودی که با بوهای خوش دیگر پرورده باشند
بویش تا بیست روز میماند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد از آن گلاب
و مشک بر خود میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعود قماری بخور میکردند و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که بر شما باد بعود هندی که در آن هفت نوع شفا است و در روایت دیگر منقولست که تحفه‌ای که برای مرد روزه دار
آورند آن است که ریشش را روغن بمالند و جامه‌اش را بخور بدارند و تحفه زن روزه دار آن است که گیسش را شانه کنند
و جامه‌اش را بخور بدارند و سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وقت بخور کردن این دعا
میخواندند الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات اللهم طیب عرفنا وزک روائحنا واحسن منقلبنا واجعل التقوی زادنا والجنة
معادنا ولا تفرق بیننا وبین عافیتك ایانا وکرامتك لنا انك علی کل شیء قدیر و گفته است که در روایت دیگر منقولست که در وقت

بخورد و بوی خوش کردن امید عاقبت چو آمد الحمد لله رب العالمین اللهم امتعنی بما رزقتنی ولا تسلبنی ما خولتنی واجعل ذلک رحمة ولا تجعله
وبالا علی اللهم طیب ذکری بین خلقک کما طیبت بشری نشری و شواری دنشواری بفضل نعمتک عندی فصل [illegible] در بیان
فضل گلاب و گل سرخ و انواع گلها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گلاب بر رو ریختن آبرو را زیاد میکند و پریشانی
را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه گلاب بر رو بمالد در آن روز بد حالی و پریشانی باو نرسد و چون گلاب بر رو و دستها
بمالد حمد خدا بکند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در اول ماه مبارک رمضان یک کف
گلاب بر رو بریزد در آن روز ایمن گردد از خواری و پریشانی و هر که در آن روز یک کف گلاب بر سرش بریزد در آن سال از مرض برسام و ذات الجنب
ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر دو کف را از گل سرخ پر کرده بمن عطا
فرمودند چون نزدیک بمشام خود بردم فرمودند که این بهترین گلهای بهشت است بعد از گل مورد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون مرا باسمان بردند از عرق من قطره چند بر زمین ریخت و گل سرخ از آن رویید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست
که بردارد و دعموص که کرمیست در میان آب و سر پهنی دارد و دم باریک درازی دارد خواست که بردارد و در میان ایشان نزاع شد پس حق تعالی
ملکی را فرستاد که در میان ایشان محاکمه کرد و نصف را بماهی داد و نصف را بدعموص باین سبب پنج برگ سبزی که در زیر گل میباشد دو تا بشکل
دم ماهیست که در هر طرف پری دارد و دو تا بشکل دم دعموص است که باریکست و از هیچ طرف پری ندارد و یکی یک طرفش پری دارد و طرف دیگر
ندارد که نصفش بشکل دم ماهی و نصفش بشکل دم دعموص است و در روایت دیگر منقولست که چون آنحضرت را بمعراج بردند زمین از رفتن حضرت
محزون شد و باین سبب کبر رویید و چون برگشتند زمین شاد شد و گل سرخ در او رویید پس کسیکه خواهد که بوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را
استشمام نماید گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده است که گل سفید از عرق من رویید در شب
معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و در روایتی وارد شده است که بوییدن نرگس و روغنش را مالیدن فضایل بسیار دارد
و چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند و حق تعالی آتش را براو برد و سلام گردانید در میان آتش نرگس برای آنحضرت رویانید و از آن روز نرگس در
میان مردم بهم رسید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو گلیست مرزنگوش در زیر عرش میروید
و آبش باعث شفای چشم است و در روایت دیگر منقولست که بسیار ببویید مرزنگوش را که قوت شامه را می افزاید و از حضرت صادق علیه السلام
که گل هست و کنوع دارد دوستید و بهترین همه گل مورد است فصل دوازدهم در آداب گل بوییدن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه گلی بشما بدهند ببویید و بر دیدهای خود بگذارید که آن از بهشت آمده است و در حدیث

نرگس

معتبر با مالک جهنی روایت کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم گرفتند و بوییدند و بهر دو دیده گذاشتند پس فرمودند که هر که گلی را
بگیرد و ببوید و بر دیده بگذارد پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و از حضرت امام علی نقی ع
منقولست که هر که گلی را ببوید و بر دیده گذاشته صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام بفرستد حق تعالی برای او از حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در مابین مکه
و شام و عراق کشیده است بنویسد و از گناهان او بعدد ریگ آن بیابان محو کند [illegible] در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و داور
کشیدن و آداب بعضی از غسلها [illegible] در فضیلت حمام منقولست که عمر علیه اللعنه گفت که بد خانه ایست حمام عورت را ظاهر میکند و پرده
آدمی را میدرد حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که نیکو خانه ایست حمام جهنم را بیاد می آورد و چرک را از بدن میبرد و از حضرت امام موسی
علیه السلام منقولست که حمام یکروز در میان گوشت بدن را زیاد میکند و هر روز رفتن پیه گرده ها را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقولست
که گفت بیمار شدم بمرتبه ای که گوشتم همه تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که میخواهی که گوشت بدنت برگردد عرض کردم بلی فرمود
که یکروز نه یکروز بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند و زنهار که هر روز مرو که باعث مرض سل میشود و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه خواهد فربه
شود هر یکروز در میان بحمام برود و کسیکه گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که لاغر شود هر روز بحمام برود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که بهترین دواهای شما حقنه و حجامت کردن و دوا در بینی چکانیدن و حمامست و در روایت دیگر وارد شده است که دوای بلغم حمام است
و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد زنش را بحمام نفرستد و علما تأویل کرده اند بدو وجه اول آنکه این
در بلادیست که در آن بلاد باعتبار گرمی هوا احتیاج ندارند زنان بحمام رفتن دویم آنکه مراد آن است که زن خود را رخصت دهد که برای
سیر کردن بحمامها رود [illegible] در آداب داخل شدن و بیرون آمدن و دعاها که باید خواند در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که
هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که با لنگ
داخل حمام شود حق تعالی گناهان او را به پرده ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیده خود را از نظر کردن
بعورت دیگران بپوشاند حق تعالی او را از حمیم جهنم ایمن گرداند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی
لنگ و از داخل شدن در نهرها بی لنگ فرمود که در نهرها ساکنان هستند از ملائکه و نهی فرمود از داخل شدن حمام بی لنگ و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که داخل حمام مشو مگر بعد از آنکه اندک چیزی در معده تو باشد که حرارت معده را فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت
بدنست و داخل حمام مشو در وقتی که معده پر باشد و در حدیث دیگر منقولست که هرگاه آنحضرت اراده حمام رفتن میکردند اندک چیزی
تناول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند ناشتا بحمام رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه اندک چیزی میباید خورد که صفرا را فرو

نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند و در روایت دیگر فرمود که حمام رفتن بلغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن صفرا و سودا را پاک میکند و فرمود که اگر خواهی گوشت بر بدنت زیاد شود بعد از چیزی خوردن بحمام برو و اگر خواهی که گوشت کم شود ناشتا برو و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقتی که در رخت کن حمام جامه‌ها را از خود میکنی بگو اللهم انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان پس چون داخل حمام اول شوی بگو اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک من اذاه و چون داخل خانهٔ دویم شوی بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی و بگیر از آب گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پا بریز و اگر توانی که جرعه از آن آب بخوری بخور که مجرای بول را پاک میکند و در خانهٔ دویم ساعتی صبر کن پس چون داخل خانهٔ سیم شوی بگو نعوذ بالله من النار و نسئله الجنة و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن از آنخانه گرم و زنهار که آب سرد و خربزه در حمام مخور که معده را فاسد میکند و آب سرد بر خود مریز که بدن را ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آئی آب سرد بر پا بریز که درد را از بدنت میکشد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اللهم البسنی التقوی و جنبنی الردی پس چون اینها را عمل کنی از همه دردی ایمن شوی و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مؤمن تو بگوید طاب حمامک و حمیمک تو در جواب بگو انعم الله بالک و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام حسن صلوات الله علیه از حمام بیرون آمد شخصی بحضرت گفت طاب استحمامک حضرت او را منع کردند پس گفت طاب حمامک باز او را منع کردند پس گفت طاب حمیمک باز منع کردند او را پس گفت چه بگویم فرمود که بگو طاب ما طهر منک و طهر ما طاب منک یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو گرداند از نیکی معنوی بسبب مغفرت گناهان و توفیق طاعات آنچه پاک شده است در حمام از اعضای بدن تو و پاک گرداند از لوث گناهان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکوست از تو که آن دل و نفس و عقل و سایر قوی و اعضای شریفه باشد و در روایت دیگر منقولست که کسیکه از حمام بیرون آید باو بگویند انقی الله غسلک و او در جواب بگوید طهرکم الله و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر گاه از حمام بیرون می‌آئید عمامه بر سر به بندید و فرمود که بعد از بیرون آمدن از حمام پا را بشوئید که درد شقیقه را زایل میکند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام هر گاه که از حمام بیرون می‌آمدند در زمستان و تابستان عمامه بر سر می‌پیچیدند و میفرمودند که امانست از درد سر و در روایتی وارد شده است که چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غلبه کند آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی علیه السلام وارد شده است که در روز چهارشنبه بحمام بروید

فصل

در آنکه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه میفرمود که در حمام بر پشت مخوابید که پیه گرده‌ها را میگدازد و سفال و آجر بر پای خود مسائید که مورث خوره است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با پسر خود بحمام نرود که نظر کند بعورت او و فرمود که پدر و مادر را جایز نیست که نظر

کند

کند بعورت فرزند خود و فرزند را جایز که نظر کند بعورت پدر و مادر خود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت فرمود که کسی نظر بعورت کسی کند در حمام یا بی لنگ رود که دیگران بعورت او نظر کنند و در حدیث دیگر فرمود که بر پهلو مخواب در حمام که پیه گرده را میگدازد و داغ میکند آدمی را و در حمام شانه مکن که موی تنک میشود و سر را بگل مشو که غیرت را میبرد و سفال بر بدن ممال که مورث پیسی است و لنگ بر رو ممال که آب رو را میبرد و ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر و سفال شام است و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت امیرالمؤمنین نهی میفرمود از قرآن خواندن در حمام حضرت فرمود که وقتی نهی میفرمود که کسی عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد باکی نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که باکی نیست مرد را که در حمام قرآن بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد نه خوش خوانی و در حدیث دیگر منقولست که روزی آنحضرت میخواستند بحمام بروند حمامی گفت که اگر میخواهید حمام را برای شما خلوت کنم فرمود که در کار نیست مؤمن کارش از این سبکتر است که حمام را برای او قورق کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که هر که از حمامی سفالی بردارد و بر بدن خود بمالد و پیسی باو رسد ملامت نکند مگر خود را و کسیکه غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام و خوره باو رسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زنهار که در حمام بر پهلو مخواب که پیه گرده را آب میکند و بر پشت مخواب که درد اندرون بهم میرسد و شانه مکن که موها را میریزاند و مسواک مکن که دندانها را میریزاند و سر را بگل مشو که رو را بدنما و سمج میکند و لنگ بر سر و رو ممال که آب رو را میبرد و کف پا را بسفال مسای که باعث پیسی میشود و از آبی که در حوضهای کوچک در حمامهای سنیان جمع میشود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهودی و نصرانی و گبر و دشمن ما اهل بیت که از همه بدترست جمع میشود و خدا خلقی از سگ نجستر خلق نکرده است و کسی که عداوت ما اهل بیت دارد از سگ نجس‌ترست و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بول کردن در حمام مورث فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست که مرد با کنیز بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشند مانند خران برهنه نباشند که نظر بعورت یکدیگر کنند و در روایتی وارد شده است که در حمام سلام نکنند و آن در صورتیست که لنگ نبسته باشند زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام در حمام سلام کرده‌اند بر مردم

فصل

در فضیلت شستن سر و بدن و دفع بوهای بد از خود کردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کافیست آب از برای خوشبو کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که شستن سر چرک را میبرد و آزار چشم را دفع میکند و شستن جامه غم و اندوه را میبرد و پاکیزگیست برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید بآب از بوهای بدی که مردم از آن متأذی میشوند و در پی اصلاح خود باشید بدرستی که خدا دشمن میدارد از بندگان آن کثیف گندیده را که

جلوی هر که نشنید از او متاذی شود و فرمود که آب را بوی خوش خود کردانید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حق تعالی غضب کرد بر بنی
اسرائیل مکروهی که ایشان را داخل مصر کرد و راضی نشد از ایشان مکروهی که ایشان را نابرد کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سر خود را بگل مصر مشوئید
و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید که خواری و مذلت می آورد و غیرت را میبرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که دوست نمیدارم که سر خود
را بگل مصر بشویم از ترس آنکه مرا ذلیل کرداند و غیرت مرا ببرد و از جابر جعفی منقولست که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر از آنکه کری در سرم
هست و بسیار میریزد و جامه ام را چرکن میکند فرمود که مورد را بکوب و آبش را بگیر و با سرکه که از شراب بعمل آورده باشند و بسیار شد
باشد بر هم بزن آنقدر که کف بکند پس سر و ریش را با آن بقوت تمام بمال و بشوی پس بروغن شیره تازه سر و ریش را چرب کن که آن
علت زایل میشود **فصل هفتم** در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که ناخن
و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن فقر و درویشی را زایل میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر با خطمی
در هر جمعه امان میدهد از پیسی و دیوانگی و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد
که بنده آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن سر با خطمی روزی را میکشاید و سودا و اندوه را برطرف میکند و در حدیث موثق
از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که شستن سر با سدر روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که چون حق تعالی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را امر فرمود که اسلام را ظاهر کرداند و آنحضرت کمی مسلمانان و بسیاری کافران را دید بسیار غمگین
شد حق تعالی حضرت جبرئیل را با برگ سدر از درخت سدرة المنتهی فرستاد که سر را با آن بشوید پس آن شستن اندوه آنحضرت برطرف شد
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شستن سر با خطمی امان میدهد از درد سر و بیزار میگرداند از پریشانی و سر را پاک میکند
از کری و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر خود را با سدر میشستند و میفرمودند که بشوئید سر خود را با برگ سدر
که هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل آنرا پاکیزه کرده است و هر که سر را با آن بشوید حق تعالی از او وسوسه شیطان را هفتاد روز دور گرداند
و هر که هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور شود معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که شستن سر با خطمی چرک و جانورانرا برطرف میکند **فصل هشتم** در فضیلت دارو کشیدن در حدیث حسن از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که دارو کشیدن پاک کننده بدن است و در حدیث حسن منقولست که عبدالرحمن بن ابی عبدالله گفت با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
حمام رفتیم فرمود که دارو بکش گفتم که چند روز است که کشیده ام فرمود که دیگر بکش که پاک کننده بدن است و بر این مضمون چند حدیث وارد
شده است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی را حضرت تکلیف دارو کشیدن کردند او گفت که سه روز است که کشیده ام فرمود که باز بکش که پاک میکرد از

از

ترا و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که دارو کشیدن دفع دلگیری و پریشانی خواطر میکند و بدن را پاک میکند و از حضرت امام
موسی صلوات الله علیه منقولست که موهای بدن را از خود بیندازید که نجس و کثیف است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که موی بدن چون بلند
میشود آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف و سستی می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند
و بدن را قوی میکند و پیه گرده ها را زیاد میکند و بدن را فربه میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چهار چیز است که از اخلاق پیغمبران است بوی
خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که موی شارب و پشت زهار و زیر بغل را بلند
مگذارید که شیطان در اینها جا میگیرد و پنهان میشود **فصل نهم** در ازاله موی زیر بغل در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که دراز مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان میشود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیر های
بغل را دارو میکشیدند و میفرمودند که کندن موی زیر بغل دوشها را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست که دارو کشیدن زیر
بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در دو حدیث دیگر وارد شده است که بسیار بود که آنحضرت از برای ازاله
موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین الموضع را دارو میکشیدند و بیرون می آمدند و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که موی زیر بغل را کندن کند زیر بغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول صلی الله علیه و آله است **فصل دهم** در غایت
زمانی که نوره را تاخیر توان کرد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که موی پشت زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد اینکه ترک
کند ازاله موی زهار را زیاده از بیست روز و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر جمعه دارو
میکشیدند موی پشت زهار و میان پا را و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سنت در نوره کشیدن آن است
که هر پانزده روز یکمرتبه بکشند و اگر کسی بیست و یکروز و در روایت دیگر بیست روز بر او بگذرد که نوره نکشیده باشد قرض کند
بر خدا و نوره بکشد و کسی که چهل روز بر او بگذرد و نوره نکشد او مؤمن و مسلمان نیست و او را هیچ کرامت نزد خدا نیست و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده از چهل روز نگذارد پس اگر چیزی نیابد
بعد از چهل روز قرض کند پس بیندازد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که دوست میدارم از برای مؤمن که هر
پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که باید که پشت زهار را زیاده از یک هفته بیشتر نگذارند و کسیکه نوره را
زیاده از یکماه ترک کند نمازش مقبول نیست **فصل یازدهم** در دعاهای وقت نوره کشیدن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که

پیش از نوره کشیدن اندکی از نوره بردارد و بو کند و بر سر بینی بگذارد و بگوید صلی الله علی سلیمان بن داود کما امرنا بالنوره و اورا نسوزاند نوره
و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که هر که وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند خدا او را از چرکها و کثافتهای دنیوی و از
گناهان پاک گرداند و بعوض آن مو یا موئی کرامت فرماید که در آن مو گناه نکند و بعدد هر موئی از بدنش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح الهی کند
تا روز قیامت و بدرستی که یک تسبیح از تسبیح ملائکه ثوابش برابر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین و دعا این است اللهم طیب ما طهر منی و طهر ما طاب
منی و ابدلنی شعرا طاهرا لا یعصیک اللهم انی تطهرت ابتغاء سنة المرسلین و ابتغاء رضوانک و مغفرتک فحرم شعری و بشری علی النار و طهر
خلقی و طیب خلقی و زک عملی و اجعلنی ممن یلقاک علی الحنیفیة السمحة ملة ابراهیم خلیلک و دین محمد صلی الله علیه و آله لک و رسولک عاملا
بشرایعک لسنة نبیک صلی الله علیه و آله آخذا به متادبا بتادیبک و تادیب رسولک صلی الله علیه و آله و تادیب اولیائک الذین
غذوتهم و زرعت الحکمة فی صدورهم و جعلتهم معادن لعلمک صلواتک علیهم فصل در اوقات نوره کشیدن و سایر آداب آن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که یکمرتبه در تابستان دارو کشیدن بهتر است در فضیلت و نفع از ده مرتبه که در زمستان بکشند و از حضرت امیر المؤمنین
مرویست که احتراز کنید از نوره مالیدن در روز چهارشنبه که روز نحس مستمر است و جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که پنج چیز است که مورث پیسی است نوره در روز جمعه و چهارشنبه مالیدن و وضو و غسل با آبی کردن که در آفتاب گرم شده باشد
و در حال جنابت چیزی خوردن و زن را در حال حیض جماع کردن و در حال سیری چیزی خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که هر که در روز جمعه نوره بکشد و پیس شود ملامت نکند مگر خود را و دور نیست که این دو حدیث محمول بر تقیه باشد با آنکه یکی از طریق
اهل سنت است زیرا که حدیث گذشت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز جمعه دارو میکشیدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست
که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردند که مردم میگویند که نوره کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت فرمود که چنین نیست که
تو گمان کرده چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث دیگر منقولست که علی بن یقطین خواست که بحضرت
حضرت امام موسی علیه السلام بنویسد که آیا مرد در حال جنابت دارو میتواند کشید و فراموش کرد حضرت از باب اعجاز باو نوشتند
که باکی نیست نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق علیه السلام نیز پرسیدند فرمود که باکی نیست و در حدیث
حسن منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کسی که دارو کشیده ایستاده بول میتواند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت
دیگر منقولست که کسیکه در وقت دارو کشیدن بنشیند بیم آن است که بعلت فتق مبتلا شود و بشیر نبال با حضرت امام محمد باقر
علیه السلام بحمام رفت حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو و خدمتکار حمام را طلبیدند که آنچه بالا و پائین لنگ بود دارو مالید بعد از آن

اورا

اورا بیرون کردند و از ناف تا زانوی خود کشیدند پس گفتند که هر گاه دارو کشی چنین کن و در بعضی از احادیث تجویز این وارد
شده است که غیر عورتین را دیگری بمالد و بسند حسن منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که کسی آرد را با روغن
زیت مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه بوی نوره را ببرد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام
چنین میکردند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آرد را بعد از نوره بر بدن میتوان مالید فرمود که باکی نیست راوی
گفت که مردم میگویند که اسراف است حضرت فرمود که در چیزیکه اصلاح بدن کند اسراف نیست من بسیار است که میفرمایم که آرد بیخته را با روغن زیت
مخلوط میکنند و بر بدن میمالم اسراف در چیزی میباشد که مال را تلف کند و ببدن ضرر رساند فصل در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره حسن
موسی روایت میکند که پدرم حضرت موسی بن جعفر هر گاه که اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند بمرتبه که داخل نمیتوانست شد
پس میفرمودند که نمدها بر زمین حمام می انداختند و بعد از آن داخل میشدند روزی از حمام بیرون آمدند شخصی از آل زبیر بآنحضرت رسید و اثر حنا
در دست حضرت دید گفت این رنگ چه چیز است که در دست تست فرمود که رنگ حنا است پدرانم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند
که هر که بحمام رود و دارو بکشد و بعد از دارو حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره و پیسی و آکله تا نوره کشیدن دیگر و در حدیث
معتبر منقولست که حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق علیه السلام حنا بر دست نهاده و بر ناخنهای خود گذاشته فرمود که ای حکم چه میگوئی در این باب
گفت چه میتوانم گفت در کاری که شما بکنید اما این کار را پیش ما جوانان میکنند فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره شبیه میشود بناخن مردگان
ما رنگشان را میگردانیم بحنا و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد تقی علیه السلام از حمام بیرون آمد و از سر تا بپای مبارکش مانند گل سرخ شده بود
از حنا و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حنا مالیدن بوی بد را میبرد و آبرو را زیاد میکند و دهان را خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند که بعد
از دارو و از سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از او برطرف شود فصل دوازدهم در آداب غسل جمعه و سایر غسلها بدانکه غسلهای واجب بنا بر مشهور
میان علما شش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحب است که در وقت غسل جنابت این دعا بخوانند
اللهم طهر قلبی و زک عملی و تقبل سعیی و اجعل ما عندک خیرا لی اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین و اگر این دعا هم بخوانند بهتر است
اللهم طهر قلبی و اشرح لی صدری و اجر علی لسانی مدحتک و الثناء علیک اللهم اجعله طهورا و شفاء و نورا انک علی کل شیء قدیر و بعضی این دعا
را بعد از غسل ذکر کرده اند و در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این دعا بخواند گناهان از او بریزد چنانکه
برگ از درختان میریزد و بهر قطره از قطرات وضو و غسل او حق تعالی ملکی خلق نماید که تسبیح و تقدیس و تهلیل الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
و ثوابش از او باشد و گناهانش آمرزیده شود و دعا این است سبحانک اللهم و بحمدک اشهد ان لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک

و اشهد ان محمداً عبدك و رسولك و اشهد ان علياً وليك و خليفتك بعد نبيك على خلقك و ان اوليائه خلفائك و اوصيائه اوصيائك
و اما غسلهای سنت بیست و دو غسل است و از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آن است که تا مقدور باشد ترک نکنند و در
احادیث معتبره وارد شده است که غسل جمعه واجب است بر مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده‌اند زنان را که ترک کنند در سفر برای کمی آب و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که غسل جمعه پاکیزه کننده و کفاره گناهان است از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که غسل کند و بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین این
غسل و دعا پاک میگرداند او را تا جمعه دیگر و بهتر آن است که این دعا را نیز بخوانند اللهم طهرنی و طهر قلبی و انق غسلی و اجر علی لسانی محبة منک و بار بگوید اللهم
طهرنی من کل آفة تمحق بها دینی و تبطل بها عملی و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون از غسل جمعه فارغ شوی بگو اللهم طهرنی و طهر قلبی و انق
غسلی و اجر علی لسانی ذکرک و ذکر نبیک محمد صلی الله علیه و آله و اجعلنی من التوابین و المتطهرین و وقت آن از صبح صادق است روز جمعه تا پیشین
و مشهور آن است که هر چند نزدیکتر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافت نشود در روز پنجشنبه میتواند کرد و اگر
فوت شود بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتواند کرد و در فقه الرضا
علیه السلام مذکور است که در روزهای هفته دیگر هم میتواند کرد و ظاهرا کسی از علما قایل نشده است باین و سنت است غسل در شبهای طاق ماه
مبارک رمضان خصوصا در شب اول و شب نیمه و شب هفدهم و آن شبی است که مؤمنان و کافران در بدر جمع شدند و در روزش اعظم
فتحهای اسلام واقع شد و شب نوزدهم و آن شبی است که تقدیرات سال در آن شب نوشته میشود بنابر بعضی از احادیث و شب بیست یکم
و آن شبی است که اوصیای انبیا در آن شب شهادت یافته‌اند و حضرت عیسی در آن شب باسمان رفته است و حضرت موسی از دنیا رفته
و احتمال قوی دارد که شب قدر بوده باشد و شب بیست و سیم و آن شب قدر است بر احتمال اقوی و قول اکثر و در آنشب دو غسل میکند یکی
مقارن غروب آفتاب و دیگری در آخر شب و در بعضی از روایات وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند و سنت است
غسل در شب عید فطر و روزش و روز عید قربان و ظاهر آن است که در این دو روز غسل تا شب میتوان کرد و لیکن افضل آن است که پیش از نماز
عید واقع سازد و در روز هشتم ذی الحجه و روز عرفه نزد زوال و شب نیمه رجب و منقولست از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر گاه ماه رجب را دریابد
و غسل کند در اول ماه و میان و آخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده است و روز مبعث و آن بیست و هفتم رجب است
و اکثر علما گفته‌اند اگر چه حدیث بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه شعبان و روز غدیر خم که هیجدهم ذی الحجه است و روز مباهله
که بیست و چهارم ذی الحجه و بعضی گفته‌اند بیست و پنجم و روز دحو الارض بنابر مشهور و آن بیست و پنجم ذی القعده است و در این

غسل

غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده است و روز نوروز بنابر مذهب بعضی و حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد و مشهور آن است که روزیست که
آفتاب ببرج حمل منتقل میشود و همچنین سنت است غسل برای احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آن است که ترک
نکنند و غسل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره
مطلقا خصوصا نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است و غسل توبه از گناهان و نماز
سنت است غسل از برای نماز قضای کسوف هرگاه عمدا ترک کرده باشد و تمام قرص گرفته باشد و بعضی گفته‌اند واجب است و احوط
آن است که ترک نکنند و بعضی گفته‌اند بواسطه قضا غسل میکند اگر عمدا ترک کرده باشد اگر چه تمام قرص نگرفته باشد و از برای ادا غسل میکند
اگر تمام گرفته باشد و این قول قویست و سنت است غسل از برای داخل شدن حرم و از برای داخل شدن مکه معظمه و از برای داخل
شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای شهر مدینه مشرفه و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله
و از برای کشتن هدی و غسل فرزندی که متولد شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بنابر قول بعضی و آن
هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده غسل از برای زیارتست در آن روز و سنت است غسل از برای طلب باران و از برای کشتن
چلپاسه و غسل بعد از کشتن است و همچنین هرگاه برود شخصی برای دیدن کسی که او را دار کشیده باشند غسل سنت است بعد از دیدن و
بعضی واجب دانسته‌اند و اکثر علما گفته‌اند که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد غسل سنت است خواه او را بحق کشته باشند یا بباطل و خواه بطریق شرعی
او را کشته باشند یا غیر آن و بعضی از علما گفته‌اند سنت است اعاده غسل هرگاه بعضو ناقص بر وجه مذکور بضرورت عمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه
و همچنین گفته‌اند که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که از کدام یک بوده باشد هر دو را غسل کردن سنت است
و برای کفن کردن میت نیز گفته‌اند که سنت است و ظاهر حدیث آن است که همان غسل مس میت است که سنت است پیش از کفن کردن بجا آورد
و همچنین سنت است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته‌اند که هرگاه شخص جنب مرده باشد سنت است که غسل جنابت بدهند
او را پیش از غسل میت یا بعد از آن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی غسل عید فطر بجا آوری در زیر سقفی بجا آور و چون
خواهی شروع کنی بگو اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع سنة نبیک محمد صلی الله علیه و آله و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم
کفارةً لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس و بدانکه تفاصیل اغسال و احکام آنها را این رساله گنجایش ندارد انشاء الله
در کتاب عبادات نوشته خواهد شد و الله الموفق باب در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن
اول در بیان اوقات خواب بدانکه خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر

مکروه است و مثل ظلمه در دقتی در وقت گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و سنت است و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله
علیه منقولست که با ابی حمزه ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست نمیدارم زیرا که حق تعالی روزی بندگان را
در این وقت قسمت مینماید و هرکه در این وقت در خوابست از روزی محروم میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست
که زمین بسوی خدا ناله و فریاد میکند از سه چیز از خون حرامی که بر آن ریخته شود و یا غسل که از زنا کنند بر روی آن یا خواب کردن
بر آن پیش از طلوع آفتاب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خواب بامداد شوم است روزی را منع میکند و رنگ را زرد
میکند و رو را قبیح و متغیر میکند و این خواب هر شومیست بدرستی که حق تعالی روزیها را ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت
مینماید پس زینهار که این خواب را مکنید و فرمود که مرغ بریان و ترنجبین بر بنی اسرائیل در این وقت نازل میشد هرکه در
این وقت خواب بود بهره او نازل نمیشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا
طلوع آفتاب خدا او را مستور کرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کننده خانه کعبه داشته باشد و
گناهانش آمرزیده شود اما در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند و قدری تعقیب بخواند و پیش از برآمدن آفتاب بخوابد
باکی نیست چنانچه در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح
خوابی میکنم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی فرمود که چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخوابی
روی باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خواب اول روز سفاهت است و خواب قیلوله نعمت است و خواب بعد
از عصر حماقت است و خواب میان نماز شام و خفتن از روزی محروم میگرداند و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که خواب کردن پیش از
طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی و فقر می آورد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض
کرد که من حافظه قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده است فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز
خواب قیلوله بکن چنان کرد حافظه اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمیکند و منقولست که نیکو یاور است
خواب قیلوله بر بیداری عبادت شب فصل در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه وضو بسازد و در رختخواب
خواب برود رختخواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رختخواب بیادش آید که وضو ندارد از لحاف خود تیمم کند اگر با وضو یا تیمم
بخوابد تا بیاد خداست چنانست که نماز میکند و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که نخوابد مسلمان در حالی که جنب باشد و نخوابد مگر با وضو
و اگر آب نیابد برای غسل و وضو تیمم کند با خاک زیرا که روح مؤمن را در وقت خواب بآسمان میبرند و حق تعالی او را قبول مینماید و برکت برای او میفرستد

بلی از

پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای رحمت خود می سپارد و اگر اجلش نرسیده است با امینان خود از ملائکه ببدن او برمیگردانند و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله با اصحاب خود فرمود که کدام یک از شما روزه سال میگیرد سلمان گفت که من فرمود که کدام
یک از شما همه شب را احیا میکند سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکنید سلمان گفت که من پس عمر بخشم آمد و گفت
این مردیست از فارس میخواهد که بر ما که از قریشیم فخر کند دروغ میگوید در اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شب خوابست و در اکثر روز خاموش
میباشد حضرت فرمود که او را مانند شبیه لقمان حکیم است از او سؤال کن تا جواب بگوید عمر پرسید سلمان فرمود که اما روزه سال من ماهی سه روز
روزه میدارم و حق تعالی میفرماید که هرکه حسنه بکند ده برابر با او ثواب میدهم این برابر روزه سال میشود با آنکه ماه شعبان را هم روزه میگیرم
و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب هر شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنیدم که میفرمود که هرکه با وضو
بخوابد چنان است که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه سوره قل هو الله احد را میخوانم و از
رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود که یا علی مثل تو در میان امت من مثل قل هو الله احد است
هرکه سوره قل هو الله احد را یکبار بخواند چنان است که ثلث قرآن خوانده است و هرکه دو بار بخواند چنان است که دو ثلث قرآن را
خوانده است و هرکه سه بار بخواند چنانست که قرآن را ختم کرده است پس کسی که تو را بزبان دوست دارد ثلث ایمانش در او کامل شده است
و هرکه تو را بزبان و دل دوست دارد دو ثلث ایمانش در او تمام شده است و هرکه تو را بزبان و دل دوست دارد و بدست خود تو را یاری کند
تمام ایمان در او کامل شده است یا علی بحق آن خداوندی که مرا براستی فرستاده است سوگند که اگر تو را اهل زمین دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان
تو را دوست میدارند خدا هیچکس را بآتش جهنم عذاب نمیکرد پس عمر ساکت شد که گویا سنگی بدهانش گذاشته اند فصل سیم در مکان خوابیدن
و آداب پیش از خوابیدن مشهور میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر احادیث آنست که مکروه نیست مگر در مسجد الحرام
و مسجد رسول صلی الله علیه و آله و در اینها نیز تجویز وارد شده است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
کس را لعنت کرد کسیکه تنها چیزی بخورد و تنها بسفر رود و در بیوت تنها بخوابد و فرمود که اگر کسی تنها بخوابد هم آنست که دیوانه
شود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هرکه در خانه تنها باشد یا در بیابان تنها بخوابد بگوید اللهم آنس وحشتی و اعنّی علی وحدتی و در
حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از بامی که دیوار نداشته باشد و فرمود که هرکه بر بامی بخوابد که دیوار خوابیدن بر
نداشته باشد از امان خدا بدر میرود و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروه است که کسی بر بامی تنها بخوابد یا بر بامی
که دیوار نداشته باشد بخوابد و فرمود که مرد و زن هر دو در این حکم مساویند پرسیدند که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چونست فرمود که نه بلکه هر

چهار طرف بام دیوار داشته باشد و در بعضی از روایات وارد شده که حد بلندی دیوار دو ذراع است و در بعضی از احادیث سه ذراع و یک شبر هم
وارد شده است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نهی فرموده از خوابیدن بر سر راه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی وارد شده است از آنکه کسی با دست
چرب و آلوده بخوابد که اگر چنین کند شیطان بر او دست یابد یا دیوانه شود ملامت نکند مگر خود را و فرموده که اطفال خود را در وقت خوابیدن
دست و دهان بشویند که اگر نکنند شیطان ایشان را بو کند و در خواب بترسند و در چند حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
بجامه خواب رود و داخل شود کنار جامه خود را بر رخت خواب بکشد که اگر جانوری داخل شده باشد بدر رود و با دفرز رسانید از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه وارد شده است که باید پیش از خواب به بیت الخلا البته رود و بعد از آن بخوابد [فصل چهارم؟] در بیان
آداب خوابیدن سنت است که بر دست راست رو بقبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خوابیدن و بر
رو خوابیدن مکروهست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خواب بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیدهای
ایشان بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار خود میباشند و مؤمن بر دست راست میخوابد رو بقبله و پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست چپ
میخوابند که آنچه خورده اند — و شیطان و برادران او و هر دیوانه و مبتلایی برو در افتاده میخوابند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی برو
نخوابد و هر که را به بیند که برو خوابیده است او را بیدار کند و نگذارد بر آن حال و فرموده که هر گاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را
بر زیر جانب راست رو بگذارد و بدرستی که نمیداند که از این خواب بیدار خواهد شد یا نه و احادیث در فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع
خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است فصل پنجم در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید خوانده شود در حدیث صحیح از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که هر گاه کسی دست راست را در زیر سر گذاشته بسم الله بخواند بگوید اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت
وجهی الیک و فوضت امری الیک و الجأت ظهری الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک
آمنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که ترک نکند
در وقت خواب این دعا را اعیذ نفسی و ذریتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات (التامة) من کل شیطان و هامة و من کل عین لامة که این دعا
تعویذ میفرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما را و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سوره
قل هو الله احد و سوره قل یا ایها الکافرون را پیش از خواب بخواند که قل یا ایها الکافرون بیزاری است از شرک و قل هو الله احد نسبت
پروردگار است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که بعد از خوابیدن در رخت خواب سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد لله الذی بطن
فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر از گناهان بیرون آید مانند روزی که

از مادر

از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که آیة الکرسی در وقت خواب بخواند ایمن گردد از فالج
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره یس پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک با و موکل گرداند که او را
از شر شیاطین و هر بلایی حفظ کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که سوره اذا وقعت الواقعه هر شب پیش از
خواب بخواند در روز قیامت روی او مانند ماه شب چهارده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که سورهایی که در اول ایشان سبح لله
و یسبح لله است پیش از خواب بخواند نمیرد تا بخدمت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد و بمیرد در همسایگی حضرت رسول صلی الله
علیه و آله جا دهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هر که شب این دعا را بخواند تا صبح او را عقرب و هیچ گزنده نگزد اعوذ بکلمات الله
التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ و من شر ما برأ و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود ان الله یمسک السموات
و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
کسی بر رخت خواب رود بگوید اللهم انی احتسبت نفسی عندک فاحتسبها فی محل رضوانک و مغفرتک و ان رددتها فارددها
مؤمنة عارفة بحق اولیائک حتی تتوفاها علی ذلک و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این وقت آیة الکرسی
میخواندند و بعد از آن میگفتند بسم الله آمنت بالله و کفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی و فی یقظتی و بهتر این است که آیة
الکرسی را تا هم فیها خالدون بخوانند و در حدیث دیگر فرمود که چون بر رخت خواب بروی تسبیح فاطمه صلوات الله علیها بخوان و آیة
الکرسی و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و ده آیه از اول سوره و الصافات و ده آیه از آخر سوره و الصافات بخوان و در
حدیث صحیح منقولست که آن حضرت بفرزند خود فرمود که این دعا را در وقت خواب بخوان اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا
صلی الله علیه و آله عبده و رسوله اعوذ بعظمة الله و اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بسلطان الله
ان الله علی کل شیء قدیر و اعوذ بعفو الله و اعوذ بغفران الله و اعوذ برحمة الله من شر السامة و الهامة و من شر کل
دابة صغیرة او کبیرة او بلیل او نهار و من شر فسقة الجن و الانس و من شر فسقة العرب و العجم و من شر الصواعق
و البرد اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و آله الطاهرین و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که صد نوبت سوره قل هو الله احد در وقت
خواب بخواند گناه پنجاه ساله اش آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و شهد الله
و آیه سجده و آیه آخر سوره حم سجده را بخواند حق تعالی دو ملک را موکل گرداند که شیاطین را از او دور گردانند و سی ملک را ام

فرماید که تحمید و تسبیح و تهلیل و تکبیر خدا بگویند و استغفار کنند تا بیدار شدن او ثواب همه از او باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که کسی که اراده خواب داشته باشد پهلو را بر زمین بگذارد و تا اینجا بخواند اعیذ نفسی و دینی و اهلی و مالی و خواتیم عملی
و ما رزقنی ربی و خولنی بعزة الله و عظمة الله و جبروت الله و سلطان الله و رحمة الله و رأفة الله و غفران الله و قوة الله و قدرة الله
و جلال الله و صنع الله و ارکان الله و جمیع الله و برسول الله صلی الله علیه و آله و بقدرة الله علی ما یشاء من شر السامة و الهامة
و من شر الجن و الانس و من شر ما یدب فی الارض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها و من شر کل دابة آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و هو علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بدرستی که این تعویذیست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله از برای حسنین صلوات الله علیهما میخواندند و فرمود که چون کسی اراده خواب کند باید که دست راست را
در زیر رو بگذارد و بگوید بسم الله وضعت جنبی لله علی ملة ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایة من افترض الله طاعته
ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن که هرکه اینرا بخواند در وقت خواب محفوظ میماند از دزد و غارت و خانه فرود آمدن و ملائکه
از برای او استغفار کنند و فرمود که هرکه قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند حق تعالی پنجاه هزار ملک بر او موکل گرداند
که در آن شب پاسبانی کنند او را و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله
بگوید خدا خانه در بهشت از برای او بنا کند و هرکه صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد چنانچه برگ از درخت میریزد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه سوره الهیکم التکاثر در وقت خواب بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه یازده مرتبه قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و او
و همسایگانش از بلاها محفوظ مانند و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه ساله اش از آینده عمر او آمرزیده شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که هرکه در وقت خواب بخواند اللهم انی اشهدک انک افترضت علی طاعة علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین و علی بن الحسین
و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القائم صلوات الله علیهم
اجمعین و در آن شب بمیرد داخل بهشت شود و در روایت دیگر فرمود که هرکه در وقت خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه
بخواند حق تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را از شر شیاطین حفظ کنند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که هرکه در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن گردد قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا
فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلوتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک

فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که هرکه در وقت خواب
اینرا بخواند هرگز بر [illegible] نشود و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اللهم انت الاول فلا شیء قبلک و انت الظاهر فلا شیء
فوقک و انت الباطن فلا شیء دونک و انت الآخر فلا شیء بعدک اللهم رب السموات السبع و رب الارضین السبع و رب
التوریة و الانجیل و الزبور و القرآن الحکیم اعوذ بک من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها انک علی صراط مستقیم و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه در وقت رفتن برختخواب سوره تبارک الذی بیده الملک بخواند پس چهار مرتبه بگوید
اللهم رب الحل و الحرام و البلد الحرام بلغ روح محمد عنی التحیة و السلام حق تعالی دو ملک را موکل گرداند که بنزد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روند و بگویند که فلان شخص ترا سلام میرساند حضرت فرماید که بر او باد سلام و رحمت و برکات الهی
در دفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرکه در خواب
ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت پس تسبیح
حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند و در طب الائمه زیاد کرده است که آیة الکرسی و قل هو الله احد نیز بخواند و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که چون در خواب ترسد یا از دردی بیخوابی بر او مستولی شود این آیه را
بخواند فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و اگر طفلی بسیار
گریه کند این آیه را بر او بخوانند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه در خواب ترسد در وقت
خوابیدن سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقولست که برای
ترسیدن شب ده مرتبه اینرا بخواند اعوذ بکلمات الله من غضبه و من عقابه و من شر عباده و من همزات الشیاطین
و ان یحضرون و آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ یغشیکم النعاس امنة منه و جعلنا نومکم سباتا و در حدیث معتبر منقولست
که شهاب بن عبد ربه بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که زنی در خواب من می آید و مرا میترساند حضرت فرمود
که با خود بردار تسبیحی و در رختخواب سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو و ده
مرتبه بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی بیده الخیر و له اختلاف اللیل و النهار
و هو علی کل شیء قدیر و ظاهر است از تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب مخیر است میان آنکه سبحان الله را پیش از الحمد لله بگوید یا بعد از آن
و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که هرکه ترسد که محتلم شود چون برختخواب رود اینرا بخواند اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام

ومن سوء الاحلام ومن ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

اگر کسی خواب پریشان به بیند از آن پهلو که خوابیده است بر پهلوی دیگر بگردد و بگوید انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا ولیس

بضارهم شیئا الا باذن الله پس بگوید عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاؤه المرسلون و عباده الصالحون من شر

ما رایت ومن الشیطان الرجیم و در روایت معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که چون خواب پریشان به بیند و بیدار شود بگوید

اعوذ بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاء الله المرسلون و عباد الله الصالحون والائمة الراشدون المهدیون من شر

ما رایت من رؤیای ان تضرنی ومن الشیطان الرجیم پس بسوی جانب چپ خود سه نوبت آب دهان را بیندازد و در روایت

دیگر وارد شده است که شخصی بان حضرت شکایت کرد که دختری دارم و در شب و روز بسیار میترسد و فرمود که فصدش بکن

و در روایت دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که دخترم در خواب بسیار میترسد و گاهی بسیار حالش ضعیف

میشود و اعضایش سست و بیحس میشود و میگویند از طرف جن است فرمود که فصدش بکن و آب شبت را با عسل

بپز و بده که بخورد چنین کرد شفا یافت و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام

شکایت کرد که زنی در خواب من می آید و مرا میترساند حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدهی گفت میدهم فرمود که بمستحق

نمیدهی بعد از آن زکوة را بخدمت حضرت میفرستاد و آن خیال از او برطرف شد فصل نهم در دعا برای رفع بیدار

و برای بیدار شدن در آخر شب در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب

این آیه را بخواند قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک

بعبادة ربه احدا هر وقت از شب که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله

فرمود که هر که خواهد که در آخر شب برخیزد چون برخت خواب رود بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین

اقوم ساعة کذا وکذا یعنی در فلان ساعت برخیزم چون این دعا بخواند حق تعالی ملکی را موکل سازد که او را در آن ساعت بیدار کند

و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر که خواهد که در شب بیدار شود در وقت خواب رفتن بگوید اللهم لا تنسنی ذکرک

ولا تؤمنی مکرک ولا تجعلنی من الغافلین وانبهنی لاحب الساعات الیک ادعوک فیها فتستجیب لی واسئلک فتعطینی

واستغفرک فتغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت یا ارحم الراحمین که چون این دعا بخواند حق تعالی دو ملک بفرستد که او را بیدار

کنند و اگر بیدار نشود امر کند آن دو ملک را که از برای او استغفار کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود

هر حاجتی

هر حاجتی که بطلبد خدا با او عطا فرماید و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که عزم کند که در ساعتی از ساعات

شب برای عبادت برخیزد و خدا داند که در آن اراده صادق است البته دو ملک را بفرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا

بیدار شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که بیخوابی او را عارض شود و خوابش نبرد این دعا بخواند سبحان الله

ذی الشان دائم السلطان کل یوم هو فی شان و در روایت معتبر دیگر منقولست که حضرت فاطمه صلوات الله علیها شکایت فرمود

برسول خدا صلی الله علیه وآله از بیخوابی فرمود که این دعا بخوان یا مشبع البطون الجائعة و یا کاسی الجنوب العاریة و یا مسکن العروق الضاربة

صل علی محمد وآل محمد واذن لعینی نوما عاجلا فصل دهم در بیان نماز و دعا برای خوابهای نیک دیدن و آداب بیدار شدن از

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد که حضرت رسول صلی الله علیه وآله را در خواب به بیند بعد از نماز خفتن غسل بکند

تمیز آورد و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد

و بر جامه پاکیزه بخوابد که بر روی آن جامه با حلال و حرامی جماع نکرده باشد و دست راست را در زیر جانب راست رو بگذارد و صد نوبت بگوید

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس صد مرتبه بگوید ما شاء الله چون چنین کند حضرت

رسول صلی الله علیه وآله را در خواب به بیند و در روایت دیگر منقولست که اگر خواهد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در خواب

به بیند چون بخوابد این دعا بخواند اللهم انی اسئلک یا من له لطف خفی وایادیه باسطة لا تنقضی اسئلک بلطفک الخفی الذی

ما لطفت به لعبد الا کفی ان ترینی مولای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی منامی و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی

خواهد که یکی از مردگان را بخواب به بیند با وضو بر جانب راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند پس بگوید اللهم انت الحی الذی

لا یوصف والایمان یعرف منه منک بدأت الاشیاء والیک تعود فما اقبل منها کنت ملجاه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجأ

ولا منجا الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک ببسم الله الرحمن الرحیم وبحق حبیبک محمد صلی الله علیه

وآله سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة نساء العالمین وبحق الحسن والحسین الذین جعلتهما سیدی شباب

اهل الجنة علیهم اجمعین السلام ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترینی میتی فی الحال التی هو فیها و در حدیث معتبر منقولست که مردی

بخدمت امام محمد تقی علیه السلام عرض کرد که پدرم بناگاه مرد و نمیدانم که مالی داشت و نمیدانم چه شده و من عیال بسیار دارم و از

شیعیان شما ایم بفریاد من برس حضرت فرمود که چون نماز خفتن کردی صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و بخواب چون

چنین کرد پدرش را بخواب دید و قصه مال را با او خبر داد و منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله بر رخت خواب میرفتند

میفرمودند باسمک اللهم احیا و باسمک اموت و چون بیدار میشدند میفرمودند الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی از خواب برخیزد بگوید سبحان الله رب النبیین و اله المرسلین و رب المستضعفین و الحمد
لله الذی یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر چون این را بگوید حق تعالی میفرماید راست گفت بنده من و شکر کرد و در حدیث دیگر منقولست
که چون آن حضرت در آخر شب برمیخواستند تا آواز بلند میگفتند اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع علی المضجع و ارزقنی خیر ما قبل
الموت و ارزقنی خیر ما بعد الموت و در حدیث دیگر منقولست که چون از خواب بیدار شوی بگو سبوح قدوس رب الملائکة و الروح
سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی و ارحمنی انک انت التواب الرحیم الغفور و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر وقت که از پهلو بپهلوی دیگر بگردد الحمد لله و الله اکبر بگوید و از حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه منقولست که چون در
میان شب بیدار شود و از پهلو بپهلوی دیگر بگردد بگوید لا اله الا الله الحی القیوم و هو علی کل شیء قدیر سبحان الله رب العالمین
و اله المرسلین و سبحان الله رب السموات السبع و ما فیهن و رب الارضین السبع و ما فیهن و رب العرش العظیم و
سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و در روایت دیگر وارد شده است که چون از خواب برخیزد بگوید الحمد
لله الذی رد علی روحی لاحمده و اعبده و دعای نظر کردن در عقیق در آداب انگشتر بدست کردن گذشت و بسیار
دعاهای این باب چون از مقدمات نماز شب است انشاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سایر دعاهای وقت
خواب و این رساله گنجایش زیاده از این نداشت

فصل نهم در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب

در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چه سبب دارد که مؤمن گاهی خواب می بیند و چنان
می شود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری از آن ظاهر نمی شود فرمود که چون مؤمن بخواب میرود روحش بجانب
آسمان حرکت میکند پس آنچه روح مؤمن در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود
و آنچه در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است راوی پرسید که آیا روحش همه با آسمان میرود و هیچ در بدن نمی ماند فرمود
که اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه از بابت آفتابست که در آسمان است و روشنی و شعاعش در زمین است و همچنین
روح اصلش در بدن است و پرتوی از او بآسمان حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که هر مؤمنی که بخواب میرود روح او را بنزد عرش پروردگار او میبرند پس آنچه در آنجا می بیند حق است و آنچه در برگردانیدن
در هوا می بیند خواب پریشانست و براین مضمون احادیث بسیار است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست

که شیطانی است که او را اهرع میگویند در هر شب از مشرق و مغرب را پر میکند از بدن خود و بخواب مردم می آید و باین سبب مردم خوابهای پریشان
می بینند و در روایت دیگر مرویست که دو نصرانی بنزد ابوبکر آمدند و از او مسئله چند سؤال کردند و او عاجز شد پس حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه ایشان را جواب گفت از جمله آنها آن بود که پرسیدند خواب راست و دروغ چه سبب دارد
فرمود که حق تعالی روح را خلق کرده است و برای او سلطانی مقرر کرده است سلطان او نفس است چون آدمی بخواب میرود روح بیرون
می آید و سلطانش در بدن می ماند پس روح میگذرد بگروهی از ملائکه و جنیان و هر چه خواب دروغ است از جن است و در روایت دیگر
منقولست که خوابهای مؤمن صحیح میباشد زیرا که نفسش پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش بیرون میرود با ملائکه ملاقات
میکند پس خواب او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر منقولست که وحی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقطع شد اما خوابهای بشارت
دهنده است و در حدیث دیگر وارد است که خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو از اجزای پیغمبریست و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که رای مؤمن و خواب او در آخر الزمان برابر هفتاد جزو از اجزای پیغمبریست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که چون صبح میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله باصحاب خود میفرمود که آیا کسی خواب بشارت دهنده دیده است و در حدیث
دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شخصی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال کرد از تفسیر این آیه کریمه الذین آمنوا و کانوا
یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة یعنی آنها که ایمان آورده و پرهیزکار بوده اند ایشانرا بشارتست در زندگانی دنیا و در
آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگانی دنیا خوابهای نیکوست که مؤمن در دنیا می بیند و بان بشارت میباید و شاد میشود و در حدیث حسن
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خواب بر سه قسم است اول بشارت از خدا از برای مؤمن دوم ترسانیدن شیطان سیم خوابهای پریشان و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که خوابهای دروغ که اثرش ظاهر نمیشود آن خوابهائیست که در اول شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلای شیاطین متمردست
و آنها خیالی چند است که بنزد او صورت می بندد شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست آن خوابی چند است که در ثلث آخر
شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است و وقت سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده
باشد یا بی وضو یا آنچه سزاوار است از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که اگر با این حالت خوابیده باشد یا خوابش بعمل نمی آید
یا دیر بعمل می آید و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که مرا در خواب ببیند
چنانست که مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان متمثل نمیتواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه بصورت
یکی از شیعیان خالص ایشان و بدرستی که خوابهای نیکو جزوی از هفتاد جزو از پیغمبریست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که در آخر الزمان خواب مؤمن دروغ نمی شود هر که راست گوتر است خوابش درست تر است و تحقیق این مقام آن است که چون حق سبحانه

و تعالی روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرده است و او را ارتباطی با ارواح انبیا و اوصیا و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است

چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح لشکرهای مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنای

یکدیگر بودند در عالم بدن هم آشنا میشوند و آنچه در آن عالم جدائی و نفرت داشتند در این عالم نیز یکدیگر را نمیشناسند و از یکدیگر نفرت مینمایند

و چون بسبب مصالح غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای کثیف ظلمانی محبوس کرده اند و بانواع تعلقات جسمانی و شهوات

نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند باین سبب او را از عالم قدس بعدی و تخلفی رو داده اما اشخاص را در این باب اختلاف بسیار است

جمعی که مقربان درگاه الهی اند ارواح ایشان بملاء اعلی در آویخته و این تعلقات جسمانی ایشان را از آن عالم دور نینداخته است بلکه ببدن با مردم محشورند

و ارواح ایشان پیوسته با قدسیان ملاء اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس با ایشان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربانی علی الدوام

بر ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند از اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده اند و بغیر این نشأه فانیه و لذات دنیه چیزی بخواطر ایشان نمیگذرد

حتی جمعی از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشأه دیگر غیر این نشأه را باور نمیکنند و پیغمبران را در امر معاد تکذیب مینمایند ایشان را گوش

بریده و گوش و دل ایشان زده اند و راههای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند و جمعی هستند که با وجود تشبث باین علایق دنیه در دست

از تحصیل مراتب علیه بر نداشته اند و در مقام نفس لوامه خود را داشته اند گاهی گوش و دل بشیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت

میشنوند زمانی با واعظان و رهنمایان بشر محشورند و زمانی با شیاطین انس مشغول فسق و فجورند گاه بلوث گناه خود را می آلایند و گاه بآب

تضرع و توبه خود را تطهیر مینمایند و این جماعت چون روح ایشان را باعتبار اشغال و تعلقات و خطایا و سیئات بعدی حاصل شده از جناب

قاضی الحاجات و انبیا و ملائکه سموات بهم رسیده در وقت خواب که نفس را از اشتغال بدنی فی الجمله حاصل شد و خیالات فاسده که از راه روزنهای

مشاعر بدنی بر او داخل می شد مسدود گردید فی الجمله او را آشنایان قدیم بیاد می آید و با دوستان روحانی طرح اختلاط می اندازد و باسمان

صورت و معنی عروج می نماید و بار و حانیان و قدسیان همزبان میگردد اما چون در اول شب بار از صور خیالات بیداری در ضمیرش حاضر است

هنوز در هوای تعلقات خود پرواز می کند و در نظرش آن عالم ناقص است پس بان علت شیاطین بر او مستولی می شوند و خیالات و علایق باطله او

بصورتهای گوناگون در نظر او می آورند و هر چند از اول شب دور تر میشود نقش خیالات بیداری کم میشود و بیشتر محو میشود پرواز او بعالم بالا بسیار

میشود تا آنکه چون وقت سحر می شود از این آسمان و زمین و هواهای و خواهشهای رتبهای رکین بدر رفته و بزیر عرش الهی بصحبت مقربان فایز

گردیده بسبب استیلای شیاطین ضعیف میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن خواب غفلت ربودگان و دور

کردن

کردن عساکر شیاطین و جنیان فرو می فرستد لهذا در آنوقت درهای رحمتهای و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان فایض می شود و ایشان را برای نماز و تضرع

و زاری و توبه و پشیمانی آنچه در روز بغفلت کرده اند بیدار می کنند و باین سبب نماز شب در آنوقت مقرر ساخته اند و آیه کریمه ان

ناشئة اللیل هی اشد وطأ و اقوم قیلا در شأنش فرستاده اند که حاصل مضمونش آن است که عبادتی که در شب کرده می شود موافقت دل با زبان

در آن بیشتر است و گفتار در آن درست تر است پس زهی سعادتمندی که قدر آنوقت را بداند و اندازه آن نعمتهای بی اندازه را

بشناسد و ملکه روحانی را بر دیو و سواس شیطانی یاد خود کرداند و روح مقدس خود را از آلودگیهای تعلقات دنیه پاک کرده بساط

قرب پروردگار خود رساند و در آن وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است با خداوند بی نیاز خود هم آواز ایشان کردانند و قدر

قدر خود را بدانند و اندکی اصل خود را بیاد آورند و آن جوهر قدسی را ببهای کم نفروشند و آن طایر عرشی را در قفس علایق محبوس نکردانند

وفقنا الله تعالی و سایر المؤمنین لسلوک مسالک المقربین و التنبه عن نوم الغافلین و بدانکه چون این پرده های زنگار تعلقات

جسمانی و شیشه های الوان زینتهای دنیوی در وقت خواب در پیش دیده دل آویخته است و با وجود عروج بمراتب علیه باز بصیرتش باین

خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتهای دیگر دیده می شود و هر چیز را باعتبار مناسبات شکلها و صورتهاست که در کلام

الهی و سخنان انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای مألوف بمحسوسات برای عبرت ایشان مثل زده اند چون ایشان خود را از معقولات

معزول ساخته اند مدار ایشان بر محسوسات است لهذا معقولات را در لباس محسوسات بایشان می نمایند چنانچه فرموده اند که دنیا

همانند ماری است که ظاهرش نیکو دارد و طفل نادان بآن فریفته می شود و در میانش زهر کشنده است و چنانچه علم که باعث حیات دلهاست

تشبیه کرده اند بآب که باعث حیات بدنهاست و چنانچه سبزی زمین بسبب آب است سبزی دلها بعلم است و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب و چراغ

تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکیهای ظاهر را برطرف میکند و علم ظلمتهای شکوک و شبهات و حیرتهای جهالت و ضلالت را زایل میکند

و کلام حق تعالی و انبیا و اوصیا باین امثال مشحون است و سرش همان است که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز باعتبار ضعف بصیرت ایشان

هر چیز بصورتی نموده میشود و باین سبب خواب محتاج بتعبیر میشود و کار تعبیر کننده آن است که از آن صورتها بمعنی نقل میشود چنانچه کسی

در خواب می بیند که در میان فضله افتاده است یا دستش بفضله آلوده شده است معبر میداند که این صورت دنیاست که در پیش مردم آنگاه

از فضله و جیفه گندیده تر است میداند که مالی بدست او می آید یا می بیند که ماری متوجه او میشود مالی رو باو میکند یا می بیند که در میان

آبیست علمی او را رو میدهد و این علمیست عظیم و مخصوص انبیا و اوصیاست و معجزه حضرت یوسف تعبیر خواب بوده و تحقیق این مقام

محتاج به بسطی هست که این رساله گنجایش آن ندارد ان شاء الله در کتب دیگر که در خواطر هست اگر خدا خواهد بر وجه کامل مذکور شود و در حدیث

صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فرمود بسیار است که خوابی می بینم و تعبیر خواب برای خود میکنیم و خواب همان نحو که تعبیر میکنیم واقع میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله شوهرش در سفر بود بخواب دید که ستون خانه اش شکست بآنحضرت عرض کرد حضرت فرمود که شوهرت می آید بسلامت پس چنان شد بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید و حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش آمد بار سه دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید بمرد شومی برخورد و این خواب را نقل کرد او گفت شوهرت میمیرد و چنان شد این خبر بآنحضرت رسید فرمود که چرا تعبیر برای او نکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خواب مؤمن در میان آسمان و زمین در بالای سر صاحبش پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند پس بآن نحو که تعبیر کردند واقع میشود پس خواب خود را نقل مکنید مگر برای مؤمنی که خالی باشد از حسد و عداوت و طغیان و در حدیث حسن منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود نه بر بدنم حضرت فرمود که نور ساطعی و دین شاملی بتو خواهد رسید اگر همه ترا فرا میگرفت در دین حق غوطه میخوردی آن شخص گفت که دیگران بپادشاهی تاویل میکنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بوده اند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی بهتر است از دین حق که بآن امید بهشت بهم میرسانی و در روایت معتبر دیگر منقولست که محمد بن مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم زنم آمد و گردکانهای بسیاری شکست و بر سرم ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و رختهای نو که پوشیده باشی بر بدنت پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست گردکان بمنزله جامه آنست محمد بن مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهای نو که در عیدها میپوشیدم در بر کردم و بر در خانه نشستم دختری گذشت از او طلب کردم و بخانه بردم و متعه کردم زنم مطلع شد و آمد بر سر ما و آن دختر گریخت و من در میان خانه ماندم رختهای نوم را پاره پاره کرد و منقولست که شخصی دیگر بآنحضرت عرض کرد که خوابی دیدم و بسیار میترسم دامادی داشتم که مرده است خواب دیدم که دست در گردن من کرده میترسم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ کشیدی صبح شد و از مرگ گریزان مباش اما معانقه مردگان با زندگان علامت طول عمرست بگو که داماد تو چه نام داشت گفت حسین فرمود که زیارت امام حسین ترا نصیب خواهد شد زیرا که هر که معانقه با هم نام آنحضرت در خواب میکند توفیق زیارت آنحضرت مییابد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هر که در خواب ببیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن گردد و شخصی دیگر بآنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که چوب نیزه در دست داشتم فرمود که آیا آهنی بر سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهن میداشت خدا ترا پسر میداد چون آهن نداشته است خدا ترا دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کردند بعد از آن پرسید که آن نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود که دوازده دختر بهم خواهی رسانید محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت که من فرزند یکی از آن دخترهایم و یازده خاله دارم و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که من در شب مولای علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش سفیدی بود چنین تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد و در حدیث دیگر منقولست که یاسر خادم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که در خواب دیدم که هفده شیشه در میان قفسی بود ناگاه آن قفس افتاد و شیشه ها شکست حضرت فرمود که اگر خوابت راست است میپاید شخصی از اهلبیت و خویشان من هفده روز پادشاهی و بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابراهیم در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از هفده روز مرد و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر بدست من دادند و آنقدر خوردم که دیدم که از میان ناخنهای من بیرون می آید پرسیدند که بچه تعبیر کردید فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم بموضع معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر اسب چوبی سوار بود و شمشیری در دست داشت و حرکت میداد و من او را نظاره میکردم و میترسیدم حضرت فرمود که دلالت بر این میکند که تو میخواهی بفریبی شخصی را از روزی خود برآوری از خدا بترس و مرگ را بیاد آور و چنین مکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش اخذ کرده بدرستی که شخصی از همسایگان من بنزد من آمد و گفت مزرعه دارم و میخواهم بفروشم من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم و عزم کردم که بقیمت بسیار ارزانی از او بخرم

فصل دهم در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروه است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شب بیداری داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب کردن و قرآن خواندن در آن و در طلب علم و برای عروسی که بخانه شوهرش برند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج کسند که بخواب نمیروند کسی که قصد کشتن کسی داشته باشد و کسی که مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد که بر او اعتماد کند و کسی که در میان مردم دروغ و بهتان بسیار گفته باشد و کسی که مال بسیاری از او خواهند و مال نداشته باشد و کسی که محبوبی را خواهد و ترسد که از او جدا شود و پدرم علیه الرحمة و الرضوان میفرمود که ممکن است که این تنبیهی باشد مردمی را که خواب غفلت بسیار میکنند زیرا که همه کس میباید در پی کشتن نفس اماره خود باشد که دشمن اندرونیست و پیوسته در پی کشتن اینکس است و سرمایه ایمان و طاعات که اینکس دارد امینی ندارد و نفس و شیطان و هواها و شهوات همه اتفاق کرده اند بر غارت آنها و دروغ و بهتان گفته است هر کس و از همه کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه باید تحصیل نکرده اند و چون خدا محبوبی دارند بخواب غفلت قرب او را از دست میدهند پس کسی که این همه اسباب بیداری در او باشد چگونه بخواب رود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عجب دارم از کسی که دعوای محبت الهی میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که از شبیخون عذاب ترسد باید کم خواب کند و منقولست که چهار چیز است که کمش بسیار است آتش و خواب و بیماری و دشمنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مادر حضرت سلیمان علیه السلام باو میگفت که زنهار که در شب خواب بسیار مکن

کبه یاری خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میکردانند و حضرت صادق علیه السلم فرمود که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن
بی آنکه بیداری کشیده باشد و خنده کردن بی تعجبی و با سیری چیزی خوردن و فرمود که اول معصیتی که خدا را کردند شش چیز بود محبت دنیا و محبت
ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیطان را سرمه
هست که در دیدهای مردم میکشد و لعوقی هست که در حلق مردم میکند و سعوطی هست که در بینی مردم میچکاند سرمه اش پینکی است و لعوقش دروغ است
و سعوطش تکبر است و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که مستی چهار است مستی شراب و مستی مال و مستی خواب و مستی پادشاهی و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم منقولست که حضرت موسی مناجات کرد که پروردکارا کدام یک از این بندکان خود را بیشتر دشمن میداری خطاب
رسید که آنکسی که شب تا صباح مانند مردار افتاده است و روز به بطالت بشب میرساند و از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست
که دیده خود را بخواب عادت مده که هیچ عضوی در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمیکند و حضرت صادق علیه السلم فرمود که خدا دشمن میدارد بسیاری
خواب کردن و بسیاری فارغ بودن را و فرمود که بسیاری دنیا آخرت را میبرد و بدانکه بسیاری بیداری کشیدن هم مذموم است و در غیر
شبهائیکه بخصوص احیای آنها وارد شده است تمام شب بیدار بودن کراهت دارد و در اخبار وارد شده است که دیده را بر آدمی حقی هست و بسیاری
بیداری حق آنرا ضایع نباید کرد و بدانکه در خواب و بیداری رو بآفتاب خوابیدن و نشستن کراهت دارد چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست
که کسی که در آفتاب نشیند پشت رو بآفتاب کند که رو بآفتاب نشستن دردهای پنهانی را ظاهر میکرداند و در حدیث دیگر فرمود که رو بآفتاب مکشید که مورث
هیجان بخار است و رو را متغیر میکند و جامه را کهنه میکند و دردهای اندرونی از آن ظهور می آید و از حضرت صادق از رسول صلی الله علیه و آله بسند معتبر منقولست
که در آفتاب چهار خصلت هست رنگ را متغیر میکند و ایش را بدبو میکند و جامه را کهنه میکند و باعث دردها میشود **فصل یازدهم** در آداب
بیت الخلا رفتن چون خواهد که داخل بیت الخلا شود سر را بپوشد و اگر در بالای عمامه چیزی دیگر بر سر کیرد بهتر است و بسم الله بکوید و دعا بخواند باین
عنوان بسم الله و بالله اللهم انی اعوذ بک من الخبیث المخبث الرجس النجس الشیطان الرجیم و دیگر بکوید بسم الله و بالله و لا اله الا الله رب اخرج عنی الاذی
سرحا بغیر حساب واجعلنی لک من الشاکرین فیما تصرفه عنی من الاذی والغم الذی لو حبسته عنی هلکت لک الحمد اعصمنی من شر ما فی هذه البقعة و اخرجنی
منها سالما وحل بینی و بین طاعة الشیطان الرجیم و بخود داخل شود پای چپ را مقدم دارد بنابر مشهور و حدیثش بنظر نرسیده است و چون عورتش باز
شود بسم الله بکوید تا شیطان چشم بر هم نهد و نظر بعورت او نیفکند و چون در بیت الخلا نشیند بکوید اللهم اذهب عنی القذی والاذی واجعلنی من المتطهرین
و جمعی گفته‌اند که سنت است که تکیه بر پای چپ کند و پای راست را کشاده کذارد و سندش بنظر نرسیده است و چون غایط یا بول بدشواری بیرون
آید و بعضی گفته‌اند مطلقا اید دعا بخواند اللهم کما اطعمتنیه طیبا فی عافیة فاخرجه عنی خبیثا فی عافیة و در حدیث است که بر هر بنده فرشته ایست که سر او را بزیر می اندازد

در بیت الخلا

در بیت الخلا نظر بحدث خود کند پس آن فرشته میکوید که ای فرزند آدم این عاقبت خورشهای تست که سعی بسیار در خوبی و پاکیزکی آنها میکردی نکاه
کن که از کی بهم رسانیدی و عاقبت بکجا رسید پس اولی آنست که در این حال بنده امید دعا بخواند اللهم ارزقنی الحلال وجنبنی الحرام و چون بطهارت آب
استنجا افتد بکوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا و چون خواهد که استنجا کند بکوید اللهم حصن فرجی واستر عورتی وحرمنی علی النار ووفقنی لما
یقربنی منک یا ذا الجلال والاکرام و چون برخیزد دست بر شکمش بمالد و بکوید الحمد لله الذی اهنانی طعامی وشرابی وعافانی من البلوی و چون خواهد که
بیرون آید پای راست را مقدم دارد بنابر مشهور و دست بر شکمش بمالد و بکوید الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی فی جسدی قوته واخرج عنی اذاه یا لها من نعمة
لا یقدر القادرون قدرها و در بعضی از کتب حدیث یا لها نعمة سه مرتبه وارد شده است و سنت است که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کند و بعضی
استبرا را واجب میدانند و طریق استبرا آنست که انکشت میان دست چپ را از نزدیک مقعد کذاشته بقوه بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه پس انکشت
شهادت را بزیر ذکر کذارد و انکشت ابهام را بر بالای آن و بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه و اکثر علما گفته‌اند که سر ذکر را سه مرتبه بفشارد و این مستندی
ندارد و سنت است استنجا بآب سرد کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است و منقولست که حضرت لقمان فرمود که بر در
بیت الخلاها نوشته‌اند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر میشود و استنجا باستخوان و سرکین کردن مکروه است زیرا که اجنه بخدمت حضرت
صلی الله علیه و آله آمدند و از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان را از برای ایشان و سرکین را از برای حیوانات ایشان قرار
داد و باین سبب استنجا از آنها کردن خوب نیست و همچنین استنجا بسایر مطعومات کردن خصوصا نان کراهت شدید دارد و استنجا بچیزهای محترم مثل
تربت حضرت امام حسین علیه السلام و نوشته که در ان قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبر یا ائمه علیهم السلم یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است و اکر بروجه استخفاف کافر
میشود و استنجا بدست راست کردن مطلقا مکروه است و بدست چپ هم مکروه است در صورتی که در ان انکشتری باشد که در آن اسم خدا باشد و الحاق کرده‌اند
علما اسماء انبیا و ائمه معصومین صلوات الله علیهم را هرکاه بقصد نام ایشان کنده باشد و مکروه است با خود بردن به بیت الخلا چنین انکشتری را هرچند
در انکشت نباشد و همچنین با خود بردن نقره سکه‌دار مکر آنکه در کیسه باشد و مکروه است مسواک کردن در بیت الخلا که باعث کند دهان میشود و مکروه است
حرف کفتن در این حال مکر بذکر خدا و دعاهای معتبر و آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤذن میکوید از پی او کفتن چنانچه منقولست که حضرت موسی در مناجات
با خداوند خود کفت که حالتی چند بر من میکذرد که ترا از ان بزرکتر میدانم که در ان حال ترا یاد نمایم فرمود که ای موسی مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکوست و جواب
رد سلام و اکر اسم حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بشنود صلوات بفرستد بنابر قول جمعی و سنت است که اکر عطسه کند حمد بکوید و صلوات بفرستد و جایز است
که اکر کاری با کسی داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود و باشاره و دست زدن اعلام نشود اندک سخن بکوید و منقولست که هرکه در بیت الخلا حرف
زند حاجتش بر آورده نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجا کردن بآبی که بویش متغیر شده باشد بغیر نجاست مکر آنکه آب دیکر یافت نشود

فصل دوازدهم در بیان احوال و اوضاع و مکانهائی که نهی از آنها وارد شده است واجب است که عورت خود را از نامحرم بپوشانند از زن و متعه خود و نه از کنیزی که وطی او تواند کرد و نه از اطفالی که تمیز نداشته باشند و سایر حیوانات و عورت ذکر و خصیتین و دبر و فرج زن و سنت است که تمام بدن را بپوشانند یا آنکه پنهان شود در خانه یا کوهی و اگر در صحرا باشد دور شود که کسی جثه او را نه بیند و اکثر علما بر آنند که حرام است رو بقبله و پشت بقبله کردن در حالت بول و غایط خواه در صحرا باشد خواه در بنا و احوط اجتناب است چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که هر که برابر قبله بول کند از روی فراموشی پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال قبله بگردد و بجانب دیگر از آنجا برخیزد مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد و احوط آنست که از مابین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبله را نداند سعی کند در معرفت قبله یا خواطر جمع کند که رو و پشت بقبله نکرده است و اگر متعذر باشد باکی نیست و در این صورت اگر پشت بقبله کند بهتر است و سنت است که از جهت بول بر جای بلندی یا جائی که خاک بسیار داشته باشد برود که خواطر جمع باشد که باو ترشح نمیکند چنانچه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه هرگاه اراده بول میکردند بجای بلندی بر میشدند یا جائی که خاک نرم بسیار بود که مبادا بول ترشح کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر از سهل شمردن بول و از کج خلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب ایستاده بول کردن بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین میشود و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکنند و ایستاده بول کردن مکروه است بلکه غایط را هم ایستاده کردن مکروهست و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که ایستاده بول کند بیم آن هست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بزیر بول کردن مکروه است و مکروه است بول کردن در سوراخ جانوران و بول و غایط کردن در مجرای آب هر چند آب نداشته (?) باشد و همچنین در میان راهها و کنار آبها و در مسجدها و نزدیک دیوارهای مسجد و در درخانها و در جائی که مردم بسبب آن دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار در وقتی که میوه داشته باشد زیرا که ملائکه در آن وقت بآن درختان میباشند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران و بعضی گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است و در جاهائی که مردم قافله فرود می آیند و جاهائی که مردمان از آن متأذی میشوند حتی از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی لعنت کرده است کسی که غایط کند در سایه که قافله در آنجا منزل میکنند و کسی که منع کند مردم را از آب مباحی که در چاهها و چشمها مردم نوبت بر آن وارد میشوند یا آبی که ملک جماعتی باشد و هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد صاحب نوبت منع کنند و کسی که راه شارع مردم را سد کند بدیوار کشیدن یا راه زنی کردن یا عشور گرفتن

باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر بعضی ادعیه و احراز و

فصل اول در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و بیان شدت ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که روزی رسول خدا صلی الله

علیه و آله بجانب آسمان بلند کردند و تبسم فرمودند صحابه از سبب آن سؤال کردند حضرت فرمود که تعجب کردم از دو ملک که بزمین فرود می آمدند و بنده مؤمن صالحی را در جای نمازش طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند و او را در جای نمازش نیافتند باسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده مؤمن ترا در جای نمازش طلب کردیم او را نیافتیم و او در بند بیماریست حق تعالی فرمود که بنویسید برای بنده من مثل آنچه در حال صحت از افعال خیر در شب و روز میکرده است مادام که در بند من است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون بر مؤمن ضعف پیری غالب شود حق تعالی امر میفرماید که آنچه در جوانی و قوت میکرده است برای او بنویسید و همچنین ملکی را موکل میگرداند که برای مؤمن بیمار بنویسند آنچه در صحت از کارهای خیر میکرده است و از برای کافر بیمار بنویسند آنچه در حال صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که بیماری یکشب از بیماری و درد بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی بملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری گناه بر مؤمن ننویسند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که بدنی که بیماری نکشد طغیان بهم میرساند و خیری نیست در چنین بدنی و در حدیث دیگر فرمود که یکشب تب برابر است با عبادت یکسال و دو شب تب برابر است با عبادت دو سال و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد سال و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که یکشب تب کفاره گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد و با احدی از عیادت کنندگانش شکایت نکند بدل میکنم از برای او گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون او پس اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم او را و اگر او را بمیرانم بسوی رحمت خود میبرم او را و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که یکشب بیماری کشد و قبول کند او را آنچه شرط قبول کردنست یا آنکه کسی را خبر ندهد از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی میفرماید بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله باو عطا فرماید و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حد شکایت نه آنست که بگوید امشب خواب نبردم یا تب داشتم بلکه آنست که بگوید ببلائی مبتلا شده ام که هیچکس بآن مبتلا نشده است و آنچه بمن رسید بهیچکس نرسیده است و مثل اینها و در حدیث دیگر فرمود که تب رسول مرگست و زندان خداست در زمین و گرمیش از جهنم است و بهره مؤمن از جهنم همین است و از حضرت علی بن الحسین علیه السلم منقولست که یکدرد سر تب بهر عضوی میرساند بهره او از بلا و خیری نیست در کسی که ببلا مبتلا نشود و در روایت دیگر وارد شده است که مؤمن چون تب میکند گناهان از او میریزد مانند برگ از درخت و اگر بر رختخواب بیفتد ناله اش ثواب سبحان الله دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از پهلو بپهلو میگردد مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که بیماری برای مؤمن پاک کننده اوست از گناهان و رحمت الهی است نسبت باو و از برای کافر عذاب و لعنت است و فرمود که یکشب

درد سر هر گناهی را برطرف میکند مگر گناهان کبیره و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از سه تحفه از برای او میفرستد
یا درد چشم یا درد سر و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که بلای پیغمبران از همه کس شدیدتر است پس بعد از ایشان اوصیای ایشان پس بعد
از اوصیا هر که نیکوتر و فاضلتر است بلایش عظیمتر است و مومن را بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا با و میرسانند پس هر که ایمانش صحیح و عملش نیکوتر است
بلایش بیشتر است و هر که ایمانش ضعیفتر و عمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلم منقولست که ثواب عظیم با بلای عظیم میباشد
و هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشانرا مبتلا میگرداند و فرمود که حق تعالی را بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بزمین
نمیفرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و هیچ بلائی نمیفرستد مگر آنکه میگرداند از دیگران بسوی ایشان و بروایت معتبر دیگر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد در غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی و میریزد بلا را براو ریختنی پس اگر
خدا را برای دفع آن بلا بخواند حق تعالی میفرماید لبیک ای بنده من اگر زود بتو بدهم آنچه طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنم برای روز
جزا بهتر است از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلم منقولست که مومن چهل شب بر او نمیگذرد مگر آنکه او را امری رو میدهد که اندوهگین
شود و بسبب آن متذکر و آگاه گردد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در بهشت منزلتی هست که هیچکس بآن منزلت نمیرسد مگر آنکه بلائی ببدن
او برسد و فرمود که اگر مومن بداند که در مصیبتها چه ثواب برای او هست هر آئینه آرزو کند که بدنش را از مقراض پاره پاره کنند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند مومن را بتحفه بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود بفرستد و او را پرهیز میفرماید از چیزهائی که باو ضرر میرساند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که شخصی حضرت رسول صلی الله علیه واله را بخانه خود طلبید چون حضرت داخل خانه او شدند دیدند که مرغی بر بالای دیوار
تخم کرد و آن تخم افتاد و بر روی میخی که در میان دیوار بود بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت تعجب فرمودند آن شخص گفت که از این تعجب میفرمائید بحق
آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز نقصانی بمن نرسیده است حضرت برخواستند و طعام او را تناول نفرمودند و گفتند که هر که نقصانی
باو نرسد امید خیر در او نیست و در حدیث دیگر فرمود که خدا مومن را بهر بلائی مبتلا میکند و بهر مرگی او را میمیراند اما عقلش را برطرف نمیکند نمی بینی که
شیطان بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد که بآن عقل خدا را بیگانگی بشناسد و در حدیث حسن دیگر فرمود
که حق تعالی میفرماید که اگر نه آن بود که مومن در دل خود چیزی می یافت هر آینه عصابه بر سر کافر می بستم که هرگز درد سر باو نرسد دویم
در فضیلت و آداب حجامت بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلم منقولست که دوا چهار چیز است حجامت و دوا در بینی چکانیدن و حقنه
کردن و قی کردن و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت میکردند فرمودند که چه میشد شما را اگر تاخیر میکردید
تا پسین روز یکشنبه که درد را بیشتر از بدن میکشد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه واله در روز دوشنبه حجامت
کردند

کردند و با حضرت حجام گندمی دادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه واله روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند و فرمود که حجامت
کردن در آخر روز دوشنبه درد را از بدن بیرون میکشد کشیدنی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام موسی علیه السلام در روز جمعه حجامت میکردند
گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود که هر گاه که خون زیادتی کند بر تو خواه در شب و خواه در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت
بکن و از حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه او را از دردهای سال امه
شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و دیوانگی و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه در روز
چهارشنبه حجامت میکردند گفت اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت کند و پیس شود ملامت
نکنند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند کسی پیس میشود که مادرش در حیض با او حامله شده باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد که حجامت
کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند بدرستی که در هر پسین جمعه خون از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر میگردد تا صبح روز پنجشنبه و فرمود که
هر که حجامت کند در پنجشنبه آخر ماه در اول روز درد ها را از بدنش بکشد و در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگوید
پیش از آنکه محجمه را بر بیرند بسم الله اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه واله حجامت
در سر و در میان دو کتف و در پشت کردن میکردند یکی را نافعه مینامیدند و دیگری را مغیثه یعنی نفع یا رسنده و سیم را منقذه یعنی خلاص کننده از بلاها
و در روایت دیگر فرمود که منقذه آنست که از سر بینی سر کشی بجانب بالا و بهر جائی از سر که برسد در آنجا حجامت کنی و در روایت معتبر منقولست که
حضرت امام موسی علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت کردند و تب برطرف نشد پس در جمعه حجامت کردند و تب برطرف شد و از حضرت امام رضا علیه السلم
منقولست که هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند برای رد بر اهل طیره عافیت یابد از هر بلائی و محفوظ ماند از هر دردی و محل حجامتش سبز نشود و در
روایت دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که حجامت
کردن بدن را صحیح میگرداند و عقل را محکم میکند و فرمود که حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحسیست و در روز جمعه ساعتی هست که اگر در آن
ساعت حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون کردنست و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه واله نهی وارد
شده است از حجامت کردن در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در روز پنجشنبه حجامت مکنید و بسند معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه واله منقولست که اگر در چیزی شفا هست در شیشه حجام و در خوردن عسل است و فرمود که نیکو عادتیست حجامت دیده را جلا میدهد
و درد ها را میبرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه واله مسواک و خلال و حجامت را آورد و در فقه الرضا
مذکور است که چون اراده حجامت کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی من العین فی الدم و من کل

سوء واعتلال امراض و سقام واوجاع و اسئلک العافیة والمعافات والشفاء من کل داء و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
عرض کردند که مردم میگویند حجامت در روز سه شنبه و چهارشنبه را فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هرگاه کسی زیادتی خون
در خود یابد البته حجامت کند که مبادا او را بکشد و فرمود که اول سه شنبه که از آذار ماه رومی که اول بهارست حجامت کند باعث صحت بدن او
شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را هیچ آزاری بهم نمیرسید مگر آنکه پناه بحجامت میبردند و در حدیث
دیگر فرموده که حجامت سر شفای همه دردها است غیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که هرکه نگاه کند باول محجمه که از خون او بریزند امان یابد از درد چشم
تا حجامت دیگر و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجامت میکردند بآب سرد غسل میکردند که
حرارت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اول در پشت گردن حجامت میکردند پس جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را
بحجامت میان دو کتف و در حدیث دیگر روایتست که حضرت صادق علیه السلام حجامت کردند و بعد از حجامت سه پارچه قند با نبات طلبیدند و تناول
فرمودند و فرمودند که خون صافی را متولد میکند و حرارت را قطع میکند و از حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه منقولست که انار شیرین بعد از حجامت خون را
ساکن میکند و خون اندرون را صاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حجامت روز شنبه باعث ضعف میشود و در روایت دیگر منقولست
که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام در میان شب زیادتی خون بهم میرسانیدند و در آن وقت حجامت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در ماه
مبارک رمضان بهتر آنست که حجامت را در شب بکنند و فرمود که حجامت یا در روز یکشنبه است و حجامت شیعیان یا در روز دوشنبه است و فرمود
که ناشتا حجامت مکن یا اندک چیزی بخوری که بیشتر باعث بر رفتن خون و قوت بدن میشود و فرمودند که چون بعد از اکل حجامت کنند خون
جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از اکل باشد خون صالح بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت حضرت صادق
علیه السلام بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه خود را بشو و بند کن پس انار طلبیدند و تناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند
و تناول فرمودند و گفتند که خوردن انار در اینوقت صفرا را فرو می نشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابوبصیر پرسیدند که مردم بعد از حجامت
چه چیز میخورند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که کسی که خواهد حجامت کند در روز شنبه حجامت نکند
و فرمود که حجامت کردن در روز یکشنبه شفای هر درد است و در روایتی وارد شده است که نباید حجامت کرد در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در بدن متفرق میشود پس حجامت را پیش از
ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی فرمود از حجامت کردن در وقت ظهر جمعه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در ششم ماه حزیران رومی که در
اوایل تابستانست حجامت بکن و اگر نشود در چهاردهم بکن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبه فراموشی است و حضرت

صادق

فصل در معالجه سایر امراض سر و رو و گلو در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که هرگاه چشم کسی آزرده شده باشد
باید که آیة الکرسی بخواند باعتقاد درست که البته شفا می یابد و در روایت معتبر دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام بشخصی فرمود که میخواهی
که دعائی تعلیم نمایم ترا که برای دنیا و آخرت نافع باشد و درد چشم ترا زایل کند گفت بلی فرمود که بعد از نماز صبح و شام مداومت نما بر این دعا
اللّٰهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّدٍ و آلِ محمّدٍ علیک ان تصلّی علی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ و ان تجعل النّور فی
بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسّلامة فی نفسی والسّعة فی رزقی
والشّکر لک ابدًا ما ابقیتنی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای درد چشم این دعا را امر فرمود که بخوانند
اللّٰهمّ متّعنی بسمعی و بصری واجعلهما الوارثین منّی وانصرنی علی من ظلمنی وارنی فیه ثاری
و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و دید که چشم آنحضرت آزار عظیم دارد روز
دیگر بخدمت آنحضرت رفت و دید که هیچ آزاری در چشم آنحضرت نمانده سبب آن پرسید فرمود که این تعویذ را خواندم اعوذ
بعزة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله اعوذ بجمال الله اعوذ بکرم الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بغفران الله
اعوذ بحلم الله اعوذ بذکر الله اعوذ برسول الله اعوذ بآل رسول الله صلی الله علیه و آله اجمعین علی ما احذر فی عینی و ما اخاف و ما احذر
اللهم رب الطیبین اذهب ذلک عنی بحولک و قدرتک و ابن شهرآشوب روایت کرده است که مرد کوری شنید که حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام این دعا میخواند آنشخص بخانه رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از نماز این دعا را خواند چون باین موضع
رسید که ان تجعل النور فی بصری دیده اش بینا شد دعا این است اللهم انی اسئلک یا رب الارواح الفانیة و رب الاجساد
البالیة اسئلک بطاعة الارواح الراجعة الی اجسادها و بطاعة الاجساد الملتئمة الی اعضائها و بانشقاق القبور عن اهلها
و بدعوتک الصادقة فیهم و اخذک بالحق بینهم اذا برز الخلائق ینتظرون قضائک و یرون سلطانک و یخافون بطشک و یرجون
رحمتک یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم اسئلک یا رحمن ان تجعل النور فی بصری
والیقین فی قلبی و ذکرک باللیل والنهار علی لسانی ابدا ما ابقیتنی انک علی کل شیء قدیر و در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که شخصی با آنحضرت شکایت کرد از ضعف باصره و گفت بمرتبه رسیده که شبکور شده ام فرمود که آیة الله نور السموات والارض تا آخر مکرر در جامی
بنویس و بآب محو کن و آنرا در شیشه بکن و از میل بچشم بکش راوی گفت که کمتر از صد مرتبه میل کشیدم که بینائی من برگشت و در حدیث معتبر دیگر منقولست
از حضرت امام رضا علیه السلام که شفای چشم در خواندن حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی و کشیدن قسط و مرو کندر است

و دعای درد گوش و دعاهای دیگر گذشت و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از سنگینی گوش فرمود که دست
بر گوش بکش و این آیات را بخوان لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون
هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم و در روایت دیگر وارد
شده است که برای درد گوش روغن بخش یاسمن یا روغن بنفشه هشت مرتبه بخوانند کأن لم یسمعها کأن فی اذنیه وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک
کان عنه مسئولا پس آن روغن را در گوش بچکانند و از برای قطع رعاف منقولست که بر پیشانی او بنویسند و قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء
و قضی الامر واستوت علی الجودی و قیل بعدا للقوم الظالمین و در روایت دیگر این آیات را خوانند منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم
تارة اخری یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی بالقوم الظالمین
و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا و جعلنا من بین
ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد دهان فرمود که دست بر
دهان بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ بکلمات الله التی لا یضر معها شیء قدوس قدوس قدوس باسمک
یا رب الطاهر المقدس المبارک الذی من سألک به اعطیته و من دعاک به اجبته اسألک یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد النبی و اهل بیته
وان تعافینی مما اجد فی فمی و فی رأسی و فی سمعی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی یدی و فی رجلی و فی جمیع جوارحی کلها و ابو بصیر شکایت کرد
بحضرت امام محمد باقر علیه السلام از درد دندان و گفت شبها از این درد بیدار میشوم فرمود که هرگاه از شش طاهر شود دست بر آن موضع درد بگذار و
سوره حمد و سوره قل هو الله احد بخوان پس این آیه را بخوانند و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه
خبیر بما تفعلون و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اینها را بخوان با سوره انا انزلناه فی لیلة القدر و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که برای دفع درد دندان دست بر موضع سجود بمالد و بر موضعی که درد میکند بمالد و بگوید بسم الله و ... فی الله ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم و در روایت دیگر منقولست که برای دفع درد دندان سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد بخواند
پس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
نودی ان بورک من فی النار و من حولها و سبحان الله رب العالمین اللهم یا کافی من کل شیء ولا یکفی منک شیء اکف عبدک وابن امتک من شر ما
یخاف و یحذر و من شر الوجع الذی یشکوه الیک و در روایت دیگر منقولست که جبرئیل این تعویذ را برای حضرت امام حسن صلوات الله علیه آورد حکمه دفع

درد دندان که دست بر آن دندان که کرم خورده است بگذارند و هشت نوبت بخوانند العجب کل العجب لدابة تکون فی الفم تأکل العظم و تترک اللحم
انا الراقی والله الشافی الکافی لا اله الا الله والحمد لله رب العالمین واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها
کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون و در روایت دیگر میخی بگیرد و سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
هر یک را سه مرتبه بخوانند پس بگوید اکلت الحار والبارد افبالحار تسکنین ام بالبارد تسکنین وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم شدت داء
هذا الضرس من فلان بن فلان بسم الله العظیم پس میخ را بر دیوار بکوبد و بگوید الله الله الله و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع
شکایت کرد از کندی دهان حضرت فرمود که در سجده بگو یا الله یا الله یا رحمن یا رب الارباب یا سید السادات یا اله الالهة یا مالک الملک یا ملک
الملوک اشفنی بشفائک من هذا الداء واصرفه عنی فانی عبدک وابن عبدک و اتقلب فی قبضتک راوی گفت که یکمرتبه این دعا را در سجود
خواندم و شفا یافتم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دمیان از گیاه بهشت است و آنرا برای درد چشم نافع است و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که مسواک کردن آب ریختن چشم را زایل میکند و چشم را جلا میدهد و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت صادق
علیه السلام شکایت کرد از درد چشم فرمود که دوائی بساز از صبر و کافور و مر و اجزا مساوی بگیر و در روایت دیگر فرمود که ضعف چشم و خیالات
را برطرف میکند و در روایت دیگر فرمود که دهنه فرنگ برای رفع سفیدی که بر روی حدقه بهم رسد نافع است و در روایت معتبر از حضرت امام موسی ع
منقولست که صبر سقوطری و کافور ریاحی را مساوی یکدیگر بسایند و از حریر بیرون کنند و ماهی یکمرتبه در چشم بکشند دردهای سر و چشم را نافع است
و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که شخصی از اصحاب خود فرمود که هلیله زرد را با هفت دانه فلفل بسا و بپز و در دیده بکش و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سفیدی که در چشمش بهم رسیده بود و از درد دندان و درد مفاصل فرمود که فلفل
و دار فلفل از هر یک دو درهم و نوشادر پاکیزه یک درهم و هر سه را نرم بسای و از حریر بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و ساعتی صبر کن که سفیدی روی دیده را
قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و درد را ساکن میکند پس چشم را به آب سرد بشوی و بعد از آن سرمه سنگ بکش و در روایت دیگر وارد شده است
که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسلمان و ابوذر فرمود که تا درد چشم دارید بر پهلوی چپ مخوابید و خرما مخورید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که ماهی
خوردن برای درد چشم زیان دارد و دو دست بر چشم مالیدن بعد از دست شستن از طعام از درد چشم امان میدهد و در پنجشنبه و جمعه شارب و ناخن
گرفتن از درد چشم امان می بخشد و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوشم بسیار می آید
فرمود که پنیر بسیار کهنه را بقدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زن ممزوج کن و بر روی آتش گرم کن و چند قطره در گوشی که درد میکند بریز و در روایت
دیگر از برای درد گوش منقولست که یک کف کنجد پوست نکنده و یک کف خردل هر یک را علیحده بکوبند و با یکدیگر مخلوط کنند و روغن بگیرند

در روغن را در شیشه کنند و سرش را بانگشتر آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از ان در گوش بچکانند و پنبه در گوش
بگذارند سه روز چنین کنند تا شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره
در گوش بچکانند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سداب برای درد گوش نافعست و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که برای درد گلو چیزی نافعتر از خوردن شیر نیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت
عیسی علیه السلام بشهری گذشتند دیدند که مردم آن شهر رویهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض
بآنحضرت شکایت کردند فرمود که شما گوشت را نشسته می پزید و هیچ حیوانی از دنیا بیرون نمیرود مگر آنکه جنابتی با اوست بعد
از ان گوشت را میشستند چنین شستند بیماری بر طرف شد و حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام بشهر دیگر گذشتند دیدند که دندانهای ایشان ریخته بود
و رویهای ایشان باد کرده بود فرمود که در وقت خواب دهان را باز کنید و بر هم مگذارید چنان کردند علتها از ایشان زایل شد و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارند و فرمود که سرکه که از شراب بعمل آمده باشد بن دندان را محکم میکند
و در حدیث معتبر منقولست که حمزة بن طیار بخدمت آنحضرت آمد و آه میکشید حضرت فرمود که چه میشود ترا گفت که دندانم درد میکند فرمود که
حجامت بکن حجامت کرد ساکن شد بعد از ان حضرت فرمود که هیچ دوائی بحجامت و خوردن عسل نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود برای درد دندان
که حنظل را بگیرد و پوستش را بکند پس روغنش را بگیرد و اگر دندانش را کرم خالی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بریزد و پنبه را از آن
روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و بر پشت بخواباند تا سه شب چنین کند و اگر بن دندان درد کند در آن گوشی که در جانب آن دندان
واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه قطره بچکاند و باز فرمود که هر که درد دندان داشته باشد یا خون از بن دندانش آید یا درد کند
یا دندانش خوشیده باشد یا رنگش سرخی گشته باشد یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده باشد بگیرد و تمامش را گل بگیرد و سرش را
سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را بتراشد بهمواری که سوراخ نشود پس سرکه بسیار تندی که از شراب بعمل آمده باشد در ان
سوراخ بریزد و بر روی آتش بگذارد که بسیار بجوشد پس بردارد و هر وقت که احتیاج شود بقدر یکناخن بگیرد و بر دندانها و دهان بمالد و بعد از ان
بسرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان حنظل است در شیشه یا ظرفی دیگر خالی کند و هر چند آتش بر طرف شود سرکه بر آن بریزد و هر چند کهنه شود نفعش
بیشتر باشد و در حدیث معتبر منقولست از ابراهیم بن نظام که گفت در زندان مرا در راه گرفتند و پا آلوده گرم در دهانم کردند و بعد از ان برف در دهانم کردند
پس دندانهایم همه ریخت پس حضرت امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم که فرمود سعد در دهان بکن تا دندانهایت بروید بعد از چند گاه شنیدم که حضرت
امام رضا علیه السلام بمحل ما وارد شده است و بخراسان میرود بخدمت آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همان را فرمود که در خواب فرموده بود چنان

کرد

صادق علیه السلام فرمود که حجامت سر بفریاد رسنده و برای هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو سر گردن بجانب پشت برد تا
که انگشتها رسید نشان داد که در اینجا حجامت میباید کرد و در روایت دیگر منقولست که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت
اتفاق افتد خون بند نمیشود تا بمیرد و فرمود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که
آیة الکرسی بخوان و در هر روز که خواهی حجامت کن و فرمود که حجامت سر نافع است برای دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی
چشم و درد سر و غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یکمرتبه او را حجامت کنند در گودی پشت سر که لعابش را خشک میکند و حرارت را
از سر و بدنش میکشد و منقولست که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه طبیبی طلبیدند و فرمودند که رگ کف دست را بگشاید و منقولست که
شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد جگر حضرت او را فصد پا فرمود و شخصی دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمود که سه مرتبه هر دو
پا را حجامت کن در پشت پا در میان کعب و بند پا و شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد از جرب فرمود که فصد پای راست بکن
و بقدر دو درهم روغن بادام شیرین بر روی آب کشک بریز و بخور و ماهی و سرکه مخور و شخصی دیگر بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از جرب
فرمود که رگ اکحل را بگشاید **هشتم** در بیان انواع تداوی که از ائمه علیهم السلام وارد شده است و بیان جواز رجوع باطبا از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که درد سه است و دوا سه است پس درد مره است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون حجامت است و دوای
مره مسهل و دوای بلغم حمام است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از دواهای پیغمبرانست حجامت کردن و نوره کشیدن و دوا در دماغ
چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین دواهای شما حقنه است و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن و حمام رفتن
و در حدیث دیگر فرمود که طب عرب در حجامت و حقنه است و آخر دوای ایشان داغ کردن است و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عربان در
هفت چیز است حجامت و حقنه و دوا در بینی کردن و حمام و قی و خوردن عسل و آخر دوای ایشان داغ است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حقنه از جمله دواهای عظیم است و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دوا چهار چیز است حجامت و دارو مالیدن و قی کردن و حقنه کردن و فرمود که طب عربان
حجامت و حقنه و حمام و قی و دوا در بینی کردن است و آخر دوا داغ سوختن است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول ص
فرمود که بهترین چیزی که بآن مداوا کنید حقنه است شکم را فربه میکند و دردهای اندرون را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و فرمود که روغن
بنفشه در بینی چکانیدن درد سر را ساکن میکند و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که حمیه و امساک سر همه دواهاست و معده خانه دردهاست و هر بدنی
را بده آنچه او را عادت فرموده و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب درد دارد و فرمود که هر گاه گرسنه شوی طعام بخور و هر گاه
تشنه شوی آب بخور و هر گاه که بول آید بول بکن و تا ضرور نشود جماع مکن و هر گاه که ترا خواب گیرد خواب بکن چون چنین کنی بدنت صحیح

میباشد بعینه و فرمود که حق تعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتی که مقدر شده است که آن مرض تا آن وقت باشد چون آن وقت منقضی شد دوا را رخصت
اثر میدهد و بآن دوا شفا میباید مگر آنکه پیش از آن وقت دعا یا تصدق یا کارهای خیر بکند که خدا پیشتر از آن دوا را رخصت تاثیر بدهد و فرمود
که در عسل شفای هر دردی هست و هر که یک انگشت عسل ناشتا بخورد بلغم را دفع میکند و سودا را برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و حافظه را قوی
میکند هرگاه با کندر خورده شود و آب سرد حرارت و صفرا را فرو می نشاند و طعام را هضم میکند و خلطی که در فم معده هست میکند از دو تب را برطرف
میکند و فرمود که اگر چیزی بدن را فربه میکند مالیدن بدن است و جامه های نرم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را مالیدنی کنند
زنده شود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضاهای محکم را برطرف میکند و فرمود که بیماری را بهتر از چیزی الا دعا و تصدق
و آب سرد و فرمود که ملتهای پرهیز و امساک چهارده روز است و پرهیز نه آن است که چیزی نخورد بلکه آن است که کمتر بخورد و فرمود که صحت و مرض
در بدن آدمی با یکدیگر در مقام معارضه و مقاتله اند پس هر وقتی که صحت غالب آمد بیمار بشعور می آید و اشتهای طعام بهم میرساند پس هر گاه که طعام طلبند بدهید
که شاید شفایش در آن باشد و فرمود که شفای هر دردی در قرآن هست پس بیماران خود را مداوا کنید بتصدق و طلب شفا کنید بقرآن که هر که را
که قرآن شفا ندهد هیچ چیز شفای او نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که درد پا در بدن خود یابد و حرارت را بر مزاج خود غالب
یابد با زنان جماع کند که حرارت را فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عامه دردها و بیماریها از غلبه صفرا و سودا و خون جوشیده
و بلغم زیاده می باشد پس باید که آدمی تعهد احوال خود بکند پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و او را هلاک کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
باسانید معتبره منقول است که دوا کنید بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را دفع میکند و فرمود که تصدق مرگهای بد را از
صاحبش دفع میکند و در روایت منقول است که شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من با ده نفر از عیالم همه بیماریم فرمود که ایشان را
دوا کنید بتصدق که هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق نفع نمیکند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی بیمار شد حضرت امیرالمومنین علی
باو فرمود که از زن خود یکدرهم از مهر که باو داده طلب که بتو ببخشد و عسل بخر و با آب باران بخور آن شخص چنین کرد و شفا یافت از سبب
این پرسیدند از آن حضرت فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر زنان از مهر خود بشما بطیب خاطر چیزی ببخشند بخورید گوارا و با عافیت یک
و در باب عسل میفرماید که در آن شفاست از برای مردمان و در باب آب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در اینجا گوارائی و حسن
عاقبت و برکت و شفا همه جمع شده و در حدیث دیگر منقول است که مردی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای
آن اطبا بمن گفته اند و میخورم حضرت فرمود که چرا دوای خود را ملکی آبی برای که خدا فرموده است که همه چیز را از آب زنده نموده است گفت با من موافقت نمیکند
فرمود که چرا عسل نمیخوری که خدا شفای مردم گردانیده است گفت بدستم نمی آید فرمود که چرا شیر نمیخوری که گوشت و استخوان بدنت از شیر روییده است

کف

کفش با طبع موافقت نمیکند فرمود که میخواهی که ترا رخصت بدهم که شراب بخوری والله که نکنم و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که راه رفتن
بیمار باعث نکس مرض و زیادتی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت عرض کرد که بیماران که نزد ما بیمار میشوند اطبا ایشان را امساک
و پرهیز میفرمایند فرمود که ما اهل بیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را مداوا میکنیم بسیب و آب سرد پرسید که چرا از خرما امساک میکنید فرمود که برای
آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر علیه السلام را در بیماری از آن امساک فرمود و در روایت دیگر از آنحضرت پرسیدند که تا چند روز
میباشد پرهیز و امساک بیمار فرمود که تا ده روز و در روایت دیگر یازده روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که پرهیز و امساک بعد از هفت روز دیگر نفعی ندارد
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که پرهیز آن نیست که در اصل چیز را نخوری بلکه آن است که بخوری و کمتر بخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که حضرت موسی بن عمران علیه السلام مناجات کرد که پروردگارا درد از کیست خطاب رسید که از من پرسید که دوا از کیست خطاب رسید که از من
پرسید که پس چکار میکنند مردم این حکیمان را خطاب رسید که دلهای مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام
سوال کرد از داغ کردن بیماران و عودها و فصد نهار و شاخ انداختن فرمود که باکی نیست در داغ کردن و فصد که معنیش را دانی و در حدیث صحیح دیگر منقول است
که شخصی از آنحضرت پرسید که من محتاج میشوم بطبیب نصرانی و بنزد او بمعالجه میروم و بر او سلام میکنم و او را دعا میکنم فرمود که باکی نیست دعای تو و سلام
تو باو نفعی نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که تا ممکن است رجوع بمعالجه طبیبان مکنید که این مانند عمارت کردن است که اندکش بسیار میکند و از حضرت
امیرالمومنین علیه السلام منقول است که مسلمان باید که دوا نکند تا غالب نشود بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که صحتش بر
بیماریش غالب باشد و معالجه کند و بمیرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که با این حال دوا بخورد اعانت بر کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر
منقول است که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که بمعالجه طبیب یهودی یا نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست خداست
و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دوا میخورد و گاه است او را میکشد و گاه شفا می یابد فرمود حق تعالی دوا را فرستاده است
و شفا را فرستاده و هیچ دردی را خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای او آفریده است بخور و نام خدا را بر در وقت خوردن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
پرسیدند که زنی یا مردی چشمش آب می آورد و اطبا میگویند که چشم تر را میل میزنیم میباید که یکماه یا چهل روز بر پشت بخوابی و حرکت نکنی و با اینحال
نماز را بایما میباید بکند فرمود که چون مضطر است باکی نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد گفت که دوا نمیکنم تا
آنکسی که مرا درد داده است شفا بدهد حق تعالی باو وحی فرستاد که تا دوا نکنی من شفا نمیدهم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت عرض کرد که من جراحتها را
میبرم و به آتش داغ میکنم فرمود که باکی نیست گفت که دواهای تلخ که سمیت دارد بمردم میدهم مثل غاریقون فرمود که باکی نیست گفت گاه هست
که میمیرد فرمود هر چند که بمیرد باکی نیست گفت که گاه هست که شراب و نبیذ میدهم که بخورد فرمود که در حرام شفا نمیباشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است

که شخصی بخدمت حضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و رگهای دستش میپرد و گاه متقطع میشود و بسیار است که او را میکشد فرمود که بکند و در حدیث دیگر عرض کردند
که کسی که داغ میسوزاند بر بدن و گاه هست که میکشد فرمود که شخصی در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله داغ سوزاند حضرت بر بالای سرش ایستاده بود و در حدیث
معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه منقولست که دوائی نیست مگر آنکه در بدن دردی برابری انگیزد و هیچ چیز در بدن نافعتر از این نیست که تا
محتاج نشوی تصرف در بدن نکنی **فصل چهارم** در معالجه انواع تب در احادیث بسیار وارد شده است که مداوا کنید تب را مگر بریختن آب
سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تب از بوی جهنم است فرو نشانید حرارت آنرا با آب سرد و در حدیث دیگر فرمود که
برای دفع تب هیچ چیز نافعتر از دعا و آب سرد نیست و از مفضل منقولست که بخدمت آنحضرت رفت در ایام تابستان و آنحضرت تب
داشتند دید که طبقی گذاشته است پر از سیب سبز عرض کرد که مردم این را برای تب خوب نمیدانند فرمود که این تب را برطرف میکند و حرارت را
فرو می نشاند و در حدیث دیگر فرمود که مقدار ده درهم قند با آب سرد ناشتا خوردن برای دفع تب نافع است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر در حجرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند آنحضرت تب داشت فرمود که سنجد بشادل فرمایند
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که خاریدن بدن و غلبه خواب و دوار در سر و تبورها و دملها علامات زیادتی خون است و از حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بشکنید گرمی تب را به بنفشه و آب سرد و در تابستان بر تب صاحب درد آب سرد بریزند
و فرمود که یاد ما اهلبیت کردن شفا است از تب و جمیع دردها و وسواس شیطانی و فرمود که بخورید آب باران را که بدن شما را پاک میکند
و دردها را دفع میکند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدند از شخصی پرسیدند که شما بیماران خود را به چه چیز دوا
میکنید گفت باین دواهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب سرد بر آن بریزید و باو بخورانید که آنخداوندی که
تلخ شفا میدهد قادر است که بشیرین شفا بدهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تب میکند و در حدیث دیگر فرمود که دو ماه بیماری کشیدم مرا
خدا الهام کرد که برنج را گرفتم که شستند و اندکی بر روی آتش بوی دادند و در آسیا خورد کردند پاره را سفوف کردم و پاره را در میان آب کردم و خوردم
فرمود که تب برای اولاد پیغمبران دو برابر دیگران میباشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که علاج تب اینست پرهیز میباشد بقی و معرق و مسهل
و از ابراهیم جعفی منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفت و شکایت کرد از تب ربع فرمود که نبات با قند بسای و در میان آب بریز و ناشتا
بخور هر وقت که احتیاج بآب خوردن شود بخور چنان کرد در زودی شفا یافت و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود در معالجه تب غب کهنه که
عسل و سیاه دانه را با هم ممزوج کن و سه انگشت از آن بخور که این هر دو مبارکست و خدا فرموده که عسل شفاست و حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمود که در سیاه دانه شفای همه دردهاست مگر مرگ و از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقولست که بهترین چیزها برای تب ربع آن است که در

روز

روز نوبه پالوده با عسل بسازی و زعفران بسیار در آن بکنی و در آن روز غیر آن چیزی نخوری و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که این
تعویذیست برای تب شیعیان ما یا الله یا رب الارباب و یا سید السادات و یا اله الآلهة و یا مالک الملوک و یا جبار السموات و الارض
اشفنی و عافنی من دائی هذا فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک و ناصیتی بیدک سه مرتبه اینرا بخواند خدا شفا
دهد بحول و قوه خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت رسول را تب شدیدی عارض شد جبرئیل آمد و این تعویذ را برای آنحضرت
خواند در ساعت تب زایل شد بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء یعییک بسم الله و الله شافیک بسم الله خذها
فلتهنئک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله و در چند حدیث معتبر منقولست که هیچ بیماری صاحبدردی هفتاد مرتبه حمد خوانده
نمیشود مگر آنکه دردش ساکن میشود و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که یکماه است تب میکنم و آنچه معالجه
گفته‌اند بعمل آوردم و برطرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان پیراهنت داخل کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه
سوره حمد را بخوان آن شخص گفت که چنان کردم گویا از بندی رها شدم و در حدیث دیگر منقولست که یکی از فرزندان آنحضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه
یا الله بگو که هیچ مؤمنی نمیگوید مگر آنکه حق تعالی میفرماید لبیک حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر فرمود که هر که را که علتی عارض شود هفت مرتبه
سوره حمد بخواند اگر برطرف نشد هفتاد مرتبه بخواند من ضامنم که آن علت برطرف شود و در حدیث معتبر منقولست از داود بن زربی که گفت بیمار شدم
در مدینه بیماری شدیدی چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسید بمن نوشتند که یکصاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینه
خود بریز و بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک علی خلقک ان
تصلی علی محمد و علی اهل بیته و ان تعافینی من علتی پس درست بنشین و گندم را جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه کن و هر حصه به یک
فقیر بده و باز دعا بخوان داود گفت که من چنان کردم گویا از بندی رها شدم و بسیار کسی کردند و شفا یافتند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست
که چون بنزد بیماری روی هفت مرتبه بگو اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم الکریم من شر کل عرق نعار و من شر حر النار و در حدیث دیگر فرمود که
سوره حمد و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی بخوان پس بانگشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویس که اللهم ارحم جلده الرقیق و عظمه
الدقیق من سورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله و الیوم الآخر فلا تاکلی اللحم و لا تشربی الدم و لا تنهکی الجسم و لا تصدعی الراس
و انتقلی عن فلان بن فلان فلانه و نام او و مادرش را بنویسد الی من یجعل مع الله الها آخر لا اله الا الله تعالی الله عما یشرکون علوا کبیرا و
در روایت دیگر فرمود که بیمار سر را در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامه بگوید و سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و
هفتاد مرتبه قل هو الله احد بخواند و بگوید اعیذ نفسی بعزة الله و قدرة الله و عظمة الله و سلطان الله و بجمال الله و بجمع الله و برسول الله و بعترة

صلی الله علیه و آله و علیهم و لواء امرا الله من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اللهم اشفنی
بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من بلائک و در روایت دیگر منقولست که شخصی با آنحضرت شکایت کرد که تبش بسیار بطول انجامیده فرمود که آیة الکرسی
را در ظرفی بنویس و به آب حل کن و بخور و در بعضی از کتب معتبره منقولست که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست بندد و سوره حمد را تا آخر بنویسد
و بعد از آن بنویسد بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرا و برا و من شر الهامة ذات حمة
و العامة و اللامة و من شر طوارق اللیل و النهار و من شر فساق العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس و من شر الشیطان و شرکه و من شر کل
ذی شر و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر یا نار کونی بردا و سلاما علی
ابرهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین بردا و سلاما علی فلان بن فلانه نام بیمار و مادرش نوشته شود ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا
ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین
حسبی الله لا اله الا هو فاتخذه وکیلا و توکل علی الحی الذی لا یموت و سبح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا لا اله الا الله وحده لا شریک له صدق
وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز ان حزب الله هم الغالبون و من
یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و از سلمان فارسی رضی الله عنه منقولست که گفت بعد از وفات
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بده روز از خانه بیرون آمدم در راه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را ملاقات کردم فرمود که برو بنزد حضرت فاطمه
صلوات الله علیها که تحفه از بهشت برای او آمده میخواهد بتو خط فرماید بتعجیل بخدمت او شتافتم فرمود که دیروز در همین موضع نشسته بودم و در خانه بسته
بود و غمگین بودم و فکر میکردم در منقطع شدن وحی الهی از ما و نیامدن ملائکه بسوی ما ناگاه دیدم که در گشوده شد و سه دختر بنزد من آمدند که کسی بحسن و جمال
و طراوت و نزاکت و خوشبوئی ایشان هرگز ندیده است چون ایشان را دیدم برخواستم و سؤال کردم که شما از اهل مکه اید یا از اهل مدینه گفتند ای دختر
حضرت رسول صلی الله علیه و آله ما از اهل زمین نیستیم ما را پروردگار عزت از بهشت جاودان بسوی تو فرستاده است و بسیار مشتاق بوده ایم از یکی
که بزرگتر بود پرسیدم که چه نام داری گفت مقدوده گفتم چه سبب ترا این نام کرده اند گفت جهة آنکه از برای مقداد بن اسود خلق شده ام پس از دیگری
پرسیدم که چه نام داری گفت ذره نام دارم از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که از برای ابوذر غفاری خلق شده ام از سیم پرسیدم که چه نام داری
گفت سلمی از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که از برای سلمان فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام حضرت فاطمه علیها السلم فرمود که پس از برای من رطبی چند
بیرون آوردند مانند گرده های نان بزرگ از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر پس سلمان گفت که حضرت فاطمه علیها السلم یکی از آن رطبها بمن داد و فرمود
که امشب باین رطب افطار کن و فردا هسته اش را برای من بیاور پس آن رطب را گرفتم و بیرون آمدم بهر جمعی از اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله که میگذشتم

بالمنزل

پرسیدند که ای سلمان مگر مشک همراه داری گفتم بلی پس چون وقت افطار شد با آن افطار کردم هیچ هسته نداشت روز دیگر بخدمت حضرت فاطمه علیها السلام رفتم و گفتم که
هسته نداشت فرمود که چون هسته داشته باشد و حال آنکه این رطب از درختی بهم رسیده که حق تعالی از او در بهشت غرس فرموده است بسبب دعائیکه
پدرم مرا تعلیم کرده است هر صبح و شام میخوانم سلمان گفت ای سیده من آن دعا را تعلیم من فرما فرمود که اگر خواهی تا در دنیا باشی آزار تب نیابی بر این دعا مواظبت
کن بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی
خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی
السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین سلمان گفت که این دعا را زیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم
و همه از تب نجات یافتند و در حدیث حسن منقولست که بعضی از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام تب شدند حضرت فرمود که این دعا بخوانند اللهم اشفنی
بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من بلائک فانی عبدک و ابن عبدک و از برای تب ربع منقولست که این آیه را بنویسد و بر بازو ببندد
یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم و در روایت دیگر این دعا را بر بازوی راستش ببندد بسم الله الرحمن الرحیم و لو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت
به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی و بالحق انزلناه و بالحق نزل باسم فلان بن فلان و نام او و پدرش را بنویسد بسم الله
و بالله و من الله و الی الله و لا غالب الا الله و از برای تب لرز این آیات را بنویسد و بر بازوی بیمار ببندد بسم الله مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ
لا یبغیان و جعل بینهما برزخا و حجرا محجورا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم الا ان حزب الله هم الغالبون و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین
انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون فصل پنجم در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافعه و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر دردی که داشته باشی دست را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه بگو الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی
و در روایت معتبر دیگر فرمود که بگو بسم الله و بمال دست را بر آن موضع که درد میکند و بگو اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله
و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی هفت مرتبه میگوئی و در روایت دیگر فرمود که دست را
بر موضع درد میگذاری و میگوئی بسم الله و بالله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما اجد و سه مرتبه دست بر آن
موضع میکشی و در روایت دیگر فرمود که دیگری دست بر موضع درد میگذارد و هفت نوبت و اقلش سه نوبت میگوید ایها الوجع اسکن بسکینة الله
و قر بوقار الله و انحجز بحاجز الله و اهدأ بهداء الله اعیذک ایها الانسان بما اعاذ الله به عرشه و ملائکته یوم الرجفة و الزلازل و در روایت معتبر فرمود
که برای هر آزاری این دعا بخوانند یا منزل الشفاء و مذهب الداء انزل علی ما بی من داء شفاء و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هرکه
با او برسد المی در بدنش این دعا بخواند تا هیچ المی و دردی باو ضرر نرساند اعوذ بعزة الله و قدرته علی الاشیاء اعیذ نفسی بجبار السماء اعیذ نفسی بمن

یفرح مع اسمه داء اغنیتنی بالذی اسمه برکة وشفاء و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که دردی بهم رسد دست را بر موضع درد گذارد
و با خلاص نیت بگوید وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا البته عافیت یابد از هر علتی که باشد و در حدیث
دیگر فرمود که هر که را سوره قل هو الله احد و حمد او را شفا نمیدهد بهیچ چیز او را شفا نمیدهد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
هر گاه کسی آزاری در خود بیابد بگوید بسم الله وبالله وصلی الله علی رسول الله واهل بیته واعوذ بعزة الله وقدرته علی ما یشاء من شر ما اجد
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که این دعا بخوان لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت موسی بن عمران علیه السلام بحق تعالی شکایت کرد از غلبه
رطوبت حق تعالی امر فرمود او را که هلیله و بلیله و آمله بسایند و با عسل خمیر کنند و بخورند و حضرت فرمود که این است که شما اطریفل میگویند
و در طب الائمه صلوات الله علیهم روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض کرد که در همسایگی ما شخصی را عقرب گزیده و بیم آنست
که هلاک شود فرمود که بخورانید باو دوای جامع را که از حضرت امام رضا علیه السلام بما رسیده است پس فرمود که سنبل و زعفران و قاقله و عاقرقرحا
و خربق سفید و بذر البنج و فلفل سفید همه مساوی یکدیگر و فرفیون دو برابر هر یک از اینها بسیار نرم بکوبند و از حریر بیرون کنند و بعسل که کفش را گرفته باشند
خمیر کنند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد نخود او را با آب حلتیت بخورانند که در ساعت شفا یابد و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
کرده است که از برای فالج و لقوه نخود از او با آب مرزنگوش در بینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که از برای خفقان قلب نافع است
که نخود از او با آب زیره که پخته باشند بخورند و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که از برای آزار سپرز نخود از او با آب برداند
سرکه بخورند و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا نقل کرده است که از برای درد پهلوی راست نخود از او با آب زیره پخته بخورند و از برای درد پهلوی چپ
نخود از او با آب ریشه کرفس که پخته باشند بخورند و در حدیث دیگر فرمود که از برای اسهال نخودی از او را با آب مورد پخته بخورند و از حضرت امام
محمد تقی علیه السلام روایت کرده است که نخودی را با آب سداب یا آب ترب پخته بخورند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که اگر
مردم بدانند که در سنا چه منفعتها هست هر آینه قیمت هر مثقالی دو مثقال طلا شود و بدرستی که امان می بخشد از بهق و پیسی و خوره و دیوانگی و فالج
ولقوه و اگر با مویز سرخ بیدانه و هلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله سیاه همه اجزا مساوی هم بعمل آورند و هر روز ناشتا بقدر سه درهم بخورند و در هنگام
خواب نیز همین مقدار بخورند این فواید می بخشد و بهترین دواهاست و در طب الائمه روایت کرده است که از مغز خیار سبز پاک کرده یک رطل بگیرند
و در میان آب یک شبانه روز بخیسانند پس صاف کنند و با یک رطل عسل صافی و یک رطل آب به و چهل مثقال روغن گل سرخ ممزوج گردانند و با آتش

بقوام

بقوام آورند و از روی آتش بردارند و بگذارند تا سرد شود پس فلفل و دار فلفل و قرفه و قرنفل و قاقله و زنجبیل و جوزبوا و دارچینی از هر یک سه مثقال
گرفته و کوفته و بیخته و در آنچه سابق مذکور شد ممزوج کنند و در سبوی سبزی یا شیشه کنند و در وقت حاجت در سه روز هر روز دو مثقال از آن ناشتا بخورند
از برای غلبه صفرا و سودا و بلغم و درد معده و قی و تب و ترکیدن دست و پا و زخم و درد شکم و درد جگر و حرارت سر و یرقان و تبهای شدید و درد مثانه
و دردهای دیگر نافع باشد و بعد از آن باید که از خرما و ماهی و سرکه و سبزی بهاری پرهیز کنند و غذای آش اماج باشد با روغن کنجد و دوای دیگر نقل کرده است که از
هلیله سیاه و هلیله زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک و زرنبیان و خشخاش سرخ و نمک هندی از هر یک چهار
مثقال و از نارمشک و قاقله و سنبل و شقاقل و چوب بلسان و دانه بلسان و سلیخه مقشر و علک رومی و عاقرقرحا و دارچینی از هر یک دو مثقال
مجموع دواها را با یکدیگر بکوبند و ببیزند و سقمونیا را جدا بکوبند و نبیزند و هشتاد و پنج مثقال شکر پنیر را در پاتیل آب کنند و قدری از عسل نیز در آن
بریزند و آن اجزا را با اینها معجون سازند و در وقت حاجت دو مثقال از آن را ناشتا و دو مثقال را در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت جماع
و سردی را از مفاصل بدن میبرد و فایده میبخشد برای درد تهیگاه و درد شکم و درد مفاصل و سلس البول و طپیدن دل و تواتر نفس و تبهای معده و کرم معده
و دفع اخلاط سیاه و شهوت طعام می آورد و درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و دنبله تشنگی را میبرد و برای تب و لرز و دردهای کهنه و
درد سر و بیدماغی نافع است و بسند دیگر روایت کرده است که روزی فرعون بنی اسرائیل اهلی را ضیافت کرد و زهر در طعام ایشان داخل
کرد که ایشان را هلاک کند حق تعالی ایند و از آنحضرت موسی علیه السلام فرستاد و چون خوردند از زهر با ایشان آسیبی نرسید جبرئیل گفت که
قدری سیر مقشر بگیرد و بشکند و نرم بکوبد و در پاتیل بیندازد و از روغن گاو آنقدر بر آن سیرها بریزد که بپوشاند نهادار و آتش نرم آنقدر در زیر
پاتیل بسوزاند که آن سیرها آن روغن را بخورد و از روغن چیزی نماند پس همان مقدار شیر گاو تازه زاییده بر آن بریزد و آتش نرم آنقدر بر
افروزند که از آن شیر هم چیزی نماند پس همان قدر عسل مصفی که موم گرفته باشند در پاتیل بریزد و آنقدر آتش بسوزاند که آنرا هم بخورد پس سیاه
دانه ده درهم و از فلفل و مرزنگوش هر یک پنج درهم بگیرد و نرم بکوبد و در پاتیل بریزد و بر هم زند تا مخلوط شود با آن سیرها پس ظرفی را بگیرد و اندرون
آنرا بروغن گاو چرب کند و این دوا را در میان آن بریزد و در میان جو یا خاکستر چهل روز پنهان کند و هر چند کهنه تر میشود بهتر میشود و فرمود
که نافع است برای دفع لقوه تازه و کهنه و درد اندرون و سرفه کهنه و تازه و کسی را که سرما زده باشد و برای سبل چشم و درد پا و ضعف معده
و صرع و غش اطفال و ترسیدن زنان در خواب و زرد آب و خوره و زیادتی بلغم و دفع گزیدن مار و عقرب و فرمود که چون یکماه بر این دوا بگذرد
برای درد دندان و امراض بلغمی بعد از ضعف کردگان ناشتا بخورد و چون دو ماه بر آن بگذرد برای دفع تب لرز و آزارهای چشم نافع است
و چون سه ماه بر آن بگذرد برای صفرا و بلغم سوخته و جمیع مرضهای صفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون چهار ماه بر آن بگذرد برای

تاریکی چشم و تنگی نفس نافعست و چون پنجاه ماه بر آن بگذرد کسی که درد سر داشته باشد بقدر نیم عدس از این دوا با روغن بنفشه ممزوج گردانیده در بینی بچکاند و چون
شصت ماه بر آن بگذرد کسی که درد شقیقه داشته باشد بقدر یک عدس از آن با روغن بنفشه مخلوط گردانیده در بینی بچکاند از آن جانبی که درد میکند در اول روز و چون هفتاد ماه
بر آن بگذرد برای دفع بادی که در گوش بهم رسد بقدر یک عدس با روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش بچکاند در اول روز و در هنگام خواب و چون هشتاد ماه
بر آن بگذرد او را با آب خوردن برای دفع خوره نافع است و چون نه ماه بر آن بگذرد نافع است برای غلبه خواب و هذیان گفتن در خواب و ترس توهم
باید که با روغن تخم ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس خورده شود و چون ده ماه بگذرد برای غلبه صفرا و تبهای اندرونی و اختلال عقل
بقدر یک عدس با سرکه بخورند و برای سفیدی چشم ناشتا و وقت خواب بخورند و چون یازده ماه بر آن گذشت از برای سودائی که هرکس را ترس و
وسواس می اندازد بقدر یک نخود با روغن گل سرخ ناشتا و بقدر یک نخود با روغن در هنگام خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد برای فالج
کهنه و تازه با آب مرزنگوش بقدر یک نخود بخورد و با روغن زیت و نمک بر بدن بمالد و در وقت خواب و از سرکه و شیر و ماست و سبزیها و ماهی اجتناب
نماید و چون سیزده ماه بگذرد بقدر یک نخود از آن با آب سداب حل کند و در اول شب بخورد نافع است برای درد اندرون و خندیدن بی سبب
و با ریش بازی کردن و اگر چهارده ماه بگذرد برای دفع ضرر زهرها نافع است و اگر زهری با خورد او بدهند ناشتا تخم بادنجان بکوبند و بجوشانند و صاف
کنند و با یک نخود از این دوا در سحر بخورند و آب نیم گرم از عقبش بخورند سه شب تا چهار شب و چون پانزده ماه بگذرد برای دفع
سحرها و بادها نافع است و چون شانزده ماه بگذرد بقدر نیم عدس از آن را با آب باران تازه حل کرده بدیده کسی بکشند که بینائیش کم شده باشد
در بامداد و شام و وقت خواب تا چهار روز و اگر برطرف نشود تا هشت روز و چون هفده ماه بر آن بگذرد برای دفع خوره یک گلوله
از آن با روغن بابونه ناشتا و در وقت خواب بخورند و بقدر یک تسش در بدن بمالند و اندکی را با روغن زیت یا روغن گل سرخ در بینی
بچکانند در آخر روز در حمام و چون هیجده ماه بگذرد برای دفع بهق آن موضع را سوزن بزنند که خون در آید و بقدر یک نخود با روغن
بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی را در بینی بچکانند و با نمک بر آن موضع بمالند و چون نوزده ماه بگذرد اگر آب انار شیرین را
گرفته با قدری دانه جو از حنظل با یک نخود از این دوا ناشتا بخورند برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته و تب کهنه نافع است
و چون بیست ماه بگذرد بقدر یک عدس از آن گرفته با آب کندر حل کند برای سنگینی گوش در گوش بچکانند و اگر نفع ظاهر نشود در روز
دیگر باز بچکانند و اندکی بر کله سرش بریزند و از برای مرض برسام با آب انار ترش نافع است و در دو حدیث دیگر روایت کرده است
که از حضرت صادق علیه السلام که مثل همین دوا را جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورد و فرمود که چهار رطل از سیر مقشر بگیرند
و در پاتیل کنند و چهار رطل شیر گاو بر آن بریزند و بپزند تا آنقدر که شیر نماند و چهار رطل روغن گاو بر آن بریزند و آنقدر بجوشانند

که روغن

که روغن بماند پس بقدر ده درهم بابونه بر آن بپاشند و بر هم بزنند تا خوب بقوام آید و در کوزه کرده سرش را ببندند و در میان جو پاک پنهان کنند
در مدت ایام تابستان و در زمستان بیرون آورند و در بامداد بقدر یک گردکان بخورند برای هر دردی نافع باشد و کلینی در حدیث معتبر روایت
کرده است که از اسمعیل بن الفضل که شکایت کرد بخدمت حضرت صادق علیه السلام از قراقر معده و آنکه طعام در معده اش هضم نمی شود حضرت
فرمود که چرا نمیگیری آن نبیذی را که ما میخوریم و باعث هضم طعام میشود و قراقر و بادهای شکم را دفع میکند پس فرمود که یک صاع از مویز بگیر و دانه اش
بیرون کن و پاک بشوی و در ظرفی کن و آنمقدار بر آن آب بریز که همه را بپوشاند و در زمستان سه شبانه روز بگذار و در تابستان یکشبانه روز پس صاف
کن و آب صافش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل عسل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آنقدر بشود که
پیش از عسل ریختن شده بود پس نیم مثقال خولنجان و دار چینی و زعفران و قرنفل و مصطکی را بگیر و همه را در میان هاون نرم بکوب و در میان کهنه
نازکی کن و در میان دیگ بینداز که چند جوشی بزند پس دیگ را پائین گذار تا سرد شود و صاف کن و هر صبح و پسین قدری از آن بخور راوی گفت
چنان کردم و آزارم برطرف شد فصل ششم در معالجه درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که برای دفع درد سر و نصف سر این دعا را بنویسند و بر آن جانب سر که درد میکند بیاویزند اللهم انت لست باله استحدثناه ولا برب یبید ذکره و لا
معک شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک اله ندعوه و نتعوذ به و نتضرع الیه و ندعک ولا اعانک علی خلقنا من احد فنشک فیک لا اله الا انت
وحدک لا شریک لک عاف فلان بن فلانة و صل علی محمد و اهل بیته و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که درد سر داشته باشد
یا بولش بند شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم و از حضرت امام علی النقی
منقولست که برای درد سر این آیه را بر قدح آبی بخوانند و بخورد او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء
افلا یؤمنون و در حدیث معتبر منقولست که حبیب سجستانی شکایت کرد بحضرت باقر علیه السلام که هفته ای دو مرتبه مرا درد شقیقه میگیرد فرمود که بگذار دست
بر آن جانب که درد میکند و سه مرتبه بگو یا ظاهرا موجودا و یا باطنا غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف ایادیک الجمیلة عنده و اذهب عنه ما به من اذی انک
رحیم ودود و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع درد سر دست خود بر سر بمالد و هفت مرتبه بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر و البحر و ما فی السموات
و الارض و هو السمیع العلیم و در روایت دیگر منقولست که برای دفع درد گوش دست بر گوش بمالد و هفت مرتبه این دعا بخواند و در روایت دیگر فرمود که برای
دفع درد سر دست را بر بالای سر بگذارد و بگوید لو کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل
الله و الی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت من سفر
بسیار میکنم و در مواضع هولناک بسر میبرم چیزی بمن تعلیم فرما که نترسم حضرت فرمود که چون در چنین جائی واقع شوی دست را بر بالای سر بگذار

و با آواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها و الیه یرجعون شخص گفت در بیابانی واقع شدم که میگفتند در آنجا جن بسیار است
شنیدم که کسی میگفت که بگیرید او را چون این آیه را خواندم شنیدم که دیگری جواب گفت که چگونه بگیریمش و حال آنکه پناه بآیه طیبه برد و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که پسری دارم و گاهی او را باد جن و ام الصبیان میگیرد بحدی که از او ناامید میشوم فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را
با مشک و زعفران بر ظرفی بنویس و بآب بشوی و تا یکماه از آن آب بده بخورد راوی گفت که یکمرتبه که خورد برطرف شد و در حدیث دیگر فرمود که کسی را
که صرع بگیرد بر او بخوانند عزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها علی بن ابیطالب علیه السلام رسول رسول الله صلی الله علیه و آله
علی جن وادی الصبرة فاجابوا واطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت عن فلان بن فلانة الساعة الساعة و در روایت دیگر منقولست که شخصی را
اختلال دماغ بهم رسیده بود حضرت فرمود که هر شب در هنگام خواب این دعا بخوان بسم الله و بالله آمنت بالله و کفرت بالطاغوت اللهم احفظنی
فی منامی و فی یقظتی اعوذ بعزة الله و جلاله مما اجد و احذر و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسی را که باد جن بگیرد بر او سوره
حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را ده مرتبه بخوانند و این سه سوره را در جامی با مشک و زعفران بنویسند و باو بخورانند
و در آب وضو و غسلش داخل کنند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که صرعش گرفته است قدح آب
طلبیدند و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بر آن خواندند و بر سر و روی او پاشیدند بهوش باز آمد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که در خانه که جنیان سنگ اندازند صاحب آن خانه آن سنگ را بردارد و بگوید حسبی الله و کفی سمع الله لمن دعا
لیس وراء الله منتهی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از برای درد سر روغن کشنیز را در بینی بچکانند و شخصی بحضرت صادق علیه السلام
شکایت کرد از درد سر فرمود که بحمام برو و پیش از آنکه داخل آب شوی هفت جام آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله بگو و منقولست که شخصی بحضرت
امام رضا علیه السلام شکایت کرد که سر دردی عظیم در سر خود مییابم بحدی که اگر بر آن باد بوزد بیم آن است که غش کنم فرمود که روغن عنبر و روغن
زنبق بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچیک از فرزندان آدم نیست مگر آنکه دو رگ است
یکرگ در سرش که خوره را بحرکت می آورد و دیگری در بدنش که پیسی را بحرکت می آورد پس چون آن رگ سر بحرکت می آید خدا آدمی زکام را بر او
مسلط میگرداند که دردهای سر را میگشاید و اگر آن رگ بدن بحرکت می آید حق تعالی دمل را بر آن مسلط میگرداند که دردهای بدن را میکشد پس کسی زکام
و دمل بهم رساند خدا را شکر کند و در روایت دیگر فرمود که زکام لشکریست از لشکرهای خدا میفرستد که دردهای بد را برطرف کند و در چند روایت وارد
شده که زکام را علاج نمیباید کرد و در دیگر روایت از آنحضرت وارد شده است در معالجه زکام که پنبه را بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب
در مقعد خود گذارد و در روایت دیگر فرمود که یکدانه سیاه دانه و نیم دانگ کندس را نرم بکوبند و در دماغ بدمند زکام را برطرف میکند

هفتم

کردم دندانهایم رویید **فصل هشتم** در معالجه خنازیر و جروح و قروح و ثالول و شور و خوره و پیسی و بهق و امثال آنها از علی بن نعمان منقولست که بحضرت
امام رضا علیه السلام عرض کردم که ثالول بسیاری در بدنم بهم رسیده است و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالولی هفت جو بگیر و بر هر جوی هفت
نوبت اذا وقعت الواقعه بخوان تا فکانت هباء منبثا و هفت نوبت بخوان ویسألونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا
لا تری فیها عوجا ولا امتا پس هر جوی را یکنوبت بر هر ثالولی بمال و مجموع جوها را بر پارچه نوی ببند و سنگی بر آن ببند و در چاهی بینداز
و بهتر آن است که این کار را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت که چنین کردم بعد از یکهفته همه برطرف شده بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که دست بر ثالول بمال و سه نوبت این دعا بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم امح عنی ما اجد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فرمود که دختری در خانه ما خنازیر در گردنش بهم رسید شخصی در خواب من گفت
که بگو مکرر این دعا را بخواند یا رئوف یا رحیم یا رب یا سیدی و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که گنده و ماده در بدن من ظاهر
شده است فرمود که سه روز روزه بدار و در روز چهارم در وقت زوال غسل کن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بگذار بهر سوره که خواهی
و تا توانی سعی کن در گریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شوی جامهای خود را بینداز و جامه کهنه پاکیزه بطریق لنگ بر خود ببند و بر خاک
بسجده برو و پهلوی راست روی خود را بر روی خاک بگذار و بزاری و خشوع بگو یا واحد یا احد یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین
صل علی محمد و آل محمد و اکشف ما بی من مرض و البسنی العافیة الکافیة الشافیة فی الدنیا والآخرة و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی فقد اذانی
و غمنی و فرمود که وقتی نفع میکند که خاطرت مطمئن باشد و صاحب یقین باشی که تاثیر میکند آنشخص چنین کرد بزودی عافیت یافت و در حدیث دیگر
فرمود که هر ورمی که در بدنت بهم رسد و ترسی که بحال بدی منتهی شود در وقتی که وضو بسازی برای نماز واجب پیش از نماز برای آن بخوان این
آیات را لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله تا آخر سوره اگر چنین کنی آن ورم بزودی ساکن میشود و در کتاب
مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آبله و کم بیرون آوردن نقل کرده است و بهتر آن است

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

که بترتیب عدد بنویسند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای شور و دملهای ریزه که
از بدن بیرون می آید در اول که اثرش ظاهر شود انگشت شهادت بر دورش بگردانند و هفت
مرتبه بگوید لا اله الا الله الکریم الحلیم و در مرتبه هفتم انگشت را بقوت بر روی آن بگذارد و
در روایت دیگر فرمود که این دملها و شور اکثرش از خون فاسد است که در وقت طغیان آن از بدن بیرون میکنند پس کسی که در او
اینها حادث شود چون بر جست خواب رود بگوید اعوذ بوجه الله العظیم و کلماته التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر کل ذی شر

تا از آنها و ناسور و باشفا و عافیت یابد و در روایت دیگر منقولست که برای کری و دمل و قوبا این آیات را بنویسد و با خود نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم
و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری الله اکبر وانت لا تکبر الله یبقی
وانت لا تبقی والله علی کل شیء قدیر و در حدیث معتبر منقولست که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از پیسی که در روی او بهم رسیده بود
حضرت فرمود که چون ثلث آخر شب شود وضو بساز و بنماز شب برخیز و در سجده آخر دو رکعت اول نماز شب این دعا بخوان یا علی یا عظیم یا رحمن یا
رحیم یا سامع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد وآل محمد واعطنی من خیر الدنیا والاخرة ما انت اهله واصرف عنی من شر الدنیا والاخرة ما انت
اهله واذهب عنی هذا الوجع وبنام آن آزار را ببر فانه قد غاظنی وحزننی و مبالغه در تضرع و دعا بکن راوی گفت که چنین کردم هنوز بکوفه نرسیده
بودم که آن پیسی بالکل برطرف شد و در روایت دیگر منقولست که اسحق بن اسمعیل و غیر او از همین علت بآن حضرت شکایت کردند فرمود که وضو بسازید و دو
رکعت نماز بکنید و حمد و ثنای الهی بجای آورید و صلوات بر محمد و اهل بیت او بفرستید و بگوئید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم
یا رحیم یا رحیم یا واحد یا واحد یا واحد یا احد یا احد یا احد یا صمد یا صمد یا صمد یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا اقدر القادرین یا
اقدر القادرین یا اقدر القادرین یا رب العالمین یا رب العالمین یا رب العالمین یا سامع الدعوات یا منزل البرکات یا معطی الخیرات
صل علی محمد وآل محمد واعطنی خیر الدنیا وخیر الاخرة واصرف عنی شر الدنیا والاخرة واذهب ما بی فقد غاظنی الامر واحزننی و در روایت دیگر
فرمود که سوره انعام را با عسل در ظرفی بنویسند و آب بشوی و بخورد تا برطرف شود و در روایت دیگر فرمود که سوره یس را با عسل بنویس و بشوی و بخور
و در مکارم الاخلاق مذکور است که برای پیسی و خوره این آیات را بخوانند و بنویسند و با خود نگاه دارند بسم الله الرحمن الرحیم یمحو الله ما یشاء و یثبت
وعنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلث ورباع باسم فلان بن فلانه و نام او و مادرش
را بنویسد و از برای بهق بر آن موضع بنویسد وان من شیء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم
او یضرون و در روایتی منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای صاحب جراحتی فرمود که قدری از قیر تازه بگیر و همان قدر از پیه بز
و هر دو را در سبوی تازه بمال و بر روی آتش نرم بگذار از ما بین نماز ظهر تا وقت نماز عصر پس پاره کتان کهنه بگیر و آن قیر را بر آن طلا کن
و بر روی جراحت بگذار و اگر جراحت سوراخ داشته باشد کتان را فتیله کن و بقیر آلوده کن و در میان جراحت بگذار و در حدیث معتبر منقولست
که خراجی در بدن متوکل بیرون آمد که مشرف بر هلاک شد و اطبا جراحت میکردند که نشتر بزنند فتح بن خاقان وزیر متوکل بخدمت حضرت امام
علی النقی علیه السلام فرستاد و حال متوکل را عرض کرد حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر دست و پای گوسفندان نرم شده میشود بگیرید و با گلاب
مخلوط کنید و بر آن خراج بگذارید چون این خبر رسید اطبا خندیدند که این چه فایده میکند وزیر گفت که آنحضرت داناترین خلق است آنچه

فرموده

فرموده است باید کرد پس آنچه فرموده بود بعمل آوردند دردش ساکن شد و بخواب رفت پس آن خراج گشوده شد و چرک بسیار دفع شد و شفا یافت
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چغندر را با گوشت گاو پختن و خوردن پیسی را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت
بآنحضرت از پیسی و بهق کرد فرمود که بحمام رو و حنا را با نوره مخلوط کن و بر آن موضع بمال که دیگر نخواهی دید اثر آن را و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که گوشت گاو خوره و پیسی را زایل میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ چیز برای پیسی نافعتر از تربت حضرت امام حسین علیه السلام نیست
با آب باران بخور و بر آن موضع بمال و فرمود که موی بینی امان است از خوره و تربت حضرت رسول صلی الله علیه وآله خوره را زایل میکند و فرمود که از
کسی که خوره یا پیسی داشته باشد بگریزید و بر نظر ایشان مکنید و با ایشان معاشرت منمائید که سرایت میکند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که
در هر جمعه شارب گرفتن امان است از خوره و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در بدن او هست و آنرا میگدازد
خوردن شلغم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که ماده طاعون در بدن من ظاهر شده است فرمود که سیب بخور آن شخص خورد عافیت
یافت **فصل نهم** در معالجه امراض اندرونی و قولنج و بادها و آزار معده و سرفه منقولست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد
سینه حضرت فرمود که طلب شفا کن از قرآن زیرا که حق تعالی میفرماید که فیه شفاء لما فی الصدور یعنی در قرآن شفا هست برای آنچه در سینه هاست
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد و گفت که برادرم از درد شکم آزار دارد فرمود
که بگو اندکی از عسل با آب گرم بخورد روز دیگر آمد و گفت نفع نکرد فرمود که برو باز عسل بده بخورد و هفت مرتبه سوره حمد بر او بخوان چون آن شخص رفت
فرمود که برادرش منافق است باین سبب عسل خوردن او را نفع نمی بخشد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب گرم بخور و این دعا بخوان یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله الالهة یا ملک الملوک
یا سید السادات اشفنی بشفائک من کل داء وسقم فانی عبدک وابن عبدک اتقلب فی قبضتک و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
صادق علیه السلام شکایت کرد از درد ناف فرمود که دست را بر آن موضع بگذار و سه مرتبه بگو وانه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه
تنزیل من حکیم حمید و در چند روایت دیگر وارد شده است که برای قولنج و درد شکم سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
را بر جامی با مشک و زعفران بنویسند و این دعا را بنویسند اعوذ بوجه الله العظیم و بعزته التی لا ترام و بقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع
و شر ما فیه و شر ما احذر منه و با آب باران بشویند و بخورند ناشتا یا در وقت خواب و در روایت دیگر منقولست که برای فالج و جمیع بادها نافع است
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که چون از نماز فارغ شوی دست بر موضع سجود
بمال و بعد از آن بر موضع درد بمال و این آیات را بخوان افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش

الکریم ومن یدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون وقل رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین راوی گفت که
چنین کردم و بزودی برطرف شد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دست بر تهیگاه بمالد و سه مرتبه این دعا بخواند بسم الله و بالله
محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد فی خاصرتی و در هر مرتبه دست بر آن موضع بکشد و از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیه منقولست که از برای دفع الم سر این آیات را بزعفران بنویسند و بآب زمزم بشویند و بخورد قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما
تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا و منقولست که شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد از قراقر و صداهای شکم و گفت بمرتبه آزار میکند که با کسیکه
سخن میگویم شرمنده میشوم حضرت فرمود که چون از نماز فارغ شوی این دعا بخوان اللهم ما عملت من خیر فهو منک لا حمد لی فیه وما عملت من سوء فقد
حذرتنیه فلا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی ما لا حمد لی فیه او آمن ما لا عذر لی فیه و در روایت دیگر همین دعا برای دفع زحیر وارد
شده است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بآنحضرت از نفخ شکم فرمود که آبی بگیرد و این دعا را بخواند بر آن یرید الله بکم الیسر ولا یرید
بکم العسر سه مرتبه پس بگوید اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون پس آب را بخورد
و دست بر شکم بمالد و در روایت دیگر وارد شده است که این آیات بر روغن بخوانند و بر شکم بمالند بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء
بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر ففتحنا علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان اولم
یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا تا آخر آیه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در سفری بودند
اسمعیل فرزند آنحضرت شکایت کرد از درد شکم و درد پشت حضرت او را طلب نمودند و فرمودند که بر پشت بخوابد و این دعا را بر او خواندند
بسم الله و بالله وصنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الریح بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد پشت فرمود که دست را بر آن موضع که درد میکند بگذارد و سه مرتبه
این آیه را بخواند وما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا مؤجلا ومن یرد ثواب الدنیا نؤته منها ومن یرد ثواب الآخرة نؤته منها
وسنجزی الشاکرین و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در حدیث دیگر منقولست که مفضل بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگی
نفس و گفت اندک راهی که میروم نفسم تنگ میگردد و مینشینم فرمود که بول شتر بخورد تا ساکن گردد و کلینی در حدیث حسن روایت کرده است
که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از سرفه حضرت فرمود که قدری از انجدان رومی با همان قدر از نبات سفوف کن و یک روز
یا دو روز بخور آنشخص گفت که یکمرتبه خوردم و برطرف شد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد از مرض

سل

سل حضرت فرمود که سنبل و قاقله و زعفران و عاقرقرحا و بذر البنج و خربق و فلفل سفید اجزا را مساوی بگیر و فرفیون دو برابر هر یک از اجزا بگیر
و تمام اجزا را سائیده از حریر بیرون کن و با عسلی که کفش گرفته باشند خمیر کن و بقدر یک نخود با آب گرم در سه شب بخور چنان کرد و شفا یافت و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از سرفه فرمود که بگیر از فلفل سفید یک جزو و فرفیون دو جزو و خربق سفید یک جزو و سنبل یک جزو و
قاقله یک جزو و زعفران یک جزو و بذر البنج یک جزو و اجزا را سائیده از حریر بیرون کن و مثل وزن تمام اجزا عسل کف گرفته داخل کن و خمیر کرده حبها بساز
و از برای سرفه کهنه و تازه در وقت خواب با آب رازیانه نیم گرم بخورد و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا
بحضرت عیسی میرسید دردهائی که بفرزندان آدم میرسد فرمود که بلی در طفولیت بیماریهای مردم بزرگ باو میرسید و در بزرگی بیماری خوردان باو
میرسید و درد تهیگاه از دردهای بزرگان است در طفولیت گاهی او را عارض میشد بمادر خود میگفت که عسل و سیاه دانه و روغن زیت را با یکدیگر
خمیر کن و از برای من بیاور چون می آورد کراهت داشت از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا کراهت داری خود طلبیدی میگفت که بعلم پیغمبری از برای تو گفتم
و از برای وجع طفولیت و بدمزگی او کراهت دارم پس میگرفت و تناول مینمود و در حدیث چند وارد شده است که خوردن ریزها که از سفره میریزد
درد تهیگاه را برطرف میکند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بخورید امرود که دل را جلا میدهد و دردهای اندرون را ساکن میکند
و در روایت دیگر فرمود که بخورید انجدان رومی که درد تهیگاه را برطرف میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حزقیل را قرحه در جگر بهم رسید
دعا کرد حق تعالی وحی باو فرمود که شیر و انجیر را بگیر در سینه خود از بیرون بمال چنان کرد آن آزار از او برطرف شد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از شدت درد سپرز فرمود که پاره تره بده و تره بخر و آنرا با روغن عربی بپز و سه روز بخوران بهر که آزار سپرز دارد
که اگر خدا خواهد شفا مییابد و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کردند که یکی از غلامان آنحضرت آزار سپرز دارد فرمود
که سه روز تره باو بخورانید چون سه روز خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بخورید سرکه که از شراب ساخته باشند
که کرمهای معده را میکشد و از حضرت رسول الله منقولست که خرما ناشتا خوردن کرم معده را میکشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که هفت دانه
خرمای عجوه در وقت خواب بخورد کرمهای معده اش را میکشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از برای دفع اسهال که
قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه بخشکانند و بر روی آتش بو دهند و نرم بکوبند و هر بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر از
آنحضرت منقولست که برای دفع اسهال برنج را در دیگ کن با آب و بجوشان و چهار یا پنج پاره سنگ در زیر آتش بگذار تا سرخ شود و پیه قلوه
تازه را بگیر و با آن سنگها در میان کاسه بینداز و کاسه دیگر بر سرش بگذار که بخارش بیرون نرود و حرکت ده تا آن پیه آب شود پس چون برنج
پخته شود این روغن را به رویش بریز و بخورد و در روایت دیگر منقولست که شخصی از زحیر شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که گل ارمنی را

بگیر و بر روی آتش ملایم او بده و سفوف کن و بخور و در حدیث دیگر فرمود که برنج و صمغ عربی و گل ارمنی را بو بده و سفوف کرده بخور که زحیر را برطرف
میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از درد شکم فرمود که گردکان را بگیر و بر روی آتش بگذار و چون مغزش بریان
شود پوستش را بکن و بخور و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از قراقر شکم فرمود که سیاه دانه با عسل بخور و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از ضعف معده فرمود که خراه را با آب سرد بخور و خراه گیاهیست شبیه بکرفس از آن میوه زا اسکوتند

فصل دهم در علاج اوجاع مفاصل و از فالج و اوجاع و امراض مثانه و سایر امراض در حدیث معتبر منقولست که معلی بن خنیس بحضرت
صادق علیه السلام شکایت کرد از درد فرج فرمود که عورت خود را در موضعی گشوده که سزاوار نبوده و باین سبب این درد در آن بهم رسیده است
دست چپ را بر فرج خود بگذار و این دعا بخوان بسم الله و بالله بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم
یحزنون اللهم انی اسلمت وجهی الیک و فوضت امری الیک لا ملجا ولا منجا منک الا الیک و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد رانها فرمود که آب گرمی در میان طشت کن و در آن بنشین و دست بر آن موضع
که درد دارد بگذار و این آیه را بخوان او لم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام حسین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد پا فرمود که از اول سوره انا فتحنا بخوان تا وکان الله
عزیزا حکیما و در روایت معتبر وارد شده است که ابو حمزه بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد زانو فرمود
که بعد از نماز این دعا بخوان یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل ارحم ضعفی و قلة حیلتی و اعفنی من وجعی چنان کرد بزودی عافیت یافت و در
روایت دیگر منقولست که سالم بن محمد شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از درد ساق پا و گفت که این درد مرا از همه کارها عاجز کرده است
فرمود که این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان و اتل ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا و در
روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام حسین علیه السلام شکایت کرد از درد بند پا فرمود که دست بر آن موضع بگذار و بگو بسم الله و بالله
والسلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و ما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی
عما یشرکون و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد مثانه فرمود که این آیات را در وقت
خواب سه مرتبه و بعد از بیدار شدن یکمرتبه بخوان الم تعلم ان الله علی کل شیء قدیر الم تعلم ان الله له ملک السموات والارض و ما لکم
من دون الله من ولی ولا نصیر و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام علی نقی علیه السلام نوشت که شخصی از شیعیان شما بولش بند
شده است حضرت در جواب نوشتند که آیات قرآن بسیار بر او بخوان تا شفا یابد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بر

ورمی آیات آخر حشر لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا تا آخر سوره سه مرتبه بخوان و در هر مرتبه آب دهان را بر آن موضع بینداز و در روایت دیگر
منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که این دعا بخوان اللهم انی اسئلک باسمائک و برکاتک و دعوة نبیک الطیب المبارک
المکین عندک صلی الله علیه و آله و بحقه و بحق ابنته فاطمة المبارکة و بحق وصیه امیرالمؤمنین و بحق سیدی شباب اهل الجنة الا اذهبت عنی شر ما اجد بحقهم
بحقهم بحقک یا اله العالمین چون این دعا را خواند در همان ساعت دردش ساکن شد و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از
عرق النسا فرمود که هرگاه اثرش ظاهر شود دست بر آن موضع بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله اعوذ باسم الله الکبیر اعوذ باسم الله العظیم
من شر کل عرق نعار و من شر حر النار سه مرتبه این دعا را خواند و از آن مرض نجات یافت و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی را لقوه در
رو عارض شده بود بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت فرمود که برو بروضه رسول خدا صلی الله علیه و آله و دو رکعت نماز بکن و دست
بر رو بگذار و بگو بسم الله و بالله هذا اخرج اقسمت علیک من عین انس او عین جن او وجع اخرج اقسمت علیک بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما
و خلق عیسی من روح القدس لما هدات و طفئت کما طفئت نار ابراهیم اطفئی باذن الله اطفئی باذن الله دو مرتبه چنین کرد و عافیت یافت و در
مکارم الاخلاق مذکور است که برای عرق مدنی که بفارسی رشته میگویند پشم شتر را بدست بگیرد بی کارد و مقراض و بتابد و هفت گره بر آن بزند و بر
گرهی سه مرتبه سوره حمد را بخواند پس سه مرتبه بر آن رشته یا بر آن شخص بندد و این دعا را بخواند بسم الله الابد الابد المحصی العدد القریب لما بعد الطاهر عن الولد
العالی عن ان یولد المنجز لما وعد العزیز بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر و الخفیة یا من السموات
بقدرته مرجاة یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة یا من بحاره صاحب الغرق من کل آفة و بلیة صل الله علی محمد خیر خلقک
واشف اللهم فلان بن فلانة بشفائک و داوه بدوائک و عافه من بلائک انک قادر علی ما تشاء و انت ارحم الراحمین و صلی الله علی
محمد النبی و آله و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب
یا مجیب یا باری یا راحم صل علی محمد و آله و اردد علی نعمتک واکفنی امر وجعی و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت
کرد از بواسیر فرمود که سوره یس را با عسل بنویس و بشوی و بخور و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه ورمی یا جراحتی بهم رسد
کاردی را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد و الحدید و من اثر العود و الحجر الملبود و من العرق الفاتر و من الورم الاجر و من الطعام
و عقره و من الشراب و برده امضی الیک باذن الله الی اجل مسمی فی الانفس و الانعام بسم الله فتحت و بسم الله ختمت پس آن کارد را در زمین
فرو برد و در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله را و امثالی درد سر عارض میشد دست میگشودند و سوره حمد و قل هو الله
احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق میخواندند و دست را بر رو میکشیدند و در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام موسی علیه السلام که برای

ولایه و باد او در مفاصل و پشت و بدن و برودت اندرون بکلف شنبلیله را با کاغذ اذخر خشک بکوبند و باندازه آب بر آن بریزند که پوشیده شود و در
دیگ پاکیزه بریزند و صاف کنند و یکروز بخورند و یکروز نخورند در مجموع روزها باندازه یک قدح بزرگ خورده باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
صادق علیه السلام عرض کرد که بادی از سر تا پای من در گردش است فرمود که عنبر و روغن زنبق را بو کن تا بدماغ بچکان و در روایت دیگر منقولست که
صباح بن محارب بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که شخصی را باد لقوه در رو بهم رسیده است و رو و چشمش را برگردانیده است فرمود که پنج مثقال
از قرنفل بگیرد و در شیشه بکند و سرش را محکم به بندد و گل بمالد و در آفتاب بگذارد باندازه یکروز در تابستان و دو روز در زمستان پس از شیشه در آورد
و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط سازد و بر پشت بخوابد و بر آن طرف بدن که گشته است بمالد و بر آن حال خوابیده باشد تا آن قرنفل خشک شود چون چنین کند
آن مرض از روی برطرف شود و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از آنکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول
از او می آید فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد و یک نوبت با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن پس با روغن گاو چرب کن و سفوف کن و بخور
و در روایت دیگر منقولست که برای ریگ مثانه هلیله و بلیله و آمله و فلفل و دار فلفل و دارچینی و زنجبیل و شقاقل و نانخواه و خولنجان اجزا مساوی گرفته بکوبند
و بیزند و با روغن گاو تازه ممزوج کنند و دو برابر تمام اجزا عسل صاف کرده یا شکر بنیر داخل کنند و هر مرتبه باندازه فندقی بخورند و در چند روایت وارد شده است
که خوردن تره برطرف میکند بواسیر را و در روایت دیگر فرمود که برنج و خرمای نارس بواسیر را زایل میکند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا
ایند وار را برای دفع بواسیر فرمود هلیله سیاه و بلیله و آمله اجزا مساوی گرفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری از مقل ازرق گرفته در آب تره بگدازند
بخیسانند یک شب پس این دوا را در میان آن رطوبت خمیر کنند و دست را بروغن بنفشه چرب کرده از آن باندازه عدس حب کنند و در سایه
بخشکانند و اگر در تابستان باشد باندازه یک مثقال بخورد و اگر در زمستان باشد باندازه دو مثقال بخورد و در آن ایام که این را میخورد از ماهی و سرکه و سبزیها
اجتناب کند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام علی نقی علیه السلام شکایت کرد از کندی فهم فرمود که خرمای برنی بخورد و دیگری شکایت کرد
از یبوست مزاج فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخورد و آب بر بالایش بخورد چنان کرد فربه شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد
فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخورد و آب بعد از آن مخورد چنان کرد مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای دفع زیادتی بلغم بگیر قدری از
رومی و کندر و آویشن و زنیان و سیاه دانه اجزا مساوی یکدیگر و همه را نرم کوبیده و بیزد و با عسل خمیر کن و هر شب در وقت خواب باندازه یک فندق بخور
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بگیر از هلیله زرد یک مثقال و از خردل دو مثقال و از عاقرقرحا یک مثقال و بسیار نرم بکوب و ناشتا بر دندانها
بمال که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند
و بعد از طعام بحمام رفتن صفرا و سودا را دفع میکند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند فصل یازدهم در بیان قلیلی

از تعویذات

از تعویذات برای دفع سحر و سموم و گزیدن جانوران و بلاها در کتب معتبره منقولست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که برای دفع سحر این تعویذ را
بر پوست آهو بنویسند و با خود نگاهدارند بسم الله و بالله بسم الله و ما شاء الله بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله قال موسی ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک و انقلبوا صاغرین و در روایت دیگر فرمود که اگر از ساحری
یا از ظالمی ترسی داشته باشد بعد از نماز شب پیش از شروع در نماز ظهر رو بجانب خانه او کند و هفت مرتبه بگوید بسم الله و بالله سنشد عضدک باخیک
و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا انتما و من اتبعکما الغالبون و در روایت دیگر منقولست که جبرئیل علیه السلام خبر داد حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که لبید بن اعصم یهودی سحر برای آنحضرت کرده است پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را طلبید فرمود که برو
در فلان چاه سحر را بیرون آور حضرت امیرالمؤمنین بآن موضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و از ته آب حقه بدر آوردند و نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله آوردند و در آن حقه کمانی بود که یازده گره بر آن زده بودند پس جبرئیل سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را
آورد از آسمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی این دو سوره را بر این گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند یک گره گشوده
میشد چون هر دو سوره تمام شد تمام گرهها گشوده شد پس موافق این حدیث و احادیث معتبره دیگر این دو سوره را در دفع سحر تأثیر عظیم هست
و در احادیث معتبره وارد شده است که چشم بد را تأثیر میباشد و فرمود که بسا باشد که چشم آدمی را بقبر و شتر را بدیگ داخل کند پس کسی که
خوش آید او را چیزی از کسی الله اکبر بگوید و در روایت دیگر نام خدا ببرد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ترسد که
چشم کسی در او یا چشم او در کسی تأثیر کند سه مرتبه بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم و فرمود که هرگاه کسی با هیئت نیکو خواهد که از خانه بیرون
رود سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و بیرون رود تا چشم بد در او اثر نکند و در روایت دیگر فرمود که هر که را اثر چشم
باو رسیده باشد دستها را برابر رو بلند کند و سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و دست بر سرش
بکشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که از شیاطین و جادوگران ترسد آیه سخره را بخواند ان ربکم الله الذی خلق
السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامره الا له الخلق و الامر تبارک
الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه لا یحب المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمت الله قریب
من المحسنین و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده و وساوس شیطانی که بر
او دست یافته فرمود که دست بر دل بگذار و سه مرتبه بگو بسم الله و بالله اللهم مننت علی بالایمان و اودعتنی القرآن و رزقتنی صیام شهر
رمضان فامنن علی بالرحمة و الرضوان و الرأفة و الغفران و تمام ما اولیتنی من النعم و الاحسان یا حنان یا منان یا دائم یا رحمن سبحانک لیس لی

احد سواک سبحانک اعوذ بک بعد هذه الکرامات من الهوان و اسئلک ان تجلی عن قلبی الاحزان پس صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرست و در
روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت شکایت کرد که چون تنها میشوم مرا وحشتی و اندوهی عارض میشود و چون بمیان مردم می آیم برطرف میشود فرمود
که دست بر دل بگذار و بگو بسم الله بسم الله بسم الله پس دست بر دل بمال و بگو اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله
و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی هفت مرتبه این دعا را میخوانی و در روایت
دیگر وارد شده که شخصی بآنحضرت شکایت کرد و از آرزوی بسیار کردن و وسوسهای سینه فرمود که دست بر سینه بکش و بگو بسم الله و بالله محمد
رسول الله صلی الله علیه و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم امسح عنی ما احذر پس دست بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان این دعا را آن شخص چنین کرد
و این حالت از و برطرف شد و شیخ احمد بن فهد در کتاب عدة الداعی از برای گشودن کسی که او را بسته باشند بر زنش این دعا را نقل کرده است که
بنویسند و با خود نگاه دارند بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر و یتم نعمته علیک و یهدیک
صراطا مستقیما بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا
و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم
غالبون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة
من لسانی یفقهوا قولی و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض و نفخ فی الصور فجمعناهم جمعا کذلک حللت فلان بن فلانة علی فلانة بنت فلانة لقد
جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون زن یهودیه گوسفند زهر آلوده را آورد نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و گوسفند بزبان سخن آمد بامر الهی و گفت یا رسول الله مخور از من که مرا بزهر آلوده اند جبرئیل نازل شد و گفت پروردگار سلامت میرساند و میگوید
این دعا بخوان و بخور که زهر بتو آسیب نمیرساند پس حضرت امر فرمود صحاب را که همگی این دعا را خواندند و از آن گوسفند خود و ایشان تناول کردند
پس امر فرمود ایشان را که حجامت بکنند دعا این است بسم الله الذی یسمیه به کل مؤمن و به عز کل مؤمن و بنوره الذی اضاءت به السموات
و الارض و بقدرته التی خضع لها کل جبار عنید و انتکس کل شیطان مرید من شر السم و السحر و اللمم بسم الله العلی الملک الفرد الذی لا اله الا هو
و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
کسی که از شیر و حیوانات درنده بر خود و گوسفندان خود ترسد بر دور خود و ایشان خطی بکشد و بگوید اللهم رب دانیال و الجب و رب کل
اسد مستاسد احفظنی و احفظ غنمی و فرمود که کسی که از عقرب ترسد این آیات را بخواند سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من

عبادنا المؤمنین و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام بشخصی گفت که چون شیر را ببینی در روی او آیة الکرسی بخوان و بگو عزمت علیک
بعزیمة الله و عزیمة محمد رسول الله و عزیمة سلیمان بن داود علیهما السلام و عزیمة علی امیر المؤمنین علیه السلام و الائمة من بعده الا تنحیت عن طریقنا و لم
تؤذنا فانا لا نؤذیک راوی گفت که بشیر برخوردم و این دعا خواندم سر بزیر انداخت و دم را در میان پاهای خود کشید و برگشت و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من جانوران درنده را شکار میکنم و شب در خرابها و جاهای هولناک بسر میبرم فرمود که چون
داخل خرابه شوی پای راست را پیش گذار و بسم الله بگو و چون بیرون آئی پای چپ را پیش گذار و بسم الله بگو که آسیبی بتو نمیرسد و از حضرت امام رضا
منقولست که چون شیر را ببینی در برابرش سه مرتبه الله اکبر بگو و بگو الله اعز و اکبر و اجل من کل شیء و اعوذ بالله مما اخاف و احذر و چون یک
بر روی تو فریاد کند و حمله کند این آیه را بخوان یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا لا تنفذون الا
بسلطان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که برای دفع ضرر جانوران زمین این دعا بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله
صلی الله علیه و آله اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شر کل دابة یدب باللیل و النهار ان ربی علی صراط مستقیم و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هرگاه از عقرب ترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک ستاره دوم بنات النعش است و سه مرتبه بگو
اللهم یا رب اسلم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و سلمنا من شر کل ذی شر الی راوی گفت که تا حال یک شب نخواندم و در آن شب عقرب مرا
گزید و در حدیث دیگر فرمود که کسی که از مار و عقرب ترسد در اول شب این دعا بخواند بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله اخذت العقارب و الحیات
کلها باذن الله تبارک و تعالی بافواهها و اذنابها و اسماعها و ابصارها و قوتها عنی و عمن احببت الی ضحوة النهار و در روایت دیگر فرمود که
این دعا بخواند بسم الله و بالله و توکلت علی الله و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی فی کنفک و فی جوارک و اجعلنی فی
حفظک و اجعلنی فی امنک و در روایت معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله در بعضی از جنگها بآنحضرت
شکایت کردند از بسیاری کیک فرمود که در وقت خواب این دعا بخوانند ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک بام الکتاب
ان لا تؤذینی و اصحابی الی ان یذهب اللیل و یجیء الصبح بما جاء و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بهر که غضب مستولی شود اگر ایستاده باشد
بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر بر خویش خود غضبناک شده باشد بدن خود را بر بدن او برساند تا ساکن شود و در حدیث دیگر فرمود که در
هنگام غضب این دعا بخواند اللهم اذهب عنی غیظ قلبی و اغفر لی ذنبی و اجرنی من مضلات الفتن اسئلک رضاک و اعوذ بک من سخطک
و اسئلک جنتک و اعوذ بک من نارک و اسئلک الخیر کله و اعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی و الثواب و اجعلنی راضیا مرضیا
غیر ضال و لا مضل و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون شیطان چیزی را از خاطر تو محو کرده باشد و خواهی بیاد آوری

دست بر پیشانی گذارد و بگوید اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و الامر به ان تصلی علی محمد و آل محمد و تذکرنی ما انسانیه الشیطان و در احادیث
معتبره وارد شده است که از برای ادای قرض این دعا بخوانند اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک و شخصی بخدمت
حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زبانت را تر بدار از خواندن سوره انا
انزلناه و در روایت دیگر فرمود که برای دفع پریشانی هر روز صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست برای دفع پریشانی و فقر بعد از نماز صبح ده نوبت بگوید سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که فقر بر او بسیار بر او روز آورد بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله بدرستی
که این کلمه گنجیست از گنجهای بهشت و در او شفای از هفتاد و دو درد هست که کمتر آنها اندوه است و در حدیث بسیار معتبر وارد است
که هر که هر روز صد مرتبه بگوید لا حول و لا قوة الا بالله هفتاد نوع از بلاها از او دور گردد که سهل تر آنها غم و اندوه باشد و در حدیث معتبر منقولست
که هر که هزار مرتبه ما شاء الله در یک دفعه بگوید در آن سال او را حج نصیب شود و اگر در آن سال نشود زنده نماند تا توفیق حج بیابد و در احادیث بسیار
وارد شده است که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دفع اندوه میکند و در احادیث معتبره از علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که هر گاه من این دعا را
بخوانم پروا ندارم اگر جن و انس جمع شوند برای ضرر رسانیدن بمن بسم الله و بالله و من الله و الی الله و فی سبیل الله اللهم الیک اسلمت نفسی و الیک
وجهت وجهی و الیک فوضت امری فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی و من فوقی و من تحتی و ادفع عنی بحولک
و قوتک و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام روزی بر منصور دوانقی داخل شد و او در نهایت
شدت غضب بود حضرت در وقت داخل شدن این دعا خواندند غضب او ساکن شد یا عدتی عند شدتی و یا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی
لا تنام و اکنفنی برکنک الذی لا یرام و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای برگشتن غلام گریخته بر کاغذی آیة الکرسی را مدور بنویسد
و در میان آن بنویسد اللهم السماء لک و الارض لک و ما بینهما لک فاجعل ما بینهما اضیق علی فلان و نام غلام را بنویسد من جلد جمل حتی ترده
علی و تظفرنی به و اینها را بر خوانند و آن کاغذ را در موضعی که در شبها در آنجا میخوابیده است دفن کنند و چیز سنگینی بر بالایش بگذارد و در حدیث
دیگر فرمود که کسی را که مالی یا حیوانی گم شود این دعا بخواند اللهم انت اله من فی السماء و اله من فی الارض و عدل فیهما و انت الهادی من الضلالة
و تردّ الضالة ردّ علی ضالتی فانها من رزقک و عطیتک اللهم لا تفتن بها مؤمنا و لا تغر بها کافرا اللهم علی محمد عبدک و رسولک و علی اهل بیته و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که برای ردّ گم شده بگوید و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها
و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین اللهم انک تهدی من الضلالة و تنجی من العمی و ترد الضالة صل علی محمد و آله و اغفر لی

و ردّ ضالتی

و ردّ ضالتی و صل علی محمد و آله و سلم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که برای ردّ گم شده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت
بعد از حمد سوره یس بخواند و بعد از نماز دست بسوی آسمان بردارد و بگوید اللهم رادّ الضالة و الهادی من الضلالة صل علی محمد و آل محمد و احفظ
علیّ ضالتی و اردد ها الیّ سالمة یا ارحم الراحمین فانها من فضلک و عطائک یا عباد الله فی الارض و یا سیارة الله فی الارض ردّوا علیّ ضالتی
فانها من فضل الله و عطائه و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که تعویذی با خود میدارم و جنب میشوم چون است
فرمود که باکی نیست اما زن چون حائض میشود باید که تعویذی که با خود نگاه دارد در میان پوست باشد و فرمود که هر چه از دعا و قران و تعویذ که
خواهید برای گوشها و دردها بخوانید اما افسانها که معنیش معلوم نباشد مخوانید و فرمود که بسیاری از تعویذها و افسانها کفر است فصل دوم
در فواید تربت شریف حضرت امام حسین صلوات الله علیه و خواص بعضی از ادویه مفرده در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که در خاک قبر
حضرت امام حسین صلوات الله علیه شفای هر دردی است و آنست دوای بزرگ و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که را
علتی حادث شود و بتربت آنحضرت مداوا کند که البته شفا یابد مگر آنکه علت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفاست از
هر دردی و امانست از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را بتربت آنحضرت بردارید که امانست از بلاها و در روایت
دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام هیچ متاعی بجائی نمیفرستاد مگر آنکه قدری از تربت آنحضرت در میانش میگذاشت که ببرکت آن
محفوظ بماند و در حدیث معتبر منقولست که ابن ابی یعفور از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد که بعضی از مردم از تربت حضرت امام حسین علیه السلام
میگیرند و منتفع میشوند و بعضی نفع نمییابند فرمود که والله که هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع مییابد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بآنحضرت عرض کرد که زنی رشته بمن داده است که بخدمه کعبه معظمه بدهم که جامه کعبه را با آن بدوزند حضرت فرمود که از ایشان بده و عسل و زعفران
بخر و خاک قبر امام حسین صلوات الله علیه را بگیر و با آب باران نرم کن و در میان عسل و زعفران بریز و بشیعیان بده که بیماران خود را با آن
دوا کنند و در روایت دیگر فرمود که خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای همه دردهاست هر چند ثلث فرسخ دور تر از قبر بردارند و در روایت دیگر
فرمود که تا هفتاد قدم دور از قبر تربت شفا را میتوان برداشت و در روایت معتبر دیگر فرمود که تربت شفا را تا یک فرسخ و ثلث فرسخ از
اطراف قبر میتوان برداشت و فرمود که هیچ چیز مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزیکه برکت آنرا گم میکند در جاهای نامناسب
گذاشتن و کم اعتقادی آنکس است که میخورد اما کسی که یقین داند که آن شفا است هر وقت که با آن معالجه کند البته او را بدوای دیگر احتیاج
نمیشود و فاسد میکنند و کم میکنند نفع تربت را شیاطین جن و انسیان کافر که خود را بر آن میمالند و هر یک که میگذرد از آن میبویند و شیاطین
کافر از جن رشک میبرند بر فرزندان آدم پس خود را بر آن میمالند که بوی خوش و نفعش را گم کنند و هر تربتی که از حایر بیرون می آورند البته قدر

که شوان شمر و از شیاطین که از بیم ملایکه داخل حایر نمیشوند در بیرون مهیا ایستاده‌اند که از حایر بیرون آورند خود را بر آن بمالند و اگر تربت از این سالم
باند هر بیماری که بخورد در ساعت شفا یابد پس چون تربت را برداری بپوشان و پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و من شنیده‌ام که بعضی تربت را
برمیدارند و سبک میشمارند حتی آنکه در میان توبره چهارپایان یا در میان ظرف طعام می اندازند از چنین تربتی چون شفا یابند درستی که
کسی که صاحب یقین نیست باستخفاف اموری که موجب صلاح اوست اعمال خود را فاسد میگرداند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد
که مرا درد و مرض بسیار میباشد و هر دوائیکه خوردم نفع نکرد فرمود که چرا از تربت حضرت امام حسین صلوات الله وسلامه علیه نمیخوری که در آن شفای
هر درد و امان از هر بیم هست و وقتی که تربت را برمیداری بگو اللهم انی اسئلک بحق هذه الطینة وبحق الملک الذی اخذها وبحق النبی الذی قبضها
وبحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد واهل بیته واجعل لی فیها شفاء من کل داء وامانا من کل خوف پرسید که شفای هر درد را دانستم چگونه امانست از هر خوفی
فرمود که هرگاه از دزدی یا از ظالمی یا از بلائی اندیشه داشته باشی از خانه بیرون میا مگر آنکه خاک قبر آنحضرت با تو باشد و در آنوقت که خاک را برمیداری بگو
اللهم هذه طینة قبر الحسین ولیک وابن ولیک اتخذتها حرزا لما اخاف ومالا اخاف و از ابو حمزه ثمالی منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون
خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و یس و آیة الکرسی
بخوان و بگو اللهم بحق محمد عبدک وحبیبک ونبیک ورسولک وامینک وبحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عبدک واخی رسولک وبحق فاطمة بنت نبیک
وزوجة ولیک وبحق الحسن والحسین وبحق الائمة الراشدین وبحق هذه التربة وبحق الملک الموکل بها وبحق الوصی الذی هو فیها وبحق الجسد الذی تضمنت وبحق
السبط الذی ضمنت وبحق جمیع ملائکتک وانبیائک ورسلک صل علی محمد وآله واجعل هذا الطین شفاء لی ولمن یستشفی به من کل داء وسقم ومرض وامانا من
کل خوف اللهم بحق محمد واهل بیته اجعله علما نافعا ورزقا واسعا وشفاء من کل داء وسقم وآفة وعاهة وجمیع الاوجاع کلها انک علی کل شیء قدیر پس بگو
اللهم رب هذه التربة المبارکة المیمونة والملک الذی هبط بها والوصی الذی هو فیها صل علی محمد وآل محمد وسلم وانفعنی بها انک علی کل شیء
قدیر و در روایت دیگر فرمود که در وقتیکه تربت را بخوری اول ببوس و بر هر دو دیده بگذار و زیاده از یک نخود مخور که هر که زیاده بخورد چنانست که گوشت
و خون ما را خورده است و در وقتیکه از قبر برمیداری بگو اللهم انی اسئلک بحق الملک الذی قبضها واسئلک بحق النبی الذی خزنها واسئلک بحق
الوصی حل فیها ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعلها شفاء من کل داء وامانا من کل خوف وحفظا من کل سوء پس تربت را در پارچه ببندد و سوره انا انزلنا را
بر آن بخوان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که تربت را بقصد شفا نخورد چنانست که گوشت ما را خورده است و چون بقصد شفا خورد بگوید
بسم الله وبالله اللهم رب هذه التربة المبارکة الطاهرة ورب النور الذی انزل فیه ورب الجسد الذی سکن فیه ورب الملائکة
الموکلین به اجعله شفاء من داء کذا وکذا و آن آزار را ذکر کند پس تربت را بخورد و یک جرعه آب بعد از آن بخورد و بگوید اللهم اجعله رزقا واسعا

وعلما

وعلما نافعا وشفاء من کل داء وسقم چون چنین کنی دفع میشود آنچه در خود می یابی از درد و بیماری و غم و اندوه و در روایت دیگر فرمود که در وقت خوردن آن
بخواند بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر اللهم رب التربة المبارکة ورب الوصی الذی
وارته صل علی محمد وآل محمد واجعل هذا الطین شفاء من کل داء وامانا من کل خوف و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چون میت را دفن
کنند در برابر رویش مهری از خاک حضرت امام حسین علیه السلام بگذارند و در حدیث دیگر فرمود که مؤمن نمیباید از پنج چیز خالی باشد مسواک و شانه
و جانمازی و تسبیحی از تربت که سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیق و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که تسبیح خاک آنحضرت را بگرداند بهر
استغفاری هفتاد استغفار برای او نوشته میشود و اگر تسبیح را در دست نگاهدارد و چیزی نگوید بعدد هر دانه هفت استغفار برای او نوشته شود و در حدیث
دیگر فرمود که هر که خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام را بفروشد چنانست که گوشت آنحضرت را فروخته و خورده باشد بدانکه مشهور میان علما آنست
که بقدر نخودی میتوان خورد و چون بعضی از احادیث بقدر عدس ظاهر میشود بهتر آنست که زیاده از عدس نخورد اما خواص ادویه از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که تب کند و در شب اول بوزن دو درهم یا سه درهم بزر قطونا بخورد از آن مرض ایمن گردد از برسام و ذات الجنب و در حدیث دیگر فرمود
که فضیلت عناب بر سایر میوه‌ها مانند فضیلت ماست بر سایر مردم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که عناب تب را زایل
میکند و در روایت دیگر منقولست که ابن ابی الخضیب گفت که دیده من سفید شده بود و چیزی نمیدیدم شبی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را
در خواب دیدم فرمود که عناب را بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم عناب را با هسته‌اش ساییدم و در دیده کشیدم دیده‌ام صحیح و بینا گردید و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که مداوا کنید بسنا که اگر چیزی مرگ را رد میکند آن سناست و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چهار چیز است که طبیعتها را باعتدال می آورد انار سورانی و خرمای نارس و بنفشه و کاسنی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که در سیاه دانه شفای همه دردهاست بغیر از مرگ و در بعضی از روایات وارد شده است که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله پرسیدند که چگونه استعمال
کنیم فرمود که بیست و یک دانه‌اش در کهنه بکنی و یک شب بخیسانی و چون صبح شود در بینی راست دو قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانی و در روز دوم نیز
چنین کنی و در روز سیم در بینی راست یک قطره بچکانی و در بینی چپ دو قطره بچکانی و در هر شب دانه‌ها را تازه کنی و در روایت دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که از بسیار آمدن بول آزار میکشم فرمود که سیاه دانه در آخر شب بخور و فرمود که من آن را میخورم برای تب و درد
سر و آزار چشم و درد شکم و خدا مرا بآن شفا میدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که بر هر یک از برگ و دانه و درخت
اسفند ملکی موکلست که با اینها هست تا آنکه بپوسد و در ریشه‌اش و شاخش و تخمش سحر را برطرف میکند و در دانه‌اش شفای هفتاد و دو درد است پس مداوا کنید
باسفند و کندر و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خانه که اسفند در آن هست شیطان تا هفتاد خانه از آن خانه دوری میکند و آن شفاست از هفتاد مرض

که آسمان برآنها خورده است و در روایت دیگر منقولست که سجدۀ شکایت کرد از حسن امت خود وحی برو نازل شد که امر کن امت خود را
که هندبا بخورند که باعث شجاعت میشود و فرمود که کندر برگزیده پیغمبران است هیچ دودی زودتر از دود آن بآسمان بالا نمیرود و دود آن دور کننده شیاطین
و دفع کننده بلاهاست و از حضرت امام حسین علیه السلام منقولست که اگر مردم بدانند که چه منافع در هلیله زرد است هرآینه بوزن آن از طلا بخرند
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بخورید انجیر را که برای دفع قولنج نافع است و فرمود که گند دهان را برطرف میکند و استخوان را محکم میکند و مو
در بدن میرویاند و درد با رامی برد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خوردن انجیر تر و خشک بواسیر را قطع میکند و نقرس و غلبه برودت
باطن را نفع میدهد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که برگ خرفه عقل را زیاد میکند و هیچ گیاهی از آن شریفتر و نافعتر نیست و حضرت امام رضا
علیه السلام فرمود که بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که کاهو خون را فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که خوراک حضرت خضر و الیاس کرفس و مبلاقست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هرکه سداب بخورد در شب و بخوابد در آن شب ایمن گردد
از دردهای بیرونی و اندرونی و ذات الجنب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت زنجبیل و سیاهدانه و آنیسون سفوف میکردند و بعد از البینات
و طعامی که بیم ضرر از آن بود تناول میفرمودند و گاهی با نمک سائیده ممزوج ساخته پیش از طعام میخوردند و میفرمودند که چون بامداد من این را بخورم از خوردن هیچ چیز
پروا نمیکنم و تقویت معده میکند و بلغم را می برد و امان می بخشد از لقوه و فرمود که حق تعالی برکت قرار داده است در عسل و در آن شفا از جمیع دردها است و در آن هفتاد
پیغمبر را نفس ستاده است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سرکه شراب بن دندان را محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد و عقل را محکم میکند و فرمود که خوردن
اشنیان زانوها را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند و دهن را بدبو میکند و فرمود که هرکه زنجبیل و گردکان را باهم بخورد بواسیر را میسوزاند
و بادها را دفع میکنند و معده را ... میکنند و گرده ها را گرم میکنند و فرمود که آنیسون و نمک با یکدیگر بادها را دفع میکنند و سده ها را میگشایند و بلغم را میسوزانند
و موجب ادرار بول میشوند و دهن را خوشبو میکنند و معده را نرم میکنند و لقوه را دفع میکنند و قوت جماع را زیاد میکنند و در چند حدیث وارد شده است
که مالیدن نمک دفع زهر عقرب و گزندگان میکند **باب دهم** در آداب معاشرت با مردم و حقوق اصناف ایشان **فصل اول** در بیان حقوق
خویشان و غلامان و کنیزان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رحم در روز قیامت چنگ در عرش الهی میزند و میگوید که پروردگارا هرکه مرا
در دنیا صله کرده است تو امروز او را برحمت خود وصل کن و هرکه مرا قطع کرده در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن و در احادیث بسیار منقولست
که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمالست و مال را زیاد میکند و بلاها را دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دو طرف صراط امانت و صله رحم است پس کسی که در امانت مردم خیانت نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است
از صراط بآسانی میگذرد و به بهشت میرود و کسیکه خیانت در امانتها کرده است و قطع رحم کرده است عمل دیگر او را نفع نمی بخشد و صراط او را در آتش می افکند

[illegible]

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که صله رحم کردن و با همسایگان نیکو سلوک کردن خانه ها را آبادان میکند و عمرها را زیاد میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که عملی که ثوابش زودتر از صله رحم نمیرسد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ما چیزی را نمیدانیم که عمر را زیاد کند مانند
صله رحم تا آنکه گاه هست که شخصی سه سال از عمرش مانده است و بسبب صله رحم عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که کسی از عمرش سی و سه سال
مانده است و بسبب قطع رحم سه سال میشود و در حدیث موثق منقولست که شخصی از آنحضرت سؤال کرد که خویشان دارم که شیعه نیستند آیا ایشان را
بر من حقی است فرمود که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند و اگر شیعه باشند دو حق دارند حق رحم و حق اسلام و فرمود که صله رحم و نیکی با برادران مؤمن حساب
قیامت را آسان میکند و از گناهان نگاه میدارد پس صله رحم و نیکی با برادران را ترک مکنید اگرچه بسلام کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد و حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر بدی کنند مالشان بدست بدکاران می افتد و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه چیز است که هرکه مرتکب آنها شود پیش از مردن عقوبت آنها را می بیند ظلم و قطع رحم و قسم دروغ و بسیار است
که جماعتی بدکردارند و بسبب صله رحم مال و فرزندان ایشان بسیار میشود و قسم دروغ و قطع رحم خانه ها را از اهلش خالی و نسل را منقطع میکنند و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه بپای خود برود بخانه خویشان بمدد ایشان یا برای آنکه مالی بایشان برساند حق تعالی ثواب صد شهید او را کرامت
فرماید و بعدد هر گامی که بردارد چهل هزار حسنه در نامه عملش نوشته شود و چهل هزار گناه محو شود و چهل هزار درجه برای او در بهشت بلند شود و چنان باشد که صد سال
عبادت خدا با خلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کسند که داخل بهشت نمیشوند کسیکه همیشه شراب خورد یا سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود که
هرکه رعایت حق خویشان کند حق تعالی در بهشت باو هزار هزار درجه کرامت فرماید که از درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد یک درجه از نقره دیگری از طلا و
دیگری از مروارید و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزها که خدا در بهشت خلق فرموده است و در حدیث
صحیح از آنحضرت منقولست که در شب معراج دیدم رحمی بعرش آویخته از رحم دیگر شکایت میکند نزد پروردگار خود پرسیدم که در چند پشت نسبت تو
و او بهم میرسد گفت در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم برای کسی صله رحم کند آنکه او را دوست دارد و روزیش را فراخ کند و عمرش را
زیاد کند و او را داخل بهشت کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و او را نمیشنوند عاق پدر و مادر و قطع کننده رحم و مرد پیر زنا
کار و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه بر غلامی یا کنیزی بقدر حدی از حدود الهی بزند بی آنکه جرمی از او صادر شود
که بحسب شرع مستحق آن شده باشد کفاره نیست گناه او را بغیر از آزاد کردن او و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه سؤال کردند
که بنده که فرمان صاحبش نمیبرد آیا جایز است زدن او فرمود که اگر موافق طبعت باشد نگاه دار و اگر نه فروشش یا رهاکن و در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که در تادیب اطفال و غلامان و کنیزان پنج تازیانه یا شش تازیانه بیشتر مزنید و از راه رفق و همواری بزنید و در حدیث معتبر دیگر منقولست

که زراره از آنحضرت سؤال کرد از زن مرده فرمود که هر چیز که در ورثه او تلف شود بی تقصیر او بر او چیزی نیست اما اگر دانسته نافرمانی کند یعنی
زن او در آن رکعت چه مقدار بزنم او را فرمود که سه یا چهار یا پنج و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که همیشه جبرئیل مرا وصیت میکرد
در باب غلام و کنیز تا آنکه گمان کردم که از برای ایشان مدتی قرار خواهد کرد که چون تا آن مدت برسند آزاد شوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال خدمت آقای خود کند آزاد میشود و بعد از آن خدمت فرمودن او حلال نیست و علما حمل کرده اند این حدیث را بر آنکه
سنت مؤکدست که بعد از هفت سال او را آزاد کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چهار صفتست که در هر که
باشد حق تعالی او را در اعلی علیین در اعلی غرفهای اشرف ساکن گرداند کسیکه پناه دهد یتیم را و متوجه احوال او شود و از برای او بمنزله پدر مهربان باشد و کسیکه رحم کند
بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسیکه مال خود را صرف پدر و مادر کند و با ایشان مدارا کند و احسان نماید و ایشان را آزرده نکند و کسیکه تندی و بغضی
با بنده خود نکند و او را یاری نماید بر خدماتی که با و میفرماید و کاریکه بر او دشوار باشد نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که به بندگان خود بخورانید آنچه خود میخورید و بایشان بپوشانید آنچه خود میپوشید و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت باصحاب خود فرمودند که میخواهید خبر دهم
شما را به بدترین مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود کسیکه تنها سفر کند و عطای خود را از مردم منع کند و غلام خود را بزند و در حدیث دیگر فرمود که
بترسید که اگر بر ایشان ظلم بکنی ایشان بر تو ظلم کنند دو نان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را بقدر عقل ایشان بر روی ایشان بیازارید
و در حدیث معتبر منقولست که غلامی از غلامان حضرت صادق علیه السلام را بجائی فرستاده بود و حضرت از عقب او رفتند تا آنکه دیدند که در جائی خوابیده است بر بالین او نشستند
و او را باد میزدند تا او بیدار شد پس فرمودند که ترا نیست که شب و روز هر دو بخوابی شب خواب کن و روز خدمت کن و در احادیث معتبره از آنحضرت
منقولست که سه کسند که نماز ایشان مقبول نیست غلامی که از آقای خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم آقا نماید و شخصی که پیشنمازی گروهی کند
که با و راضی نباشند و زنی که شوهر از و خشمناک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که اول کسیکه داخل بهشت میشود شهید است
و غلامیکه نیکو عبادت کند پروردگار خود را و خیرخواه آقای خود باشد و مرد عیالداری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در احادیث معتبره از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بنده آزاد کند حق تعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی از او را از آتش جهنم آزاد کند و حضرت صادق ع
فرمود که مستحب است که در شب عرفه و روز عرفه بنده آزاد کردن و تصدق کردن **فصل دویم** در حقوق همسایگان و یتیمان و خویشان
و قبیله از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پیوسته جبرئیل وصیت مینمود در رعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که برای او میراثی قرار خواهد داد
و فرمود که هر که همسایه خود را آزار کند حق تعالی بوی بهشت را بر او حرام کند و ماوای او جهنم باشد و فرمود که هر که از زمین همسایه بقدر یک شبر زمین
خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقه هفتم طوقی گرداند در گردن او تا چون بمقام حساب آورند آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس دهد

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که آزار خود را از همسایه باز دارد حق تعالی در قیامت لغزشهای او در گذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که سه چیز است بدترین بلاها است پادشاهی جابر و حاکمی که اگر احسان با و کنی شکر نکند و اگر بدی کنی نگذراند و همسایه که چشمش ترا میبیند و دلش مرگ ترا خواهد اگر نیکی
میبیند میپوشاند و مذکور نسازد و اگر بدی میبیند ظاهر و منتشر گرداند و زنی که اگر حاضر باشی ترا آزار دهد و اگر غایب باشی خاطرت با و مطمئن نباشد و در
حدیث دیگر فرمود که هر که آزار همسایه کند برای طمع در خانه او خدا خانه او را بهمسایه میرساند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول ص
پرسیدند که آیا در مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود بلی نیکی با خویشان و احسان کردن بخویشان که با تو بدی کرده باشند و احسان بهمسایه مسلمان بدرستی که ایمان
بمن ندارد کسیکه شب سیر بخوابد و همسایه او گرسنه است و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تا چهل خانه از هر طرف همسایه اند
و در حدیث دیگر فرمود که از جمله حقوق مال حق ماعونست که حق تعالی وعید جهنم فرموده است برای کسی که منع آن نماید و آن قرضیست که بهمسایه دهد
یا نیکی که با ایشان کند یا ضروریات خانه که بایشان عاریه دهد راوی عرض کرد که ما همسایگان داریم که اگر چیزی بایشان بعاریه بدهیم میشکنند و ضایع
میکنند در این صورت بر ما گناهی هست اگر بایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد گناهی بر شما نیست اگر بایشان ندهید و در حدیث دیگر فرمود
که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ماعون را منع نماید از همسایگان حق تعالی
منع کند از او خیر و احسان خود را در آخرت و او را بخود واگذارد و هر که را خدا بخود واگذارد وای بر حال او و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که منع مکنید قرض دادن نان و خمیر را و طلب کردن آتش را که این امور باعث زیادتی روزی میشود بر اهل خانه با آنکه از جمله مکارم اخلاقست و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که زنهار که متعرض حقوقی مشوید که بر خود لازم کنید و آنچه از خرجها که بر قبیله واقع میشود بدهید و مضایقه مکنید و اگر از
قبیله شما کسی شما را تکلیفی بکند که ضرر آن بر شما زیاده از نفعی باشد که با و میرسد قبول مکنید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
در بیماری بدیدن صعصعه بن صوحان که از بزرگان اصحاب آنحضرت بود تشریف آوردند پس فرمودند که ای صعصعه آنکه من بدیدن تو آمده ام فخر مکن بر قوم
خود و اگر ایشان را در امری یاری نمائی خود را در آن امر بکنار مگیر که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و بایشان محتاج است و اگر یاری ایشان نکنی یک یاری را
از ایشان منع کرده و یاریهای بسیار ایشان را از خود گردانیده پس اگر ایشان را در حال خود بینی یاری ایشان بکن بر آن امر و اگر در بلائی باشند ایشان را واگذار
و باید که یاری کردن شما یکدیگر را در رضای خدا باشد بدرستی که همیشه در رفاهیت و نعمت خواهید بود و اگر یاری یکدیگر کنید در رضای خدا و باز ایستید از معصیت خدا
و در حدیث معتبر منقولست که اسیری چند را نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آوردند که گردن بزنند در آن حال حضرت جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد این
اسیر که میخواهی گردنش را بزنی بمردم طعام میخورانید و مهمانداری میکرد و خرجهائیکه در میان قبیله واقع میشد میداد و بارهای گران اهل قبیله را بر دوش
خود بر میداشت پس حضرت با آن اسیر فرمودند که حق تعالی چنین وحی فرستاده است و من ترا آزاد کردم از کشتن باین خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار تو

اخرجیلها را دوست میدارد حضرت فرمود بلی اگر گواهی شهادت میدهی بوحدانیت خداوند و پیغمبری او بحق آن خداوندی که برادر راستی فرستاد دوست
که هرگز از مال خود کسی را بر نگردانیده ام و در احادیث معتبر وارد شده است که خوردن مال یتیم بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که نگاهداری کند یتیمی را و او را نفقه کند من و او در بهشت باشیم مانند این دو انگشت با هم و اشاره بانگشت
شهادت و میانی فرمودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود داخل کند و خرج او را بدهد تا او مستغنی شود از او خدا بهشت را برای او واجب
گرداند چنانچه برای خورنده مال یتیم جهنم را واجب گردانیده است و در روایت معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر مرد
مؤمن و زن مؤمنه که دست بر سر یتیم بکشد از روی ترحم حق تعالی برای او بعدد هر موئی که دستش بر او میگذرد حسنه برای او بنویسد و در روایت
دیگر منقولست که حق تعالی بهر موئی نوری باو کرامت فرماید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد که دلش نرم شود یتیمی را نزدیک خود بخواند و با او مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشاند و از روی شفقت دست
بر سرش بمالد بدرستی که یتیم را بر مردم حق عظیم هست و در حدیث دیگر فرمود که چون یتیم بگرید عرش الهی برای او بلرزد پس پروردگار عالم فرماید که کیست
آنکه بگریه آورده است این بنده مرا که پدر و مادرش را گرفته ام بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که هیچ بنده او را ساکن نگرداند مگر آنکه بهشت را
برای او واجب گردانم و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی در قرآن مجید برای کسیکه مال یتیم را بناحق بخورد
دو عقاب مقرر ساخته است یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه در دنیا بعد از او با یتیمان او بکنند آنچه با یتیمان دیگران کرده باشد و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حق تعالی در قیامت جماعتی را از قبرها محشور گرداند که از دهنهای ایشان آتش شعله ور باشد و ایشان جماعتی باشند
که مال یتیمان را خورده باشند چنانچه حق تعالی میفرماید که بدرستی که آنجماعتیکه مال یتیمان را میخورند نمیخورند در شکم خود مگر آتش و بزودی در آتش افروخته جهنم
گردند و بدانکه ولی یتیم که تصرف در مال او میتواند نمود پدر است و جد پدری و وصی که ایشان تعیین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شرع یعنی امام ع
و کسیکه آنحضرت تعیین فرموده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علما را اعتقاد آنست که مجتهد جامع الشرائط میکند یا کسیکه او نصب کرده باشد
و از احادیث معتبره ظاهر میشود که مؤمنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان میتوانند شد که آنچه صرفه و غبطه ایشان
در آن باشد رعایت کنند و اگر پریشان باشند و سعی در مال یتیم مانع کسب ایشان باشد بقدر خرج ضروری خود از مال ایشان خرج میتوانند کرد
و بهتر آنست که رعایت کنند که زیاده از اجرت متعارف المثل برندارند و همچنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت در صرفه
ایشان بکنند و اگر آنقدر مال نداشته باشد که وفا بقرض کند از مال ایشان قرض برندارند و اگر پدر و جد پدری پریشان باشند بقدر نفقه ضروری
خود از مال ایشان میتوانند برداشت و اگر مادر هم پریشان باشد نفقه او را روا از مال یتیم میتوانند داد و اگر قدر خرج طفل را حساب کنند و با نفقه

خود ضم کنند

خود ضم کنند و با هم چیزی بخورند باکی نیست فصل سیم در حقوق صداقت و اخوت در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع
در وقت فوت وصیت نمود بحضرت امام حسن صلوات الله علیه که برادری کن با برادران از برای خدا و دوست دار صالحان را برای صلاحشان
و از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست که هر که برادر مؤمنی برای خدا بگیرد خانه در بهشت یافته باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که کسی بعد از اسلام فایده نیافته است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا گرفته باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع
عرض کرد که بسیار است که اندوهگین میشوم بی سببی بحدی که اهل و یاران من اثر آنرا از روی من مشاهده میکنند فرمود که حق تعالی مؤمنان را
از طینت بهشت آفریده و از نسیم رحمت خود در ایشان جاری گردانیده پس باین سبب مؤمنان برادر پدر و مادری یکدیگرند پس چون بروح
یکی از مؤمنان اندوهی رسید مؤمنان دیگر برای اندوه او محزون میشوند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که نظر کردن بروی امام عادل عبادتست و نظر کردن بروی عالم عبادتست و نظر کردن بروی پدر و مادر از روی مهربانی و شفقت عبادت است
و نظر کردن بروی برادری که دوست داری او را از برای خدا عبادتست و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که برادران دو نوعند یکی
برادرانی که محل اعتماد باشند در دوستی و یاری و دیگری برادران خنده اند و صحبت اما اول پس ایشان بمنزله دستند و بالند و اهلند و مالند پس
چون بر برادر چنین اعتماد داشته باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود را و با دوستانش دوستی کن و با دشمنانش دشمنی کن و رازش را
بپوشان و عیبش را مخفی کن و نیکیهایش را فاش کن و بدان که این قسم برادران کمترند از گوگرد سرخ که اکسیر است و اما دوم پس تو لذت
صحبت ایشانرا بیابی این را از ایشان قطع مکن و توقع زیاده از این از ایشان مدار و در احادیث معتبره وارد شده است که اخوت
و برادری و آشنائی در عالم ارواح در میان مؤمنان بهم رسیده و در این نشاء چون یکدیگر را دیدند از یاد می آورند و در احادیث معتبره دیگر وارد
شده است که مؤمن برادر مؤمن است و دیده اوست و راهنمای اوست با او خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و او را فریب نمیدهد و با او
وعده که کند خلف نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت او نمیکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که صداقت و یاری و دوستی
حدی چند دارد که هر که همه آنها در او باشد او را بکمال صداقت نسبت بده و هر کسی که هیچیک آنها در او نباشد او را بکمال صداقت نسبت مده اول
آنکه آشکار و پنهانش با تو یکی باشد دویم آنکه زینت ترا زینت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سیم آنکه اگر بهم رساند مالی یا حکومتی سلوک
خود را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی او بآن رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت نکبتها و بلاها ترا وا نگذارد و ترک یاری تو نکند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که از برادران مؤمن تو سه مرتبه با تو بغضب آید و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو نگوید او را بدوستی و یاری خود بگیر و در حدیث
دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر و دوست خود مکن که رازهای خود را با او بسپاری که در وقتیکه از تو برگردد چاره نتوانی کرد و از حضرت امام رضا ع

منقولست که محبت بیست ساله خویشاوندیست و علم اهلش را با یکدیگر بیشتر جمع میکند و رابطه میدهد از پدران و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
چون دوستی داشته باشی و حکومت بهم رساند و ده یک آنچه پیش با تو دوستی میکرد بکند دوست بدی نیست از برای تو و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که دوستی با دوستان خود هموار کن و خود را بر مده با ایشان بلکه روزی دشمن تو شوند و دشمنی را با دشمنان خود هموار کن شاید که روزی
دوست تو شوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مطلع مگردان دوستان را بر راز خود مگر رازی که اگر دشمن تو بداند بتو ضرر نرسد زیرا
که گاه هست که دوست یک روزی دشمن میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که بهترین عیش دنیا فراخی خانه و بسیاری دوستانست
و حضرت لقمن علیه السلام به پسر خود گفت که با صد کس مصاحبت بکن و با یک کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی و راضی مباش که فرزند
بدان باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج چیز است که در هر که نباشد زندگی بر او گوارا نیست صحت بدن و امنیت و توانگری
و قناعت و مونس موافق و در حدیث دیگر فرمود که هر که را پند دهنده از دلش و زجر کننده از نفسش و مصاحبی که او را براه خیر بدارد نباشد شیطان
برگردنش سوار میشود و در حدیث دیگر فرمود که قطع آشنائی از دوستان پدر خود مکن که روشنی احوالت بتاریکی مبدل میشود و فرمود که هر که
محبت خود را بغیر محلش بگذارد خود متعرض قطع محبت شده است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که خود را در محل تهمت
درآورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو میبرد و هر که راز خود را پنهان دارد اختیار با خودش است و هر سخنی که از دو کس گذشت فاش میشود
و چون با کسی برادری کنی آنچه از او بینی بر محل نیک حمل کن تا آنکه بحدی برسد که محل نیک تر از آن نداشته باشد و زنهار که گمان بد مبر بسخنی
که از برادرت صادر شود تا محل نیکی بر آن یابی و بسیار بگیر از برادران نیک که ایشان در وقت رفاهیت تهیه اند برای وقت بلا و در وقت
بلا سپری اند برای دفع اعدا و مشورت با جماعتی بکن که از خدا ترسند و برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان دوست بدار و به پرهیز از زنان
بد و از نیکان ایشان بر حذر باش و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که اگر خواهی که تمام شود برای تو نعمت و کامل شود برای تو مردی
و مروت و باصلاح آید برای تو امور معیشت پس شریک مگردان غلامان و مردم دون را در کارهای خود که اگر ایشان را امین خود گردانی خیانت
میکنند و اگر سخنی با تو گویند دروغ میگویند و اگر بلائی تو را پیش آید یاری نمیکنند و با عاقل مصاحبت بکن هر چند کریم نباشد و از عقلش بهره ور شو
و از خلق بدش حذر کن و با کریم مصاحبت کن هر چند عاقل نباشد که بعقل خود از کرم او منتفع میشوی و بگریز بنهایت گریختن از احمقی که بخیل باشد
فصل چهارم در بیان حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر منقولست که معلی بن خنیس از حضرت صادق علیه السلام پرسید
که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود که هفت حق است که هر یک از آنها واجبست و اگر یکی از آنها ترک کنند از دوستی و طاعت خدا بدر
میرود پرسید که آنها چیست فرمود که میترسم بدانی و عمل نیاوری و رعایت آنها نکنی آسان ترین آن حقوق آنست که آنچه از برای خود دوست

میدارد

میداری از برای او دوست داری و آنچه از برای خود نمیخواهی از برای او نخواهی دوم آنکه بپرهیزی از غضب او و پیروی خوشنودی او بکنی و آنچه
فرماید اطاعت کنی سیم آنکه او را یاری کنی بجان و بمال و بزبان و بدست و بپا چهارم آنکه دیده و راهنما و آینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی
و او گرسنه باشد و تو سیراب نباشی و او تشنه باشد و تو پوشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه اگر تو خدمتکار داشته باشی و او نداشته
باشد واجبست که خادم خود را بفرستی که جامه‌اش را بشوید و طعامش را بسازد و رختخوابش را بگستراند هفتم آنکه اگر ترا قسم دهد بعمل آوری
و اگر ترا بخانه دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادتش بروی و اگر بمیرد بجنازه‌اش حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی دارد پیش گیری به برآوردن
آن پیش از آنکه از تو سؤال کند چون چنین کنی پیوند کرده محبت خود را بمحبت او و محبت او را بمحبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ
عبادتی نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که وعده کردن مؤمن برادر مؤمن خود را
نذریست که کفاره ندارد و هر که خلف وعده مؤمن کند اول با خدا خلف وعده کرده است و متعرض غضب الهی شده است و در حدیث حسن دیگر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که وفا کند بوعده خود و بسندهای معتبر از حضرت رسول ص
منقولست که مؤمن از مؤمن هفت حق واجب هست آنکه در حضور او را تعظیم نماید و محبتش در سینه او باشد و مال خود را باو صرف نماید
و غیبت او را بر خود حرام داند و چون بیمار شود بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه‌اش حاضر شود و بعد از مرگش بغیر از نیکی از او چیزی نگوید
و بسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که دوست دار برادر مسلمان خود را و بخواه از برای او آنچه از برای خود میخواهی و مخواه از برای
او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون محتاج شوی از او سؤال کن و هر گاه از تو سؤال کند باو عطا کن و نیکی را از او ذخیره مکن تا او هم از تو ذخیره نکند
و یاور او باش تا او نیز یاور تو باشد اگر غایب شود حرمت او را در غیابش نگاهدار و چون بیاید بدیدنش برو و او را گرامی بدار بدرستیکه او از تست
و تو از اوئی و اگر با تو در مقام عتاب باشد از او جدا مشو تا کینه را از سینه او بدر کنی و اگر نعمتی باو برسد خدا را شکر کن و اگر بلائی او را پیش آید یاور
او باش و با او مهربانی را زیاده کن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مسلمان را بر برادر مسلمان شش حق هست هر گاه که باو برسد
بر او سلام کند و هر گاه بیمار شود بعیادت او برود و هر گاه که عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد بر او نماز کند و هر گاه او را بضیافت بطلبد قبول
کند و از برای او دوست دارد آنچه از برای خود دوست میدارد و از برای او دشمن دارد آنچه از برای خود دشمن میدارد و بسندهای معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که صبح کند و اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد او مسلمان نیست و کسیکه بشنود که کسی فریاد میکند که ای
مسلمانان بفریاد من برسید و یاری او نکند او مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین مردم کسیست که نفعش بمردم برسد و فرمود که هر که گروهی
از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند بهشت او را واجب میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مؤمن بر مؤمن آنست که او را

بدل دوست دارد و مال خود را از او دریغ ندارد و اگر بسفری رود باحوال اهل او بپردازد و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطای مسلمانان بهمه
دهند و او غایب باشد بهره او را از برای او بگیرد و چون بمیرد بزیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت نکند و بر
روی او اف نگوید و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان برطرف شود و اگر بگوید تو دشمن منی یکی از ایشان کافر باشند زیرا که اگر دروغ گفته
خود کافر است و اگر راست گفته آن دیگری کافر است یعنی صاحب کبیره است و چون او را بتهمتی متهم سازد ایمان در دلش بگدازد چنانچه
نمک در آب میگدازد و در حدیث دیگر فرمود که باید که برای برادر مسلمان خود بخواهد آنچه از برای عزیزترین اهل خود میخواهد و نخواهد آنچه از برای
عزیزترین اهل خود نمیخواهد و دوستی او را خالص گرداند از ثواب باینکه در شادی او شاد باشد و در اندوه او اندوهگین باشد و اگر تواند سعی کند
که غم او را زایل گرداند و الا دعا کند که اندوهش را خدا بردارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت آمد از او پرسید که برادران
خود را بچه حال گذاشتی گفت بنیکو حالی گذاشتم فرمود که توانگران ایشان چگونه باحوال فقیران میرسند گفت کم فرمود که توانگران چه قدر بدیدن
فقیران میروند گفت کم فرمود که توانگران چه مقدار احسان بفقیران میکنند گفت چیزی چند میفرمائی که در پیش ما اینها نیست فرمود که پس چگونه
ایشان دعوی تشیع میکنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران و نیکوکاران شیعه ما و از برای خدا با یکدیگر دوستی کنید و بدیدن یکدیگر بروید و با یکدیگر
بنشینید و دین ما و احادیث ما را یاد کنید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که واجبست از برای مؤمن بر مؤمن که هفتاد کبیره او را
بپوشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که واجبست از برای مؤمن بر مؤمن که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت و در حدیث دیگر فرمود که بر شما
باد بخیرخواهی خلایق که هیچ عملی نزد خدا بهتر از این نیست

فصل پنجم

در قضای حاجت مؤمنان و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد گردانیدن
ایشان در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه مؤمنی را شاد گرداند مرا شاد گردانیده است و هرکه مرا شاد گرداند خدا را
خوشنود گردانیده است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که تبسم کردن در روی برادر مؤمن حسنه است و خاشاک از او برداشتن
حسنه است و هیچ عبادتی را دوست ترنمیدارد از شاد گردانیدن مؤمن و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی خطاب فرمود با حضرت موسی که بدرستیکه
مرا بندگان هست که بهشت را برای ایشان مباح میکنم و ایشان را حاکم میگردانم در بهشت حضرت موسی گفت پروردگارا کیستند ایشان فرمود که کسیکه
سروری بمؤمنی داخل کند پس حضرت فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در مقام آزار او بود از او گریخت و بشهر کفار رفت و پناه
بکافری برد آن کافر او را جا داد و مهربانی و ضیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعالی باو وحی فرمود که بعزت و جلال خود سوگند میخورم
که اگر ترا در بهشت جای میبود هر آینه ترا در بهشت در می آوردم ولیکن بهشت حرامست بر کسیکه کافر بمیرد پس خطاب فرمود بآتش جهنم که او را
مترسان اما مسوزان و امر فرمود که در اول و آخر روز برای او روزی ببرند و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی وحی نمود

بحضرت داود

بحضرت داود که بنده از بندگان من حسنه بنزد من می آورد و بهشت از برای او مباح میگردانم حضرت پرسید که آن حسنه کدامست فرمود که بر بنده
مؤمن خوشحالی داخل گرداند اگرچه دانه خرما باشد داود گفت پروردگارا سزاوار است که کسیکه ترا بشناسد قطع امید از تو نکند و در حدیث
دیگر فرمود که کسیکه مؤمنی را شاد گرداند نه او را تنها شاد گردانیده است بلکه حضرت رسول را شاد گردانیده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست
که چون مؤمن از قبر بیرون می آید با او شخصی بیرون می آید و میگوید بشارت باد ترا بکرامت از جانب خدا و خوشحالی پس مؤمن باو میگوید که خدا
ترا بشارت به نیکی بدهد پس با او میآید و بهر هولی که میگذرند میگوید این از تو نیست و بهر نیکی که میگذرند میگوید این از تست و پیوسته او را
چنین بشارت میدهد تا آنکه بمقام حساب آید پس چون امر کنند که او را به بهشت برند باو میگوید که بشارت باد که خدا فرمود که ترا به بهشت برند
مؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مونس من بودی و از جانب خدا بمن خبر رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل
برادر مؤمن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن خلق کرده است که بشارت دهنده تو در تنهائی مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هرکه
مؤمنی را شاد گرداند حق تعالی هزار هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث دیگر فرمود که هرکه یک حاجت برای برادر مؤمن خود برآورد حق تعالی
در قیامت صد هزار حاجت او را برآورد که یکی از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان و آشنایان خود را داخل بهشت کند اگر
ناصبی نباشند و در حدیث دیگر فرمود که برآوردن حاجت مؤمن بهترست از هزار بنده آزاد کردن و هزار اسب در راه خدا بجنگ
فرستادن و در حدیث دیگر فرمود که بهترست از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار درهم صرف کند و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که یک حج بهترست از هفتاد بنده آزاد کردن و خرج شدید بنفقه دادن اهل یک خانه از مسلمانان که ایشان را
سیر کند و بپوشاند و روی ایشان را از سؤال کردن حفظ کند بهترست از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هرکه هفت شوط طواف در دور خانه کعبه بکند حق تعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برای او بلند
کند و شش هزار حاجت او را برآورد و برآوردن حاجت مؤمن بهترست از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانیکه حاجت مسلمانی
برآورد حق تعالی ندا کند او را که ثواب تو بر منست و راضی نمیشوم برای تو بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی برای برآوردن
حاجت مؤمن راه رود حق تعالی دو ملک را موکل گرداند از جانب راست و چپش که برای او استغفار کنند که حاجتش برآورده شود
و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هرکه برادر مؤمن او بنزد او بیاید برای حاجتی او رحمتی است که خدا بسوی او
فرستاده است اگر قبول کرد پس پیوند کرده است دوستی او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعالی موصولست و اگر او را رد کرد و او
قادر بود که حاجتش را برآورد حق تعالی مسلط گرداند بر او در قبر ماری از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در قیامت خدا او را بیامرزد

و خواه عذاب کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی نزد او آورد و او قادر نباشد بر برآوردن حاجت او
و دلش غمگین شود بسبب این خدا بهمین بهشت را برای او واجب گرداند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مؤمنی که در حاجت برادر
مؤمن خود راه رود ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه در بهشت برای او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد
و بهتر باشد از اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که خدا را بندگان هست که سعی میکنند در حاجت مردم
ایمنانند ایشان در روز قیامت و هر که دل مؤمنی شاد کند حق تعالی در قیامت دل او را شاد گرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که هر که راه رود برای برآوردن حاجت برادر مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند و بهر قدمی برای او حسنه بنویسند
و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند و چون از کارسازی فارغ شود ثواب حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که چون راه روم در حاجت برادر مؤمن دوست تر میدارم از آزاد کردن هزار بنده و هزار کس را بر اسبان زین و لجام کرده سوار کنم و
بجهاد بفرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند و راه رود در حاجت برادر مسلمان خود از برای رضای خدای تعالی حق تعالی برای او
هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها خویشان و همسایگان و آشنایان او را بیامرزد و هر کرا با او نیکی کرده باشد و در قیامت با او خطاب رسد
که داخل جهنم شو و هر که در دنیا با تو نیکی کرده است او را بیرون آور و داخل بهشت کن مگر آنکه دشمن با اهلبیت باشد و فرمود که حق تعالی فرموده است
که خلایق عیال منند محبوب ترین ایشان نزد من کسی است که با ایشان مهربان تر باشد و سعی در برآوردن حاجت ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که
بفریاد رسد برادر مؤمن تشنگی مضطر خود را در هنگام شدت و سختی پس غم او را بردارد و حاجت او را برآورد حق تعالی واجب گرداند برای او هفتاد
و دو رحمت که یکی را در دنیا باو بدهد که کارهای دنیای او بآن ساخته شود و هفتاد و یک رحمت دیگر ذخیره برای او باشد جهت ترسها و شدتهای
روز قیامت و فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای آخرت را از او بردارد و چون از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد
و هر که مؤمنی را طعام دهد حق تعالی او را از میوه های بهشت طعام دهد و هر که مؤمنی را آب دهد حق تعالی از شراب سربمهر بهشت او را
آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی حاجات دنیا و آخرت او را برآورد و هر که عیب مؤمنی را بپوشد حق تعالی
هفتاد عیب از عیبهای دنیا و آخرت او را بپوشد و تا مؤمن در یاری برادر مؤمن است خدا یاور او است و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیهما منقولست که هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی صد حاجت او را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که غمی از مؤمنی
بردارد حق تعالی غمهای او را در قیامت بردارد و هر که اعانت کند مؤمنی را بر ظالمی خدا او را یاری کند در گذشتن بر صراط در وقتی که قدمها
بلغزد و هر که حاجت مؤمنی برآورد که او شاد شود چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد و هر که مؤمنی را آب دهد

در وقت تشنگی حق تعالی از شراب بهشت او را سیراب گرداند و هر که مؤمنی را سیر کند حق تعالی از میوه های بهشت او را سیر گرداند و هر که بر مؤمنی
جامه بپوشاند در حالتیکه عریان باشد خدا او را از دیبا و حریر بهشت بپوشاند و هر که جامه بر او بپوشاند در غیر عریانی پیوسته در ضمان
خدا باشد از بلاها تا از آن جامه بر آن تاری بر تن مؤمن باقیست و هر که خادمی باو بدهد خدا او را از پسران بهشت خادم بدهد و هر که او را
از پیاده بودن سوار کند حق تعالی او را در قیامت بر ناقه از ناقههای بهشت سوار کند که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن
کفن بپوشاند بر مؤمنی چنان باشد که او را جامه داده باشد در هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که زنی بدهد بمؤمنی که باو انس گیرد حق تعالی ملکی را
در قبر مونس او گرداند بصورت محبوب ترین اهل او نزد او و هر که در بیماری عیادت مؤمنی کند ملائکه او را از همه جهت فرو گیرند و گویند خوشحال
تو و گوارا باد بهشت از برای تو و الله که قضای حاجت مؤمن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و اعتکاف کردن دو ماه از ماههای حرام
و از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه منقولست که خدا در روز قیامت سایه مقرر ساخته است که در زیر آن سایه نیست مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری
یا مؤمنی که بنده مؤمنی را آزاد کند یا مؤمنی که قرض مؤمنی را ادا کند یا مؤمنی را کدخدا کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که مؤمنی در روز قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی امر فرموده باشد که او را بجهنم برند و ملک او را بجهنم برد خطاب کند مؤمن را که بفریادم رس که در
دنیا من بتو نیکی میکردم و در وقت حاجت ترا برمی آوردم مؤمن بملک گوید که دست از او بدار که حق تعالی فرماید که چون بنده مؤمن شفاعت او کرد او را بگذار
و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقولست که مردان مسلمان را نزد خود بمنزله اهل خانه خود پیران ایشان را بمنزله پدر خود بدان
و خوردان ایشان را بمنزله فرزند خود و آنها که هم سن تو باشند بمنزله برادر خود بدان کدام یک از اینها میخواهی که ستم کنی یا نفرین کنی یا عیب
ایشان را فاش کنی و اگر شیطان خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر کسی را ببینی که از تو بزرگتر است بگو که او در ایمان و
اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس از من بهتر است و اگر خوردتر از خود را ببینی بگو که من بیشتر از او گناه کرده ام پس او از من بهتر است و اگر
همسال خود را ببینی بگو که یقین بگناه خود دارم و در گناه او شک دارم پس چرا یقین خود را برای شک بگذارم و اگر ببینی که مردم ترا تعظیم و تکریم
میکنند بگو این نیکی ایشان است که بمحاسن آداب عمل میکنند و اگر ایشان از تو دوری کنند و ترا حرمت ندارند بگو این از گناهیست که من کرده ام
چون چنین کنی زندگانی بر تو آسان شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان شاد شوی و از بدی ایشان دلتنگ
نشوی و بدانکه گرامی ترین مردم بر مردم کسیست که خیرش بایشان رسد و از ایشان مستغنی باشد و سؤال نکند از ایشان و بعد از آن گرامی تر
کسیست که محتاج باشد و سؤال نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا همگی از پی مال میروند و هر که با ایشان و هر که در مال مزاحمت نرساند عزیز است
نزد ایشان و هر که مزاحمت نرساند و از مال خود هم پاره با ایشان برساند عزیزتر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی یحیی از

اصحاب خود فرمود که آنچه نمیخواهی که با تو بکنند با هیچکس مکن و اگر کسی طپانچه بر جانب راست رویت بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر مسلمانی که مسلمان دیگر نزد او بیاید برای حاجتی و او قادر باشد بر برآوردن آن حاجت و بر نیاورد حق تعالی او را
در قیامت سرزنش و تعییر نماید و بگوید که برادر تو برای حاجتی نزد تو آمد که من ترا قادر گردانیده بودم بر برآوردن او و بر نیاوردی برای آنکه ثواب آنرا
نخواستی بعزت خود سوگند میخورم که در هیچ حاجت نظر رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیامرزم و خواه عذاب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که منع کند
از مؤمنی چیزی را که بآن محتاج باشد و او قادر باشد که آنرا از نزد خود یا از نزد دیگران باو برساند حق تعالی او را با روی سیاه و دیدهای کبود و دستها
در گردن غل کرده باز دارد پس بگوید که این است خائنی که با خدا و رسول خیانت کرده است پس بفرماید که او را بجهنم برند و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که در قیامت سه کس در سایه عرش الهی باشند در روزی که سایه بغیر آن نباشد کسیکه برادر مسلمان خود را زنی بدهد و کسیکه خادمی باو بدهد
و کسیکه راز او را پنهان دارد فصل ششم در دیدن مؤمنان و عیادت بیماران ایشان در احادیث معتبره وارد شده است از حضرت باقر
و صادق علیهما السلام که هر که بدیدن برادر مؤمن خود برود از برای خدا حق تعالی هفتاد هزار ملک باو موکل گرداند که او را ندا کنند تا بخانه
خود برگردد که خوشا حال تو گوارا باد بهشت از برای تو و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که
حق تعالی ملکی را بزمین فرستاد و آن ملک رسید بمردی که بر در خانه ایستاده بود و از صاحب خانه رخصت می‌طلبید که داخل خانه شود ملک پرسید
که با صاحب این خانه چکار داری گفت برادر مسلمان منست از برای خدا بدیدن او آمده‌ام ملک گفت که هیچ مطلب دیگر بغیر از این نداری گفت نه
ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو و ترا سلام میرساند و میگوید بهشت واجب گردانیدم برای تو و میفرماید که هر مسلمانیکه بدیدن مسلمانی
برود چنانست که بزیارت من آمده است و ثوابش بر من بهشت است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بدیدن برادر مؤمن خود
برود بخانه او حق تعالی او را خطاب فرماید که تو مهمان منی و بزیارت من آمده و مهمانداری تو بر منست و بهشت را بر تو واجب گردانیدم بسبب
آنکه دوست داشتی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مؤمنی که بیرون می‌آید بعزم دیدن برادر
مؤمن خود خداوند عالمیان ملکی باو موکل میگرداند که یکبال بر زمین میگذارد و یکبال دیگر بر سرش سایه می‌افکند پس چون داخل خانه آن مؤمن
شود خداوند جبار او را ندا کند که ای بنده که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر من کردی لازمست بر من که ترا تعظیم کنم از من سؤال کن تا
بتو عطا کنم و مرا بخوان تا اجابت دعای تو بکنم و اگر خواهی ساکت باش تا من ابتدا بحاجت تو کنم پس چون برگردد ملک او را مشایعت کند و بال بر
سر او داشته باشد تا بخانه خود برگردد پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازمست بر من که ترا گرامی دارم بتحقیق
که بهشت را برای تو واجب گردانیدم و ترا در حق بندگان خود شفاعت دادم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بدیدن برادر مؤمن خود رفتن از
برای خدا

از برای خدا بهتر است از ده بنده مؤمن آزاد کردن و هر که بنده مؤمنی را آزاد کند خدا تعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی از آتش جهنم آزاد
کند و در حدیث معتبر منقولست که آنحضرت بداود بن سرحان فرمود که شیعیان ما را از من سلام برسان بگو خدا رحمت کند بنده را که با
دیگری بنشیند و یاد کنند احادیث ما را که سیم ایشان ملکیست که از برای ایشان استغفار میکند و هرگاه که با یکدیگر بنشینند یاد ما و احادیث ما
بکنند که بسبب همنشینی و مذاکره شما مذهب و دین ما برای شما زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسیست که مذاکره احادیث ما بکند و
ما را یاد کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بدیدن یکدیگر بروید در خانهای خود که باین زنده میماند دین ما خدا رحمت کند کسی را
که مذهب ما را زنده بدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خوشا حال آنها که دوستی میکنند با یکدیگر برای خدا بدرستیکه حق تعالی
در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است
آنها را برای کسانیکه دوستی با یکدیگر کنند و بدیدن یکدیگر روند از برای خدا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که قادر نباشد که بما احسانی
بکند بصالحان شیعیان ما احسان کند تا ثواب احسان کردن بما در نامه عملش نوشته شود و هر که قدرت بر دیدن ما نداشته باشد بدیدن صالحان
شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث معتبر منقولست از حضرت صادق علیه السلام که هر که عیادت کند مسلمان بیماری را
در اول روز هفتاد هزار ملک برای او صلوات فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد
هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار کنند تا بخانه خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را عیادت
کند در رحمت الهی فرو رود پس چون نزد او بنشیند رحمت باو احاطه کند پس چون برگردد حق تعالی هفتاد هزار ملک باو موکل گرداند که برای او طلب
آمرزش کنند و بر او ترحم کنند و گویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو تا روز دیگر این وقت و باو عطا فرماید زاویه در بهشت که سوره
در آن چهل سال بماند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را در بیماری عیادت کند از برای خدا حق تعالی باو موکل سازد
ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود که هر که عیادت کند بیماری را حق تعالی موکل سازد
باو هفتاد هزار ملک را که همیشه بخانه او آیند و در آنخانه تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب ایشان برای
او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار این است که کسیکه بیمار شود برادران مؤمن را اعلام کند که بعیادت او بیایند که ایشان ثواب برند و او
ثواب بیابد بخبر کردن ایشان که اگر چنین کند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه برای او بلند شود و در حدیث صحیح از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت دهد که بعیادت او بیایند بدرستیکه هیچ کس نیست مگر آنکه او را دعای مستجابی
هست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی بعیادت برادر مؤمن خود برود و از بیمار برای خود طلب دعا کند که دعای او مانند دعای

تنها که است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که درد چشم را عیادت نمی‌باشد و در اول بیماری سه روز متوالی او را باید دید بعد از آن
یک روز نه یک روز پس چون بیمار طول کشد او را با عیالش باید گذاشت و عیادت نمی‌باید کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بدیدن بیمار روید
سیبی یا بهی یا ترنجی یا بوی خوشی یا عودی با خود ببرید که بیمار با آن استراحت می‌یابد و در حدیث دیگر فرمود که از تمامی عیادت آن است که دست بر روی
بیمار بگذاری در وقت دعا کردن و زود برخیزی که عیادت احمقان دشوارتر است بر بیمار از درد او و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زود برخیزد مگر آنکه بیمار دوست دارد و از او خواهد و از او سؤال کند که بنشیند **فصل هفتم** در طعام مؤمنان
و آب دادن ایشان و جامه پوشانیدن و سایر اعانتهای ایشان و یاری کردن مظلومان از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه مؤمنی را
سیر کند بهشت او را واجب شود و هرکه کافری را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم کند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه سه نفر از مسلمانان را
سیر گرداند حق تعالی از سه بهشت او را طعام دهد جنة الفردوس و جنة عدن و جنة طوبی و در حدیث دیگر فرمود که هرکه مؤمنی را طعام دهد تا او سیر شود
هیچیک از خلق خدا ندانند که او را چه ثواب هست نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر پروردگار عالمیان پس فرمود که از جمله چیزها که آمرزش را
واجب میگرداند طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه شربت آبی مسلمانی بدهد در جائیکه آب بهم رسد
حق تعالی بهر شربتی هفتاد هزار حسنه باو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جائیکه آب کم باشد چنان باشد که ده بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده
باشد و در حدیث حسن منقولست که هرکه طعام دهد برادر مؤمن خود را از برای خدا چنانست که صد هزار کس از دیگران را طعام داده باشد و در حدیث
حسن دیگر فرمود بسدیر صراف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت که مال من وفا نمیکند پس آن فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده
که این ثواب از برای تو باشد پرسید که مالدار یا درویش فرمود که مالدار هم گاه هست که خواهش طعام دارد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که
یک لقمه که برادر مسلمان نزد من بخورد بهتر است نزد من از یک بنده آزاد کردن و در حدیث دیگر فرمود که هرکه مؤمن مالداری را طعام بدهد برابر است با یک بنده
از فرزندان اسمعیل که او را از کشتن آزاد کند و هرکه مؤمن محتاجی را طعام بخوراند برابر است با صد بنده از فرزندان اسمعیل که از کشتن آزاد کند و در حدیث
دیگر فرمود که چهار چیز است که هرکه یکی از اینها را بجا آورد داخل بهشت شود کسیکه تشنه را سیراب کند یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را بپوشاند یا بنده را
که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین اعمال نزد حق تعالی سه چیز است سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض
مسلمان را ادا کردن یا غمی از او برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که در آن طعام داده میشود زودتر میرود از فرو رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیهما منقولست که هرکه جامه زیادتی داشته باشد و داند که برادر مؤمنش بآن محتاج است و باو ندهد حق تعالی او را سرنگون در آتش جهنم
اندازد و هرکه سیر بخوابد و نزدیک او مؤمنی گرسنه باشد حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم بر این بنده که من او را امری کردم و نافرمانی من کرد

داطاعت دیگران کرده‌اند که او را بعمل خود گذاشتم و هرگز او را نیامرزم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ایمان نیاورده است
بمن کسیکه سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج شود
که در آن خانه ساکن شود و او راضی نشود حق تعالی بملائکه فرماید که بنده من بخل ورزید بر بنده من بساکن شدن در خانه او در دنیا بعزت خود
سوگند میخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث
آزار ایشان باشد حق تعالی ثواب خواندن چهار صد آیه برای او بنویسد که بهر حرفی ده هزار حسنه برای او بنویسند و در روایت دیگر فرمود که بنده
داخل بهشت شد بیک خاری که از سر راه مسلمانان برداشت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکو چیزیست هدیه فرستادن
پیش از آنکه حاجت را بگوئی و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینها را از سینه‌ها می‌برد و فرمود که دایم کرده‌اند هدیه را پس دادن ظرفهای هدیه
و فرمود که هدیه سه قسم است هدیه که در برابرش توقع نفع داشته باشی و هدیه که بعنوان رشوه فرستی و هدیه که از برای خدا فرستی و غرض دنیوی نداشته
باشی **فصل هشتم** در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و پیران و صاحبان بلا و آداب معاشرت ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که فقرای مؤمنان چهل سال پیش از توانگران ایشان در بهشت متنعم میشوند پس فرمود که برای تو مثلی بزنم مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی است
که بعشاری بگذرند کشتی خالی را زود روانه میکنند و نگاه میدارد دو کشتی پر از بار را از برای حساب نگاه میدارد و در حدیث دیگر فرمود که هر چند ایمان
بنده زیاد میشود تنگی روزیش بیشتر میشود و فرمود که اگر نه این بود که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعای طلب روزی میکردند هر آینه ایشان را بحالی تنگ
تر از آنچه دارند می‌انداخت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فقر و درویشی امانتی است از خدا نزد خلقش پس هرکه آنرا پنهان
دارد او را مثل ثواب کسی دهد که روزها روزه باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هرکه آنرا اظهار کند نزد کسیکه قادر باشد بر برآوردن حاجت
او و نکند بتحقیق که آن فقیر را کشته است نه بشمشیر و نیزه بلکه بآن جراحتی که در دل او کرده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی
در روز قیامت خطاب میفرماید با فقرا مانند کسی که معذرت طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نگردانیدم
برای خواری شما نزد من امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد هرکه در دنیا با شما نیکی کرده است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از
ایشان گوید که پروردگارا اهل دنیا زنان خوش رو خواستند و جامه‌های نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در خانه‌های نیکو سکنی کردند
و بر اسبان نفیس سوار شدند پس امروز هم بما مثل آنها عطا فرما پس حق تعالی فرماید که بهر یک از شما داده‌ام مثل هفتاد برابر آنچه بجمیع اهل دنیا
داده‌ام از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود که مرد مالداری که جامه‌های پاکیزه پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد
و نشست پس درویشی که جامه‌های چرکین پوشیده بود آمد و در پهلوی او نشست آن مالدار جامه خود را از زیر او کشید حضرت رسول صلی الله

فرمود که آیا ترسیدی که از شر او چیزی بتو رسد گفت نه فرمود که ترسیدی از توانگری تو چیزی باو رسد گفت نه فرمود که ترسیدی که جامهایت چرکن
شود گفت نه فرمود که پس چرا چنین کردی گفت یا رسول الله مرا همنشین بدی هست از نفس و شیطان که هر بدی را برای من زینت میدهد و هر نیکی را
در نظر من بد میکند و من بتدارک آنچه کردم نصف مال خود را باو میبخشم حضرت به پریشان خطاب فرمود که قبول میکنی گفت نه گفت چرا قبول
نمیکنی گفت میترسم مثل او شوم و در حدیث دیگر منقولست که حضرت بشخص پریشانی فرمود که آیا بیازار میروی و چیزها نفیس می بینی که قادر بر خریدن
آنها نباشی گفت بلی فرمود که بهر چیزی که می بینی و قدرت بر خریدن آن نداشته باشی حسنه برای تو نوشته میشود و در حدیث حسن دیگر از آن حضرت
منقولست که در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و بیایند تا در بهشت پس ملائکه بایشان گویند که شما کیستید گویند مائیم فقیران ملائکه گویند که پیش
از حساب آمده اید که به بهشت روید جواب گویند که چیزی بما نداده اید که ما را بران حساب کنید حق تعالی فرماید راست میگویند بروید به بهشت و از
حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که حق تعالی میفرماید که من غنیان را توانگر نگردانیده ام که ایشان گرامی بوده اند بر من و فقیران را بی چیز نگردانیده ام
برای خواری ایشان نزد من ولیکن توانگران را امتحان کرده ام بفقیران و اگر فقیران نمیبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمیشدند و از حضرت صادق ع
منقولست که هرکه ذلیل و حقیر شمارد مومنی را برای پریشانی او حق تعالی او را در حضور جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست
که حق تعالی میفرماید که مهیای جنگ من باشد کسیکه آزار کند بنده مومن مرا و باید که ایمن باشد از غضب من کسیکه گرامی دارد بنده مومن مرا و اگر از میان
مشرق تا مغرب نباشد مگر یک مومن یا امام عادل هرآینه بعبادت ایشان مستغنی شوم از جمیع آنچه خلق کرده ام در زمین و هرآینه هفت آسمان و هفت زمین
بایشان بر پا باشد و بگردانم از برای ایشان از ایمان ایشان انسی که محتاج بمونس دیگر نباشد و در احادیث معتبره بسیار منقولست که حق تعالی میفرماید که هر
دوستی از دوستان مرا خوار گرداند چنانست که بر روی من بجنگ ایستاده است و من بسیار زود یاری میکنم دوستان خود را و از حضرت رسول صلعم
منقولست که ذلیل ترین مردم کسیست که مردم را خوار کند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه مومنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل کند و فرمود که حق تعالی
مومن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده است پس هرکه بر او طعن کند یا سخن او را رد کند سخن خدا را رد کرده است و از حضرت امیرالمومنین ع
منقولست که حقیر مشمارید ضعیفان و برادران خود را که هرکه مومنی را حقیر شمارد خدا او را با آن مومن در بهشت جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بسا ژولیده موی گردآلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهد قسمش را رد نکند و حضرت صادق ع
که کسیکه با مردم استهزا کند در محبت ایشان طمع نداشته باشد و فرمود که حقیر مشمارید مومن فقیر را که هرکه حقیر شمارد مومن فقیر را یا استخفاف او کند خدا
او را حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که حلال نیست مسلمان را که مسلمانی را بترساند و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه اعانت کند بر آزار مومنی به نیم کلمه در روز قیامت در میان دو چشمش نوشته باشد که ناامید است

از رحمت

از رحمت الهی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه گرامی دارد برادر مومن خود را بیک کلمه از روی لطف یا حاجت او را برآورد یا غمی
از او بردارد پیوسته رحمت الهی بر سر او سایه انداخته باشد تا در کارسازی و مهربانی برادر مومن باشد پس فرمود که مومن را برای این
مومن میگویند که مردم در جان و مال خود از او ایمن باشند و مسلمان کسیست که مردم از دست و زبان او سالم باشند و مهاجر کسیست که از گناهان
هجرت کند و هرکه مومنی را دستی بزند که او را بآن سبب ذلیل کند یا طپانچه بر روی او بزند یا چیزی که نخواهد نسبت باو بجا آورد ملائکه پیوسته او را لعنت کنند
تا او را راضی کند و توبه کند پس زینهار که تعجیل نکنید در آزار مردم که شاید او مومن باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و همواری بکنید که هیچ چیز
نزد خدا بهتر از نرمی و آهستگی نیست و در حدیث دیگر فرمود که هرکه طپانچه بر روی مسلمانی بزند حق تعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد و دست
در گردن غل کرده محشور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که دشنام دادن مومن گناه بزرگست و با او جنگ کردن
کفر است و غیبت او کردن نافرمانی خداست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بترساند مومنی را از سلطان جابری که آزاری باو
برساند و ترساند او در آتش است و اگر بترساند و آزاری باو برساند با فرعون و آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هرکه بکشد کسی را که قصد کشتن او نکند و بزند کسی را که قصد زدن او نکند ملعونست بلعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که بحق خداوندی
که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمین همه جمع شوند بر کشتن مومنی یا راضی شوند بکشته شدن او همه را حق تعالی داخل جهنم کند و بحق
آن پروردگاری که جانم بدست قدرت اوست هیچکس کسی را بناحق تازیانه نمیزند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را میخورد و فرمود که هرکه نظری کند
بمومنی که او را بآن نظر بترساند در روزی که بجز او پناهی نباشد چه محشور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که که از دهان شخصی بیرون می آید میگردد اگر صاحبش راه میابد آنجا قرار میگیرد و اگر به گوینده آن برمیگردد و در حدیث دیگر فرمود که هرکه طعنی
بکند در روی مومنی بمیرد به بدترین مردنها و سزاوار است که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که چه میفرمایید
در امر مسلمانی که مسلمان دیگر بدیدن او بیاید و او در خانه باشد پس رخصت بطلبد و او رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود
که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی بیاید یا بکاری بیاید و او در خانه باشد و او را رخصت ندهد و بیرون نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد تا ملاقات کنند
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که میان او و مومنی حجابی باشد که باو نتواند رسید حق تعالی در قیامت میان او و بهشت هفتاد هزار حصار
قرار دهد که غلظت هر حصاری هزار ساله راه باشد و از هر حصاری تا حصاری دیگر هفتاد ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر از مومنان بودند پس سه نفر از ایشان در خانه مجتمع بودند برای گفتگوی و چهارم آمد بدر آن خانه و در
زد و غلام بیرون آمد او پرسید که مولای تو کجاست گفت در خانه نیست آن شخص برگشت و غلام رفت بمولای خود گفت که فلان شخص آمد و [illegible]

چنین کفتم و برکشت و او ساکت شد و پروائی نکرد و غلام را ملامت نکرد که چرا چنین کفتی و از برکشتن آمد و آزرده نشد و هیچیک از ایشان مشغول
سخن خود شدند روز دیکر باز آن مرد بامداد بنزد ایشان آمد و دید که ایشان از خانه بیرون آمده‌اند و بمزرعه خود میروند بر ایشان سلام کرد و کفت
من با شما بیایم کفتند بلی و عذر روز کذشته را از او نخواستند زیرا که آن مرد بر ایشان محتاج بود و در اثنای راه ناکاه ابری ظاهر شد کمان کردند
که باران خواهد آمد چون نزدیک رسید چون ابر محاذی سر ایشان شد منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش ایشان را بکیر و منم جبرئیل رسول از جانب خدا ناکاه
آتشی آمد و آن سه نفر را ربود و آن مرد محتاج ترسان و حیران و متعجب ماند پس بشهر برکشت و بخدمت حضرت یوشع آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت یوشع
فرمود که خدا بر ایشان غضب کرد بعد از آنکه از ایشان راضی بود بسبب آنچه نسبت بتو عمل آوردند و آن قصه را برای او نقل فرمود آن مرد کفت
که من ایشان را حلال کردم و در کذشتم از کرده ایشان یوشع کفت که اکر پیش از آمدن عذاب بود نفع میکرد اما الحال نفع نمیکند و شاید در قیامت
ایشان را نفع دهد حلال کردن تو و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یاری نکند برادر مؤمن خود را و او قادر باشد
خدا او را در دنیا و آخرت یاری نکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حاضر نشود احدی از شما در وقتی که حاکم ظالمی کسی را زند
یا کشد یا ستم کند بر او هر کاه یاری او نکند زیرا که یاری مؤمن بر مؤمن واجبست هر کاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شخصی از نیکان را در قبرش نشاندند پس باو کفتند که ما صد تازیانه از عذاب الهی بر تو میزنیم کفت طاقت ندارم پس یکی کم کردند کفت طاقت
ندارم تا آنکه بیک تازیانه رسید کفت طاقت ندارم کفتند چاره نیست از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه را بر من میزنید کفتند باین سبب
که روزی بی وضو نماز کردی و بر ضعیفی کذشتی که بر او ظلم میشد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب خدا بر او زدند که قبرش از آتش پر شد و در حدیث
دیکر فرمود که چهار کسند که حق تعالی در روز قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند شخصی که کسی چیزی از او خریده باشد و پشیمان شود و پس دهد و او
قبول نکند و کسیکه بفریاد مضطری برسد و کسی که بنده آزاد کند و کسی که عزبی را کدخدا کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کسی که
بفریاد برادر مؤمن خود برسد که او را از ورطه یا غمی یا اندوهی بیرون آورد حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند کند و ثواب ده بنده
آزاد کردن باو کرامت فرماید و ده عذاب از او بردارد و ده شفاعت برای او در قیامت مهیا کرداند و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
منقولست که هر که ببیند بیچاره را در راهی که چهارپایش افتاده است و کسی بفریاد او نمیرسد پس بفریاد او برسد و او را بر چهارپای خود سوار کند
و بارش را بردارد حق تعالی باو خطاب فرماید که خود را بمشقت انداختی و نهایت سعی کردی و فریادرسی برادر مؤمن خود کردی برای تو موکل کردانم
ملکی چند که عدد شان زیاده باشد از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک را آنقدر قدرت باشد که آسان باشد بر او برداشتن آسمانها و
زمینها تا بنا کنند برای تو در بهشت قصرها و خانها و بلند کنند برای تو درجه‌ها چون در بهشت در آئی از پادشاهان بهشت باشی و کسیکه دفع کند

از مظلومی

از مظلومی ضرر ظالمی را که خواهد ضرر ببدن او یا مال او برساند حق تعالی خلق کند بعدد هر حرفی از کفتهای او و بعدد هر حرکتی از حرکات او و درنکی
از درنکهای او صد هزار ملک که دفع کنند از او شیاطین را که قصد کنند که او را کمراه کنند و بازای هر ضرر قلیلی که از او دفع کرده باشد
صد هزار از خدمتکاران بهشت و صد هزار از حوریان باو عطا فرماید که او را خدمت کنند و کرامی دارند و کویند که اینها همه در برابر آن
دفع کردن ضررهاست از مال و بدن برادر مؤمن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت مرد پیر را بشناسد پس او را تعظیم کند
برای سن او خدا او را ایمن کرداند از ترس روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مؤمن ریش سفید و فرمود که از ما نیست کسیکه
خوردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیکر فرمود که هر که کفایت کند برای کوری حاجتی از حاجتهای دنیا را و برای او در آن حاجت
راه رود و سعی کند تا خدا از برای او برآورد حق تعالی او را بیزاری دهد از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجتهای دنیای او را برآورد و پیوسته
در رحمت الهی باشد تا برکردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بکری چیزی را شنوانیدن بی آنکه دل تنک شود تصدقیست آسان
و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هر که قاید کوری شود چهل کام بر زمین هموار رود
نمیکند بقدر سر سوزنی از آن اکر تمام روی زمین پر کنند از طلا اکر بر سر راهش مهلکه باشد و او را از آن نجات دهد و بکنار اندازد در ترازوی
حسناتش کذارند ده برابر دنیا بیاید صد هزار مرتبه و بر همه کناهانش زیادتی کند و همه را محو کند و او را بعالی غرفهای بهشت رساند و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی صاحبان بلا و آنها که خوره دارند که اندوهناک میشوند و در حدیث دیکر فرمود که از کسیکه
خوره داشته باشد بکریزید چنانچه از شیر میکریزید و با او سخن مکوئید مکر آنکه از او بقدر یک نیزه راه دور باشید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
ایشان را به بینید از خدا عافیت بطلبید و از مرض ایشان غافل مشوید که مبادا بشما سرایت کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که پنج کسند که بهمه حال از ایشان اجتناب می باید کرد کسی که خوره داشته باشد و پیس و دیوانه و ولد الزنا و عرب بادیه نشین و در حدیث دیکر فرمود
که کم نظر کنید باهل بلا و بنزد ایشان مروید و چون بایشان بکذرید زود بکذرید که بشما نرسد آنچه بایشان رسیده است و در حدیث موثق از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که چون شخصی را به بینی که ببلائی مبتلاست بکو الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر من خلق
و آهسته بکو که او نشنود و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را به بینی سه مرتبه آهسته بکو که او نشنود الحمد لله الذی
عافانی مما ابتلاک و لو شاء فعل که هر که چنین کند هرکز آن بلا باو نرسد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مبتلائی را به بینید
و آهسته عافیت خواهند هرکز بان بلا مبتلا نشود الحمد لله الذی عدل عنی ما ابتلاک به و فضلنی علیک بالعافیة اللهم عافنی مما ابتلیته و در روایت دیکر فرمود که این دعا بخوانند
اللهم انی لا اسخر و لا افخر و لکن احمدک علی عظیم نعمائک علی و از حضرت رسول منقولست که چون صاحب بلائی را به بینید حمد خدا بکنید و بایشان

میشود و اینکه باعث اندوه ایشان میشود **فصل نهم** در رعایت حقوق مؤمنان در غیبت ایشان در حدیث معتبر منقولست که شخصی بحضرت
امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع میداند حضرت فرمود که حق همنشینی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی
و حق مرا رعایت نکردی که چیزی که من نشنیده بودم از او بمن رسانیدی همه را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد و وعده گاه همه قیامت است و خدا میان ما حکم
خواهد کرد زنهار که غیبت مکن که نان خورش سگان جهنم است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه ایمان بخدا و رسول
دارد ننشیند در مجلسی که امامی را دشنام دهند یا غیبت مسلمانی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه
و وضویش بر طرف میشود و در روز قیامت از او بوئی آید گنده‌تر از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد حلال کرده باشد چیزی را که خدا
حرام کرده است و هرکه احسان کند ببرادر مؤمن در مجلسی که غیبت او کنند و نگذارد که او را غیبت کنند حق تعالی هزار نوع از بدی را در دنیا و آخرت
از او رد کند و اگر رد نکند و قدرت بر رد غیبت او داشته باشد مثل گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هرکه را ندیده خود نه بینی که گناهی کند و دو گواه عادل بر او گواهی ندهند که گناهی کرده است او از اهل عدالت و گواهیش مقبولست
هرچند در واقع گناهکار باشد و هرکه غیبت کند او را بگناهی که در او باشد او از دوستی خدا بیرونست و در دوستی و یاری شیطان داخلست و بتحقیق
که خبر داد مرا پدرم از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هرکه غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او باشد خدا میان ایشان در بهشت اجتماع
نمیدارد و هرکه غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او نباشد عصمت میان ایشان بریده میشود و غیبت کننده در جهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که هرکه در حق برادر مؤمن خود بگوید آنچه چشمش دیده و گوشش شنیده باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی میفرماید که بدرستیکه آنانکه میخواهند که شایع
شود گناهان بد در مؤمنان ایشان راست عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر فرمود که غیبت آنست که در برادر مؤمن عیبی و
گناهی را بگوئی که خدا بر او پوشانیده است و بهتان آنست که در او چیزی بگوئی که در او نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هرکه غیبت کند برادر
مؤمن خود را بی آنکه دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود که سه خصلت است که در هرکه باشد
چهار چیز بر او لازم میشود کسیکه چون سخن گوید دروغ نگوید و چون با مردم خلطه کند بر ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوعده خود وفا کند واجبست
که عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد و غیبت او بر ایشان حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زناکار توبه میکند و خدا توبه اش را قبول میکند و غیبت کننده
توبه اش مقبول نیست تا آن شخص او را حلال کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برادران خود را یاد کنید هرگاه غایب باشند از شما به بهتر
از آنچه دوست میدارید که شما را در غایبانه یاد کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمت نیست و غیبت

او حرام نیست

او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه کسند که ایشان را حرمتی نیست کسیکه صاحب بدعت باشد و امام و پیشوای ظلم کننده و فاسقی
که علانیه فسق کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه رد کند حرف بدی را که در عرض برادر مسلمانش گویند برای او بنویسند بهشت را البته
و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هرکه نزد او غیبت کنند برادر مؤمنش را پس او را نصرت و یاری کند خدا او را در دنیا
و آخرت یاری کند و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت از او بکند و یاری او در آن باب نکند و نکند خدا پست کند او را در دنیا و آخرت و از حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام منقولست که هرکه حاضر باشد در مجلسی که در آن مجلس کسی بعرض برادران مؤمن او افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد
و او رد کند بر آن ظالم و عرض برادر مؤمن را نگاه دارد [illegible] ملائکه را که جمع میشوند نزد بیت المعمور برای حج و آنها نصف ملائکه
آسمانهایند و ملائکه کرسی و عرش را و ایشان نصف ملائکه حجب اند که ایشان همه او را نزد خدا مدح و ستایش کنند و از برای او از خدا رفعت و منزلت
و بلندی مرتبه او را سؤال کنند پس حق تعالی فرماید که من واجب گردانیدم برای او بعدد هر یک از شما از درجات بهشت و قصرها و باغها و نهرها
و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوقی بآن احاطه نکرده باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه نقل کند در مذمت مؤمنی روایتی
آنکه عیب او را ظاهر کند و مروت او را در هم شکند و او را از دیدهای مردم بیندازد خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری
شیطان داخل کند و در احادیث معتبره منقولست که هرکه دو رو و دو زبان داشته باشد که در حضور مردم مدح ایشان کند و در غایبانه عیب
ایشان را گوید چون در قیامت محشور شود دو زبان از آتش داشته باشد یکی در پیش رو و یکی در پشت سر و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا
دو رو و دو زبان داشت و در روایت دیگر منقولست که محمد بن فضیل بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من چیزی از او
بمن میرسد که خوشم نمی آید پس از او سؤال میکنم و انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم ثقه این خبر را بمن نقل کرده اند حضرت فرمود که گوش و چشم خود را تکذیب
کن در حق برادر مؤمن خود و اگر پنجاه کس شهادت بدهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها گوید سخن او را تصدیق کن و آنها را تکذیب کن
و برای او چیزی را فاش مکن که موجب نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه کسی را رسوا کند در گناهی چنان است
که آن گناه را خود کرده باشد و هرکه مؤمنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا بیرون نرود تا آنرا خود بکند و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هرکه خود را
از بدگوئی در عرض مسلمانان نگاهدارد خدا گناهانش را در قیامت بیامرزد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه بهتانی
بگوید برای مرد مؤمن و زن مؤمنه بچیزی که در او نباشد خدا او را در میان چرک فروج زناکاران که در دیگهای جهنم جوشد نگاهدارد تا آنکه از عهده
گفته خود بدر آید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هرکه برای کسی چیزی گوید که مردم از او دانند آن غیبت نیست و در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن در بلائیکه بر برادر مؤمن نازل شود که خدا او را رحم میکند و از او دفع میکند و بر تو میفرستد آن بلا را

وفرمود که هرکه شماتت کند بمصیبت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا آنکه باین مبتلا شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که بدترین
احوال بنده بکفر آن است که کسی با مؤمنی برادری کند و لغزشها و گناهانش را در دل نگاه دارد که یک روزی سرزنش کند او را بآنها و از حضرت رسول صلعم
منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان شده اید و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای ایشان مکنید که هر که
تفحص عیبهای مردم کند خدا او را رسوا کند اگرچه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که سرزنش مؤمنی کند
خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بدترین دروغها گمان بد بمردم بردنست و از حضرت صادق ع
منقولست که هرکه متهم سازد برادر مؤمنش را ایمان در دلش گداخته شود چنانکه نمک در میان آب گداخته شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که فرمود که میخواهید خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود که آنها که در میان مردم بسخن چینی راه میروند و در میان دوستان
جدائی می اندازند و از برای بی عیبان عیب میجویند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بهشت حرامست بر سخن چینان و از حضرت صادق ع
منقولست که دو شخص با زردگی از یکدیگر جدا نمیشوند مگر آنکه یکی مستحق بیزاری و لعنت الهی میشود و بسیار باشد که هر دو مستحق شوند شخصی گفت که اگر یکی مظلوم
باشد چرا مستحق لعنت شود فرمود که برای آنکه چرا نمی آید نزد آن دیگری که او را ابدا از بصله و احسان و از بد او در گذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که آزردگی و جدائی زیاده از سه روز نمیباشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پیوسته شیطان در فرح و شادیست تا دو مسلمان
از یکدیگر آزرده اند و دوری میکنند و چون با هم ملاقات کنند زانوهایش بر هم میخورد و بندهایش جدا میشود و فریاد میکند و او یا ویلاه چه بلا بود که بر من آمد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر دو مسلمان که از هم دوری کنند و سه روز بگذرد که با هم صلح نکنند از اسلام بدر میروند
و میان ایشان دوستی ایمان برطرف می شود پس هر یک که زودتر با دیگری سخن بگوید در قیامت زودتر به بهشت خواهد رفت فصل [illegible] در آداب
معاشرت ظالمان و قلیلی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که بشیعیان خود فرمود که ای گروه شیعه گردنهای
خود را ذلیل مکنید باطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خدا طلبید که او را باقی بدارد و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا طلبید که او را باصلاح آورد
که صلاح شما در صلاح پادشاه شماست و پادشاه عادل بمنزله پدر مهربان است از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و از برای او مخواهید آنچه از برای
خود نمیخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خدا رحمت کند کسی را که یاری کند پادشاه خود را از نیکی کردن با او و از حضرت صادق ع
منقولست که هرکه متعرض پادشاه ظالمی شود و از او آزاری بیابد خدا او را بآن آزار ثواب ندهد و صبر او را روزی نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هرکه مدح کند پادشاه ظالمی را و نزد او شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حق تعالی فرموده ولا ترکنوا
الی الذین ظلموا فتمسکم النار یعنی بدل مکنید بسوی آنها که ظلم میکنند پس مس میکند شما را آتش و فرمود که هرکه راهنمائی کند ظالمی را بر ظلم در جهنم

باهامان

با هامان در زیر فرعون باشد و هر که از جانب ظالمی خصومت کند یا یاوری او نماید در آن خصومت چون ملک الموت بنزد او آید بگوید بشارت باد
ترا بلعنت خدا و آتش جهنم و هرکه تازیانه در دست گیرد نزد پادشاه یا حاکم جابری بایستد حق تعالی آن تازیانه را در قیامت اژدهائی
گرداند از آتش که درازی آن هفتاد ذراع باشد و مسلط گرداند او را بر او در جهنم و نهی فرمود از حاضر شدن بر سر سفره فاسقان و حضرت امیر المؤمنین ع
در وقت فوت وصیت فرمود بحضرت امام حسن صلوات الله علیه که دوست دار صالحان را برای صلاح ایشان و مدارا کن بظاهر با فاسقان
و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه دوست دارد بقای ظالمان را دوست داشته است که خدا را معصیت کنند
و هرکه دوست دارد که خدا را معصیت کنند با خدا دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی علیه السلام با بنی اسرائیل میگفت که یاری
مکنید ظالم را بر ظلمش که فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهار چیز است که دل را فاسد میکند و نفاق در دل میرویاند
چنانچه آب درخت را میرویاند شنیدن سازها و خواندن لهوها و فحش گفتن و بدر خانه پادشاهان رفتن و از پی شکار رفتن و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که نگاه دارید و حفظ کنید دین خود را به پرهیزکاری از محرمات و قوت دهید دین خود را بتقیه کردن از مخالفان و مستغنی شدن بخدا
از طلب کردن حوایج از پادشاهان و بدانید که هر مؤمنی که خضوع و شکستگی کند نزد صاحب سلطنتی یا کسی که مخالف او باشد در دینش از برای طلب
آن دنیائی که در دست اوست خدا او را گمنام کند و دشمن دارد او را و بآنچه دنیا بگذارد و اگر چیزی از دنیای او بدستش بیاید خدا برکت را از آن بردارد
و او را ثواب ندهد اگر حج کند در حج یا عمره یا بنده آزاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون روز قیامت
شود منادی از جانب حق تعالی ندا کند که کجایند ظالمان و مددکاران ایشان و آنانکه دوات ایشان را لیقه گذاشته اند یا سر کیسه برای ایشان
بسته اند یا مدد قلمی برای ایشان داده اند آنها را هم با ظالمان محشور کنید و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده بپادشاه نزدیک نمیشود مگر آنکه
از خدا دور میشود و هیچ بنده مالش زیاد نمیشود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده اتباعش بسیار نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتر میشوند و
فرمود که زینهار حذر کنید از در خانه پادشاهان و آنها که با پادشاهان همنشینند که نزدیکترین شما با آنها دورترین شمایند از خدا و هرکه پادشاه را بر خدا
اختیار کند پرهیزکاری را از او بردارد و او را حیران گرداند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه معذور دارد ظالمی را
در ظلم او خدا مسلط گرداند بر او کسی را که بر او ظلم کند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا او را بر آن ستم که میکشد ثواب ندهد و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که هرکه یاری دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته حق تعالی بر او خشمناک باشد تا دست از آن یاری بردارد و در حدیث دیگر فرمود که
در زمان حضرت موسی علیه السلام پادشاه ظالمی بود که حاجت مؤمنی را بشفاعت بنده صالحی برآورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح هر دو یکروز
مردند و مردم همگی در جنازه آن پادشاه جمع شدند و درهای بازار را بستند برای بردن او تا سه روز و آن مرد صالح در خانه خود ماند تا [illegible]

زمین روی لیس را خوردند پس حضرت موسی بعد از سه روز مرده آن مرد صالح را با آن حال مشاهده فرمود و گفت پروردگارا آن مؤمن تو بود و با آن اعزاز و اکرام
او را برده شد و این دوست تست و با این حال مانده است حق تعالی وحی فرستاد باو که یا موسی این دوست من از آن جبار حاجتی سؤال کرد و او بر آورد
و او را مکافات دادم برای بر آوردن حاجت این مؤمن و کرمهای زمین را بر روی این مؤمن مسلط کردم برای سؤالی که از آن جبار کرد و در حدیث دیگر
منقولست که سلیمان جعفری بحضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که چه میفرمایید در کارهایی که مردم متکفل میشوند از جانب پادشاهان حضرت فرمود که داخل
شدن در اعمال ایشان و یاری کردن ایشان و سعی کردن در حوایج ایشان معادل کفر است و عمداً نظر بسوی ایشان کردن گناه کبیره است و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هرکه برود بنزد توانگری و نزد او شکستگی کند برای توانگری او دو ثلث دینش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه برود بسوی پادشاه ظالمی و او را امر به پرهیزکاری بکند و پند و نصیحت بگوید او را مثل ثواب جن و انس بوده باشد و از
علی بن ابی حمزه منقولست که گفت من دوستی داشتم از نویسندگان بنی امیه با من بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که من در دیوان بنی امیه
کار میکردم و مال بسیاری بهم رسانیده ام حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم برای بنی امیه کتابت میکنند و غنیمت برای ایشان جمع میکنند و از برای ایشان
جنگ میکنند و نزد ایشان حاضر میشوند هرآینه حق ما را غصب نمیکردند آن شخص گفت آیا مرا چاره هست حضرت فرمود که اگر بگویم خواهی کرد گفت
میکنم فرمود که هرچه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش را میشناسی پس بده و آنچه را نمیشناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامن بهشت میشوم
برای تو آن شخص ساعتی سر بزیر افکند پس گفت چنین میکنم علی بن ابی حمزه گفت که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را حتی آن جامهایی که پوشیده بود داد
و ما از میان خود مالی جمع کردیم و جامها از برای او خریدیم و خرجی برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بیمار شد چون من بعیادتش رفتم در حال جان کندن بود
پس چشم گشود و گفت حضرت صادق بضمانتی که فرمود وفا کرد این گفت و مرد پس او را دفن کردیم و در سال دیگر بخدمت آنحضرت رفتیم چون نظر آنحضرت بر من
افتاد فرمود که والله برای رفیق تو وفا بضامنی خود کردیم و از مفضل بن مزید که نویسنده خلفا بود و شیعه بود منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام
عرض کرد که میدانید فدایت شوم که من نزد این خلفا میباشم حضرت فرمود که آنچه بهم میرسانی بشیعیان بده حق تعالی میفرماید که حسنات گناهان و سیئات را
میبرد و در حدیث معتبر منقولست که صفوان شتردار آمد بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام حضرت فرمود که همه چیز تو خوبست بغیر از آنکه شترهای
خود را بهارون الرشید کرایه میدهی صفوان گفت که والله که من شتر خود را باو کرایه نداده ام برای کار بدی یا شکاری یا لهوی ولیکن از برای
راه مکه باو کرایه داده ام و من خود باو نمیروم نوکران و غلامان خود را میفرستم حضرت فرمود که آیا میخواهی اینقدر زنده باشند که کرایه را از ایشان بگیری
گفت بلی فرمود که هرکه زندگی ایشان را خواهد از ایشانست و از اهل جهنم است و در حدیث دیگر منقولست که عبد الغفار بن القاسم از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام پرسید که چه میفرمایید در باب رفتن بنزد پادشاه فرمود که خوب نمیدانم برای تو گفت بسیار است که بشام میروم و مرا بنزد ابراهیم بن ولید

میبرد

میبرد حضرت فرمود که رفتن نزد پادشاه و حکام باعث سه چیز میشود اول محبت دنیا دویم فراموشی مرگ سیم راضی نبودن بآنچه خدا از برای او مقرر
کرده است گفت یابن رسول الله من مرد عیالدارم و بتجارت میروم بآنجا برای منفعت حضرت تجویز این فرمود و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که هرکه راضی باشد بحکم پادشاه ظالمی و اعانت او کند از دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
دو صنف از امت منند که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است و فساد ایشان موجب فساد امت فقیهان و پادشاهان و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که امید نجات دارم برای هرکه اعتقاد بامامت داشته باشد از این امت مگر سه کس صاحب استیلایی که ظلم کند
بر رعیت خود و کسیکه در دین بدعت کند و کسیکه علانیه فسق کند و فرمود که سه کسند که هرکه با ایشان منازعه کند ذلیل و بیمقدار میشود پدر
و پادشاه و قرض خواه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بیوفاترین و کم دوست ترین همه کس پادشاهانند و در حدیث حسن از آنحضرت
منقولست که هرکه حکومت مردم اختیار کند و عدالت کند و در خانه خود را بگشاید و پرده بردارد که همه کس راه باو داشته باشند و باحوال همه کس برسد
بر خدا لازم است که ترس او را در قیامت بایمنی مبدل گرداند و او را داخل بهشت کند و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی خیر رعیت را خواهد
پادشاه مهربانی بر ایشان مسلط میگرداند و برای او وزیر عادلی تعیین میگرداند و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خداوند عالمیان
میفرماید که منم پروردگاری که بجز من خداوندی نیست آفریده ام پادشاهان را و دلهای ایشان بدست من است پس هر گروهی که اطاعت من کنند
دلهای پادشاهان را بر ایشان رحمت میگردانم و هر گروهی که اطاعت من نکنند دلهای پادشاهان را بر ایشان غضب میگردانم پس مشغول مگردانید خود را
بدشنام دادن پادشاهان و توبه کنید بسوی من تا دلهای ایشان را بر شما مهربان گردانم و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی بهشت را خلق
کرد فرمود که ببزرگواری خود سوگند میخورم که داخل بهشت نمیکنم کسی را که همیشه شراب خورد و سخن چینی را و دیوث را و جوکیان و ظالمان را
و شکافندگان قبرها را و تمغاچیان را که عشور از مردم میگیرند و قطع کننده رحم را و کسیکه قایل بجبر باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرکه بناحق
سرکرده جماعتی شود و بر ایشان استیلا یابد حق تعالی او را در کنار جهنم بازدارد بازای هر روزی هزار سال بدارد و چون محشور شود دستهایش در گردنش بسته باشد
پس اگر بامر خدا در میان ایشان عمل کرده باشد خدا او را رها کند و اگر ظلم بر ایشان کرده باشد حق تعالی او را بجهنم اندازد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هرکه والی مسلمانان شود و ایشان را ضایع بگذارد خدا رحمت خود را از او بازگیرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر والی
که مردم را ممنوع سازد از آنکه کارهای خود را باو عرض کنند حق تعالی در قیامت حاجات او را بر نیاورد و اگر چیزی برسم هدیه بگیرد خیانتست که از غنیمت
دزدی کرده است که بدترین دزدیهاست و اگر رشوه بگیرد خیانتست که بخدا شرک آورده باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حق تعالی وحی فرمود بسوی پیغمبری از پیغمبران که در مملکت پادشاه جباری بود که برو بآن جبار بگو که من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم را بریزی و مالهای

است نه اگر می‌گیری برای این را پادشاه کرده‌ام که بمعدالت مظلوم را از من باز گیری بدرستی که من ترک بازخواست ستمها که بر ایشان شود نمیکنم هرچند کافر باشند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در جهنم کوهی هست که آنرا صعدا میگویند و در آن کوه وادی هست که آنرا سقر میگویند و در آن وادی چاهی هست
که آنرا هبهب میگویند هرگاه پرده آن چاه را برمیدارند اهل جهنم از گرمی آن بفریاد می‌آیند و آنجا جای جباران است و در روایت دیگر منقولست از
محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خدا را در درخانه پادشاهان جماعتی هست که خدا دین حق را بایشان حفظ فرموده و ایشانرا
استیلا بر شهرها داده است که بسبب ایشان از دوستانش ضررها و ستمها را دفع کند و ببرکت ایشان اصلاح آورد امور مسلمانانرا و مؤمنان
در حالهای بد بایشان پناه میبرند و محتاجان شیعیان بایشان متوسل میشوند و ایشان خدا ترس مؤمنانرا بامنی بدل میکنند در مملکت ظالمان
ایشانند مؤمنان بحق و راستی و ایشانند امینان خدا در زمین و نور ایشان روشنی میدهد اهل آسمانها را چنانچه ستارها روشنی میدهند اهل زمین را در قیامت
نور ایشان عرصه محشر را روشن میکند و ایشان برای بهشت خلق شده‌اند اگر خواهی که از ایشان باشی شاد گردان مؤمنان از شیعیان ما را و در حدیث صحیح از
حضرت امام موسی علیه السلام و حدیث معتبر از حضرت رسول خدا منقولست که هرکه برساند بپادشاهی حاجت کسی را که نتواند حاجت خود را باو رساند
حق تعالی پاهایش را بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقولست که حمیری عرضه نوشت بخدمت حضرت صاحب الامر که شخصی هست که متصدی
اوقافست و حلال میداند تصرف در آنها را و بی پروا میگیرد و صرف میکند و من گاهی در ده او وارد میشوم و اگر طعام او نخورم با من عداوت میکند
و گاهی هم هدیه برای من میفرستد حضرت در جواب نوشتند که اگر این مرد مالی و معاشی بغیر آنچه در دست اوست از وقف دارد طعامش را
بخور و احسانش را قبول کن و اگر بغیر آن مال حرام چیزی ندارد طعامش را مخور و مالش را قبول مکن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که
از درگاه خدا رد نمیشود دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او بر فرزند بدکردار و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسیکه انتقام از ظالم
برای او بکشد و دعای مؤمن برای مؤمنی که از برای دوستی اهل بیت او را بمال خود اعانت کند و نفرین مؤمن بر کسیکه اعانت او نکند با قدرت
و احتیاج آن مؤمن باو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که غضب من سخت و شدید است بر ظالمی که ظلم کند بر کسیکه
یاوری بجز من نیابد و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی میفرماید که من مستجاب نمیکنم دعای کسی که مظلمه از کسی نزد او باشد و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که ظلم کننده و یاری کننده او بر ظلم و کسیکه راضی باشد بآن ظلم هر سه در گناه شریکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه ظلمی بر کسی بکند
حق تعالی برانگیزد کسی را که مثل آن ظلم را نسبت باو و یا فرزندان او یا فرزندان فرزندان او بکند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه حق مؤمنی را حبس کند
حق تعالی در قیامت او را پانصد سال بر پا بدارد تا آنکه از عرق او رودخانها جاری شود و منادی ندا کند که این است ظالمی که حق خدا را حبس کرده است
پس چهل روز او را سرزنش کنند پس بفرماید که او را بجهنم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین جهاد آنست که چون

کسی

کسی صبح کند ظلم بر کسی در خاطر نداشته باشد **فصل** در آداب معاشرت با کافران و مخالفان در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که سزاوار نیست مؤمن را که با کافران اهل ذمه شراکت کند یا امانتی بایشان بدهد که برای او چیزی بخرند یا چیزی بایشان بسپارد
یا دوستی با ایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که مسلمان نباید که با گبر در یک کاسه چیزی بخورد و یا با او در یک
فرش بنشیند و یا با او مصاحبت کند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اگر محتاج شوی بطبیب ترسا باکی نیست که بر او سلام کنی و او را دعا کنی که
دعای تو باو نفعی نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ابتدا مکنید اهل کتاب را بسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم
بگوئید در جواب ایشان و با ایشان مصافحه مکنید و ایشان را بکنیت نام مبرید مگر آنکه با ایشان مضطر شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
صادق علیه السلام عرض کرد که من ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر آنجا بمیری با ایشان محشور خواهی شد حضرت فرمود که اگر آنجا بمیری تنها محشور
خواهی شد و نور تو در قیامت در پیش روی تو خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که دعا از برای جهودان و ترسایان چگونه بکنیم
فرمود که بگوئید بارک الله لک فی دنیاک یعنی برکت دهد خدای از برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه
مصافحه کن و اگر دستت بدست او رسد دست را بشوی و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان و ترسایان و گبران مصافحه کنی دست را
بخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی و مشهور میان علما آنست که آن دست بخاک یا بدیوار مالیدن در صورتیست
که دست مسلمان و ایشان هیچیک تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر کسی با گبری مصافحه کند دستش را
بشوید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه جهود یا ترسا یا گبری را به بیند و بگوید الحمد لله الذی فضلنی
علیک بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة خدا میان او و آن کافر در جهنم جمع نکند و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تقیه سپر ایمانست و ایمان ندارد کسیکه تقیه نمیکند و فرمود که نه عشر دین در تقیه است و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که تقیه در بلاد مخالفان کردن واجبست و کسیکه از روی تقیه قسم بخورد برای آنکه دفع ضرری از
خود بکند بر او کفاره نیست و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که گرامی ترین شما نزد خدا کسیست که تقیه بیشتر کند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دین را حفظ کنید و پنهان دارید بتقیه کردن از مخالفان بدرستیکه شما در میان سنیان از بابت مگس عسلید در میان پرندگان
اگر مرغان بدانند که عسل در شکم آنها هست یکی را زنده نمیگذارند و اگر سنیان بدانند که محبت ما در سینه شما هست هرآینه شما را هلاک
کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که کسی که تقیه را ترک کند چنانست که نماز را ترک کرده است بدانکه تقیه در بلاد مخالفان واجبست
هرگاه بیم ضرری باشد بآنکه اظهار دین خود نکنند بلکه دین ایشان را اظهار کنند و در وقتیکه ایشان مطلع باشند و مخفی نتوانند ساخت وضو

و نماز و سایر عبادات بطریقتیکه ایشان بعمل آورند و آدمی خود بهتر میداند که چه وقت خوف ضرر هست و تقیه لازمست و تقیه در بلاد شیعه
و سنی در هر امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم است مگر در خون که در آن تقیه نمیباشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و اگر نه ترا میکشیم باید
که خود کشته شود و او را نکشد **فصل دوازدهم** در بیان حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر شود اول کسی باید که باحوال آن
او بپردازد و بر آن شخص خود دشوار است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و در خور آن سفر او را توشه میباید پس اول چیزیکه او را ضرور است اقرار
بگناه و اعتراف بتقصیر و ندامت از گذشتها و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته
او درگذرد و در احوال و اهوالی که در پیش دارد او را بخود و دیگران نگذارد پس متوجه وصیت شود و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا کند
و بدیگران نگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش بدر رود و بحسرت در اموال خود نگرد و شیاطین جن و انس وسوسها کنند اوصیا و وارثان
او را مانع شوند که ذمه او را بری سازند و او را چاره نباشد و گوید برگردانید مرا القدر آنچه که از اعمال شایسته که خواهم در مال خود بکنم و از او
نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر ثلث مال خود را از برای خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود داند
وصیت کند که زیاده از ثلث را اختیار ندارد پس ابرای ذمه از برادران مؤمن خود بطلبد و هر کرا غیبت کرده باشد یا اهانتی یا آزاری باو
رسانیده باشد اگر حاضر باشد از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او بری
ذمه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را
مهیا کند و از شهادتین و عقاید حق و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش آن ندارد بر تربت حضرت
امام حسین علیه السلام بفرماید که بنویسند و این در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مؤمن میباید که همیشه
کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند
و هر گاه که نظر کند بآن کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن دیگر بفکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بیاد او باشد
و تفکر کند که این امور فانی بکار او نمی آید و بغیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی بفریاد او نمیرسد و بداند که چون توکل بر حق تعالی کند امور
بازماندگان او باحسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که اگر خود باقی بماند بدون مشیت الهی نفعی بایشان نمیتواند رسانید و ضرری از ایشان
دفع نمیتواند کرد و آن خداوندی که ایشان را آفریده است از او بایشان مهربان تر است و باید که در آن حال در مقام رجا و امید باشد و از رحمت الهی
بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف
ایشان باشد و بداند که همگی در آن وقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارت میدهند و ملک موت را سفارشها میکنند و بسند معتبر از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت نقصان عقل و مروت اوست گفت یا رسول الله چگونه
وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة
الرحمن الرحیم انی اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و ان محمدا صلی الله علیه و آله عبدک و رسولک و ان الساعة
آتیة لا ریب فیها و انک تبعث من فی القبور و ان الحساب حق و ان الجنة حق و ما وعد الله فیها من النعیم و المأکل و المشرب و النکاح حق
و ان النار حق و ان الایمان حق و ان الدین کما وصفت و ان الاسلام کما شرعت و ان القول کما قلت و ان القرآن کما انزلت و انک انت
الله الحق المبین و انی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک ربا و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیا و بعلی اماما و بالقرآن کتابا
و ان اهل بیت نبیک علیه و علیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند شدتی و رجائی عند کربتی و عدتی عند الامور التی تنزل بی و انت ولیی فی نعمتی
و الهی و اله آبائی صل علی محمد و آله و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا و آنس فی قبری وحشتی و اجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که این عهد و پیمان میت است با خدا در روزی که میخواهد که وصیت کند و وصیت لازم و واجب است بر هر مسلمانی
پس حضرت صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود که تصدیق این سخن در سوره مریم است که حق تعالی میفرماید که لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ
عند الرحمن عهدا یعنی در قیامت مالک شفاعت نشوند مگر کسی که گرفته باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی و این آن عهد است و حضرت رسول
بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که این وصیت را تو یاد گیر و بیاد اهل بیت خود و شیعیان خود بده چنانچه جبرئیل تعلیم من نمود و اگر صحیفه خود را
پیشتر درست نکرده باشد جمعی از مؤمنان را حاضر کند و بر اعتقادات خود ایشان را گواه بگیرد باین نحو که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله و ان الجنة حق و ان النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها
و ان الله یبعث من فی القبور پس بنویسد بر پارچه یا کاغذی بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم فی الله
عز و جل فلان بن فلان و نام خود و پدر خود را بنویسد اشهدهم و استودعهم و اقر عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان
محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله و انه مقر بجمیع الانبیاء و الرسل علیهم السلام و ان علیا ولی الله و امامه و ان الائمة من ولده ائمته
و ان اولهم الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و القائم
الحجة علیهم السلام و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور و ان محمدا صلی الله علیه و آله و مستخلفه فی
امته مؤدیا الامر ربه تبارک و تعالی و ان فاطمة بنت رسول الله و ابنیها الحسن و الحسین ابنا رسول الله صلی الله علیه و آله و سبطاه و اماما
الهدی و قادة الرحمة و ان علیا و محمدا و جعفرا و موسی و علیا و محمدا و علیا و حسنا و الحجة علیهم السلام ائمة و قادة و دعاة الی الله عز و جل و حجة

[illegible]

علی ما داده پس بگویند گواهان که نامشان در آن صحیفه نوشته خواهد شد یا فلان و یا فلان و یا فلان و نامشان را بگویند اثبتوا لی فی هذه الشهادة عندکم
حتی تلقونی بها عند الحوض پس گواهان باو بگویند یا فلان نستودعک الله والشهادة والاقرار والاخاء موعوده عند رسول الله صلی الله علیه و آله
و نقرأ علیک السلام و رحمة الله و برکاته پس صحیفه را بپیچند و مهر کنند بمهر آن شخص و مهر گواهان و از جانب راست میت با جریده بگذارند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر سر شخصی از انصار در وقت جان کندن حاضر شدند و از او پرسیدند که خود را چون می‌یابی گفت
که امید از رحمت الهی دارم و از گناهان خود می‌ترسم فرمود که این دو حالت در دل کسی نمی‌باشد مگر آنکه خدا امیدش را میدهد و از آنچه می‌ترسد
او را ایمن میگرداند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله حاضر شدند نزد شخصی که در حال احتضار بود فرمودند که بگو اللهم
لی الکثیر من معصیتک واقبل منی الیسیر من طاعتک واما آنچه متعلق بخویشان و برادران مؤمن است باید که او را در چنین حالی تنها نگذارند
و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و صافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامت
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و سایر اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات کمالیه الهی و تنزیه خدا از نقایص مکرر بگویند
که او بگوید و اگر نتواند گفت بر او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و معنیش را اگر عربی نداند بر او القا کنند و پایش را بسوی قبله کنند و در اوقات
حائض و جنب نزد او نباشند که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد برای اضطرار نزدیک او نشینند و چون نزدیک شود که جانش
بیرون رود ایشان بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند در آنجائی که همیشه نماز میکرده است
او را در آنجا بخوابانند که اگر امید شفا هست شفا می‌یابد و اگر نه جانش بآسانی بیرون می‌آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبد المطلب و او در حال احتضار بود فرمودند که پای او را بسوی قبله کنید تا ملائکه با آن رو آورند و رحمت الهی
متوجه او شود و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنهار که در وقت احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا زند مانعش مشوید
چنانچه جهال منع میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا کنید و صلوات بر رسول خدا و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در احتضار بود حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار خانه نشسته بودند و هرگاه کسی نزد او میرفت منع میکردند
و میفرمودند که دست بر او مگذارید که او در این حال در نهایت ناتوانیست و هر که دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که تلقین کنید مردگان خود را که لا اله الا الله بگویند که هر که آخر سخنش لا اله الا الله باشد
داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله تلقین ایشان بکنید که گناهان را در هم میشکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابی این کلمات فرج را تلقین کنید که او بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله

العلی العظیم

العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث
دیگر منقولست که هر که از اهل خانه حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه محتضر میشد حضرت کلمات فرج را تلقین ایشان میفرمود که بخوانند چون
میخواندند میفرمود که بروید دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث حسن دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند
در حال جان کندن و فرمودند که این کلمات را بخوان چون خواند گفتند الحمد لله خدا او را از آتش جهنم نجات داد و در حدیث دیگر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را موکل او میگرداند که در وقت مردن او را بشک اندازند در دین خود
تا جانش مفارقت کند و اگر کسی مؤمن کامل باشد نمیتوانند او را بشک انداخت پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادتین را
و اقرار بائمه علیهم السلام یک یک را تا از سخن گفتن باز مانند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن اقرار بامامت ائمه معصومین علیهم السلام
بکند و دین تشیع را اعتقاد کند آتش جهنم بهیچ عضو او نرسد و در حدیث دیگر فرمود که شخصی را مرگ در رسید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد
او حاضر شدند با جماعتی از صحابه و او بیهوش بود پس حضرت فرمودند که ای ملک موت دست از او بردار تا از او سؤال کنم پس آن شخص بهوش آمد
حضرت فرمود که بگو چه چیز می‌بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می‌بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سیاهی حضرت فرمود که بگو
اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک و اقبل منی الیسیر من طاعتک پس آن شخص بیهوش شد از ملک موت فرمود که دست از او بردار پس او بهوش آمد
حضرت فرمود که چه چیز می‌بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سفیدی حضرت فرمود
که او را آمرزیدند پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که نزد هر که حاضر شوید در این حال بگوئید که این دعا را بخواند و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد جوانی حاضر شدند در وقت مردن باو فرمودند بگو لا اله الا الله او زبانش بند
شده بود و نمیتوانست که بگوید حضرت از زنی که بر بالین او نشسته بود پرسیدند که این مادر دارد گفت من مادر اویم فرمود که از
او خوشنودی یا غضبناک گفت شش سالست که با او سخن نگفته ام فرمود که از او راضی شو گفت راضی شدم پس حضرت با جوان
گفت که بگو لا اله الا الله زبانش گشوده شده بود و گفت پس حضرت از او پرسیدند که چه چیز می‌بینی گفت مرد سیاه بد روی بد بوی
جامه چرکینی را می‌بینم که نزدیک من است و گلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف
عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم چون آن جوان این دعا را خواند حضرت فرمود که چه چیز می‌بینی گفت مرد سفید روی خوشروی خوشبوی
خوش جامه را می‌بینم که نزدیک من است و آن مرد سیاه میرود فرمود که باز بگو این دعا را جوان چون خواند فرمود که چه چیز می‌بینی گفت
آن سیاه را نمی‌بینم و سفیدی را می‌بینم که نزدیک من است این گفت و فوت شد پس چون فوت شود سنت است که دهانش را

برهم گذارند و چانه‌اش را ببندند و چشمش را برهم گذارند و دستهایش را بر پهلوهایش کشند و جامه بر رویش بیندازند و قرآن نزد او بخوانند و زود بردارند و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که برادران مؤمن را خبردار کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از
برای او استغفار کنند و میت ثواب ببرد و ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مؤمن را در قبر میگذارند
ندا میکنند او را که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده‌اند آمرزیدن گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که اول
تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آنست که آمرزیده هرکس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هرکه همراهی جنازه مؤمن بکند تا او را
دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او کنند و استغفار از برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هرکه یک طرف جنازه را
بگیرد بیست و پنج گناه کبیره‌اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف بگیرد از گناهان بیرون آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ
جنازه است بدوش راست خود بردارد و پس پای راست میت را بدوش راست بردارد و پس پای چپ میت را بدوش چپ بردارد و پس دست
چپ میت را بدوش چپ بردارد و چون خواهد که دیگر تربیع کند از پیش روی جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان ترتیب بجا
آورد و بهتر آنست که پشت جنازه یا پهلوهای جنازه راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست که اگر جنازه مؤمن باشد پیش آن راه
رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب پیش آن نباید رفت زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه جنازه را ببیند و این دعا بخواند هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر آواز او الله اکبر
هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت و از حضرت رسول ع
منقولست که هرکه تشییع جنازه بکند بقدر هر قدمی که بردارد صد هزار حسنه برای او نوشته شود و صد هزار گناه برای او محو شود و صد هزار درجه برای او بلند
شود و اگر بر جنازه‌اش نماز کند حق تعالی بعد از فوت او صد هزار ملک را بفرستد که بر جنازه او نماز کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتیکه دفن
شود و اگر بماند تا وقت دفن همان صد هزار ملک را حق تعالی مقرر فرماید که از برای او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید در قیامت و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مؤمنی را که مؤمنی غسل دهد و چون او را از پهلو به پهلوی دیگر گرداند این دعا را بخواند گناهان
یکساله او آمرزیده شود مگر گناهان کبیره اللهم ان هذا بدن عبدک المؤمن و قد اخرجت روحه منه و فرقت بینهما فعفوک عفوک و در حدیث
دیگر فرمود که هرکه میتی را غسل بدهد و آنچه از عیبهای آن میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند گناهانش آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
کلیم موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسیکه میتی را غسل دهد وحی باو رسید که او را از گناهان بشویم مانند روزی که از مادر
متولد شده بوده است و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد و در وقت غسل دادن مکرر بگوید رب

عفوک

عفوک عفوک خدا او را بیامرزد و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که در وقتیکه دست بر شکم بمالانند بخوانند اللهم انی سلکت حب محمد و آل محمد
صلوات الله علیهم فی بطنه فاسلک به سبیل رحمتک و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه کفن کند مؤمنی را چنانست
که ضامن پوشش او شده باشد تا روز قیامت و هرکه بکند از برای مؤمنی قبری چنانست که او را در خانه موافقی جا داده باشد تا روز قیامت
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه بر جنازه نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود پس اگر
همراهی کند تا او را دفن کنند بهر قدمی که بردارد قیراطی از ثواب باو بدهند که آن قیراط مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود
که هر مؤمنی که بر جنازه نماز کند بهشت او را واجب شود مگر آنکه منافق یا عاق والدین باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که چون مؤمنی بمیرد و در جنازه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند و بگویند اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا یعنی خداوندا ما از او بغیر از
نیکی نمیدانیم و تو داناتری باحوال او از ما چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناهانی را
که میدانم و شما نمیدانید و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که اول چیزیکه در عنوان نامه مؤمن مینویسند بعد از
مرگش آن چیزیست که مردم در حق او میگویند اگر نیک میگویند نیک می‌نویسند و اگر بد میگویند بدی می‌نویسند و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون میت را بقبر رسانی او را در پیش پای قبر داخل کن پس چون در قبرش گذاری آیة الکرسی بخوان و بگو
بسم الله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه
و ان کان مسیئا فاغفر له و ارحمه و تجاوز عنه و استغفار از برایش بسیار کن و حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه چون میت را
داخل قبر میکردند میخواندند اللهم جاف الارض عن جنبیه و صاعد عمله و لقه منک رضوانا و در حدیث دیگر فرمود که چون میت را
بقبر گذارند باید که اولای مردم باو یا نزدیک بسرش باشد و نام خدا ببرد و صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بفرستد و پناه
برد بخدا از شر شیطان و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر تواند
دیگری بخواند و رویش را برهنه کند و بر خاک گذارد و در اینجا تلقین کند بشهادتین و اقرار بائمه معصومین و سایر اعتقادات حقه
و در حدیث دیگر فرمود که چون خاک بر میت بریزی بگو ایمانا بک و تصدیقا ببعثک هذا ما وعدنا الله و رسوله بالکه بعدد
هر ذره از آن خاک حسنه در نامه‌اش نوشته شود و چون قبر را پر کنند و مردم برگردند نزدیکترین مردم باو نزدیک سر قبر بنشیند
و باواز بلند او را تلقین کند که این تلقین باعث این می‌شود که منکر و نکیر از او سؤال نکنند و سنت مؤکد است که بعد
از دفن میت اهل او را تعزیه بگویند و پیش از دفن نیز مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که هرکه اندوهگینی را تعزیه بگوید در روز قیامت او را حله بپوشاند و مثل ثواب آن صاحب مصیبت او را باشد بی آنکه از
ثواب او چیزی کم شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مردگان را زیارت کنید که ایشان خبر می شوند
از رفتن شما و شاد میشوند و بشما انس میگیرند و چون نزد یک قبر روید بگوئید اللهم جاف الارض عن جنوبهم وصاعد الیک ارواحهم
ولقهم منک رضوانا واسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم وتونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و در احادیث معتبره وارد شده است
که هرکه نزد قبر برادر مؤمن خود برود و رو بقبله دست بر قبرش گذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند از ترس بزرگ
روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر منقولست که حق تعالی او را و صاحب قبر هر دو را بیامرزد و در روایت دیگر منقولست که
حضرت امام محمد باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستادند و این دعا خواندند اللهم ارحم غربته وصل وحدته وآنس وحشته وآمن
روعته واسکن الیه من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک والحقه بمن کان یتولاه و در روایت دیگر منقولست که هرکه
سوره انا انزلناه نزد قبر مؤمنی هفت مرتبه بخواند حق تعالی ملکی بفرستد که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک را
برای میت بنویسند و چون از قبر محشور شود بهر هولی از اهوال قیامت برسد حق تعالی بسبب آن ملک آن هول را از او دفع کند
تا داخل بهشت شود و منقولست که مستحبست که نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخوانند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هرکه بر قبرستان
بگذرد و یازده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و ثوابش بمردگان آن قبرستان بخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد بدانکه
این رساله محل ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن نبود قلیلی از آداب در اینجا مذکور شد که این رساله خالی از این فواید نباشد
و مفصل همه در کتاب بحار الانوار مذکور است **باب یازدهم** در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب
عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها **فصل اول** در فضیلت سلام و آداب آن در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله اصحاب خود را امر فرمود بهفت خصلت عیادت بیماران و مشایعت جنازه مردگان
و قبول کردن گفته کسی که اینکس را قسم دهد و دعا کردن برای کسی که عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بهمه کس سلام کردن و قبول ضیافت
کردن و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که در بهشت غرفه چند هست که از اندرونش بیرون مینماید و از بیرونش
اندرون مینماید کسی از امت من در آنها ساکن میشود که بزبان نیک با مردم سخن گوید و طعام بمردم بخوراند و فاش سلام بکند و نماز
کند در شب در وقتی که مردم در خواب باشند پس فرمود که افشای سلام آن است که بخل نورزد در سلام کردن با احدی

از مسلمان

از مسلمانان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از جمله تواضع و شکستگی آن است که با هرکه برخوری سلام کنی و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که هرکه ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جوابش مگوئید و کسی را بطعام خود مطلبید پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین
مردم کسی است که از دعا عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسیست که بسلام بخل کند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه بده نفر از مسلمانان برخورد و بر ایشان
سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن در نامه عملش نوشته شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمن که بجماعتی از مسلمانان سلام کند
ملائکه در جواب سلام او میگویند سلام علیک و رحمة الله و برکاته ابدا و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که سلام کردن سنت است
و جواب گفتن واجب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی سلام کند بلند سلام کند که بشنوند تا نگوید که سلام کردم و
جوابم نگفتند و چون کسی جواب سلام گوید بلند بگوید که آن سلام کننده نگوید که سلام کردم و جواب سلام من نگفتند و در حدیث دیگر فرمود
که هرکه السلام علیکم بگوید ده حسنه از برای او باشد و اگر سلام علیکم و رحمة الله و برکاته بگوید سی حسنه برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کسند که بصیغه
جمع با ایشان سخن میباید گفت هر چند تنها باشند کسیکه عطسه کند میگوئی یرحمکم الله هر چند دیگری با او نباشد و کسی که سلام بر کسی کند
میگوئی السلام علیکم و کسی که دعا کند میگوید عافاکم الله هر چند یکی باشد زیرا که با اینها ملائکه میباشند و در قصد مؤمنان غایب را هم داخل
میتوان کرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مکروهست که کسی بگوید حیاک الله مگر آنکه بگوید حیاک الله بالسلام و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کسند که بر ایشان سلام نمیباید کرد کسی که با جنازه براه رود و کسی که بنماز جمعه رود و کسی که در حمام باشد
و حمل کرده اند بر صورتیکه لنگ نبسته باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون داخل مسجد شوی و مردم نماز کنند بر ایشان
سلام مکن و بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله سلام کن و متوجه نماز شو و اگر بمجلسی داخل شوی که مردم سخن گویند بر ایشان سلام بکن و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کسیکه داخل خانه شود بر اهل خانه سلام کند و اگر اهلی در آن نشسته باشد و خانه خالی
باشد بگوید السلام علینا من ربنا و فرمود که اگر کسی بتو بگوید حیاک الله بالسلام در جواب بگو انت فحیاک الله بالسلام واحلک
دار المقام و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که چون یکدیگر را ملاقات کنید سلام و مصافحه بکنید و چون از یکدیگر جدا
شوید طلب آمرزش از برای یکدیگر بکنید و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه داخل خانه شود سلام بکند که سبب برکت میشود و ملائکه
انس میگیرند در آن خانه و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون زن بر کسی داخل شود بگوید علیکم السلام و چون مرد داخل شود
بگوید السلام علیکم و در بعضی از اخبار وارد شده است که چند کسند که بر ایشان سلام نمیباید کرد جهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که در
بیت الخلا باشد و کسیکه بر سر خوان شراب نشسته باشد و بر شاعری که بزنان محصنه عفیفه فحش گوید و بر جماعتی که خوش طبعی ایشان دشنام

ماد است و بر کسی که نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر کسیکه تنبور یا عود نوازد و مردی که مردم با او عمل لواط کنند و کسی که در اثنای نماز باشد و کسیکه سود خورد و فاسقی که علانیه فسق کند و بر دو انکس ندود و در روایت صحیح وارد شده است که سلام کردن بر کسیکه شطرنج بازی کند گناه کبیره است و همچنین نهی وارد شده است از سلام بر کسیکه شراب خورد و در حدیث است که اکثر اینها محمول باشد بر انکه سلام کردن برینها فضیلت بسیار ندارد یا بر انکه از روی مهربانی و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان نباید کرد زیرا که اخبار بسیار وارد شده است که بر همه کس سلام کردن خوبست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد وداع کند اهل مجلس را بسلام کردن که اگر بعد از او حرف خیری بگویند در ثواب ایشان شریک خواهد بود و اگر حرف بدی بگویند گناهش بر اینها خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کوچک بر بزرگ سلام میکند و کسیکه گذرد بر کسیکه نشسته باشد سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام میکنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره باید بر پیاده سلام بکند و استر سوار بر خر سوار سلام بکند و اسب سوار بر استر سوار سلام کند و ایستاده بر نشسته سلام بکند و در چند حدیث معتبر از انحضرت منقولست که چون جماعتی بر جماعتی بگذرند یکی از ایشان سلام کند از دیگران مجزیست و در حدیث حسن از انحضرت منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب میگفتند و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه بر زنان پیر سلام میکردند و کراهت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند که میترسم که خوشم آید آواز او و گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی که بسلام کردن طلب میکنم و مثال اینها را برای تعلیم دیگران میفرمودند و خود از امثال اینها معصوم و منزه بوده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ابتدا مکنید اهل یهود و نصاری و مجوس را بسلام کردن و چون ایشان سلام کنند بگوئید علیکم و در حدیث دیگر فرمود که چون یهودی یا نصرانی یا مشرک دست پرست بر تو سلام کنند بگو علیک و بدانکه از جمله سلامها سلام رخصت است که چون خواهند که داخل خانه کسی شوند مستحب است که در بیرون خانه سه مرتبه سلام کنند اگر جواب سلام بشنوند داخل شوند و اگر نه برگردند و جواب این سلام واجب نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رخصت طلبیدن سه مرتبه است در مرتبه اول میشنوند و در مرتبه دویم حذر میکنند و در مرتبه سیم اگر میخواهند رخصت میدهند و اگر نمیخواهند ساکت میشوند که او برگردد و حق تعالی فرموده است که داخل مشوید در خانه غیر خانهای خود تا استیناس بکنید و سلام بر اهلش بکنید حضرت صادق علیه السلام فرمود که استیناس کفش بر زمین زدن و سلام کردن است که ایشان خبر شوند

فصل دویم

در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر را گرفتن و معانقه یعنی دست در گردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از تمامی تحیت و سلام کسیکه در حضر باشد مصافحه کردن است و تمامی سلام کردن کسیکه از سفر آمده باشد

در گردن

دست در گردن یکدیگر کردن است و در حدیث معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من همکجاوه حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم من اول بکجاوه میرفتم پس انحضرت بکجاوه میرفتند چون هر دو در کجاوه درست می نشستیم حضرت بر من سلام میکردند و احوال از من میپرسیدند مانند دو کسی که مدتی یکدیگر را ندیده باشند و با من مصافحه میکردند و چون از کجاوه فرود می آمدیم اول انحضرت پایین می آمدند پس چون هر دو در زمین قرار میگرفتیم سلام میکردند و احوال میپرسیدند مانند دو کسی که مدتها یکدیگر را ندیده باشند تا من گفتم یا ابن رسول الله شما کاری چند میکنید که مردمیکه نزد ما هستند چنین نمیکنند حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستیکه دو مومن که با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند پیوسته گناه از ایشان میریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و حق تعالی نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث معتبر دیگر از ابو حمزه منقولست که گفت من همکجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام پس چون بار را فرود می آوردیم حضرت اندک راهی رفتند پس آمدند و دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدای تو شوم من با شما بودم در کجاوه حضرت فرمودند که مگر نمیدانی که مومن چون اندک حرکتی بکند و بعد از آن دست برادر خود را بگیرد حق تعالی نظر لطف بسوی ایشان میکند و روی رحمت خود را بجانب ایشان میگرداند و گناهان مانند برگ فرو میریزد از ایشان تا انکه چون از یکدیگر جدا میشوند هیچ گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حد مصافحه آن است که دور درخت خرما گردند پس بعد از آن باهم مصافحه سنت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سزاوار آن است که دو مومن از یکدیگر پنهان شوند اگر چه بدرختی باشد که در میان ایشان فاصله شود پس ملاقات کنند باید که مصافحه کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را دیرتر برمیدارد ثوابش بیشتر است و حضرت صادق ع فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز با کسی مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا انکه آن شخص دست را میکشید و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که کینها را از سینها میبرد و فرمود که مصافحه کردن با مومن بهتر است از مصافحه کردن با ملائکه و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که چون با برادران مومن ملاقات نمائید با ایشان مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی نزد ایشان ظاهر کنید تا انکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز مصافحه کنید هر چند او نخواهد که خدا چنین امر فرموده است که باعث رفع دشمنی او میشود و در حدیث دیگر از اسحق صراف منقولست که گفت من در کوفه بودم و شیعیان بسیار بنزد من می آمدند و من از شهرت ترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که مرا خواهد بگو اینجا نیست پس در آن سال بحج رفتم و چون بخدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم انحضرت را از خود متغیر یافتم گفتم فدای تو شوم چه چیز باعث تغیر شما شده است از من فرمود که انچه باعث تغیر تو شده است از مومنان گفتم فدای تو شوم از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان نزد

دوست میدارم حضرت فرمود که ای اسحق ملال بهم مرسان از بسیار آمدن برادران مومن بدیدن تو که چون مؤمن با برادر مومن خود برمیخورد
و با او مرحبا میگوید خدا از برای او تا قیامت مرحبا مینویسد پس چون با او مصافحه میکند حق تعالی میان دو ابهام ایشان صد رحمت میفرستند
که نود و نه تای آنها از آن کسی است که دیگری را بیشتر دوست میدارد پس حق تعالی روی رحمت بسوی ایشان میگرداند و هر یک که دیگری را
بیشتر دوست میدارد روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست در گردن یکدیگر کنند رحمت ایشان را فرو میگیرد و پس چون از
برای خدا با یکدیگر بایستند و غرض دنیوی نداشته باشند با ایشان خطاب میرسد که آمرزیده شدید عمل را از سر گیرید پس چون از
یکدیگر احوال بگیرند و سخن گویند ملائکه بیکدیگر میگویند که دور شوید که میخواهند با یکدیگر رازی بگویند و خدا بر ایشان پوشانیده است اسحق گفت پس حرف
که میگویند ملائکه نمی نویسند حضرت آهی بلند کشیدند و گریستند بقدری که آب دیده مبارک ایشان بر روی ریش روان شد و فرمود که ای
اسحق حق تعالی ملائکه را امر فرموده است که چون دو مومن با یکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوند برای تعظیم ایشان و اگر چه ملائکه نمی نویسند
اما خداوندی که مطلع است بر احوال ایشان و راز و پنهان و آنچه در سینهها نهانست نزد او آشکار است میداند که چه میگویند پس ای اسحق از خدا
بترس چنانچه گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند کافر میشوی و اگر میدانی که او ترا می بیند و گناه را
از مخلوقین پنهان میکنی و نزد او بعمل میکنی پس او را از همه کس سهلتر شمردهٔ و در حدیث دیگر فرمود که شما در مصافحه کردن مثل ثواب آنهاست
که در راه خدا جهاد میکنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که از خانه بیرون رود بقصد
دیدن برادر مومن خود و حق او را شناسد حق تعالی بهر گامی حسنه در نامه عملش بنویسد و گناهی از او محو کند و درجهٔ برای او بلند کند
پس چون در خانه آن مومن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند و دست
در گردن یکدیگر کنند حق تعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند پس حق تعالی با ایشان با ملائکه مباهات کند و فرماید نظر کنید بسوی
این دو بنده من که بدیدن یکدیگر رفتند و از برای رضای من با یکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشان را عذاب نکنم پس چون
برگردد او را مشایعت کنند ملکی چند بعدد نفسهای او و گامهای او و سخنهای او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت تا روز
دیگر آن وقت و اگر در این میان بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مومن دیگر هم حق او شناسد و حرمت او را دارد همان
ثواب او هم داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شما شیعیان را نوری در پیشانی هست که بآن نور شما را
در دنیا میشناسند چون یکدیگر برخورید آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید و در حدیث حسن دیگر فرمود که نباید بوسید سر و دست
کسی مگر رسول صلی الله علیه و آله یا کسیکه مراد از بوسیدن او دوست او حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد و محتمل است که

مخصوص

مخصوص ائمه معصومین باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد زیرا که تعظیم ایشان برای آن میکنند که فرزند آنحضرت
یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرتند و احوط آنست که بغیر دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق
منقولست که شایسته نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی منقولست که کسی که
خویش خود را برای بوسد بر او چیزی نیست و برادران مومن را پهلوهای روی ایشان را ببوسند و امام را میان دو چشمش را ببوسند
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دهان را نباید بوسیدن مگر برای زن و فرزند خود **فصل سیم** در آداب نشستن مجالس
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در وصیت فرمود بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که نه کسند که اگر خوار
شوند ملامت نکنند مگر خود را کسیکه حاضر شود بر سر سفره که او را نخوانده باشند و کسیکه تحکم کند بر صاحب خانه و کسیکه طلب
خیر کند از دشمنان خود و کسیکه توقع احسان کند از لئیمان و بخیلان و کسیکه خود را در آورد در رازی که در میان دو کس باشد
بی رخصت ایشان و کسیکه استخفاف نماید بپادشاه و کسیکه در مجالس در جائی نشیند که او سزاوار آن نباشد و کسیکه سخن گوید
با کسی که گوش بسخن او نه‌دهد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کسی که مجموع این سه خصلت یا یکی
از آنها در او نباشد و در صدر مجلس نشیند احمق است اول آنکه هر چیز پرسند جواب نتواند گفت دوم آنکه چون دیگران
عاجز شوند او حق را بیان نتواند کرد سیم آنکه راهنمائی برائی که صلاح اهلش در آن باشد نتواند کرد و از حضرت صادق
منقولست که سزاوار نیست مومن را که بنشیند مگر بعد از آن جماعتی که نشسته اند زیرا که بار کردن مردم [illegible]
و بالا رفتن علامت سبکی عقل است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از علامات
تواضع و فروتنی آنست که آدمی راضی شود بمجلسی که پست تر باشد از مجلسی که سزاوار اوست و بهر که برسد
سلام کند و ترک مجادله کند هر چند حق با او باشد و نخواهد او را که به پرهیزکاری ستایش کنند و در حدیث
دیگر فرمود که چون مردم در جای خود بنشینند و دیگری در آید اگر کسی از آنها او را طلبند و جا از برایش بگشایند
برود که آن کرامتیست که نسبت باو کرده برادران او و اگر کسی جا از برای او نگشاید هر جا که گشاده است
آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون کسی بخانه شخصی بیاید هر جا که صاحبخانه میفرماید بنشیند که صاحبخانه
عیب خانه خود را بهتر میداند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که زنهار که بر سر راهها منشینید و در حدیث دیگر
فرمود که نباید کسی که در میان جماعتی بنشیند و جامه را از ران خود دور کند و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

منقولست که هر که راضی شود بنشستن در جائی که مناسب شرف او باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات می‌فرستند
تا برخیزد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله داخل مجلسی میشدند هر جا که بدرگاه نزدیکتر
بود می‌نشستند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در اکثر اوقات رسول خدا صلی الله علیه و آله رو بقبله
می‌نشستند و در حدیث حسن منقولست که حضرت صادق علیه السلام در خانه خود نزدیک درگاه می‌نشستند رو بقبله و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله سه رو نشستن می‌نشستند گاهی زانوها را از زمین بر میداشتند و دستها را بر پایین زانوها
میگذاشتند و ساعد یکدست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می‌نشستند و گاهی یکپا را بر روی پای دیگر میگذاشتند
و هرگز چهار زانو نمی‌نشستند و در حدیث حسن از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم که حضرت امام زین العابدین علیه السلام نشسته بودند
و یکپا را بر بالای ران دیگر گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند و میگویند که این نشستن پروردگار است حضرت
فرمود که من از برای واماندگی چنین نشسته ام و خدا را واماندگی نمیباشد و او را پینکی و خواب نمیباشد جسم نیست و نشستن او را
نمیباشد و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام چنین نشسته بودند و پای راست بر روی ران چپ گذاشته بودند و
در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سزاوار نیست که جماعتی که با یکدیگر نشینند در تابستان بقدر
استخوان ذراع که تقریبا یکشبر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار نکشند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که آدم شمار کسی را که در جای تنگ چهار زانو نشیند و در چند حدیث وارد شده است که احتبا دیوار عربانست
احتبا آن است که پاها را بایستد بجامه به بندند یا بپوشش کنند و حدت یا دست را حلقه کنند بر زانوها چنانچه گذشت یعنی
ایشان را در صحراها دیوارها که نزدیک بدیوار نباشد این بعوض تکیه بر دیوار کردنست و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدند که احتبا چونست فرمود که اگر عورت نمایان نشود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جایز نیست خود را که احتبا کند
در برابر کعبه **فصل چهارم** در آداب ملاقات صاحبخانه با کسی او می آید در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برخواستن
برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسی صاحب دین مانند علم و صلاح و نیکی تعظیم او کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که حق کسیکه داخل خانه میشود بر اهل آنخانه آنست که در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره با او راه روند و فرمود که چون
کسی داخل خانه شود بر صاحبخانه حاکم است تا بیرون آید و آنچه گوید میباید صاحبخانه اطاعت کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که کسیکه تحفه برای مؤمنی بیاورد مثل بالشی یا متکائی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند بر او بهشت لازم شود که او را مکافات دهد پس

حق تعالی باو وحی فرماید که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر بر پیغمبری یا وصی پیغمبری پس چون روز قیامت شود به بهشت خطاب
رسد که امروز مکافات تحفه‌های ایشانرا بده پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون آیند با طبقها که بر روی آنها
دستمالها از مروارید انداخته باشند و نزد ایشان بیاورند چون ایشان نظر کنند بجهنم و اهوال آن و به بهشت
و آنچه در آن هست عقلشان پرواز کند و از آن طبقها نخورند پس منادی از زیر عرش ندا کند که حق تعالی حرام
کرده است جهنم را بر کسی که از طعام بهشت بخورد پس دست دراز کنند و بخورند و در حدیث معتبر منقولست که دو
شخص بخانه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمدند حضرت از برای هر یک از ایشان بالشی انداختند یکی بر روی
بالش نشست و دیگری اباکرد حضرت فرمود که بنشین که ابا نمیکند از کرامت مگر خر بعد از آن فرمود که رسول خدا ص
فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسی که نزد قوم خود گرامی باشد او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که سه کسند که کسی جاهل بحق ایشان نیست مگر منافقی کسیکه در اسلام ریش سفید شده باشد و کسیکه حامل
لفظ یا معنی قرآن باشد و امام عادل و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که کسی را که اکرامی کنند و او را گرامی دارند باید که او قبول کند و رد نکند که رد نمیکند کرامت را مگر
خر و در چند حدیث از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که کدام است این کرامت که رد نمیباید کرد فرمود که مثل آنکه
جای از برای او بگشایند یا بوی خوشی برای او بیاورند یا بالشی برای او بگذارند یا مثل اینها از کرامتها و از حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام منقولست که اکرام مکن کسی را بچیزی که بر او دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که خدمت کند گروهی از مسلمانان را حق تعالی بعدد ایشان خدمتکاران در بهشت کرامت فرماید و حضرت صادق ع
فرمود که هر که برادر مؤمن او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنانست که خدا را گرامی داشته است و از حضرت رسول
منقولست که هر ملاطفه که کسی با برادران مؤمن خود بکند حق تعالی او را از خدمه بهشت کرامت فرماید و در حدیث دیگر
فرمود که هر که اکرام کند برادر مؤمنش را بیک کلمه که از روی لطف با او بگوید و غمی از او بردارد پیوسته در سایه رحمت الهی
باشد تا مشغول این اکرام باشد **فصل پنجم** در بیان مجالسی که در آنجا داخل شدن رواست و جماعتی که همنشینی و مصاحبت
ایشان سزاواری از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که متابعت کن کسی که ترا میگریاند و خیرخواه تست و متابعت
مکن کسی که ترا میخنداند و در مقام فریب دادن تست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نظر کنید که با کی

سخن بگویند و مصاحبت میکنید که هرکه هست در وقت مرگ مصاحبانش را باو مینمایند اگر حال ایشان نیکست از مصاحبت
ایشان شاد میشوند و اگر حال ایشان بدست غمگین میشوند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بهترین برادران من نزد من کیست
که عیبهای مرا بمن بگوید و فرمود که بر تو باد بمصاحبان کهنه و حذر کن از مصاحب مصاحبان تازه که ایشانرا عهدی و امانتی و وفائی نیست
و بر حذر باش از همه کس هرچند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در وقت وفات وصیت
فرمود که زنهار اجتناب کن از جاهائیکه محل تهمتند و از مجلسی که گمان بد باو میبرند که همنشین بد فریب میدهد مصاحب خود را و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سزاوارترین مردم بتهمت کیست که با اهل تهمت همنشین باشد و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست
که هرکه خود را در محل تهمت درآورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو می برد و از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقولست
که بپرهیزید از مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه نه ایستد زیرا که همه کس نمیدانند که او مادر اوست
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی ع فرمود که مصاحب بد مانند آتش است میسوزاند همنشین بد کسی را که با او مینشیند پس نظر کن که با کی همنشینی میکنی و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که دوستی نیکان با نیکان ثوابیست برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتیست برای نیکان و دشمنی بدان با نیکان زینتی است
برای نیکان و دشمنی نیکان با بدان عاریست برای بدان و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که با پنج کس مصاحبت و همرازی و رفاقت مکن زنهار که با دروغگو مصاحبت
مکن که او از بابت سراب است بدروغهای خود ترا فریب میدهد و دور را برای تو نزدیک مینماید و نزدیک را در نظر تو دور مینماید و زنهار که مصاحبت
مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن نزد دیگران یا کمتر میفروشد و با بخیل مصاحبت که ترا بمال خود یاری نمیکند در هنگامیکه نهایت
احتیاج بهم رسانی و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد بتو نفع برساند ضرر میرساند و با کسیکه قطع رحم کند مصاحبت مکن که حق تعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعنت
کرده است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سزاوار نیست مسلمانانرا که با فاجر و احمق و دروغگوی برادری کنند و حضرت
رسول ص فرمود که سه کسند که همنشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم دنی و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت لقمن با پسر خود گفت
که بسیار با آشنایان نزدیک مشو که باعث جدائی میشود و از ایشان بسیار دوری مکن که خوار میشوی یکی باش با کسی که جوانان آن باشد و همچنانکه میان گرگ و میش دوستی نیست
میان نیکوکار و بدکردار دوستی نیست هر که نزدیک قیر میرود البته باو میچسبد همچنین هرکه با بدکردار مصاحبت میکند از او می آموزد و هرکه مجادله با مردم دوست میدارد رسوا میشود و هر که در محل تهمت درآید
زده میشود و هرکه با همنشین بد همنشینی کند از بدی سالم نمیماند و هرکه زبان خود را نگاه نمیدارد همیشه پشیمانی میکشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت
و همنشینی با اصحاب بدعت مکنید که نزد مردم مثل ایشان خواهید بود و حضرت رسول ص فرمود که آدمی بر دین دوست و مصاحب خود میباشد و فرمود که زنهار با احمق مصاحبت
مکن که در هنگامیکه از او راضی تری نزدیکتر است با آنکه ترا برنجاند و از حضرت رسول ص منقولست که حکیم ترین مردم کیست که از صحبت

جاهلان بگریزد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه برادر مؤمنش را بامری که مکروه او باشد ببیند و تواند که او را برگرداند از آن
امر و برنگرداند خیانت کرده است در برادری او و کسیکه اجتناب نکند از مصاحبت احمق بزودی اخلاق او را بهم میرساند و حضرت امیرالمؤمنین ع
فرمود که بدترین مصاحبان تو کیست که معصیت خدا را در نظر تو زینت دهد و فرمود که همنشینی با بدان مورث گمان بد بردن است
در حق نیکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نظر کن هرکه نفع دینی بتو نمی بخشد مصاحبت او و اعتنا بشان او
مکن و در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که ضایع میشود محبتی که با کسی داشته باشی که بیوفا باشد و نیکی با کسی
بکنی که شکر تو نکند و علمی که با کسی بیاموزی که گوش ندهد و رازی که بکسی بسپاری که نگاهداری راز نکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که در مزبلها با عالم صحبت داشتن بهتر است از صحبت داشتن با جاهل بر روی فرشهای نیکو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که حواریون بحضرت عیسی گفتند که با کی همنشینی کنیم فرمود که کسیکه خدا را بیاد شما آورد دیدن او و در علم شما بیفزاید سخن گفتن او و شما را
بسوی آخرت رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین نشستن شرف دنیا و آخرتست و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که یک نشستن با کسیکه اعتماد بر او داشته باشم نزد من بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث دیگر فرمود که با توانگران منشینید که
بنده اول که با ایشان مینشیند چنان میداند که خدا بر او نعمت بسیار دارد و هنوز برنخواسته است که چنان گمان میکند که خدا هیچ
نعمت بر او ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهار چیز است که دل را میمیراند گناه بعد از گناه کردن و با زنان بسیار
سخن گفتن و با احمق مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و بسوی خیر برنگردد و همنشینی با مردگان کردن گفتند یا رسول الله مردگان کیستند فرمود که
هر توانگری که خدا را فراموش کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بفرزندان خود میفرمود که با اهل دین و معرفت
همنشینی کنید و اگر بدست نیاید تنهائی مونس تر و سالم تر است از مصاحبت غیر ایشان و اگر ناچار باشید از همنشینی مردم پس با صاحبان مروت
بنشینید که ایشان در مجالس خود فحش نمیگویند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که سزاوار آن است که آدمی مصاحبان
پدر خود را نگاه دارد که نیکی او با ایشان مانند نیکی با پدر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت لقمن با پسر خود فرمود که ای فرزند
بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا میکنند با ایشان بنشین زیرا که اگر تو عالمی علم تو بتو نفع میدهد و از همنشینی
ایشان علم تو زیاد میشود و اگر جاهلی ترا علم می آموزند و شاید که خدا رحمتی بایشان بفرستد و ترا هم با ایشان فرو گیرد و اگر ببینی جماعتی را
که یاد خدا نمیکنند با ایشان منشین که اگر تو عالمی علمت بتو نفع نمیرساند و اگر جاهلی جهلت زیاده میشود و شاید از خدا عذابی بر ایشان نازل
شود و ترا هم با ایشان فرو گیرد و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بر تو باد بحاضر شدن در مجالسی که در آنجا یاد خدا کنند

ودر حدیث دیگر فرمود که دانایان در زمان گذشته میگفتند که سزاوار آنست که تردد کردن در خانهایی از ده وجه باشد اول رفتن بخانه
خدا از برای ادای حج وعمره دوم بخانه پادشاهان دین که طاعت ایشان بطاعت خدا متصل است وحق ایشان واجب است ونفعشان
عظیم است وضرر مخالفت ایشان بسیار است سیم رفتن بخانه علما که از ایشان استفاده علوم دین ودنیا نمایند چهارم در خانه
اهل جود وبخشش که مال خود را بامید ثواب آخرت میدهند پنجم در خانه بیخردان که مردم در حوادث دهر بایشان محتاج میشوند
ودر حاجتها بایشان پناه میبرند ششم در خانه اشراف وبزرگان برای طلب عزت واحتیاج بایشان هفتم در خانه جمعی که نزد
ایشان امید منفعت دارند از جهت رای مستقیم ایشان وتقویت عزم در امور ومشوره کردن با ایشان هشتم در خانه برادران
مؤمن بسبب آنکه مواصلت ایشان واجب وحق ایشان لازم است نهم در خانه دشمنانیکه بمدارا کردن ساکن میشود ضررهای
ایشان وبرفق ومدارا نمودن بدیشان عداوت ایشان دفع میشود دهم در خانه جمعی که از دیدن ایشان آداب حسنه استفاده میتوان کرد
وانس بهمزبانی ایشان میتوان گرفت فصل ششم در آداب عطسه وآروق وآب دهان انداختن از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که مسلمانرا بر برادرش حق لازم است که چون او را ملاقات کند بر او سلام کند وچون بیمار شود او را عیادت کند ودر غایبانه خیر خواه او باشد
وچون عطسه کند او را دعا کند وباید که اگر عطسه میکند بگوید الحمد لله رب العالمین لا شریک له ودیگران باو بگویند یرحمک الله واو در جواب
بگوید یهدیکم الله ویصلح بالکم واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کنید اگر چه دریا در میان فاصله باشد
ودر حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که دهن دره از شیطانست وعطسه از جانب پروردگار عالمیانست ودر حدیث دیگر
منقولست که حق تعالی را نعمتهای بسیار بر بنده هست در هنگام صحت بدن وسلامتی اعضا وجوارح وبنده فراموش میکند که خدا را بر آن
نعمتها شکر کند پس باین سبب خدا امر میفرماید باد را که در بدنش جولان میکند واز بینیش بیرون می آید پس از این جهت مقرر کرده که در این حال
خدا را حمد کند که این حمد تلافی شکر آن نعمتها باشد که فراموش کرده است وحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نیکو چیزیست عطسه نفع میرساند
ببدن وخدا را بیاد می آورد ودر حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی عطسه کند وبگوید الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد واهل
بیته ودر حدیث حسن دیگر فرمود که چون کسی عطسه کند باو بگویند یرحمک الله واو در جواب بگوید یغفر الله لکم ویرحمکم ودر حدیث دیگر فرمود
که کسیکه عطسه کند بگوید الحمد لله لا شریک له ودیگران بگویند یرحمک الله واو در جواب بگوید یغفر الله لک ولنا واز حضرت صادق علیه السلام
منقولست که طفل نابالغی نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله عطسه کرد وگفت الحمد لله حضرت باو فرمود بارک الله فیک ودر حدیث دیگر
منقولست که حضرت صادق علیه السلام عطسه کردند پس فرمودند الحمد لله رب العالمین پس انگشت را به بینی گذاشتند وگفتند رغم انفی

لله رغماً داخراً واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که بعد از عطسه بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال درد گوش ودندان
نه بیند واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که عطسه کسی را بشنود وحمد الهی کند وصلوات بر پیغمبر واهل بیتش بفرستد درد چشم
ودرد دندان باو نرسد وفرمود که این را بگو اگر چه دریا در میان تو واو فاصله باشد ودر حدیث دیگر فرمود برای دفع درد دندان ودرد گوش که
چون کسی عطسه کند حمد خدا بکنند ودر حدیث دیگر منقولست که ترسائی عطسه کرد آنحضرت باو گفتند یرحمک الله ودر حدیث دیگر از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله منقولست که چون مسلمانی عطسه کند وساکت بماند از برای علتی ملائکه از جانب او میگویند الحمد لله رب العالمین واگر بگوید
الحمد لله رب العالمین ملائکه میگویند یغفر الله لک وفرمود که عطسه کردن بیمار علامت عافیت اوست وراحت بدنست واز حضرت صادق
منقولست که عطسه نفع می بخشد ببدن مادام که زیاده از سه نشود وچون زیاده از سه شود درد وبیماریست ودر حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه کند
ودست را بر بینی گذارد وبگوید الحمد لله رب العالمین کثیراً کما هو اهله وصلی الله علی محمد النبی وآله وسلم از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون آید
از ملخ کوچکتر واز مگس بزرگتر برود بزیر عرش واستغفار کند برای او تا روز قیامت ودر حدیث دیگر فرمود که کسیکه عطسه کند تا هفت روز از مردن
ایمن است واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله در چند روایت منقولست که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقارن او واقع شود وعلامت راستی
آن سخن است واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که عطسه را تا سه مرتبه دعا بگو وچون زیاده از سه شود او را واگذار ودر روایت دیگر منقولست
که چون کسی عطسه کند سزاوار آنست که انگشت شهادت بر روی بینی گذارد وبگوید الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین رغم
انفی لله رغماً داخراً غیر مستنکف ولا مستحسر وهرگاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بگوید یرحمک الله وچون زیاده شود بگوید شفاک الله وچون مرد
مؤمن عطسه کند بگوید یرحمک الله واگر زن باشد بگوید عافاک الله واگر طفل باشد بگوید زرعک الله واگر بیمار باشد بگوید شفاک الله واگر کافر
ذمی باشد بگوید هداک الله واگر پیغمبر یا امام باشد بگوید صلی الله علیک ودر جواب بگویند یغفر الله لنا ولکم واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار
عطسه کردن ایمن میگرداند از پنج درد اول خوره دوم لقوه سیم نزول آب در چشم چهارم صلابت وخشونت پرهای بینی پنجم بیرون آمدن مو در چشم واگر
خواهی که کم شود عطسه روغن مرزنگوش در بینی چکان بقدر یک دانگ راوی گفت که پنج روز چکانیدم وبرطرف شد واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هر که در میان نماز عطسه کند حمد الهی را در خاطر بگذراند ومحتمل است که مراد آهسته گفتن باشد واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که چون کسی عطسه کند باو بگویند یرحمکم الله واو در جواب بگوید یغفر الله لکم ویرحمکم واز حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که صلوات بر حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وآل آنحضرت واجب است نزد عطسه کردن ونزد کشتن حیوانات ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله منقولست که کسیکه آروق زند بجانب آسمان بلند نکند وفرمود که آروق نعمت خداست بعد از آن حمد الهی بکنید واز حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مؤمن آب دهن را بجانب قبله نمیاندازد و اگر از روی فراموشی بیندازد استغفار کند و در حدیث حسن از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی در نماز عطسه کند الحمد لله بگوید و در حدیث دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه کند و تو در نماز باشی
بگو الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله محمد اگرچه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده است دریا باشد در مزاح کردن و خندیدن و سرگوشی کردن
و آداب صحبت داشتن و راز مجلس را پنهان داشتن و در حدیث صحیح از حضرت صادق و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که چون دو سه نفر در مجلسی باشند دو تای دیگر ایشان سرگوشی نکنند که موجب اندوه و ایذای آن رفیق دیگر است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید چنانست که خدشه و خراشی در روی او کرده است و در احادیث
بسیار منقولست که مجالس بامانت است یعنی آنچه گذشته باید که در جای دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان راضی اند و از حضرت رسول
منقولست که احدی را نیست که سخنی را که صاحبش پنهان دارد او نقل کند مگر آنکه علمی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای آن شخص باشد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مجالس بامانت است مگر مجلسی که در آن خون حرامی ریخته شود یا فرج حرامی را حلال کنند یا
مالی را بناحق ببرند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او مزاح و خوش طبعی میباشد و در حدیث دیگر منقولست
که آنحضرت پرسیدند که خوش طبعی کردن شما با یکدیگر چونست گفت کمست فرمود که بکنید که مزاح کردن از نیکی خلقست و موجب خوشحالی
برادران مؤمن میشود و بسیار بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مزاح میکردند با شخصی که او را شاد گردانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که خدا دوست میدارد کسی را که خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خندیدن
مؤمن میباید تبسم باشد و صدا نداشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که بسیار خندیدن دل را میمیراند و دین را چنانچه آب نمک را میگدازد
و فرمود که از نادانیست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث حسن دیگر فرمود که زنهار مزاح بسیار مکنید که آبرو را میبرد
و فرمود که چون کسی را دوست داری با او مزاح مکن و مجادله مکن و در حدیث حسن دیگر فرمود که قهقهه کردن از شیطانست و فرمود که بسیار
خندیدن آبرو را میبرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زنهار که مزاح مکنید که کینها بهم میرسد و دشنام کوچک است
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون خنده قهقهه بکنی بعد از فارغ شدن بگو اللهم لا تمقتنی و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که مزاح کردن آبرو را میبرد و مهابت مرد از او برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که مجادله مکن که حسنت را میبرد و خوش
طبعی مکن که باعث جرأت مردم میشود بر تو و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که مزاح مکن که نور ایمانت را
میبرد و مروتت را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت یحیی میگریست و نمیخندید و حضرت عیسی میگریست و میخندید

وانچه علی

و آنچه عیسی میکرد بهتر بود از آنچه یحیی میکرد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت داود بحضرت سلیمان میگفت که ای فرزند زنهار که خنده بسیار مکن
که بسیار خندیدن آدمی را فقیر میکند در روز قیامت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که تعجب دارم از کسیکه ایمان بجهنم دارد چرا میخندد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که چه بسیار کسی که بسیار خندد از روی لعب و بازی گریه اش در قیامت بسیار باشد و چه بسیار کسی که بسیار گرید بر گناه
خود و در بهشت خوشحال و خنده اش بسیار باشد پس از این اخبار و اخبار دیگر چنین ظاهر میشود که مؤمن میباید که عبوس و گرفته نباشد و گشاده
رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوبست اما بسیار خندیدن و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل بیخردان و سفیهانست
فصل هشتم در سایر آداب مجالست و حقوق اصحاب مجلس بر یکدیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نیکو مجاورت
کن با کسیکه با تو مجاورت کند تا مؤمن باشی و نیکو مصاحبت کن با مصاحبان خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که بخدمت حضرت
صادق علیه السلام رفتم فرمود که کی مصاحب تو بود در راه گفتم شخصی از برادران مؤمن فرمود که چه شد گفتم که تا داخل مدینه شده ام جایش را
نمیدانم فرمود که مگر نمیدانی که کسیکه چهل گام با کسی مصاحبت کرد حق تعالی از حق او سؤال میکند در روز قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که همین عیب بس است آدمی را که از عیب مردم چیزی چند بیند که از خود چشم پوشد و مردم را سرزنش کند بر چیزیکه خود ترک آن نتواند کرد
و آزار کند همنشین خود را بچیزیکه نفع با و ندهد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مردم یا مؤمنند یا جاهل پس مؤمن را آزار نباید کرد و با جاهل
بیخردی نباید کرد و اگرچه مثل او خواهی بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از ما نیست کسیکه نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود
و نیکو رفاقت نکند با رفیقان خود و نیکو نمک خوارگی نکند با کسیکه نمک خورده با او و نیکو مهربانی نکند با کسیکه با او مهربانی کند و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که با منافق بزبان خوش سازگاری بکن و محبت قلبی خود را خالص گردان برای مؤمنان و اگر یهودی با تو همنشینی کند
نیکو مجالست کن با او و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که مهربانی کن با مردم تا ترا دوست دارند و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که محبت
آدمی را برای برادر مسلمانش صاف و خالص میگرداند اول آنکه چون با او برخورد بخوشروئی و خوشحالی او را ملاقات کند دوم آنکه جا برای او بگشاید
چون نزد او بنشیند سیم آنکه بهترین نامی که دوستتر دارد او را بخواند و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی کردن نصف عقل است و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون کسی را دوستداری دوستی خود را با او ظاهر کن که بیشتر باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله قسمت میکردند نظر کردنهای خود را میان اصحاب خود که بیکی بیشتر از دیگری نظر نمیکردند و هرگز
در حضور اصحاب خود پاها را دراز نکردند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوان
و چون غایب باشد نامش را بگو و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند و میرزا و آقا و نواب و امثال اینها و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که چون کسی برادر مسلمان خود را دوست دارد باید که نام او را و نام پدر و قبیله و خویشانش را بپرسد از او که این از جمله حقوق لازمه برادری و دوستی است
و اگر نه آن آشنائی احمقان خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود که حسرت سه چیز است یکی آنکه شخصی برای کسی طعامی مهیا کند و او خلف وعده کند و نرود که طعام او را
بخورد دوم آنکه شخصی با کسی مصاحبت و همنشینی کند و ملاحظه نکند که کیست و از کجاست تا از او جدا شود سیم آنکه کسی با زن خود جماع کند و پیش از آنکه
زن آب بریزد او آب بریزد بلکه میباید که تأنی بکند و مکث کند تا هر دو با هم آب بریزند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که بسیار
پرده از میان خود و برادر خود برمدار که باعث برطرف شدن حیاست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه از روی برادر مؤمن کاهی
یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تعالی ده حسنه در نامه عملش بنویسد و هرکه تبسم کند در روی برادر مؤمن حق تعالی برای او حسنه بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که هرکه خاشاکی یا مانند آن از برادر مؤمن بردارد و او در برابر آن عمل بگوید اماط الله عنک ما تکره یعنی خدا دور کند از تو آنچه را نمیخواهی
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از آنکه کسی بگوید بکسی لا وحیوتک وحیوة فلان چنانچه در فارسی
میگویند بجان تو و جان فلانی و در حدیث دیگر فرمود که بدترین امت من جماعتی اند که مردم ایشان را گرامی میدارند از ترس بدی ایشان
بدرستی که از من نیست هرکه چنین باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ولد الزنا را چند علامتست اول آنکه دشمنی
اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم دوم آنکه مایل است بآن حرامی که از آن خلق شده است سیم آنکه دین را خفیف و سبک
بشمارد چهارم آنکه مردم را در حضور ایشان آزار میکند و هیچکس را با مردم بد نمیخورد و آزار ایشان نمیکند مگر آنکه یا ولد الزناست یا
در حیض مادرش با او حامله شده است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که زنهار که با مردم منازعه مکنید که کرامت را
میبرد و دوستی را برطرف میکند و پیوسته جبرئیل مرا نهی میکرد از مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن و بت پرستیدن و از حضرت صادق
منقولست که کینه مؤمن در همان محل میباشد که نشسته است چون از برادرش جدا شود دیگر در دلش کینه نمیماند و کینه کافر در تمام عمرش میباشد و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول آمد و گفت مرا وصیتی بفرما حضرت فرمود که ملاقات کن برادر خود را
با روی گشاده و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حد نیکی خلق آنست که مهربانی کنی و سخنت را نیکو کنی و با مردم بروی خوش برخوری
و حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که خوشحال و خوشرو با مردم برخوردن کینه را میبرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سه چیز است که از مکارم
دنیا و آخرتست آنکه عفو کنی از کسیکه بر تو ظلم کند و پیوند کنی با کسیکه از تو ببرد و حلم کنی از کسیکه با تو بیخردی کند و در حدیث دیگر فرمود
که هرکه خشمی را فرو خورد خدا عزتش را در دنیا و آخرت زیاده گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه خشمی را فرو خورد
و قادر باشد که از او عمل آورد حق تعالی دلش را از ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت فصل نهم در فضیلت ذکر خدا در مجالس کردن

ازحضرت

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که مبادرت کنید بسوی باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت فرمود
که حلقها و مجمعها که یاد خدا در آن کنند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که در همه جا خدا را یاد کنید که او با شماست و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله از هیچ مجلسی برنمیخواستند هرچند اندکی نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار
میکردند و در احادیث معتبره منقولست از رسول خدا صلی الله علیه وآله که یادکننده خدا در میان غافلان مانند کسی است که در راه خدا
جهاد کند در هنگام گریختن دیگران و چنین کسی ثوابش بهشت است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مجلسی که
در آن جمع شوند نیکوکاران و بدکاران و برخیزند و یاد خدا در آن مجلس نکرده باشند آن مجلس در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان خواهد
بود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند
آن مجلس حسرت و وبالست بر ایشان در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که نوشته است در تورات که
تغییر نیافته است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود سؤال کرد که خداوندا مجلسی چند بر من وارد میشود که ترا عزیزتر و جلیل‌تر میدانم
از آنکه ترا در آن مجلس یاد کنم حق تعالی در جواب فرمود که یا موسی نام من بردن و یاد من کردن در همه حال نیکوست و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی که بهتر از مجمع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی
میفرماید که هرکه مرا یاد کند در میان مجمعی از مؤمنان من او را یاد کنم در میان مجمع ملائکه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
هرکه خواهد که در قیامت ثواب کامل یابد در وقتیکه میخواهد برخیزد از مجلس بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که این کفاره گناهان این مجلس است فصل دهم در فضیلت ذکر حضرت
رسول صلی الله علیه وآله و ائمه طاهرین علیهم السلام در مجالس و نشر علوم ایشان نمودن و احادیث فضایل ایشان را یاد کردن
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر قومیکه در مجلسی جمع شوند و خدا را یاد نکنند و ما را یاد نکنند آن مجلس بر ایشان حسرت
خواهد بود در قیامت و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که یاد ما کردن از یاد خداست و یاد دشمن ما کردن از یاد شیطانست
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی را ملکی چند هست که ایشان میگردند در زمین هرگاه میگذرند بر جماعتیکه یاد محمد
و آل محمد میکنند بیکدیگر میگویند که بایستید که مطلب خود را یافتیم پس می‌نشینند و با ایشان شریک میشوند در آن امر چون
ایشان برمیخیزند اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر میشوند اگر غایب شوند جستجوی ایشان
میکنند و در حدیث دیگر فرمود که ملائکه که در آسمانهایند نظر میکنند بسوی یک و دو و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد

از اهل مجلس پس بیکدیگر میگویند که می‌بینید این جماعت را با کمی ایشان و بسیاری دشمنان ایشان فضیلت آل محمد را ذکر میکنند پس طایفه دیگر از
ملائکه در جواب ایشان میگویند که این فضل خداست بهر که میخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام
محمد باقر علیه السلام از میسره پرسیدند که آیا شما شیعیان با یکدیگر خلوت میکنید و از علوم اهل بیت و فضایل ایشان آنچه میخواهید میگویید گفت
بلی والله حضرت فرمود که والله که من دوست میدارم که با شما باشم در آن مجالس والله که من بوی شما و نسیم شما را دوست میدارم و بدرستیکه
شما بر دین خدا و ملائکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزکاری از محرمات و سعی در طاعات و در حدیث دیگر فرمود که جمع نمیشوند
سه نفر از مومنان یا زیاده مگر آنکه از ملائکه مثل ایشان جمع میشوند و اگر خیری از خدا مطلب میکنند ملائکه آمین میگویند و اگر پناه بخدا میبرند از شری
دعا میکنند ملائکه که خدا آن بدی را از ایشان دور گرداند و اگر حاجتی مطلب میکنند ملائکه از خدا سؤال میکنند که حاجت ایشان را برآورد و جمع نمیشوند
سه نفر یا زیاده از انکار کنندگان حق اهل بیت مگر آنکه ده برابر ایشان از شیاطین حاضر میشوند و هر سخنی که میگویند شیاطین هم مثل سخن ایشان
سخن میگویند و اگر میخندند با ایشان میخندند و اگر مذمت دوستان خدا میکنند با ایشان موافقت میکنند پس اگر کسی از مؤمنان مبتلا شود بهم نشینی ایشان چون
شروع کنند بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک و همنشین شیاطین نباشد که هیچکس تاب مقاومت غضب خدا ندارد و لعنت خدا را
هیچ چیز دفع نمیکند و اگر نتواند که برخیزد بدل انکار کند و اندک ساعتی برخیزد و باز برگردد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هیچ چیز
شیطان و لشکرهای او را مجروح نمیکند مثل زیارت برادران مؤمن بر دین یکدیگر از برای خدا بدرستیکه دو مؤمن که با یکدیگر می‌نشینند و یاد خدا میکنند
پس فضیلت ما اهل بیت را یاد میکنند بر روی شیطان هیچ پاره گوشت نمیماند مگر آنکه فرو میریزد تا آنکه روحش استغاثه می‌آید از شدت
المی که از این امر مییابد پس ملائکه آسمانها و خازنان بهشت بر این معنی مطلع میشوند و او را لعنت میکنند و هیچ ملک مقربی نمیماند مگر آنکه او را
لعنت میکند پس ناامید و محروم و مطرود بر زمین می‌افتد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زینت دهید مجالس خود را بذکر فضایل
علی بن ابیطالب صلوات الله علیه که در او هفتاد خصلت از خصلتهای پیغمبران هست و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برادر علی بن ابیطالب را فضیلتی
چند قرار داده است که از بسیاری احصای آن نمیتوان کرد پس هر که یک فضیلت از فضایل او را ذکر کند از روی اقرار و اذعان گناهان گذشته
و آینده اش آمرزیده شود هرچند در قیامت با گناه جن و انس بیاید و هر که یک فضیلت از فضایل او را بنویسد تا علامتی از آن کتابت باقی باشد ملائکه
از برای او استغفار کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از فضایل آنحضرت خدا بیامرزد گناهانی را که بگوش دادن کرده باشد و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی
از فضایل آنحضرت در آن نوشته باشد خدا از او بیامرزد گناهانی را که بچشم کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که بیک راهی برود برای طلب علم
حق تعالی راهی برای او بگشاید بسوی بهشت و بدرستیکه ملائکه بالهای خود را میگذارند از برای طلب کننده علم بار ضا و خوشنودی و استغفار میکنند

از برای

از برای طلب کننده علم هر که در آسمان و هر که در زمین است حتی ماهیان دریا و فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه است در شب چهارده بر ستارگان
و در حدیث دیگر فرمود که اف باد بر مردی که در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد برای یاد گرفتن مسائل دین خود و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی میفرماید که مذاکره علم در میان بندگان من دلهای مرده را زنده میکند و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مذاکره کنید و ملاقات کنید
و حدیث نقل کنید که حدیث جلا میدهد دلها را و بدرستیکه دلها زنگ میگیرد چنانچه شمشیر زنگ میگیرد و جلای دلها حدیث است و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مذاکره علم ثواب نماز مقبول دارد فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران و آداب آن از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که نفس خود را بمخاطره می‌اندازد کسیکه مستغنی میشود برای خود از برای دیگران و در حدیث دیگر
فرمود که مشورت کن با جماعتی که از خدا بترسند و دوست دار مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان بر حذر باش
اگر ترا به نیکی امر کنند مخالفت کن پیش تر تا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسیکه
مسلمانی با او مشورت کند و آنچه خیر او در آنست نگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر گروهی که با یکدیگر مشوره کنند و در میان
ایشان کسی باشد که نامش محمد یا احمد یا حامد یا محمود باشد در مشوره ایشان داخل باشد البته آنچه خیر ایشانست ظاهر میشود و از حضرت صادق ع
منقولست که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی که نعمت الهی برای تو مستقیم باشد و مروت تو کامل باشد و زندگانی تو نیکو باشد در امور خود
مشوره مکن با بنده و با مردم دون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مشوره مکن با جاهل و ترسان که راه بدر رفتن را بر تو
تنگ میکنند و مشوره مکن با بخیل که مانع میشود ترا از رسیدن بنهایت مقصود خود و مشورت مکن با کسیکه حرص دنیا داشته باشد که زینت
میدهد برای تو هر راهی را که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسیکه طلب خیر از خدا میکند حیران نمیشود و کسیکه در کارها با مردم
مشوره میکند پشیمان نمیشود و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هلاک نمیشود کسیکه مشوره کند و در حدیث دیگر منقولست
که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام با آن عقل کامل مشورت میفرمودند با سیاهی از غلامان خود و میفرمود که بسا باشد
که خدا خیر ما را بر زبان او جاری کند و در احادیث معتبره منقولست که با عاقل دین دار پرهیزکار مشورت کن و چون چیزی بگوید خلاف
آن مکن که مورث فساد دنیا و آخرت تو میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که برادر مؤمنش با او مشوره کند و آنچه محض خیر
او داند نگوید خدا عقل و رایش را برطرف کند و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کردن حدی چند دارد که هر که انها را نداند مضرت مشورت برای
او بیش از منفعتش است اول آنکه آنکس که با او مشوره میکند عاقل باشد دویم آنکه آزاد متدین باشد سیم آنکه برادر و دوست باشد چهارم
آنکه او را بر تمام سر خود مطلع کند چنانچه خود جهات آن امر را میداند و هم بداند اما پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا که اگر عاقل است منتفع میشوی

مشورت او و اگر آزاده و دین دار است آنچه حق سعی است میکند در خیرخواهی تو و اگر یار و دوست دار تست چون راز خود را با او گفتی افشا نمیکند
و بدانکه از برای فضیلت مشورت و اهتمام در آن همین کافیست که حق تعالی پیغمبر خود را که اعقل مکونات بود در قرآن مجید امر بمشوره فرموده
که وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله یعنی مشورت کن با اصحاب خود در امور پس چون عزم اراده کنی توکل کن بر خدا **فصل دوازدهم**
در آداب نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مهربانی و مواصلت میان برادران مؤمن در حضر بایست که بدیدن یکدیگر روند
و در سفر بایست که نامه بیکدیگر بنویسند و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که جواب نامه نوشتن واجبست مانند جواب سلام گفتن و در حدیث
دیگر فرمود که ترک مکن نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم را اگرچه بعد از آن شعری نویسی و فرمود که مینویسی بسم الله الرحمن الرحیم را بهتر از سایر چیزها که مینویسی
بنویسی و در حدیث موثق از آن حضرت پرسیدند که در نامه ابتدا باسم آنشخص که نامه را باو مینویسند پیش از نام خود کردن چونست فرمود که باکی نیست
این اکرامیست که او میکنند و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت امر فرمود که نامه بجائی بنویسند چون بدست آنحضرت دادند فرمود که چگونه امید
دارید که آنچه در نامه نوشته اید بعمل آید و حال آنکه انشاء الله در جاهائیکه مناسب است ننوشته اید پس فرمود که ببین هرجا که انشاء الله در کار
بنویس و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون نامه را نوشتید خاک بر روی نامه بپاشید که حاجت بهتر روا میشود
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام علی نقی علیه السلام در اول نامه مینوشتند بسم الله الرحمن الرحیم اذکر ان شاء الله و الامر بید الله و فرمود
که اگر باو میگوئیم که کسیکه ترک میکند گفتن و نوشتن بسم الله را در کارها و نوشتنها مثل کسیست که نماز را ترک کند هر آینه راستست گفته ام
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از نامه نوشتن استدلال بر عقل و بینائی او میتوان کرد و از رسول و ایلچی او استدلال
بر فهم و زیرکی او میتوان کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون رقعه یا نامه برای حاجتی نویسی و خواهی که آن حاجت برآید بقلم بی
مداد بر سر رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله
و ایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون راوی گفت که هرگاه چنین میکردم حاجتم برآورده میشد و در حدیث صحیح منقولست که
از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند که کاغذها نزد ما جمع میشود آیا بآتش میتوان سوزانید هرگاه در آنها نام خدا باشد فرمود که نه بلکه
بآب اول بشویند و در حدیث صحیح دیگر منقولست از حضرت صادق علیه السلام که کاغذها را مسوزانید ولیکن محو کنید و بدرید و در
حدیث حسن منقولست که از آن حضرت پرسیدند که نامی از نامهای خدا را بآب دهن محو میتوان کرد فرمود که بپاکترین چیزیکه بیابید
محو کنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کتاب خدا و نام خدا را بپاکترین چیزی که مییابید محو کنید و نهی فرمود
از آنکه بسوزانند قرآن را و از آنکه بقلم محو کنند و در بعضی از نسخهها بجای قلم قدم است **باب دوازدهم** در آداب خانه و داخل شدن و بیرون

رفتن

رفتن **فصل اول** در گشادگی خانه در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از سعادت آدمی آنست که خانه او گشاده
باشد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام خانه خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آنخانه ساکن شو که خانه تو
تنگ است آنشخص گفت که این خانه است که پدرم احداث کرده است بدرستیکه من نتوانم رفت حضرت فرمود که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز
میباید احمق باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه چیز است که موجب راحت مؤمن است خانه گشاده که عیبها و امور
مخفی او را از مردم پنهان دارد و زن صالحه که امور دنیا و آخرت او را یاری نماید و دختری یا خواهری که او را از خانه بیرون کند یا مردن یا شوهر
دادن و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که نیکی زندگانی در گشادگی خانه و بسیاری خدمتکاران است و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت
دنیا در فراخی خانه و بسیاری دوستانست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که از شقاوت زندگانیست خانه تنگ و در روایت
دیگر منقولست که شخصی از انصار از تنگی خانه شکایت کرد برسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که آواز بلند از خدا طلب کن گشادگی در خانه
تو بلند و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت آدمی آنست که فرزندش باو شبیه باشد و زن خوشروی دیندار داشته باشد و در حدیث دیگر
و چهارپای رهوار داشته باشد و خانه گشاده داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که شومی خانه در تنگی ساحت و بدی همسایگان و بسیاری
عیبهای آن است و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادتست زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته و مرکب نیکو و چهار چیز است
که از شقاوتست همسایه بد و زن بد و خانه تنگ و مرکب بد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از تلخی زندگانیست از خانه بخانه نقل
کردن و نان بازار خوردن **فصل دوم** در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن و بسیار بلند ساختن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که مالی را از غیر حلال کسب کند حق تعالی بر او مسلط میگرداند عمارت کردن را و خاک و آب را که آن مال حرام او را در آنجا ضایع کند و
در حدیث دیگر که هر بنائیکه زیاده بر قدر احتیاج باشد در قیامت وبالست بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هر که عمارت کند زیاده از آنچه در آن
سکنی نماید در قیامت او را تکلیف میکنند که آنرا بردارد و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که خدا در زمین خود بقعه چند قرار
داده است که آنرا مرحومات مینامند که دوست میدارد که نام او را در آن بقعها ببرند و او را بخوانند و اجابت دعای ایشان بکند و
خدا در زمین خود بقعه چند قرار داده است که آنها را منتقمات مینامند پس چون کسی مالی را از غیر حلال کسب کند خدا یکی از آن بقعها را بر او مسلط
میگرداند که آن مال را در آنجا صرف نماید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه از در خانه شخصی گذشتند
که صاحبش آنرا با آجر ساخته بود پرسیدند که این خانه کیست گفتند شخصی است که از فلان مرد غافل مغرور پس بر خانه دیگر گذشتند که از نیم آجر
ساخته بود حضرت فرمود که این خانه از مغرور غافل دیگر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خانه بنا کند از برای ریا

و همه که مردم ببینند و بشنوند در روز قیامت آنخانه را تا هفتم طبقه زمین آتشی کنند و در گردن او اندازند پس او را در جهنم اندازند
و هیچ چیز او را از آن نگاه ندارد تا در جهنم مگر آنکه توبه کند پرسیدند که یا رسول الله برای ریا و سمعه ساختن چه معنی دارد فرمود که یعنی زیاده از قدر حاجت
بسازد برای آنکه زیادتی کند بر همسایگانش و فخر و مباهات کند با برادرانش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی ملکی را موکل
گردانیده است بعمارت که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند باو میگویند تا کجا میخواهی بروی ای فاسق و در روایت دیگر
ای فاسقترین فاسقان و در چند روایت معتبره وارد شده است که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند کند جنیان و شیاطین
در آنجاها مسکن میکنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام که جنیان آزار اهل خانه و عیال من میکنند حضرت
پرسیدند که ارتفاع سقف خانه تو چه مقدار است گفت ده ذرع است حضرت فرمود تا هشت ذرع از زمین بپیما و از هشت
تا ده آیة الکرسی بنویس بر دور خانه زیرا که هر خانه که ارتفاع آن زیاده از هشت ذرع است جنیان در آنخانه حاضر میشوند و در آنجا
مسکن میکنند و در چند حدیث دیگر منقولست که هر خانه که ارتفاعش زیاده از هشت ذرع باشد بر سر هشت ذرع آیة الکرسی بنویس و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بدر کرده اند حضرت فرمود که سقف خانهای خود را
هفت ذرع کنید و کبوتر در اطراف خانه جا دهید راوی گفت که چنین کردیم دیگر بدی ندیدیم و در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که ساکن خانه خود را هفت ذرع که آنچه زیاده از هشت ذرع است شیطان در آنجا ساکن میشود زیرا که شیطان در آسمان
و در زمین نمیباشد بلکه در میان هوا میباشد و در روایت معتبر منقولست که ابو خدیجه گفت که در خانه حضرت صادق علیه السلام دیدم که آیة الکرسی
بدور حجره نوشته بودند و در جانب قبله نمازگاه آنحضرت نیز آیة الکرسی نوشته بودند **فصل سیم** در نقاشی کردن و تصویر کشیدن
و صورت صاحب روح کشیدن که سایه داشته باشد مشهور میان علما آن است که حرام است و چنین صورتی را بر دیوارها
و جامها نقش کردن مکروه است و بعضی بحرمت قایل شده اند و احوط آن است که طلاکاری نکنند و مطلقا صورت نکشند حتی صورت
درخت و امثال آن خصوصا صورت انسان که تمام باشد و اگر صورتی کشیده شد بهتر آن است که آنرا ناقص کنند مثل آنکه چشمش را
کور کنند یا عضوی از آن را محو کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که جبرئیل گفت که یا محمد پروردگارت سلام میرساند
و ترا نهی میکند از تمثالها و صورتها کشیدن در خانها و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که جبرئیل گفت که ما گروه ملائکه داخل خانه نمیشویم
که در آن سگ باشد یا صورت بدنی باشد یا ظرفی باشد که در آن بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که صورتی بسازد در قیامت
او را عذاب کنند که جان در آن صورت بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از بالش

و فرشی

و فرشی که صورت داشته باشد فرمود که باکی نیست که در خانه باشد صورتی که پامال شود و بر رویش نشینند و راه روند و در حدیث حسن از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که باکی نیست که صورتها در خانه باشد اگر سرش را تغییر دهند و سایر بدنش بحال خود باشد و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که نماز مکن در خانه که صورتی در برابر تو باشد مگر آنکه چاره نداشته باشی پس سر آن صورت را
قطع کن و نماز مکن و در چند حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا بمدینه فرستادند
که هر صورتی که باشد محو کنم و قبرهای بلند را هموار کنم و سگها را بکشم و در دو حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عمارت بر بالای
قبرها مکنید و صورت در سقف خانها مکشید که حضرت رسول از این دو چیز کراهت داشتند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند
از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماه فرمود که باکی نیست اگر صاحب حیوة نباشد **فصل چهارم** در آداب فرش خانه از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که سه چیز است که از مروت است نیکوئی چهارپا و غلام خوش رو و فرش نفیس و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که آدمی را فرشی از برای خود و فرشی از برای زوجه خود و فرشی برای مهمان در کار است و زیاده از این از شیطانست و در روایت دیگر منقولست
که در خانه امام زین العابدین صلوات الله علیه بالشها و غدها بود که در آنها تمثالها و شکلها و صورتها بود و بر روی آنها می نشستند و در حدیث
دیگر منقولست که جمعی بخانه آنحضرت آمدند و بالشها و فرشهای نفیس دیدند و عرض کردند که ما در منزل شما چیزی چند می بینیم که خوش نمی آید ما را
حضرت فرمود که ما زنان میخواهیم و مهرهای ایشانرا میدهیم ایشان آنچه میخواهند از برای خود میخرند آنها از ما نیست و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که آنحضرت در خانه مزینی نشسته اند که فرشهای نیکو در آن گسترده اند پس روز دیگر رفت
دید که در خانه نشسته اند که بغیر از حصیر چیزی در آن نیست و خود پیراهن کهنه پوشیده اند پس حضرت فرمود که آنچه دیروز دیدی آنخانه از من نبود
از زوجه من بود و دیروز نوبه او بود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که شخصی می نشیند بر فرشی که در آن صورتها
هست فرمود که عجمان تعظیم میکنند چنین فرشی را و ما آنرا دشمن میداریم و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت امام موسی علیه السلام
پرسیدند از فراش حریر و دیبا که آیا بر روی آن میتوان خوابید و تکیه کرد و نماز کرد حضرت فرمود که در زیر می اندازی و بر روی آن
می ایستی اما سجده بر آن نمیکنی و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر می نشستند
و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای کهنه میپوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند و در روایات
معتبره منقولست که چون حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه صلوات الله علیهما را تزویج کردند پوشش ایشان عبائی بود
و فرش ایشان پوست گوسفندی بود و بالش ایشان پوستی بود که در میان آن لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث دیگر منقولست

که حضرت صادق علیه السلام فرمود که بسیار است که نماز میکنم و در پیش روی من بالشی هست که در آن صورت مرغان هست پس جامه بر روی آن
می اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از شام برای من هدیه آوردند و در آنها صورت مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سرهای ایشان را تغییر دادند
و صورت درخت کردند و در حدیث دیگر منقول است از آن حضرت که کراهت دارد نقشها که بر فرشها می گسترند اما صورتها
است حضرت فرمود چیزی که فرش کنند و پهن کنند و بر روی آن راه روند باکی نیست اما صورتهائی که بر دیوار و کرسی نصب کنند خوب نیست

فصل پنجم در آداب عبادت کردن در خانه در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
حجره در خانه مقرر فرموده بود که در آنجا بغیر از فرشی و شمشیری و مصحفی دیگر چیزی نبود و در آن حجره نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر فرمود که
حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه حجره در خانه خود قرار داده بودند که بسیار کوچک بود و نه بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود و چون شب می شد
طفلی را با خود بآن حجره می بردند و در آنجا نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است که آنحضرت گوشه خانه که جمع دوست میدارم از برای تو
که در خانه خود نمازگاهی قرار دهی و دو جامه کهنه که بپوشی و در آن موضع بروی و از حق تعالی سؤال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و ترا داخل بهشت گرداند
و دعای نامشروع مکن و نفرین بر کسی مکن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که منور گردانید خانهای خود را بتلاوت قرآن و
خانهای خود را مثل گورها مکنید چنانچه یهود و نصاری کردند که نماز را در معبدهای خود میکردند و خانهای خود را معطل میگذاشتند بدرستی که خانه
که در آن تلاوت قرآن بسیار شود خیر آنخانه بسیار میشود و اهلش برخوردار میشوند و آنخانه روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستارها
روشنی میدهند اهل زمین را و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خانه که مسلمان در آن قرآن خواند اهل آسمان آنخانه را
بیکدیگر مینمایند چنانچه کواکب آسمان را اهل زمین بیکدیگر مینمایند و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقول است که خانه که در آن قرآن
خوانده میشود و یاد خدا در آنخانه کرده میشود برکت آنخانه بسیار میشود و ملایکه حاضر میشوند و شیاطین دور میشوند و روشنی میدهد آسمان را
چنانچه ستارها اهل زمین را روشنی میدهند و خانه که در آن قرآن خوانده نشود و یاد خدا در آن نکنند برکت آنخانه کم میباشد
و ملایکه دوری میکنند و شیاطین در آنخانه حاضر میشوند

فصل ششم در نگاهداشتن حیوانات در خانه خصوصا کبوتر و خروس از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که حیوانات در خانه بسیار دارید که شیاطین بآنها مشغول شوند و باطفال شما ضرر نرسانند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خوبست حیوانات در خانه نگاهداشتن مثل کبوتر و مرغ و بزغاله تا آنکه اطفال جنیان با آنها
بازی کنند و با اطفال شما بازی نکنند و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله شکایت کرد از تنهائی حضرت فرمود که جفت
کبوتر در خانه نگاهدار و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کبوتر از مرغان پیغمبرانست و در حدیث حسن دیگر فرمود که کبوتران

حرم از نسل کبوتری چندند که حضرت اسمعیل علیه السلام نگاه داشته بودند و با آنها انس میگرفتند پس مستحب است که در خانه کبوتر چند نگاه
دارید باشا نزاچیده باشند که با آنها انس بگیرند و در حدیث دیگر فرمود که هر خانه که در آنخانه کبوتر باشد آفتی از جن باهل آنخانه نمیرسد زیرا که
بیخردان جن بازی میکنند در خانه چون کبوتر در خانه هست مشغول آن میشوند و مشغول آدمی نمیشوند و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگاه
دارید که دوست داشتنی است و دعا کرده حضرت نوح است و تسبیح میکند در خانه و نشستن آن باعث انس میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که هر بالی که کبوتر میزند باعث نفرت و گریختن شیاطین میشود و در روایت دیگر از داود بن فرقد منقول است که گفت
در خانه حضرت صادق علیه السلام کبوتر راعبی دیدم که بسیار میخواند حضرت فرمود که میدانی این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود که نفرین میکند
بر قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام پس ایشان را در خانه خود نگاهدارید و در حدیث دیگر منقول است که راوی گفت که آن حضرت را
دیدم که از برای کبوتر چند که در خانه آن حضرت بودند نان ریزه میکردند و در حدیث دیگر از عبد الکریم منقول است که گفت رفتم بخانه
آنحضرت دیدم که سه کبوتر سبز در خانه آنحضرت بود عرض کردم که اینها خانه را کثیف میکنند حضرت فرمود که مستحب است نگاهداشتن اینها
در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله یک جفت کبوتر سرخ بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین
تباهی کشته بودند که جنیان سنگ در آنجاه می انداختند حضرت آمدند و بر سر آن چاه ایستادند و فرمودند که دست از این عمل بردارید
و اگر نه کبوتر در اینجا میدهم پس فرمود که صدای بال کبوتر شیاطین را دفع میکند و از مهرین کرامه منقول است که گفت بخدمت حضرت
امام موسی علیه السلام رفتم یک جفت کبوتر در منزل حضرت دیدم که کبوتر نر سبز بود و نقطهای سفید داشت و کبوتر ماده سیاه بود و حضرت نان
از برای آنها ریزه میکردند و فرمود که اینها در شب حرکت میکنند و مونس من هستند و هر مرتبه که در شب بال میزنند جنیان و شیاطین
که داخل خانه شده اند دفع میکنند و در چند حدیث از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کبوتر را بجای دور میفرستند تا پی فرخ
راه از روی دانائی بر میگردد و آنچه زیاده از این است از روی دانائی نیست بلکه با نخوردن و تقدیر آن زمی آورد و در چند حدیث منقول است
که کبوتر خانگی ها کبوتر با هو یاد خدا بسیار میکنند و اهل بیت را دوست میدارند و صاحب خانه را دعا میکنند که خدا شما را برکت دهد
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خروس بال کشوده سفیدی که در خانه باشد آنخانه و هفت خانه دور آنخانه را
از بلاها نگاه میدارد و یکبال زدن کبوتر دو رنگ بهتر است خروس سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس یار من و یار هر مومنی است
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که در خروس پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران هست سخاوت و شجاعت و شناختن وقت
نمازها و بسیاری جماع کردن و غیرت و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فریاد کردن خروس نماز او ست و بال زدن

رکوع و سجود اوست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دشنام مدهید خروس را که از برای نماز مردم را بیدار میکند فصل
هفتم در نگاهداشتن گوسفند در خانه در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که یک گوسفند نگاهدارند
خدا روزی آن گوسفند را بایشان بدهد و روزی ایشانرا زیاده کند و فقر از ایشان یک منزل دور شود و اگر دو گوسفند نگاهدارند خدا
روزی آنها را برساند و روزی ایشانرا زیاده گرداند و پریشانی از ایشان دو منزل دور شود و اگر سه گوسفند نگاهدارند حق تعالی روزی آنها را برساند
و روزی ایشانرا زیاده گرداند و پریشانی در اصل برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که نزد ایشان گوسفند
شیردهی باشد هر روز دو مرتبه ملائکه بایشان گویند که خدا شما را برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که
در خانه او یک شیرده باشد هر روز یکمرتبه ملکی در طرف صبح ایشانرا دعا کند که مطهر و پاک باشید شما و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما
و نیکو باد نان خورش شما و اگر دو بز شیرده باشد هر روز دو مرتبه ملک چنین دعا کند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
با عمه خود فرمود که چه مانع است ترا از آنکه در خانه خود برکت نگاهداری گفت یا رسول الله برکت کدام است فرمود که گوسفندی که شیر دهد پس فرمود
که هر که در خانه او گوسفند شیرده یا بز شیرده یا گاو شیرده باشد باعث برکت خانه او میشود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برکت فرستاده
آب و آتش و او گوسفند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که سی گوسفند بهرسین داخل خانه ایشان شوند ملائکه
نگاهبانی ایشان میکنند تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند نگاهدار و شتر نگاه مدار و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو مالیست
گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که چون گوسفند نگاهدارید خوابگاههای ایشانرا پاکیزه کنید و خاک از بدن ایشان پاک کنید فصل هشتم
در بیان احوال سایر طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن ایشان روا است یا روا نیست در حدیث معتبر منقولست که فاخته در خانه حضرت
امام محمد باقر علیه السلام بود آنحضرت روزی شنید که او خواندگی میکرد فرمود که میدانید که چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید فقدتکم فقدتکم یعنی نیست شوید
نیست شوید پس فرمود که ما او را دفع کنیم پیش از آنکه او ما را دفع کند پس فرمود که آنرا کشتند و در حدیث دیگر منقولست که روزی حضرت
صادق علیه السلام بخانه اسمعیل فرزند خود آمدند دیدند که فاخته را در قفس کرده است و فریاد میکند حضرت گفت ای فرزند چه باعث شده است ترا که این
فاخته را نگاهداشته مگر نمیدانی که این شوم است مگر نمیدانی که نفرین میکند صاحبخانه را پس آنرا نیست کنید پیش از آنکه شما را نیست کند
و در حدیث معتبر منقولست که روزی حضرت صادق علیه السلام نشسته بودند شیخی گذشت و پرستوک کشته در دست داشت حضرت
برخواستند و آنرا از دست او گرفته بر زمین زدند و فرمودند که آیا عالم شما امر کرده است شما را که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدرستی که خبر
داد مرا پدرم از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از کشتن شش جانور زنبور عسل و مورچه و وزغ و صرد و هدهد و پرستوک اما زنبور عسل زیرا
که ماکره

که ماکره میخورد و ماکره از او جدا میشود و آن بسبب چیزی که خدا باو وحی کرده است که نه از جن است و نه از انس و در اینجا که فرموده است و اوحی ربک
الی النحل و اما مورچه زیرا که قحطی در زمان حضرت سلیمان علیه السلام بهم رسید و بطلب باران با اصحاب خود بیرون رفتند ناگاه مورچه را دیدند آنحضرت که بپا
ایستاده و دست باسمان دراز کرده و میگوید که پروردگارا ما از جمله آفریدهای تو ایم و ما را امکان نباشد بی‌خبر از فرزندان آدم پس حضرت سلیمان گفت برگردید
که حق تعالی بدعای دیگری شما را باران داد و اما وزغ زیرا که چون نمرود آتش برای حضرت ابراهیم علیه السلام افروخت جانوران زمین از خدا
رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش بریزند حق تعالی بهیچیک رخصت نفرمود بغیر از وزغ پس دو ثلث آن از آتش سوخت و یک ثلث
آن باقی ماند و اما هدهد زیرا که آن دلیل حضرت سلیمان بود بسوی ملک بلقیس و اما صرد مرغیست که سر بزرگی دارد و گنجشک را شکار میکند زیرا که
رهنمای حضرت آدم بود از بلاد سراندیب تا بلاد جده یکماه و اما پرستوک زیرا که از گردیدن آن در هوا برای تاسف و اندوهیست که بر مظلومیت
اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است مگر نمی‌بینی که در آخر خواندگی خود میگوید و لا الضالین و در حدیث صحیح
منقولست که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از کشتن مورچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کند و پرسیدند از کشتن
هدهد فرمود که آزارش مکن و مکش و ذبح مکن که نیکو مرغیست آن و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام که حضرت رسول
نهی فرمود از کشتن پنج جانور صرد و صوام که مرغیست در میان نخلستانها میباشد و معروفست و هدهد و مورچه و مگس عسل
و مورچه و وزغ و امر فرمود بکشتن پنج جانور کلاغ و گوگوزه و مار و عقرب و سگ درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که ماری را بکشد چنانست که کافری را کشته است و در حدیث موثق منقولست که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از کشتن مار
حضرت فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که مار را برای این بکشد که کشتن آن گناه است از من نیست اما اگر برای این
نکشی که حیوانیست و بتو آزار نمیرساند باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه حیوانی را
بآتش بسوزانند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی عذاب فرمود زنی را از برای آنکه گربه را بسته بود تا از تشنگی مرده بود
و در دو حدیث معتبر منقولست که باکی نیست بکشتن مورچه خواه آزار کند و خواه نکند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که پرستوک را حرمت بدارید که زیاده از همه مرغان انس بمردم میگیرند و در ذکری که میکند سوره میخواند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که در هر بال هدهد بزبان سریانی نوشته است که آل محمد خیر البریه یعنی آل محمد بهترین خلایق‌اند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که مخورید هوچه را و دشنام مدهید و مدهید باطفال که بازی کنند که تسبیح خدا بسیار میکند و تسبیحش اینست که لعن الله مبغضی آل
محمد علیهم السلام یعنی خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را و در حدیث دیگر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که آن کاکلی که بر سر

هدهد است از دست مالیدن حضرت سلیمان علیه السلام بهم رسیده است زیرا که روزی نری با ماده خود خواست که جمع شود و ماده مضایقه
میکرد نر گفت که میخواهم فرزندی بهم رسد که خدا را یاد کند پس ماده راضی شد چون خواست که تخم بگذارد نر گفت که تخم را کجا میگذاری
گفت میخواهم دور از راه بگذارم نر گفت که اگر نزدیک راه بگذاری بهتر است که اگر کسی ببیند گمان کند که برای دانه چیدن باینجا آمده آن
چنین کردند چون نزدیک شد که جوجه بیرون آید ناگاه دیدند که حضرت سلیمان با لشکرش می آیند و مرغان بر سرش سایه کرده اند ماده گفت
که اینک سلیمان با لشکرش میرسند و میترسم که ما و تخم ما را پامال کنند نر گفت که حضرت سلیمان مرد رحیم مهربانیست آیا نزد تو چیزی
هست که برای جوجه خود پنهان کرده باشی گفت بلی ملخی دارم که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود آیا تو چیزی برای جوجه خود ذخیره کرده گفت که بلی من
خرمائی دارم ماده گفت که پس تو خرمای خود را بردار و من ملخ را برمیدارم و هر دو بخدمت حضرت سلیمان میرویم و هدیه خود را میگذرانیم و حاجت
خود را عرض میکنیم و سلیمان هدیه را دوست میدارد پس نر خرما را بمنقار گرفت و ماده ملخ را بچنگال گرفت و هر دو پرواز کردند نزد حضرت سلیمان
آمدند و آنحضرت بر روی تخت خود نشسته بود چون ایشان را دید دستها را گشود نر بر دست راست آنحضرت نشست و ماده بر دست چپ
و حضرت از حال ایشان سؤال فرمود قصه خود را نقل کردند سلیمان هدیه ایشان را قبول نمود و لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر گردانید و دست
بر سر ایشان مالید و دعا کرد برای ایشان ببرکت پس باین سبب آن کاکل بر سر ایشان بهم رسید و در چند حدیث معتبر وارد شده است که جوجه را
از آشیان شکار مکنید بلکه بگذارید که پرواز کنند بعد از آن شکار کنند و شب بر سر آشیانه مرغان مروید که ایشان را شکار کنید که شب را
در امانند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که باکی نیست شب مرغان را از آشیان گرفتن لهذا علما گفته اند که
مکروهست شب مرغ را در آشیان شکار کردن و جوجه را از آشیان گرفتن و همچنین حیوانات را در شب کشتن مکروهست و در حدیث دیگر
منقولست که در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام تعریف حسن طاوس میکردند حضرت فرمود که هیچ حیوانی حسنش زیاده از خروس سفید نیست
و خروس خوش آوازتر از آن است و برکتش بیشتر است و ترا آگاه میگرداند در وقت نمازها و طاوس نفرین و ویل و عذاب بر خود میکند بآن گناهی
که کرده و بآن سبب مسخ شده است و در حدیث دیگر منقولست که طاوس یمانی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد حضرت از او پرسیدند
که تو طاوسی گفت بلی حضرت فرمود که طاوس مرغ شومیست که بساحت هیچ گروهی داخل نمیشود مگر آنکه ایشان را آواره میکند و در حدیث
دیگر منقولست که سالم بخدمت آنحضرت رفت چون نشست جمعی از گنجشکها فریاد میکردند حضرت فرمود که میدانی چه میگویند گفت نه فرمود
میگویند خداوندا ما آفریده چندیم از آفریدهای تو و چاره نیست ما را از روزی تو پس طعام و آب بده ما را و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام در چنین حالی فرمودند که اینها تسبیح پروردگار خود میکنند و طلب روزی خود از خدا میکنند و در حدیث معتبر

از حضرت

از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که جغد در زمان سابق در خانها جا میکرد و در وقت طعام خوردن نزدیک خوان می آمد و طعام برایش
میبخشیدند و میخورد چون حضرت امام حسین صلوات الله علیه را شهید کردند از آبادانی بیرون رفت و در خرابها و کوهها و صحراها جا گرفت گفت
بد امتی هستید شما فرزند پیغمبر خود را میکشید من ایمن نیستم از شما از آنکه مرا بکشید و در چند حدیث از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تا حضرت
امام حسین علیه السلام را شهید کردند جغد در روزها پیدا نمیشود و همین در شب ظاهر میشود و از آن روز رفته است که در آبادانی جا نگیرد و پیوسته
روزها روزه میباشد و اندوهناک و چون شب میشود افطار میکند و پیوسته ناله و گریه میکند بر حضرت امام حسین تا صبح و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که اگر نه این بود که مگس بر طعام مردم می نشیند هر آینه همه کس بجذام مبتلا میشدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون مگس در ظرف طعام یا آب بیفتد آنرا غوطه دهید و بیندازید که در یک بالش زهر است و در بال دیگرش شفاست و آن
بال زهرآلود را در آب و طعام فرو میبرد و شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضرر نرساند [illegible] در منع از نگاهداشتن سگ در خانه در حدیث حسن
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروهست در خانه مرد مسلمان سگ بوده باشد و در حدیث موثق از آنحضرت منقولست که هیچکس
نیست که سگی که در خانه نگاهدارد مگر آنکه از ثواب عملش هر روز قیراطی کم میشود و در حدیث صحیح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که خیری نیست در سگها مگر در سگ شکاری یا سگ گله و از حضرت صادق منقولست و در دو حدیث موثق که نگاه مدار سگ شکاری را در خانه
مگر آنکه در میان تو و آن دری باشد که بر روی آن بسته شود و در حدیث موثق دیگر فرمود که سگهائیکه تمام بدن ایشان سیاهست از جن اند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سگها از ضعیفان جن اند هرگاه طعام خورید و سگی حاضر باشد یا طعامش بدهید یا دورش
بکنید که نفسهای بد دارند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سگ سیاه یکرنگ یا سرخ یکرنگ باشد اینها از جن اند و سگهای
ابلق مسخ شده اند از جن و انس و در حدیث صحیح از ابو حمزه منقولست که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در میان
مکه و مدینه ناگاه آنحضرت ملتفت شدند بجانب چپ سگ سیاه یکرنگی دیدند فرمودند که چیست ترا قبیح گرداند ترا چه بسیار تند میروی
ناگاه دیدم شبیه مرغی شد و پرواز کرد پرسیدم که این چه چیز بود فرمود که این ایثم نام دارد و پیک جنیانست در این ساعت هشام مرده است
و پرواز میکند بهر شهری و خبر مرگ او را میرساند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله رخصت دادند جماعتی
که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی که سگ نگاه دارند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از پی شکاری
بسیار مروید که بهم ضررست بر شما و چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید پناه برید بخدا از شر شیطان رجیم زیرا که آنها می بینند چیزی چند
که شما نمی بینید و در حدیث موثق منقولست که حیوانات را با یکدیگر بجنگ انداختن خوب نیست مگر سگ که بتازند بر حیوانات برای شکار کردن

و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر حیوانی را که سگ تعلیم کرده شکار کند اگر برسی و جان داشته باشد از او ذبح کن و اگر جان نداشته
باشد حلالست اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هر چه را حیوانات دیگر شکار کنند یا سگی شکار کند که از او شکار کردن نیاموخته
باشند اگر برسی و وقتی که جان داشته باشد و از او بکشی حلالست و اگر نه حرام است و هر حیوانی را که شکار کنی به تیر پیکان دار یا به تیر بی پیکان که
در بدنش فرو رود و از او بکشد اگر برسی و جان داشته باشد از او ذبح کن و اگر جان نداشته باشد نام خدا اگر در وقت انداختن برده حلالست
و همچنین اگر بشمشیر و نیزه و حربهای دیگر شکار کنی این حکم دارد و اگر به سنگ یا تفنگ یا کمان گلوله و سایر چیزها که آهنی ندارد و بسنگینی میکشد شکار
کنی اگر در وقتی برسی که جان داشته باشد و بکشی حلالست و اگر نه حرام است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که شکاری که سگ سیاه بگیرد نکند مخورید زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر فرمود که چنین سگی را بکشند و علما حمل بر کراهت کرده اند
و همچنین نهی وارد شده است از خوردن شکاری که سگی بکند که یهودی یا نصرانی یا مجوسی او را تعلیم کرده باشد و از این حمل بر کراهت کرده اند و همچنین
مکروه است ماهی را شکار کردن در روز جمعه پیش از نماز و در شکار ماهی شرط است که او را زنده از آب بدر آورند و در بیرون آب بمیرد و اگر در میان آب
بمیرد حرام است و باید که مسلمان او را بدر آورد و اگر کافر بدر آورد و مسلمان از او بگیرد و در دست مسلمان بمیرد حلالست و همچنین اگر ماهی خود
بر کنار بجهد و مسلمان او را بگیرد و زنده باشد حلالست و اگر ببیند که زنده است و دست نگرفته بمیرد خلافست و احوط اجتنابست و شکار ملخ
آن میشود که مسلمان آن را بدست خود یا بآلت شکار بگیرد و ملخی که پرواز نیامده باشد حلال نیست و هر که شکار لهو و لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن
باشد و زینت و اندازند جایز نیست و نماز را در چنین سفری تمام میباید کرد و روزه را میباید گرفت و اگر مطلب روزی عیال یا تجارت
باشد حلالست و نماز را قصر میکند و روزه را میخورد و این رساله گنجایش ذکر مفصل شکار ندارد و از محل خود طلب باید کرد فصل دهم در آداب
چراغ افروختن و خانه خریدن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چراغهای را در شب خاموش کنید که آن
فاسقک یعنی موش فتیله را بکشد که آتش در خانه اندازد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهار چیز است که ضایع میشود و کسی از آنها منتفع
نمیشود یکی چراغ در ماهتاب روشن کردن و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که پنج چیز است که ضایع میشوند
چراغی که در آفتاب روشن کنند روغن ضایع میشود و از روشنائیش منتفع نمیتوان شد و بارانی که در زمین شوره زار ببارد و باران
ضایع میشود و از زمین نفعی عاید نمیشود و طعامی که شخصی در آن تکلف کند و نزد کسی آورد که او سیر باشد و منتفع نشود و زن خوش روئی را که
عروس کنند و برای شوهر عنین ببرند و نیکی که بشخصی کنند که شکر نکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چراغ روشن
کردن پیش از غروب آفتاب پریشانی را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کراهت

دارد

دارد که شخصی داخل خانه تاریک شود مگر آنکه در پیش روی او چراغی یا آتش افروخته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون چراغ را
باندرون خانه بر میدارید بخوانید اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس و لا تحرمنا نورک یوم نلقاک و اجعل لنا نورا انک نور لا اله
الا انت و چون چراغ را خاموش کنید بخوانید اللهم اخرجنا من الظلمات الی النور و در احادیث معتبره از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خانه بخرد سنت است که ولیمه و مهمانی بکند و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که
هر که خانه بسازد و گوسفند فربهی بکشد و گوشتش را بمردم پریشان بخوراند پس بگوید اللهم ادحر عنی مردة الجن و الانس و الشیاطین و بارک لی
فی بنائی حق تعالی دفع ضرر متمردان از جن و انس و شیاطین از او بکند و آن خانه ساختن را برای او مبارک گرداند در بیان
سایر آداب خانه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کراهت دارد که آدمی که در خانه شب بروز آورد که دری
و پرده نداشته باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سه کس‌اند که حق تعالی حفظ و حمایت خود را از ایشان
برمیدارد کسیکه در خانه تنها نازل شود و سکنی کند و کسیکه در میان راه نماز کند و کسیکه چهارپای خود را سر دهد و بندی بر آن نگذارد
و کسی بر آن نگمارد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ساحتهای خانه خود را جاروب کنید و شبیه مشوید بیهودان
که ایشان جاروب نمیکنند و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خاک روبه خانه را شب در خانه
مگذارید و بیرون برید که شیطان در آن جا میگیرد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را برطرف
میکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خانه شیطان در خانهای شما جائیست که عنکبوت در آن می تند و در حدیث موثق
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در آن ظرفهای آب و طعام را ببندید و در خانها را ببندید که شیطان در بسته و ظرف
سر بسته را نمیگشاید و چراغ را خاموش کنید که موش آتش در خانه شما نیندازد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله در تابستان که از خانه بیرون می آمدند برای خوابیدن در روز پنجشنبه بیرون می آمدند و چون هوا سرد میشد داخل
خانه میشدند برای خوابیدن در روز جمعه داخل میشدند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که بر روی
قبری بول یا غایط بکند یا ایستاده بول کند یا در آب ایستاده بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا با دست آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را
بگیرد و دیوانه کند دست از او بر نمیدارد و در هیچ حالی شیطان بر آدمی استیلا ندارد مانند این احوال بدرستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بجنگی میرفتند بوادی رسیدند که در آن جن بسیار بود در میان اصحاب خود ندا کردند که هر دو تا دست یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی
شوید و هیچکس تنها نرود و یک شخص تنها رفت و از او خبر گرفت بحضرت خبر دادند حضرت انگشت مهین او را گرفتند و فشردند و گفتند

بسم الله اخرج یا خبیث انا رسول الله پس آن شخص صرع از او زایل شد و برخواست و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که در کجا
فرود آمده گفت در فلان موضع حضرت فرمود که آیا در آنجا کسی با تو هست گفت نه حضرت فرمود که در خانه تنها مباش و از آنجا بخانه دیگر نقل
کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرئت ندارد مثل آنکه در خانه تنها باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که دستمال گوشت را شب در یورت مگذارید که آن خوابگاه شیطانست و خاکروبه را در پشت در جمع مکنید که آن جایگاه شیطانست
و چون بدر حجره خود برسید بسم الله بگوئید که شیطان میگریزد و چون داخل حجره شوید سلام بکنید که برکت نازل میشود و ملائکه انس
میگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خاکروبه را در خانها شب مگذارید و روز بیرون برید که آن جای نشستن شیطانست
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که پاک کنید خانهای خود را از تار عنکبوت که گذاشتن آن در خانه باعث
پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شستن ظرفها و جاروب کردن خانها و ساحه اندرون و
بیرون خانها روزی را زیاد میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که تنیده عنکبوت را و خاکروبه را در خانه گذاشتن باعث پریشانی
میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دستمالی که دست از آن پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربیست شب در
یورت مگذارید که آن خوابگاه شیطانست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ظرفهای خود را بی سرپوش مگذارید که ظرف را که
سرپوش نپوشند شیطان در آن آب دهن می اندازد و آنچه در آن هست آنچه میخواهد بر میدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چهارپایان و اطفال و یاران خود را محافظت نمائید بعد از آفتاب فرو رفتن تا خفتن که در این وقت شیاطین بر ایشان مستولی میشوند
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه کسی در خانه همسایه نظر کند و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی شش
خصلت را برای من نخواسته است و من نمیخواهم برای امامان از فرزندان من و شیعیان ایشان با دست و ریش و جامه خود بازی کنند
در نماز و فحش گفتن در روز روزه و منت گذاشتن بعد از تصدق و جنب بمسجد در رفتن و در قبرستان خندیدن و در خانهای مردم مشرف
شدن و در حدیث صحیح منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حجره بعضی از زنان بودند شخصی از رخنه درگاه در آن حجره نظر کرد
حضرت فرمود که اگر نزدیک میبودم چشمش را کور میکردم

فصل دوازدهم

در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که بعد از خواب اول شب از خانه بیرون مروید که بعد از خفتن خلقی چند هست که در این وقت پهن میشوند در زمین و آنچه مأمور باشند میکنند
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون روی بگو بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله
ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله که چون این دعا بگوئی ملائکه بر روی شیطان میزنند و شیطان را از تو دور میکنند و از حضرت رسول صلعم

منقول

منقولست که هرگاه کسی از خانه بیرون آید و بگوید بسم الله ملائکه باو میگویند که سلامت ماندی پس چون بگوید لا حول و لا قوة الا بالله ملائکه باو
میگویند که کارهایت ساخته شد و چون بگوید توکلت علی الله ملائکه باو میگویند که از بلاها نگاهداشته شدی و در حدیث معتبر از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که چون پدرم از خانه بیرون می آمدند این دعا میخواندند بسم الله الرحمن الرحیم خرجت بحول الله و قوته لا بحولی و قوتی
بل بحولك و قوتك یا رب متعرضا لرزقك فأتني به في عافية و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون
کسی داخل خانه خود شود بر اهلش سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد بگوید السلام علینا من ربنا و چون داخل خانه میشود سوره قل هو الله
احد بخواند که فقر و پریشانی را برطرف میکند و چون کسی خواهد بحاجتی رود در بامداد روز پنجشنبه برود و آیات سوره آل عمران را که پیش گذشت
ان في خلق السموات والارض تا انك لا تخلف الميعاد بخواند و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه و سوره حمد بخواند و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون آئی بگو بسم الله توکلت علی الله ما شاء الله لا قوة الا بالله اللهم انی اسئلك خير ما
خرجت له و اعوذ بك من شر ما خرجت اليه اللهم اوسع علي من فضلك و اتمم علي نعمتك و استعملني في طاعتك و اجعلني راغبا
و اجعل رغبتي فيما عندك و توفني على سبيلك و على ملة رسولك صلى الله عليه و آله و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هرکه در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند خدا کفایت امرش را بنماید و توبه اش را قبول کند و کارهایش را بسازد و او را
از بدیها و شرور نگاهدارد و دعا این است اعوذ بما عاذت به ملائكة الله و رسله من شر هذا اليوم الجديد الذي اذا غابت شمسه لم تعد
من شر نفسي و من شر غيري و من شر الشياطين و من شر من نصب لاولياء الله و من شر الجن و الانس و من شر السباع و الهوام و من شر ركوب
المحارم كلها اجير نفسي بالله من كل سوء شر و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه در وقت بیرون رفتن از خانه
ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پیوسته در حفظ و حمایت الهی باشد تا بخانه خود برگردد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آن حضرت
در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا میخواندند اللهم بك خرجت و لك اسلمت و بك آمنت و عليك توكلت اللهم بارك لي
في يومي هذا و ارزقني فوزه و فتحه و نصره و طهوره و هداه و بركته و اصرف عني شره و شر ما فيه بسم الله و بالله و الله اكبر و الحمد لله
رب العالمين اللهم اني خرجت فبارك لي في خروجي و انفعني به و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون آدمی از خانه
بیرون آید الله اکبر بگوید سه مرتبه پس بگوید بالله اخرج و بالله ادخل و علی الله توکل سه مرتبه پس بگوید اللهم افتح لي في وجهي هذا بخير
و اختم لي بخير و قني شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم چون این دعا بخواند پیوسته در ضمان حق تعالی باشد
تا برگرداند او را بمکان خود و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا

بخواند حق تعالی کارهای دنیا و آخرت او را برآورد بسم الله حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی اسئلک خیر اموری کلها و اعوذ بک من خزی الدنیا
و عذاب الآخرة و در روایت دیگر منقولست که چون آن حضرت از حجره بیرون می آمدند این دعا میخواندند بسم الله خرجت و علی الله توکلت
لا حول و لا قوة الا بالله و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه نگین انگشتر خود را بکف دست
بگرداند و در آن نظر کند و سوره انا انزلناه بخواند پس بگوید آمنت بالله وحده لا شریک له آمنت بسر آل محمد و علانیتهم در آن روز نه بیند
چیزی که در آن مکروه او باشد و در روایت دیگر منقولست که در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله
توکلت علی الله پس سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی هر یک را از جانب پیش رو و پشت
سر و جانب راست و جانب چپ و بالای سر و پایین پا بخواند و در وقت داخل شدن خانه بگوید بسم الله و بالله اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله پس سلام بر اهل خانه بکند و اگر کسی در خانه نباشد بعد از آن دعا بگوید السلام
علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و در حدیث معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسی که تحت الحنک بسته از خانه بیرون رود آنکه سلامت بخانه برگردد و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون بطلب حاجت بروید در روز بروید که در شب حاجت برآورده نمیشود **باب نهم**
در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چهارپایان نگاهداشتن **فصل اول** در سوار شدن اسب
و استر و الاغ و انواع هر یک از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از سعادت آدمیست که چهارپای رهوار داشته باشد
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهارپا نگاهدارید که زینت شماست و کارهای شما بآن ساخته میشود و روزیش بر خداست و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که از بدی زندگانیست چهارپای بد داشتن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که چهارپای بخرد سوارش از اوست
و روزیش بر خداست و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت مؤمن است که چهارپای داشته باشد که برای حوایج خود و کارسازی برادران مؤمن بر آن
سوار شود و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود به یونس بن یعقوب الاغی نگاهدار که بارت بردارد و بدرستی که روزیش بر خداست
راوی گفت که الاغی خریدم و چون سر سال شد حساب خرج خود کردم هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام
موسی علیه السلام از ابن طیفور پرسیدند که بر چه چیز سوار میشوی گفت بر الاغی فرمود که بچند خریده گفت بسیزده اشرفی آنحضرت فرمود
که این اسرافست که الاغی بخری باین قیمت و یابوئی نخری گفت خرج یابو بیشتر است فرمود که آنکه خرج الاغ را میرساند خرج یابو را هم
میرساند مگر نمیدانی که هر که اسبی نگاهدارد و بانتظار خروج ما اهل بیت بکشد و دشمن ما را بخشم آورد بنگاهداشتن آن اسب حق تعالی روزیش را

برساند

برساند و سینه اش گشاده گرداند و آرزوهایش را برآورد و یاور او بست در حوایج او و در حدیث دیگر منقولست که روزی حضرت امام موسی
بر استری سوار شدند شخصی از مخالفان گفت این چه چهارپایست که سوار شده که از پی دشمن نمیتوان دواند و بر روی آن جنگ نمیتوان
کرد حضرت فرمود که رفعت و سرافرازی اسب را ندارد و مذلت الاغ را هم ندارد و بهترین امور وسط آنهاست و در حدیث دیگر از
آن حضرت منقولست که هر که ببندد اسبی که پدر و مادرش عربی باشد هر روز از نامه عمل او سه گناه محو شود و یازده حسنه نوشته شود و هر که اسبی ببندد که
یکی از پدر و مادرش غیر عربی باشد هر روز دو گناه از نامه عملش محو شود و هفت حسنه برای او نوشته شود و هر که یابوئی ببندد برای زینت
خود و برآوردن کارهای خود یا دفع دشمن خود هر روز یک گناه از نامه عمل او محو شود و شش حسنه برای او نوشته شود و در روایات معتبره از
رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که خیر و نیکی بر پیشانی اسبان بسته است تا روز قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی
منقولست که هر که نگاهدارد اسب سرخ موئی که در پیشانیش سفیدی بسیاری یا کمی بوده باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار
دست و پایش سفید باشد بهتر است نزد من پس خانه که چنین اسب در آنخانه باشد فقر و پریشانی داخل آنخانه نمیشود و مادام که آن اسب
در ملک آن شخص داخل است ظلم در آنخانه نمیشود و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که از خانه خود یا خانه دیگری بیرون آید در
اول روز و اسب آل سفیدی را به بیند که در دست و پایش هم سفیدی باشد در آن روز بغیر از خوشحالی نه بیند و اگر سفیدی پیشانیش تا به بینی آمده
باشد پس نهایت خوشحالی او را در آن روز رو دهد و اگر پی کاری رود و چنین اسبی را به بیند آن حاجتش برآورده شود و در حدیث دیگر
فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چهار اسب از یمن بهدیه آوردند برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که در میان
آنها اسبی هست که نشان سفیدی داشته باشد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که بلی اسب آل نشان دار هست فرمود
که از برای من نگاهدارید باز فرمود که دو کهر نشان دار هست فرمود که از برای امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما نگاهدارید پس فرمود
که چهارم اسب سیاه یکرنگ است فرمود که آنرا بفروش و قیمتش را صرف عیال کن که مبارکی اسب و میمنت اسب در نشانهای
سفید است و گویا در این حدیث مراد نشان سفید دست و پا باشد و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که در چهارپایان یکرنگ بودن
کراهت دارد مگر الاغ و استر و نشانهای سفید در استر و الاغ کراهت دارد و نشان سفید در پیشانی استر کراهت دارد مگر آنکه
سفیدیش تا بینی کشیده باشد و آنهم بر خوبی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین چهارپایان نزد من الاغست
و از حضرت رسول صلی الله علیه منقولست که میمنت اسب در سرخ و در سیاه پیشانی سفید است که سه دست و پایش سفید باشد
و دست راستش سفیدی نداشته باشد و از طرخان دلال چهارپا منقولست که حضرت صادق علیه السلام طلبیدند استر سیاهی که

زیر شکم و میان پاها و دهانش شغند باشد **فصل دویم** در آداب نگاهداشتن و رعایت حقوق چهارپایان است در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهارپا را بر صاحبش شش حق است باید که ابتدا کند بعلف دادن آن چون فرود آید و هرگاه که بآب
برسد آب را باو عرض کند که اگر خواهد بخورد و بر رویش چیزی نزند که تسبیح پروردگار خود میگوید و بر روی آن سواره نایستد مگر در وقتی که جهاد
در راه خدا و زیاده از توانائی آن بارش نکنند و تکلیف رفتار از قدر نکند که طاقت داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلم مثل این
منقولست و زیاده براین فرمود که بر رویش داغ نکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقولست که هرکه چهارپائی را بسفر برد چون
فرود آید اول از آب و علف بدهدش از آنکه چیزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سه کس بر یک چهارپا ردیف نشوند
که یکی از ایشان ملعونست یعنی آنکه پیش نشسته است و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت شتری را دیدند که بارش پیش است و پایش
بسته است فرمودند که صاحب این شتر را بگوئید که مستعد باشد که این شتر در قیامت با او خصومت خواهد کرد و در حدیث معتبر منقولست
که قطار شتری از پیش حضرت صادق علیه السلام گذشت دیدند که بار شتری کج شده است بصاحب شتر گفتند که عدالت کن بر این شتر
که خدا عدالت را دوست میدارد و در احادیث معتبره منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بیست حج کرد بر شتری
و یک تازیانه بر آن نزد و در احادیث معتبره منقولست که هیچ صاحب روحی را بر رویش مزنید که تسبیح پروردگار میگوید و هر چیز را حرمتی است
و حرمت حیوانات بر روی ایشانست و از ابوذر رضی الله عنه منقولست که چهارپایان میگویند که خداوندا مالک نیکوئی بما کرامت
فرما که رفق و مدارا کند با ما و نیکی کند بما و آب و علف بما بخوراند و عنف و تعدی بر ما نکند و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
و امام موسی صلوات الله علیهما منقولست که هر دابه که صاحبش خواهد بر او سوار شود در آنوقت میگوید اللهم اجعله بی رحیما یعنی خداوندا
او را بمن مهربان گردان و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در ربذه الاغ خود را
آب میداد از او پرسید که مگر کسی نداری که برای تو این الاغ را آب دهد گفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود
که هیچ دابه نیست مگر آنکه هر صبح از خدا سوال میکند که خداوندا روزی کن مرا صاحب شایسته نیکوئی که مرا از علف سیر و از آب
سیرآب گرداند و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند باین سبب میخواهم که خود آنرا آب دهم و در حدیث موثق از صفوان شتردار منقولست
که گفت شتری برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام خریدم بهشتاد درهم چون بخدمت آنحضرت بردم فرمود که آیا کجاوه میتواند
برداشت پس من کجاوه بر آن بار کردم و بحضرت عرض کردم حضرت فرمود که اگر مردم بدانند که حق تعالی چهارپای ضعیف را چگونه توانائی
از برداشتن میدهد هر آینه چهارپای گران نخرند و در حدیث دیگر از ابن ابی یعفور منقولست که حضرت صادق علیه السلام دیدند که

پیاده راه میروم فرمودند که چرا سوار نمیشوی گفتم که شترم ضعیف است میخواهم که بارش سبک باشد فرمود که مگر نمیدانی که شتر ضعیف
و قوی هر دو را خدا تاب و توانائی بار برداشتن میدهد و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر کوهان هر شتری
شیطانی نشسته است آنرا بکار فرمائید و نرم کنید و نام خدا بر آن ببرید در وقت سوار شدن و بار کردن و در حدیث معتبر دیگر از
آنحضرت منقولست که هر شتری که هفت مرتبه آنرا بحج برند و در موقف عرصات حاضر شود البته حق تعالی آنرا از چهارپایان بهشت
گرداند و در حدیث دیگر پنج و در دیگر سه هم وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه بر شتر بارداری سوار شود
و خود را از آن بیندازد در وقت پائین آمدن بمیرد داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه چهارپا در زیر کسی بسر در آید و صاحبش باو
بگوید تعست یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید تعس اعصاک للرب یعنی هلاک شود هرکه نافرمانی پروردگار کرده است و در دو حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که اگر دابه رم کند آنرا بزنید و در سر درآمدن مزنید آنرا و در حدیث دیگر فرمود که بر روی چهارپا
پا بر روی پای مگذارید یا آنکه بیکجانب میل مکنید و پشتش را مجلس مکنید که ایستاده بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتی که راه نروید
فرود آئید و چون خواهید براه روید سوار شوید و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که حیوانات از چهار چیز غافل
نمیباشند پروردگار خود را میشناسند و مرگ را میدانند و نر و ماده را میشناسند و چراگاه خوب را میدانند و از حضرت صادق
پرسیدند که در چه وقت دابه را بزنیم براه رفتن فرمود که اگر بآن رفتاری که در وقت جو و طویله خود میرود نرود آنرا بزن **فصل سیم**
در آداب زین و لجام کردن بدانکه احوط و اولی آن است که زین و لجام هیچیک از طلا و نقره نباشد و سنت است که بالش
میان زین و از توک که بر روی اسب اندازند و قطیفه که بر روی شتر اندازند و سوار شوند حریر نباشد و سرخ نباشد و زنان را
بر زین سوار شدن کراهت شدید دارد و در احادیث معتبره وارد شده است که از جمله علامتهای بدی که در آخر الزمان ظاهر شود
آن است که زنان بر زین سوار شوند و بروایت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زین مرکب ملعونست جهة زنان و بسند معتبر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که جایز نیست زنان را سوار شدن بر زین مگر از برای ضرورت یا سفر و در حدیث صحیح منقولست
که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که آیا سوار میتوان شد بر اسبی که زین یا لجام آن نقره باشد فرمود که اگر روکش
باشد که از آن جدا توان کرد باکی نیست و اگر چنین نباشد سوار نمیتوان شد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حلقه بینی ناقه رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که زنهار سوار مشو بر میثره سرخ که آن از چیزهائیست که شیطان بر آن سوار میشود

وشیره بالش زین است و بالشی است که بر روی چهار شتر میگذارند و بر روی آن سوار میشوند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام
زین العابدین علیه السلام بر قطیفه سرخ سوار میشدند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از پوست حیوانات
درنده مانند ببر و پلنگ و شتر حضرت فرمود که بر روی آنها سوار میتوان شد اما در وقت نماز نمیتوان پوشید و در احادیث معتبره
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم یکی سوار شدن بر الاغ جل کرده و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که در میان هر چهارپائی شیطانی هست چون خواهید که آنها را لجام کنید بسم الله بگوئید و در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر چهارپائی که چموشی کند در وقت لجام کردن و غیر آن پاره کنید بر گوشش اگر بگذارد و اگر نه بر آن
بخواند این آیه را افغیر دین الله تبغون و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون فصل [illegible] در ادعیه و آداب سواری
بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی بر چهارپائی سوار شود و بسم الله بگوید ملکی ردیف او میشود و او را نگاه
میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار شدن بسم الله نگوید شیطان ردیف او میشود و با او میگوید خوانندگی بکن و اگر نتواند خوانندگی کرد با او
میگوید آرزوهای باطل محال بکن پس پیوسته در آرزوست تا پائین آید و فرمود که هرکه در وقت سواری بگوید بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله
الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین البته محفوظ باشد خود و چهارپایش
تا فرود آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه سوار شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
و اتوب الیه اللهم اغفر ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی بملائکه خطاب فرماید که بنده من میداند که گناهان را بغیر از من
نمی آمرزد کسی پس گواه باشید که گناهان او را آمرزیدم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون سوار شوید بر چهارپایان
خدا را یاد کنید و بگوئید سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون و از علی بن ربیعه منقولست که حضرت امیر المؤمنین
چون پا در رکاب گذاشتند گفتند بسم الله پس چون درست سوار شدند این دعا خواندند الحمد لله الذی کرمنا و حملنا فی البر و البحر و رزقنا
من الطیبات و فضلنا علی کثیر ممن خلق تفضیلا سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین پس سه مرتبه سبحان الله و سه مرتبه الحمد لله
و سه مرتبه الله اکبر فرمودند پس این دعا خواندند رب اغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت
صادق علیه السلم پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و هفت مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه
الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا الله میگفتند و در روایت دیگر منقولست که چون آن حضرت سوار شتر میشدند این دعا میخواندند
بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون و از حضرت رسول صلی الله منقولست

که برکوهان

که بر کوهان هر شتری شیطانی هست چون سوار آن شوید چنانچه خدا فرموده است بگوئید سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و در حدیث
معتبر منقولست که چون چهارپای حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بسر در می آمد یا پا لغزش میخورد این دعا میخواندند اللهم انی اعوذ
بک من زوال نعمتک و من تحویل عافیتک و من فجاءة نقمتک و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلم
شکایت کرد که دابه من کمیکرست و در هنگام رفتار بکمرش می ایستد حضرت فرمود که این آیه را در گوشش بخوان او لم یروا انا خلقنا لهم مما عملت
ایدینا انعاما فهم لها مالکون و ذللناها لهم فمنها رکوبهم و منها یاکلون و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلم منقولست که لازم است
که سواره با خبر کند پیادگان را که با ایشان ضرر نرساند چهارپای او و فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله سوار شدند
جمعی پیاده با حضرت روان شدند فرمود که آیا کاری دارید گفتند نه ولیکن میخواهیم که در رکاب تو راه رویم فرمود که برگردید راه رفتن پیاده
با سواره باعث غرور و فساد سواره و مذلت و خواری پیاده است و در حدیث دیگر از عبد الله بن عطا منقولست که گفت روزی
بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفتم فرمود که دو چهارپا برای ما زین کن رفتم و الاغی و استری زین کردم و استر را پیش بردم که
آنحضرت سوار شوند فرمود که الاغ را پیش بیاور که بهترین چهارپایان نزد من الاغست و استر را خود سوار شو پس الاغ را آوردم و رکاب را
گرفتم چون سوار شدند گفتند الحمد لله الذی هدانا للاسلام و علمنا القرآن و من علینا بمحمد صلی الله علیه و آله و الحمد لله الذی
سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین پس روانه شدند در اثنای راه دیدم که الاغ شوخی در رفتار
میکرد حضرت خود را به پیش زین چسبانیدند عرض کردم که یا ابن رسول الله مگر شما را آزاری هست فرمود که نه رسول خدا صلی الله علیه و آله
الاغی داشت که او را عفیر مینامیدند و چون سوار آن میشدند از شادی آنکه آن حضرت بر آن سوار شده است شوخی در رفتار میکرد
که دوشهای مبارک آن حضرت را بحرکت می آورد و آن حضرت خود را به پیش زین می چسبانیدند و میفرمودند اللهم لیس منی و لکن
ذا من عفیر یعنی خداوندا این از من نیست ولیکن این خیلاء و تبختر از عفیر است من نیز چنین کردم ای عزیزان تفکر کنید که آن بزرگواران
از خیلاء و نخوت رفتار الاغ اندیشه داشته اند و بدرگاه خدا عذر میطلبیدند پس آنانکه بر اسبهای تازی نژاد خوش رفتار با آن
نخوت و غنج و دلال سوار میشوند و بر آسمان و زمین بر رفتار خود منت می نهند و بغیر خود کسی را موجود نمیشمارند چگونه عذر خواهند
خواست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که آیا شرم نمیدارید که شما بر روی چهارپای خود خوانندگی میکنید
و آن در زیر شما تسبیح پروردگار خود میگوید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که فرمود که چهارپای من هرگز بسر
در نیامد زیرا که من هرگز بر روی زراعت کسی آن را نراندم و کشت زار کسی را پایمال کردم فصل پنجم در آداب پیاده رفتن

از احادیث این فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست
که شد راه رفتن حسن مؤمن را میبرد و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که زنان باید که در کنار راه بروند
و در میان نروند و در حدیث دیگر فرمود که سواره احمق تست بمیان جاده راه رفتن از پیاده و پای برهنه احمق تست بمیان راه از
کسی که کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنان بهمواری راه میرفتند
که گویا مرغ بر سر آن حضرت نشسته است و میترسند که پرواز کند و دست راست آن حضرت بر دست چپ پیشی
نمیگرفت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هرکه راه رود بر روی زمین از روی خیلا و تکبر لعنت
کنند او را زمین و آنچه در زیر زمین است و آنچه در بالای زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه کج گردنی کنند امت من از سایلان
در وقتی که از ایشان چیزی طلبند و از روی تبختر راه روند پروردگار من بعزت خود سوگند خورده است که ایشان را بیکدیگر عذاب کند
و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه امت من در راه تبختر کنند و دستها را کشند و خدمت ایشان کنند غلامان فارس و روم در میان
ایشان فتنه و فساد باشد و بر یکدیگر شمشیر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه با عصا راه رود از روی تواضع و شکستگی در سفر و حضر
بهر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو شود و هزار درجه برای او بلند شود و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست
بگیرید که از سنتهای پیغمبرانست و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و جوان و پیر ایشان عصا در دست میگرفتند تا آنکه خیلا و تکبر نکنند در راه
رفتن و فرمود که برداشتن عصا پریشانی را برطرف میکند و شیطان نزدیک او نمی آید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر
عاقلی باید که بهر جانب که متوجه شوی اول نیت خود را درست کنی و غرض صحیحی برای حرکت خود قرار دهی و نهی کنی نفس خود را از آنکه امر
نامشروعی را منظور داشته باشی و باید که در راه رفتن پیوسته در فکر و اندیشه باشی و در هر قدمی از عجایب صنع الهی عبرتی بگیری و در رفتار
تبختر نکنی و دیده خود را بپوشی از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست و پیوسته مشغول ذکر خدا باشی بدرستی که مواضعی که در آن ذکر
خدا کرده میشود شهادت میدهند برای او در قیامت و استغفار میکنند برای او تا داخل بهشت شود و در راه با مردم بسیار سخن مگو
که خلاف ادبست و اکثر راهها کمینگاه شیطانست از مکر او غافل مباش و چنان کن که رفتن و برگشتن در طاعت خدا باشد
و رفتارت برای چیزی باشد که موجب خوشنودی خداست بدرستی که جمیع حرکات تو در نامه عملت نوشته میشود فصل ششم
در نگاهداشتن شتر و گاو و گوسفند در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله پرسیدند که کدام مال بهترست فرمود که
زراعتی که آدمی بکارد و در وقت درو کردن حق خدا بدهد گفتند بعد از زراعت دیگر کدام مال بهترست فرمود که شخصی که گوسفند چند داشته باشد

و در هر جا

و در هر جا آب و علفی باشد آنها را بچراند و نماز را بجا آورد و زکوة مال خود را بدهد گفتند بعد از گوسفند کدام مال بهترست فرمود که گاو که در بامداد
و پسین شیر میدهد گفتند بعد از گاو کدام مال بهترست فرمود که آنها که پا در گل فرو برده اند و در خشک سال میوه میدهند یعنی درختان خرما
پس فرمود که نیکو مالیست درخت خرما که هرکه آنرا بفروشد قیمتش از باب خاکستریست که در سر کوه بلندی در باد شدید رها کنی مگر آنکه در
عوض آن درخت خرمای دیگر بخرد پرسیدند که بعد از درخت خرما کدام مال بهترست حضرت جواب نفرمود شخصی گفت که چرا شتر را
جواب نفرمودید فرمود که در شتر مشقت و تعب و دوری از منزل است و صبح و شام خرج میخواهد و در حدیث دیگر فرمودند که گوسفند
وقتی که رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند رو کرده است یعنی وقتی که مرگ در میانشان می افتد همه را میکشی و میخوری و نقصان
نمیکند و گاو وقتی که رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند پشت کرده است و شتر همسایه شیطانست اگر رو میکند پشت
کرده است و اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی وقتی که خوبست هم برای صاحبش ضرر دارد و نفع ندارد گفتند یا رسول الله بعد از آنکه
شما در باب شتر فرمودید کی نگاه خواهد داشت آنرا فرمود که همیشه بدبختان و فاجران هستند که آنرا نگاه میدارند و در حدیث دیگر
فرمود که نه عشر روزی در تجارتست و یک عشر آن در نگاهداشتن گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بنگاهداشتن گوسفندان
که هر بامداد و پسین نفعشان بشما میرسد و در حدیث دیگر منقولست که شتر باعث عزت اهلش است و در حدیث صحیح منقولست که حضرت
صادق علیه السلام بصفوان شتردار فرمود که شتری برای من بخر و باید بدصورت باشد که عمرش درازتر است و در حدیث دیگر منقولست که
فرمود که شتران سیاه بدصورت بخر که عمرشان درازتر میباشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که فرمود که شتران سرخ مو مخرید که عمرشان
کوتاه ترست و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که از میان قطار شتر بدر مروید زیرا که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه در میان
هر دو شتر شیطانی هست و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام برای اکرام خود شتری بصد اشرفی میخریدند
و سوار میشدند و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که یکی از حاملان عرش بصورت گاوست و گاو سید و بهترین
حیوانانست و در میان حیوانات خوشروتر و سرافرازتر از گاو نبود تا آنکه بنی اسرائیل گوساله پرستیدند آن ملک که بصورت
گاوست از شرم سر در زیر افکند و بآن سبب هر گاوی چنین شد و از شرم نگاه بجانب آسمان نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که مخورید گوشت و شیر شتر را که فضله آدمی را میخورد و سوار آن مشوید تا آنکه چهل روز آنرا علف بدهید و علما خوردن گوشت
و شیرش را حرام میدانند و سوارش را مکروه میدانند و این حکم دارد حیوانات دیگر هم و پاک کردن آنها بآن میشود که علف پاک بخورانند
بآنها در مدتی چند که برای هر یک مقرر شده و در کتب علما مذکورست فصل هفتم در آداب خریدن و نگاهداشتن حیوانات

در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که چهارپائی را بخرد در جانب چپ آن بایستد و موی پیشانیش بدست راست
بگیرد و بر سرش بخواند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن علی جبل
تا آخر سوره و آخر سوره بنی اسرائیل قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره و آیة الکرسی پس چون چنین کند آن چهارپا امان یابد از جمیع آفتها و
در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی بخری کنیزی بگو اللهم انی استشیرک و استخیرک و چون حیوانی
خواهی بخری بگو اللهم قدر لی اطولهن حیوة و اکثرهن منفعة و خیرهن عاقبة و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی ع
سؤال کرد که آیا دابه را بر رویش میتوان زد و داغ بر رویش میتوان کرد فرمود که باکی نیست یعنی حرام نیست و لیکن مکروهست چنانکه
در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از داغ کردن حیوانات فرمود که در غیر رویشان داغ
میباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه حیوانات را بر رویشان داغ بکنند یا چیزی
بر رویشان بزنند زیرا که تسبیح پروردگار میگویند و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند از داغ کردن روی گوسفندان فرمود
که داغ بر گوشش ایشان بزنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندک شیری
در پستان بگذارید تا زود شیر جمع شود در پستان که اگر تمام را بدوشید شیر دیرتر می آید و در حدیث دیگر فرمود که خوابگاه گوسفندان را
پاک کنید و آنچه از بینی ایشان بیرون می آید پاک کنید و نماز در طویله ایشان بکنید که گوسفند از حیوانات بهشت است و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که صفیر مکنید برای گوسفندان در وقت رفتن و صدا بزنید ایشان را برای برگشتن و در حدیث معتبر
منقولست که از آنحضرت پرسیدند از خصی کردن حیوانات فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کراهت
دارد خصی کردن حیوانات و بجنگ انداختن آنها با یکدیگر و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در راهی گذشتند
که حیوان نر بر ماده میکشیدند در میان راه حضرت رو گردانیدند و فرمودند که سزاوار نیست که چنین کنید این منکر و قبیح است بلکه باید
این در جائی واقع سازند که مردی و زنی نه بینند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که دنبه گوسفند زنده را
میتوان برید فرمود که اگر غرض تو این باشد که مال خود را باصلاح آوری باکی نیست اما آن دنبه میته است و از آن منتفع نمیتوان شد
و بدانکه مشهور علما موافق احادیث معتبره آنست که اگر بره یا بزغاله شیر خوک بخورد بآن قدر که گوشت و استخوانش از آن محکم شود گوشت
آن حرام است و هر چه از گوسفندان معلوم شود که از نسل آنند حرام است و هر چه معلوم نباشد حلالست و اگر چند شیری خورده باشد و بآن حد نرسیده باشد
گوشت و شیر آن مکروهست و کراهتش باین برطرف میشود که اگر هنوز شیر خورد هفت روز شیر گوسفندی بخورد و اگر از شیر او را باز کرده باشند

هفت روز علف و دانه حلال بآن بخورانند و در حدیث صحیح منقولست که شخصی عرضه بحضرت امام علی النقی علیه السلام نوشت که زنی بزغاله ما را
شیر داده است تا حدی که از شیر باز گرفته آنرا و الحال از آن بزغاله فرزندی بهم رسیده و شیر میدهد شیرش را میتوان خورد در جواب
نوشتند که فعل مکروهی کرده است و باکی نیست بخوردن شیر آن فصل در بیان مجمل احوال و اقسام حیوانات در احادیث معتبره
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مرغی و حیوانی در دریا و صحرا شکار کرده نمیشود مگر آنکه آن تسبیحی که دارند ضایع کنند و در حدیث
دیگر فرمود که جمیع وحشیان و مرغان و درندگان با یکدیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند آدم برادرش را کشت پس از یکدیگر نفرت کردند و گریختند و هر
حیوانی بشکل خود میل کردند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت یعقوب بفرزند خود گفت که زنا مکن که مرغی که زنا میکند پرهایش میریزد و از
حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که چون کرکس فریاد میکند میگوید ای فرزند آدم هر روش که زندگانی کنی آخرش مرگست و باز که
صدا میکند میگوید که ای دانای پنهانها و ای دفع کننده بلاها و طاوس میگوید که بر خود ظلم کردم و مغرور بزینت خود شدم پس بیامرز مرا
و دراج میگوید که الرحمن علی العرش استوی و خروس میگوید هر که خدا را شناخت یاد او را فراموش نکند و مرغ خانگی میگوید ای خداوند
حق توئی حق توئی و گفته تو حق است و باشه میگوید ایمان آوردم بخدا و بروز قیامت و کورکوره میگوید توکل کن بر خدا تا ترا روزی دهد و عقاب
میگوید که هر که اطاعت خدا نکند بدبخت میشود و شاهین میگوید سبحان الله حقا حقا و جغد میگوید که در دوری از مردم انس است
و کلاغ میگوید ای روزی دهنده بفرست روزی حلال و کلنگ میگوید که خداوندا نگاهدار مرا از شر دشمن من و لک لک میگوید که
هر که از مردم تنها شد از آزار ایشان نجات یافت و اردک میگوید که آمرزش ترا میخواهم ای خداوند و هدهد میگوید که چه بسیار شقی است
کسی که معصیت خدا کند و قمری میگوید که ای دانای پنهان و رازهای خدا و دبسی که شبیه بقمری و سرخ رنگست میگوید توئی خداوند
خداوندی غیر از تو نیست ای خداوند و گنجشک میگوید که طلب آمرزش میکنم از خدا از هر چه که خدا را بخشم آورد و بلبل میگوید لا اله الا الله
حقا حقا و کبک میگوید که نزدیک است حق نزدیک است و سمانا میگوید ای فرزند آدم چه غافلی از مرگ و فاخته میگوید یا واحد یا احد
یا فرد یا صمد و سبزه قبا میگوید مولای من آزاد کن مرا از آتش جهنم و هوهوچه [illegible] شبیه بگنجشک میگوید مولای من قبول کن توبه جمیع
گناهکاران را و کبوتر خانگی میگوید اگر مرا نیامرزی شقی و بدبخت خواهم بود و شترمرغ میگوید که معبودی بغیر از خدا نیست و پرستو
سوره حمد میخواند و میگوید ای قبول کننده توبه کاران ای خدا ترا است حمد و بره میگوید که مرگ بس است برای پند گرفتن و بزغاله میگوید
که مرگ زود بمن رسید و گناهم سنگین و بسیار شد و شتر میگوید که در امر بندگی خدا بسیار اهتمام میباید کرد و گاو میگوید دست از گناه
بردار که تو در پیش خداوندی که او را نمی بینی و او همه را می بیند و او خداوند عالمیان است و فیل میگوید که برای دفع مرگ قوت و چاره سودی

نمیدهد و نور میگوید یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله و شتر میگوید که منزه است پروردگاری که ذلیل کننده جبارانست تنزیه میکنم اورا
واسب میگوید منزه است پروردگار ما منزه است او و گرگ میگوید هر چیز را که خدا حفظ کند هرگز ضایع نمیشود و شغال میگوید که عذاب و ویل
برای گناهکاریست که بر گناه خود مصر باشد و سگ میگوید بس است معصیتهای خدا برای خواری و خرگوش میگوید هلاک مکن مرا ای خدا رأفت
حمد و روباه میگوید که دنیا خانه فریب است و آهو میگوید نجات ده مرا از آزار و کرگدن میگوید بفریاد من برس اگر نه هلاک میشوم و پلنگ میگوید
منزه است پروردگاری که بسیار عزیز است بمحض قدرت خود تنزیه میکنم اورا و مار میگوید که چه بسیار بدبخت است کسی که نافرمانی کند ترا
ای خدای بخشاینده و عقرب میگوید که بدی چیزی موحشی است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی نیست مگر آنکه آنرا تسبیحی هست چنانچه خدا
فرموده است که وان من شیء الا یسبح بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم یعنی هیچ چیز نیست مگر آنکه خدا را تسبیح میگوید و بحمد و ثنای او متلبس است
ولیکن شما نمی فهمید تسبیح ایشان را و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که حیوانات که مسخ شده اند دوازده صنفند اما فیل پس آن
پادشاهی بود که زنا و لواطه میکرد و خرس اعرابی بادیه نشینی بود که دیوثی میکرد و خرگوش زنی بود که با شوهر خیانت میکرد و غسل حیض و جنابت نمیکرد
و شب پره خرمای مردم را میدزدید و سهیل مردی بود که در یمن عشاری میکرد و زهره زنی بود که مردم میگویند که هاروت و ماروت از او فریب
خوردند و میمون و خوک جماعتی بودند از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند و اما سوسمار و جلپاسه گروهی بودند از بنی اسرائیل که در زمان حضرت عیسی
چون مائده از آسمان نازل شد ایمان نیاوردند و مسخ شدند پس یک گروه ایشان بدریا رفتند و دیگری بصحرا و اما عقرب مرد سخن چینی بود و اما
زنبور مرد قصابی بود که ترازو دزدی میکرد و در روایت دیگر منقولست که خرس مردی بود که مردم با او عمل قبیح میکردند و سوسمار اعرابی بود که مال
حاجیان را میدزدید و عنکبوت زنی بود که از برای شوهر خود سحر میکرد و موش مرد سخن چینی بود که در میان دوستان جدائی می انداخت و مارماهی
دیوثی بود و شب پره خرما از سر درخت میدزدید و میمون یهودانی اند که ماهی در شنبه شکار کردند و خوک جماعتی اند که ایمان بمائده آسمان نیاوردند
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که موش گروهی از یهود بودند که خدا بر ایشان غضب کرد و تشنه شخصی بود که استهزا بپیغمبران میکرد
و شپش از جسد مسخ شد و روزی پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی از بیخردان بنی اسرائیل آمد در برابر او و استهزا باو میکرد بصورت شپش مسخ شد و جلپاسه
جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام میدادند و با ایشان دشمنی میکردند و در حدیث دیگر منقولست که خارپشت مرد کج خلقی بود و در
بعضی از روایات وارد شده است که هر یک از بنی امیه که میمیرند بصورت جلپاسه مسخ میشوند و فرمود که هر گاه جلپاسه را بکشی غسل بکن و در روایت
معتبر منقولست که آنها که مسخ شده اند زیاده از سه روز نماندند و مردند و حق تعالی بصورت آنها حیوانی چند خلق فرمود و گوشت آنها را حرام کرد تا دیگران
عبرت بگیرند از دیدن اینها و مثل اعمال آنها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی هفتصد امت را مسخ کرد برای آنکه

[illegible]

بعد از ان

بعد از ان پیغمبران اطاعت اوصیای ایشان نکردند چهارصد صنف ایشان بصحرا رفتند و سیصد صنف ایشان بدریا رفتند

فصل [illegible] در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال کردن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
نیکو یاوریست پرهیزکاری از معاصی خدا او توانگری و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که خیری نیست در کسی که نخواهد که مال
از حلال جمع کند که بان مال روی خود را از سوال حفظ کند و قرض خود را ادا کند و با خویشان خود احسان کند و در حدیث دیگر فرمود که تجارت
بجوئید بنیاز آخرت و بار مردم مشوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ملعونست کسیکه بار عیال خود را بر مردم میاندازد و
در حدیث حسن منقولست که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که ما طلب دنیا میکنیم و دوست میداریم که مال دنیا رو کند فرمود که
برای چه میخواهی او را گفت برای آنکه خرج خود و عیال خود بکنم و صله رحم بکنم و تصدق و حج و عمره بکنم فرمود که مال از برای اینها کسب کردن طلب دنیا
نیست طلب آخرتست و در حدیث دیگر فرمود که توانگری که ترا از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بگناه بدارد و در حدیث معتبر منقولست
که شخصی از علمای اهل سنت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید در روز بسیار گرمی و دید که آن حضرت بر دو غلام تکیه کرده و براه میروند گفت
که شما مرد پیری هستید و از بزرگان قریش مناسب نیست که در اینوقت از برای طلب دنیا بیرون آئید اگر مرگ در اینحال بشما برسد چه خواهید کرد
حضرت فرمود که اگر مرگ در این حال برسد در وقتی رسیده خواهد بود که مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری میکنم که خود را و عیال
خود را باز دارم از سوال کردن از تو و از دیگران من از آن میترسم که مرگ برسد و در معصیت خدا باشم گفت راست گفتی میخواستم ترا پند
بگویم تو مرا پند گفتی و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که حق تعالی خطاب نمود بحضرت داود علیه السلام که نیکو بنده بودی تو اگر از
بیت المال نمیخوردی و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب رسید حضرت داود چهل روز گریست پس حق تعالی با آهن وحی نمود که نرم شو
برای بنده من داود پس آهن در دست آن حضرت نرم شد مانند موم پس هر روز یک زره بدست خود میساخت و بهزار درهم میفروخت تا آنکه
سیصد و شصت زره ساخت و از بیت المال مستغنی شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام احوال عمر بن مسلم
پرسید گفتند ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه فرمود که عمل شیطانست مگر نمیدانند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تجارت
فرمود حق تعالی مدح میفرماید جماعتی را که مردانی چندند که مشغول نمیگرداند ایشانرا تجارت و نه فروختن از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت
میکردند و چون وقت نماز میشد مشغول نماز میشدند و این بهتر است از کسی که تجارت نکند و نماز را در وقت خود بکند و در حدیث موثق منقولست
که بانحضرت عرض کردند که شخصی هست میگوید که در خانه می نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من البته برای
من می آید حضرت فرمود که این مرد یکی از سه کس است که دعای ایشان مستجاب نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بانحضرت

عرض کرد که میخواهم دعا کنید که خدا مرا روزی بدهد با راحت فرمود که طلب روزی کن چنانچه خدا ترا امر کرده است من دعا میکنم برای تو و در حدیث دیگر
منقولست که آن حضرت احوال شخصی را پرسیدند شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت پرسیدند که بچه کار مشغولست گفت
در خانه نشسته است و عبادت الهی میکند فرمود که معاشش بچه چیز میگذرد گفت که بعضی از برادران مومن باحوال او میرسد حضرت فرمود که آنکه
روزی او را میدهد عبادتش بهتر است از عبادت او و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسیکه طلب دنیا کند برای آنکه
از مردم سوال نکند و روزی عیال خود را فراخ گرداند و با همسایگان خود احسان کند در روز قیامت رویش مانند ماه شب چهارده باشد و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که عبادت هفتاد جزوست بهترین آنها طلب حلالست و در حدیث دیگر فرمود که هرکه شب بخوابد و مانده
از طلب حلال چون شب بسر آید آمرزیده شده باشد و در احادیث معتبره منقولست که چون در دکان خود را گشودی و متاع خود را پهن کردی
آنچه بر تو بود کردی دیگر بر خدا توکل کن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در حجة الوداع فرمود که بدرستیکه جبرئیل
در دل من دمید که هیچ صاحب جانی نمیمیرد مگر آنکه روزی مقدر خود را تمام میخورد پس از خدا بترسید و مبالغه در طلب روزی مکنید و دیر رسیدن
روزی مدارد شما را برای آنکه طلب چیزی از روزی را بمعصیت خدا بکنید زیرا که حق تعالی روزی را در میان خلق خود بحلال قسمت کرده است
و بحرام قسمت نکرده است پس کسی که از معصیت خدا بپرهیزد و صبر کند روزی او از حلال میرسد و هرکه پرده دری کند و تعجیل نماید و از حرام
بگیرد از روزی حلال او بهمان مقدار کم میشود و در قیامت حساب او خواهند کرد بر آن روزی حرام و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که اگر بنده در سوراخی باشد خدا روزی او را میرساند پس مبالغه در طلب روزی مکنید و در احادیث معتبره از آن حضرت منقولست
که خدا روزی مومنان را از جاهای چند مقرر فرموده است که گمان نداشته باشند برای آنکه نمیدانند که روزی ایشان از کجا می آید
بسیار دعا میکنند و در احادیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تجارت عقل را زیاد میکند و ترک تجارت کردن عقل را
کم میکند و حضرت امام موسی علیه السلام بتاجری فرمود که بامداد برو بسوی چیزی که موجب عزت تست یعنی بازار و در احادیث دیگر منقولست
که بامداد بطلب روزی بروید و تحقیق این مطلب با احادیث دیگر در کتاب عین الحیوة مذکورست **فصل دهم** در بیان آداب تجارت
از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقولست که بر منبر فرمود که ای گروه سوداگران اول یاد گیرید مسائل تجارت را پس از آن مشغول تجارت
شوید والله که ربا در این امت مخفی تر است از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت و قسم دروغ مخورید بدرستیکه تاجر فاجرست و فاجر در
جهنم است مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه خرید و فروش کند از پنج چیز اجتناب کند از
سود خوردن و قسم خوردن و عیب متاع پوشیدن و مدح کند چیزی که فروشد و مذمت کردن چیزیکه خرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت

امیر المومنین

امیر المومنین علیه السلام هر روز بامداد دره را بر دوش میگذاشت و در بازارهای کوفه میگشت و میفرمود که چون مشغول خرید و فروش شوید
اول خیر خود را از خدا بطلبید و خرید و فروش را سهولت کنید و کار را تنگ مگیرید تا برکت یابید و نزدیکی و مهربانی کنید با مشتریها و برد
باری را زینت خود کنید و از قسم خوردن و دروغ گفتن کناره گیرید و ستم بر مردم مکنید و با مظلومان انصاف از خود بدهید
و نزدیک ربا و سود مروید و کیل و وزن را تمام بدهید و ترازو دزدی مکنید و در حدیث دیگر فرمود که منشینید در بازار مگر کسی که مسائل
خرید و فروش را داند و هرکه با نادانی تجارت کند در رباخوردن فرو میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هرکه در بامداد و پسین ببازار رود و چون در بازار گذارد بگوید اللهم انی اسئلک من خیرها و خیر اهلها حق تعالی ملکی باو موکل گرداند که او را
و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد پس ملک باو گوید که امروز امان یافتی از شر این بازار و اهل این بازار و امروز روزی تو شد خیر این
بازار و اهل این بازار بامر خدا پس چون در دکان بنشیند بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا صلی الله
علیه و آله عبده و رسوله اللهم انی اسئلک من فضلک رزقا حلالا طیبا و اعوذ بک من ان اظلم او اظلم و اعوذ بک من صفقة خاسرة و یمین کاذبة
چون این دعا بخواند ملکی که باو موکلست میگوید که بشارت باد ترا که امروز در این بازار کسی بهره اش از تو فراوان تر نیست تحصیل کردی حسنات و جمع آوردی
ثوابها و محو کردی از خود گناهان را و زود می آید بسوی تو آنچه خدا روزی کرده است حلال و طیب و مبارک و در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون داخل بازار شوی این دعا بخوان اللهم انی اسئلک من خیرها و خیر اهلها و اعوذ بک من شرها
و شر اهلها اللهم انی اعوذ بک من ان اظلم او اظلم او ابغی او یبغی علی او اعتدی او یعتدی علی اللهم انی اعوذ بک من شر ابلیس و جنوده
و شر فسقة العرب و العجم و حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و در حدیث صحیح دیگر منقولست از آن حضرت
که هرکه داخل بازاری شود یا مسجدی شود یکمرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله
بکرة و اصیلا و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله برابرست با یک حج مقبول و در حدیث معتبر دیگر منقولست
که هرکه در بازار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله حق تعالی هزار هزار حسنه برای او بنویسند
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه داخل بازار شود و نظر کند بشیرین و ترش و تلخ آن بگوید اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اسئلک من فضلک و استجیر بک من الظلم و الغرم و المأثم و در روایت
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه داخل بازار شود و بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی
اعوذ بک من الظلم و المأثم و المغرم حق تعالی بعدد آنچه در آن بازار هست از سخنگو و غیر سخنگو ثواب برای او بنویسد و از حضرت

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که یاد خدا در بازار بسیار کنید در وقتی که مردم مشغول دنیا باشند که کفاره گناهان شما باشد
و باعث زیادتی حسنات شما شود و شما را از غافلان ننویسند و چون خواهید ما یحتاج خود را از بازار بخرید در وقت داخل شدن
بازار بگویید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله اللهم انی اعوذ بک من صفقة
خاسرة و یمین فاجرة و اعوذ بک من بوار الایم و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت داخل شدن
بازار بگوید سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو
علی کل شیء قدیر بعدد آنچه خلق کرده است تا قیامت باو ثواب کرامت فرماید و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
خواهی متاعی یا غیر آن بخری سه مرتبه الله اکبر بگو پس این دعا بخوان اللهم انی اشتریته التمس فیه من خیرک فاجعل لی فیه خیرا اللهم
انی اشتریته التمس فیه من فضلک فاجعل لی فیه فضلا اللهم انی اشتریته التمس فیه من رزقک فاجعل لی فیه رزقا و در روایت دیگر منقولست
که حضرت امام رضا علیه السلام بر روی متاعی که میخریدند مینوشتند برکة لنا و محتملست که مراد نوشتن بانگشت باشد و در حدیث صحیح از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی که چیزی بخری این دعا بخوان یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم اسئلک بعزتک و قدرتک
و ما احاطه به علمک ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا و اوسعها فضلا و خیرها عاقبة فانه لا خیر فیما لا عاقبة له و فرمود که چون چیزی دانی یا
سنده خواهی بخری بگو اللهم قدر لی اطولها حیوة و اکثرها منفعة و خیرها عاقبة و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست که چون خواهی چهار
پایی بخری سه مرتبه این دعا بخوان اللهم ان کانت عظیمة البرکة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة فیسر لی شراءها و ان کانت غیر ذلک
فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر لی منها فانک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب و در روایت دیگر منقولست که چون خواهی
بکاری بروی و آفتاب اندکی بلند باشد که سرخی شعاعش بر طرف شده باشد دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله احد
و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگوئی این دعا بخوان اللهم انی غدوت التمس من فضلک کما امرتنی فارزقنی
من فضلک رزقا حسنا واسعا حلالا طیبا و اعطنی فیما رزقتنی العافیة غدوت بحول الله و قوته غدوت بغیر حول منی و لا قوة
ولکن بحولک و قوتک و ابرأ الیک من الحول و القوة اللهم انی اسئلک برکة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین
و صلی الله علی محمد و آله الطیبین و در فقه الرضا علیه السلام مذکورست که چون خواهی متاعی را به بندی و نگاهداری آیة الکرسی را بخوان و بنویس
و در میان متاع بگذار و این دعا را نیز با آیة الکرسی بنویس و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون لا ضیعة علی ما
حفظه الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم چون چنین کنی این متاع از هر بلا محفوظ ماند و فرمود
که اگر

که اگر مالت تلف شود این دعا بخوان اللهم انی عبدک و ابن عبدک و ابن امتک و فی قبضتک ناصیتی بیدک تحکم فیها تشاء و تفعل ما ترید
اللهم فلک الحمد علی حسن قضائک و بلائک اللهم هو مالک و رزقک و انا عبدک خولتنی حین رزقتنی اللهم فالهمنی شکرک فیه
و الصبر علیه حین اصبت و اخذت اللهم انت اعطیت و انت اصبت اخذت اللهم لا تحرمنی ثوابه و لا تنسنی من خلفه فی
دنیای و آخرتی انک علی ذلک قادر اللهم انا لک و بک و الیک و منک لا املک لنفسی ضرا و لا نفعا و در حدیث معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که بدترین بقعهای زمین بازارهاست و آنها میدان شیطانند هر روز بامداد علم خود را در بازارها میزند
و کرسی خود را میگذارد و می نشیند و فرزندان خود را پهن میکند که یکی را فریب میدهد که ترازو را کم میکند و دیگری که کیل را کم میکند و دیگری را
که میدزدد و دیگری را بر سر المال را دروغ میگوید پس میگوید بفرزندان خود که بر شما باد بر جماعتی که پدر ایشان مرده است یعنی حضرت آدم
و پدر شما زنده است پس باید اول کسی که داخل بازار میشود و باخر کسی که بیرون میرود بیرون میرود و بهترین بقعهای زمین نزد خدا
مساجدست و محبوبترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بمسجد رود و دیرتر بیرون آید و در حدیث دیگر فرمود که دشمن ترین مردم نزد خدا
کسی است که زودتر ببازار رود و دیرتر بیرون آید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مخر چیزی از مردمی که کار بر ایشان بسته شده است
که سودا با ایشان برکت نمیدارد و در حدیث دیگر فرمود که با کردان مخالطه مکن که ایشان گروهی اند از جنیان که حق تعالی پرده از ایشان
برداشته است و در احادیث معتبره وارد شده است که معامله مکنید با جماعتی که مرضهای مسری دارند مانند پیسی و خوره و در احادیث
دیگر فرمود که با نوکیسه سودا مکنید و با کسی سودا کنید که در مال و نعمت نشو و نما کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که با مردم دون که از دشنام
دادن و شنیدن پروا ندارند سودا مکنید و در حدیث صحیح دیگر فرمود که از ما نیست کسیکه فریب دهد مؤمنی را و فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آب در شیر کردن و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام بهشام فرمود که در تاریکی
و زیر سقف متاع مفروش که متاع خوش قماش مینماید و آن غشی است و غش کردن حلال نیست و فرمود که کسیکه بخرد مگر بقسم و نفروشد مگر
بقسم حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی او نمیفرماید و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که زنهار که قسم مخورید که
متاع را رواج میکند اما برکتش را بر میدارد و میبرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست کسی که میفروشد و میخرد در روزی میباید و
کسی که نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعونست و فرمود که قافله که متاع آورد کسی آنرا در بیرون شهر استقبال نکند بگذارید
که داخل شهر شوند و شهری وکیل نشود در خرید و فروش برای بادیه نشینان خدا بعضی از مسلمانان را بسبب بعضی دیگر روزی
میدهد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام با اسحق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی مده که صراف

ازربا سالم نمیماند و کفن فروشی مده که کفن فروش آرزوی مرگ مردم میکند و بسیار مردن مردم او را خوش می آید و بجو و گندم فروشی مده
که سالم نمیماند از جمع کردن و نگاهداشتن برای گرانی و بسلاخی مده که رحم از دلش برطرف میکند و کسی که سنگین دلست از خدا دورست و برده
فروشی مده که بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که بخاله خود غلامی بخشیدم و نهی کردم
او را از آنکه بقصابی یا حجامت گری یا زرگری بدهد و در احادیث دیگر منقولست که اگر مرد حجامت را اول شرط نکند و آنچه بعد از حجامت بدهند
قبول کند باکی نیست و در بعضی از اخبار مذمت جولاهی وارد شده است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید
از تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد بر آن مگیر گفت کتابهای شعری و رسالها و مثل اینها میخوانند اول شرط مزد خود با ایشان بکنم فرمود که بلی
اما بشرطی که اطفال نزد تو برابر باشند و بعضی را بر بعضی زیادتی ندهی و در حدیث دیگر منقولست که بآنحضرت گفتند که سنیان میگویند
که کسب معلم حرام است فرمود که دروغ میگویند این دشمنان خدا میخواهند که اطفال مردم قرآن یاد نگیرند اگر کسی دیه فرزند خود را بمعلم بدهد براو
حلالست و بهتر آن است که اول شرط مزد نکند و آنچه بدهند بگیرد و در احادیث معتبره وارد شده است که چون قرآن را فروشید کاغذ و جلد را
بفروشید و قصد فروختن نوشته نکنید و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن
قرآن و در دو حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که تمام شب بیدار باشد برای کسب کردن و بهره دیده خود را از خواب
ندهد آن کسبش حرام است و اکثر علما حمل بر کراهت شدیده کرده اند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که هر که خود را بعنوان نوکری
بمردم باجاره بدهد روزی را بر خود حرام کرده است و خود را از روزی خدا محروم گردانیده است

در فضیلت زراعت

کردن و درخت کشتن از علی بن ابی حمزه منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام را دید که در زمین خود کار میکردند و پاهای آنحضرت در عرق
فرو رفته بود گفت فدای تو شوم خدمتکاران بکار رفته اند که شما خود این کار میکنید فرمود که با بیل کار کرده است در زمین کسیکه بهتر از
من و پدر من بوده است پس فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و تمام پدران من بدست خود
در زمین کار کرده اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحانست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
حق تعالی برای پیغمبرانش شخم و زراعت کردن را اختیار نموده است تا از آمدن باران کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی روزی پیغمبران را در زراعت و شیر پستان حیوانات قرار داده است تا از قطره از باران آسمان کراهت نداشته باشند و در حدیث
دیگر فرمود که زراعت کنید و درخت نشانید والله که مردم کاری از این حلال تر و پاکیزه تر نمی کنند والله که زراعت خواهید کرد و درخت
خواهید کشت بعد از بیرون آمدن دجال هم و در حدیث معتبر از حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه منقولست که بهترین اعمال

الزراعة

زراعت است که از آن نیکوکار و بدکردار میخورد اما نیکوکار آنچه میخورد از برای او استغفار میکند و اما بدکردار آنچه میخورد او را لعنت میکند
و حیوانات و مرغان نیز از آن میخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کیمیای بزرگ زراعت کردن است و در حدیث دیگر فرمود
که زراعت کنندگان گنجهای مردم اند میکارند و روزی نیکوی پاکیزه خدا کرامت میفرماید و ایشان در قیامت جایگاه ایشان از همه
مردم نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نزدیکتر است و ایشان را در آنروز مبارکین میخوانند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت
بر جماعتی گذشتند که شخم میکردند و فرمودند که زراعت کنید که حق تعالی بباد میرویاند زراعت را چنانچه بباران میرویاند و در احادیث
معتبره منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه با بیل در زمین کار میکردند و مزرعها آباد میکردند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله هسته خرما را از آب دهان مبارک خود تر میکردند و بر زمین فرو می بردند و در ساعت سبز میشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
هزار غلام از کد یمین خود خریدند و آزاد کردند و در حدیث موثق منقولست که شخصی رسید بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه دید که زیاده
از سی من شاه هسته خرما بار کرده اند و میبرند پرسید که اینها چیست فرمود که صد هزار درخت خرماست انشاء الله پس اینها را در باغستان
خود کشتند که یکی از آنها خطا نشد و در حدیث معتبر از ابی عمرو منقولست که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام جامه کنده پوشیده بودند
و بیلی در دست داشتند و در باغ خود کار میکردند و عرق از پشت مبارکش میریخت گفتم فدای تو شوم بده من بکنم فرمود که من دوست
میدارم که آدمی آزار بکشد در آفتاب برای طلب معیشت و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که شش خصلت است که مؤمن با آنها
منتفع می شود بعد از مردن فرزند صالحی که برای او استغفار کند و مصحفی که از او بماند و تلاوت کنند و چاهی که بکند و درختی که بکارد و تصدق
آبی که جاری کند و سنت نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از آن مردم بآن عمل کنند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هیچ چیز را
آدمی بعد از مرگ خود نمیگذارد که بر او دشوارتر باشد از زر راوی گفت که چگونه فرمود که باغ و خانه بخرد و در حدیث دیگر فرمود که در توریة
نوشته است که هر که زمین یا آب بفروشد و بعوض آن زمین یا آب دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منتفع نشود از آن

در آداب

زراعت کردن و درخت کشتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت آدم بزمین آمد محتاج بخوردن و
آشامیدن شد پس بجبرئیل علیه السلام شکایت کرد جبرئیل گفت که زراعت بکن آدم علیه السلام گفت دعائی مرا تعلیم کن جبرئیل گفت که بگو اللهم
اکفنی مؤنة الدنیا و کل هول دون الجنة و البسنی العافیة حتی تهنئنی المعیشة و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
خواهی زراعت کنی یک کف از آن دانه را بگیر و رو بقبله بایست و سه مرتبه بگو افرأیتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون پس بگو
اللهم اجعله حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة پس آن دانه را که در کف داری بپاش و در روایت دیگر فرمود که چون دانه را بپاشی بگو

اللهم قد بذرت وانت الزارع فاجعله حبا متراکبا متراکما و در حدیث دیگر فرمود که در وقت درخت نشاندن و دانه پاشیدن بر هر درختی
و هر دانه بخوان که سبحان الباعث الوارث که ان شاء الله تعالی خطا نمیکند و در روایت دیگر فرمود که در وقت درکشتن و زراعت
کردن این آیه را بخوان و مثل کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که یک قبضه از تخم بگیر و رو بقبله بایست و سه مرتبه بگو ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون پس بگو اللهم اجعله حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة
والتمام و اجعله حبا متراکبا و لاتحرمنی خیر ما ابتغی ولاتفتنی بما متعتنی بحق محمد و آله الطیبین پس آن قبضه را بپاش و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که خواهد که درخت خرما خوب بار بردارد و خرمایش بسیار شود ماهیهای کوچک خشک را بگیرد و نیم کوب کند و در هر شکوفه اندکی
بپاشد و باقیش را در کیسه پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا دهد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که درخت میوه را مبرید که عذاب
بر شما نازل میشود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت خرما مکروهست پرسیدند که بریدن درختهای دیگر چونست فرمود که باکی نیست
پرسیدند که درخت سدر را بریدن چونست فرمود که درخت سدر که در بادیه باشد بریدن خوب نیست زیرا که در آنجا کم است اما در شهر
باکی نیست و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که چونست بریدن درخت سدر فرمود که پدرم درخت سدر را برید و بجای آن درخت
انگور کشت و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که باکی نیست که عذره آدمی را در مزرعها بریزند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که حضرت عیسی علیه السلام بشهری گذشتند در میوهای ایشان کرم بسیار بود و در این باب بآنحضرت شکایت کردند فرمود که شما چون درخت
میکارید اول خاک میریزید و بعد از آن آب میدهید باین سبب کرم در میوها بهم میرسد بعد ازین اول آب بریزید و بعد از آن خاک بریزید
چنین کردند کرم از میوهاشان برطرف شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که درخت سدر را آب دهد چنانست که مؤمنی را
در وقت تشنگی آب داده باشد و فرمود که حق تعالی هیچ درختی را خلق نکرده است مگر آنکه میوه داشت که میتوانستند خورد چون مردم
از برای خدا فرزند قائل شدند میوه نصف درختان برطرف شد پس چون با خدا شریک قرار دادند درختان خار بهم رسانیدند

در آداب سفر — در بیان سفرهای نیک و بد و ایام و ساعات نیک و بد از برای سفر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
در حکمت آل داود نوشته است که نباید کسی سفر کند مگر آنکه از برای سه چیز سفری که توشه آخرت در آن حاصل شود یا سفری که باعث
مرمت امور معاش گردد یا سفری از برای سیر و لذتی باشد که حرام نباشد و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنید تا بدنهای شما
صحیح شود و جهاد کنید تا غنیمت دنیا و آخرت بیابید و حج کنید تا مالدار و بی نیاز شوید و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست
از عذاب چون کار شما در سفر ساخته شود زود باهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقولست که محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام

بدالسلام

پرسید که بارمینیه میروم که در آنجا غیر از برف و یخ چیزی نیست فرمود که چون مضطر است تیمم کند و دیگر در چنین زمینی نرود که دینش
در آنجا هلاک شود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام آمد و گفت میخواهم بسفر روم برای من دعا
کنید حضرت فرمود که در چه روز میروی گفت [illegible] از برای برکت آنروز زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در
روز دوشنبه متولد شده است حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت رسول در روز جمعه متولد شدند و هیچ روزی شوم تر از
روز دوشنبه نیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آنروز وفات کرد و وحی آسمان از ما منقطع شد و در آنروز حق ما را
غصب کردند میخواهی خبر دهم ترا و دلالت کنم ترا بروز سهل و آسانی که خدا در آنروز نرم کرد آهن را برای حضرت داود گفت بلی
فرمود که آنروز سه شنبه است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که اراده سفری داشته باشد [illegible]
روز شنبه سفر کند که اگر سنگی از کوهی بگردد در روز شنبه البته از خدا بجای خود برگرداند و هر کار بار او دشوار شود در روز سه شنبه کند
که آنروزیست که آهن برای حضرت داود علیه السلام نرم شده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در روز پنجشنبه بسفر میرفتند و میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که مکروهست سفر کردن و سعی کردن در حوائج در بامداد روز جمعه از برای آنکه مبادا از نماز باز ماند اما بعد از نماز از برای
تبرک خوبست و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که
در چهارشنبه آخر ماه سفر کند برای مخالفت جماعتی که بفال بد میدانند از هر بلائی نگاهداشته شود و حاجتش خدا برآورد و در بعضی از روایات وارد
شده است که سفر مکن در روز سیم ماه و روز چهارم و روز پنجم و روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بیستم و روز بیست یکم و روز بیست چهارم و
روز بیست پنجم و روز بیست ... و در روایت دیگر منقولست که روز چهارم و ششم و بیست یکم برای سفر خوبست و در روایت دیگر منقولست
که هشتم ماه و بیست سیم ماه برای سفر خوب نیست و اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود رعایت روزهای هفته کردن اولی است
زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت معتبره منقولست که هر که سفر کند یا زن بخواهد در وقتی که ماه در عقرب باشد عاقبت
نیکو نبیند — در دفع نحوستهای سفر بتصدق و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تصدق
کن در هر روز که خواهی بسفر برو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزی از روزها
مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر خود بتصدق کن و هر وقت که خواهی بدر رو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که ابن ابی عمیر
گفت که من در علم نجوم نظر میکردم و طالع را می شناختم و در خاطرم میخلید در بعضی از ساعات بعضی از کارها را اختیار کردن در این باب

بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کردم فرمود که هرگاه در دل تو چیزی بهم رسد تصدق کن بر اول مسکینی که می بینی و برو که حق تعالی
ضرر آن را از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در اول روز تصدق بکند حق تعالی نحوست آن روز را
از او دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعضی از مزرعهای خود میخواستند بروند میخریدند سلامتی
خود را از خدا بانچه میسر میشد از تصدق را در وقتی میدادند که پا در رکاب میکردند و چون خدا آنحضرت را بسلامت برمیگردانید شکر و حمد الهی
میکردند و تصدق میکردند بانچه میسر میشد و در حدیث حسن منقولست که عبد الملک بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من مبتلا
بعلم نجوم شده ام و گاه میخواهم که پی کاری بروم در طالع نظر میکنم چون می بینم که طالع شری هست می نشینم و ترک رفتن میکنم و اگر طالع نیکی می بینم
میروم حضرت فرمود که آن حاجت برآورده میشود یا حکم نجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای نجومت بسوزان و سید بن طاوس رحمة الله
علیه روایت کرده است که چون خواهی متوجه سفر شوی در وقتی چند که سفر کردن در آن اوقات کراهت دارد پیش از متوجه شدن سوره
حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر و آخر سوره آل عمران ان فی خلق السموات
والارض تا آخر لا تخلف المیعاد بخوان پس بگو اللهم بک یصول الصائل و بک یطول الطائل و لا حول لکل ذی حول الا بک و لا قوة یمتارها
ذو القوة الا منک اسئلک بصفوتک من خلقک و خیرتک من بریتک محمد نبیک و عترته و سلالته علیه و علیهم السلام صل علیه و علیهم و اکفنی
شر هذا الیوم و ضرره و ارزقنی خیره و یمنه و اقض لی فی متصرفاتی بحسن العافیة و بلوغ المحبة و الظفر بالامنیة و کفایة الطاغیة الغویة و کل ذی قدرة
لی علی اذیة حتی اکون فی جنة و عصمة من کل بلاء و نقمة و ابدلنی فیه من المخاوف امنا و من العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد
و لا یحل بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر و الامور الیک تصیر یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر و در حدیث صحیح از
حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هفت چیز است که اگر در برابر مسافر ظاهر شود برای او شوم است کلاغی که فریاد کند از جانب
راست او و سگی که دم را علم کرده باشد و گرگی که بر دم خود نشسته باشد و بر روی او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آهوی
که از جانب راست او بیاید و بجانب چپ او برود و جغدی که فریاد کند و زن پیر سفید موئی که رو بروی او بیاید و ماده الاغی که گوش بریده
باشد پس کسی که از دیدن اینها ترسی در خواطرش بیاید بگوید اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک
چون این را بگوید ضرری باو نرسد و در روایتی منقولست که چون پیش از سفر تصدق کند در وقت تصدق این دعا بخواند اللهم انی اشتریت
بهذه الصدقة سلامتی و سلامة سفری و ما معی فسلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل و بعد از تصدق بگوید لا اله الا هو
الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم

وسلام

وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین اللهم کن لی جارا من کل جبار عنید
و من کل شیطان مرید بسم الله دخلت و بسم الله خرجت اللهم انی اقدم بین یدی نسیانی و عجلتی بسم الله و ما شاء الله فی
سفری هذا ذکرته ام نسیته اللهم انت المستعان علی الامور کلها و انت الصاحب فی السفر و الخلیفة فی الاهل اللهم هون علینا
سفرنا و اطو لنا الارض و سیرنا فیها بطاعتک و طاعة رسولک اللهم اصلح لنا ظهرنا و بارک لنا فیما رزقتنا و قنا عذاب النار
اللهم انا نعوذ بک من وعثاء السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الاهل و المال و الولد اللهم انت عضدی و ناصری اللهم
اقطع عنی بعده و مشقته و اصحبنی فیه و اخلفنی فی اهلی بخیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. در آداب غسل و نماز
و دعا در وقت بیرون رفتن سید بن طاوس روایت کرده است که چون اراده سفری نماید سنت است که غسل کند پیش از
بیرون رفتن در وقت غسل بگوید بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و علی ملة رسول الله و الصادقین عن الله
صلوات الله علیهم اجمعین اللهم طهر به قلبی و اشرح به صدری و نور به قبری اللهم اجعله لی نورا و طهورا و حرزا و شفاء
من کل داء و آفة و عاهة و سوء مما اخاف و احذر و طهر قلبی و جوارحی و عظامی و دمی و شعری و بشری و مخی و عصبی و ما اقلت الارض
منی اللهم اجعله لی شاهدا یوم حاجتی و فقری و فاقتی الیک یا رب العالمین انک علی کل شیء قدیر و در حدیث معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که هیچ خلیفه آدمی در اهلش نمیگذارد بهتر از آنکه در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بکند از پس بگوید
اللهم انی استودعک نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمة عملی و ابن طاوس علیه الرحمه گفته است که در
رکعت اول قل هو الله احد و در رکعت دوم انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند و در حدیث معتبر منقولست که چون حضرت امام محمد باقر
علیه السلام اراده سفری میکردند عیال خود را در حجره جمع میکردند و این دعا میخواندند اللهم انی استودعک الغداة نفسی و مالی و اهلی
و ولدی و الشاهد منا و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک و لا تغیر ما بنا من عافیتک
و فضلک و سید بن طاوس علیه الرحمه روایت نموده که بعد از نماز این دعا بخواند اللهم انی استودعک الیوم نفسی و اهلی و مالی
و ولدی و من کان منی بسبیل الشاهد منهم و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی رحمتک و لا تسلبنا فضلک انا الیک
راغبون اللهم انا نعوذ بک من وعثاء السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الاهل و المال و الولد فی الدنیا و الاخرة اللهم
انی اتوجه الیک هذا التوجه طلبا لمرضاتک و تقربا الیک فبلغنی ما اؤمله و ارجوه فیک و فی اولیائک یا ارحم الراحمین و اگر
خواهی این دعا هم بخوان اللهم خرجت فی وجهی هذا بلا ثقة منی لغیرک و لا رجاء یاوی بی الا الیک و لا قوة اتکل علیها و لا

حیلة الّا الیها الّا طلب رضاک و ابتغاء رحمتک و تعرضا لثوابک و سکونا الی حسن عائدتک وانت اعلم بما سبق لی فی علمک
فی وجهی مما احب واکره اللهم فاصرف عنی مقادیر کل بلاء و مقضی کل لأواء وابسط علیّ کنفا من رحمتک ولطفا من عفوک
وسعة من رزقک وتماما من نعمتک وجماعا من معافاتک ووفق لی فیه یا رب جمیع قضائک علی موافقة هوای وحقیقة املی
وادفع عنی ما احذر وما لا احذر علی نفسی مما انت اعلم به منی واجعل ذلک خیرا لآخرتی ودنیای مع ما اسئلک ان تخلفنی فیمن خلفت
ورائی من ولدی واهلی ومالی واخوانی وجمیع حزانتی بافضل ما تخلف فیه غائبا من المؤمنین فی تحصین کل عورة وحفظ کل مضیعة
وتمام کل نعمة ودفاع کل مکروه وکمال ما یجمع لی به الرضا والسرور فی الدنیا والآخرة ثم ارزقنی ذکرک وشکرک وطاعتک وعبادتک
حتی ترضی وبعد الرضا اللهم انی استودعک الیوم دینی ونفسی ومالی واهلی وذریتی وجمیع اخوانی اللهم احفظ الشاهد منا
والغائب اللهم احفظنا واحفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک ولا تسلبنا نعمتک ولا تغیر ما بنا من نعمة وعافیة وفضل و در حدیث
معتبر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام اراده سفری میکردند این دعا میخواندند اللهم خل سبیلنا واحسن تسییرنا واعظم عافیتنا
و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله اراده سفری مینمودند این دعا میخواندند در وقتی که بر میخواستند
که متوجه شوند اللهم بک انتشرت والیک توجهت وبک اعتصمت انت ثقتی ورجائی اللهم اکفنی ما اهمنی وما لا اهتم له وما انت
اعلم به منی اللهم زودنی التقوی واغفر لی ووجهنی الی الخیر حیث ما توجهت و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه منقولست
که هر که اراده سفری نماید و در در خانه خود بایستد رو بجانبی که اراده دارد که متوجه شود پس سوره حمد را از پیش رو و جانب راست
وجانب چپ بخواند و آیة الکرسی را نیز از پیش رو و جانب راست و جانب چپ بخواند پس بگوید اللهم احفظنی واحفظ ما معی وسلمنی وسلم
ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل حق تعالی حفظ کند او را و آنچه با او است و بسلامت دارد او را و آنچه با او است و
سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است چون بر در خانه بایستد تسبیح فاطمه علیها السلام بخواند و سوره حمد و آیة الکرسی را
بنحوی که گذشت بخواند پس بگوید اللهم الیک وجهت وجهی وعلیک خلفت اهلی ومالی وما خولتنی وقد وثقت بک فلا تخیبنی یا من لا
یخیب من اراده ولا یضیع من حفظه اللهم صل علی محمد وآل محمد واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی یا ارحم الراحمین اللهم بلغنی ما
توجهت له وسبب لی المراد وسخر لی عبادک وبلادک وارزقنی زیارة نبیک وولیک امیر المؤمنین والائمة من ولده وجمیع اهل بیته
علیه وعلیهم السلام ومدنی منک بالمعونة فی جمیع احوالی ولا تکلنی الی نفسی ولا الی غیری فاکل واعطب وزودنی التقوی واغفر لی
فی الآخرة والاولی اللهم اجعلنی اوجه من توجه الیک و این دعا نیز بخواند بسم الله وبالله وتوکلت علی الله واستعنت بالله والجات

ظهری

ظهری الی الله وفوضت امری الی الله رب آمنت بکتابک الذی انزلت وبنبیک الذی ارسلت لانه لا یأتی بالخیر الا
انت ولا یصرف السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک وتقدست اسماؤک وعظمت آلاؤک ولا اله غیرک بدرستی که در روایتی
وارد شده است که هر که صبح از خانه بیرون آید این دعا بخواند بلائی باو نرسد تا شام که بخانه برگردد و هر که در شام بخواند و از خانه بیرون رود
بلائی باو نرسد تا صبح که بخانه برگردد و در روایت دیگر وارد شده است که چون حضرت صادق علیه السلام بسفری میرفتند این دعا میخواندند
اللهم احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن بالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة وذلل لی کل صعوبة
واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو واصرف عنی من الشر کله اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین و این دعا نیز میخواندند اسأل الله الذی بیده
ما دق وجل وبیده اقوات الملائکة ان یهب لنا فی سفرنا امنا وایمانا وسلامة واسلاما وفقها وتوفیقا وبرکة وهدی وشکرا وعافیة ومغفرة
عزما لا تغادر لی ذنبا و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که چون کسی بسفری بیرون رود بگوید اللهم انت الصاحب فی السفر
والحامل علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد پس باید این دعا را که از برای از خانه بیرون آمدن و سوار شدن در فصلهای سابق گذشت بخواند
پس چون سوار شود بگوید الحمد لله الذی هدانا للاسلام ومنّ علینا بمحمد وآله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون
والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر اللهم بلغنا بلاغا یبلغ به الی خیر بلاغا یبلغ به الی رحمتک
ورضوانک ومغفرتک اللهم لا ضیر الا ضیرک ولا خیر الا خیرک ولا حافظ غیرک

در سایر آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود بردن

در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که
بسفری رود و با خود بردارد عصائی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی او را ایمن گرداند از هر سبع درنده و هر دزدی
و هر صاحب زهری تا باهل خود برگردد و با او هفتاد و هفت ملک باشند که از برای او استغفار کنند تا برگردد و عصا را بگذارد این
آیات ولما توجه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما ورد ماء مدین وجد علیه امة من الناس یسقون ووجد من دونهم
امرأتین تذودان قال ما خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء وابونا شیخ کبیر فسقی لهما ثم تولی الی الظل فقال رب انی لما انزلت
الی من خیر فقیر فجاءته احدیهما تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوک لیجزیک اجر ما سقیت لنا فلما جاءه وقص علیه القصص
قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین قالت احدیهما یا ابت استأجره ان خیر من استأجرت القوی الامین قال انی ارید ان
انکحک احدی ابنتی هاتین علی ان تأجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندک وما ارید ان اشق علیک ستجدنی ان شاء الله
من الصالحین قال ذلک بینی وبینک ایما الاجلین قضیت فلا عدوان علی والله علی ما نقول وکیل و در روایت دیگر از آنحضرت

منقولست که هر که خواهد که زمین در زیر پای او پیچیده شود با خود عصای درخت بادام تلخ بردارد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت آدم ع مرض شدیدی بهم رسانید و او را وحشتی عارض شد جبرئیل علیه السلام فرمود که چوبی از بادام تلخ جدا کن و بسینه خود بچسبان چنین کرد حق تعالی وحشت او را دفع کرد و بدانکه از جمله چیزهائیکه باید در سفر با خود داشته باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه است چنانچه منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام بعراق تشریف آوردند مردم نزد آنحضرت گرد آمدند و پرسیدند که میدانیم که تربت حضرت امام حسین علیه السلام شفای هر درد است آیا باعث ایمنی از هر خوف و بیم میشود فرمود که هر گاه کسی خواهد که او را از هر بیمی امان بخشد تسبیحی از تربت آنحضرت بگیرد و سه مرتبه این دعا بخواند اصبحت اللهم معتصما بذمامک وجوارک المنیع الذی لا یطاول ولا یحاول من شر کل طارق وغاشم من سائر من خلقت من خلقک الصامت والناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة حصینة وهی ولاء اهل بیت نبیک محتجزا محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم جمیعا موقنا ان الحق لهم ومعهم ومنهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واعادی من عادوا واجانب من جانبوا فاعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه انا جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون پس تسبیح را ببوسد و بهر دو چشم بگذارد و بگوید اللهم انی اسئلک بحق هذه التربة المبارکة وبحق صاحبها وبحق جده وبحق ابیه وبحق امه وبحق اخیه وبحق ولده الطاهرین اجعلها شفاء من کل داء واماناً من کل خوف وحفظا من کل سوء اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و در روایت دیگر منقولست که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد و چون از خانه بیرون آید چنین کند حرزی باشد برای او از شر ایشان و در فصول خواتیم گذشت انگشترها که مناسب است که در سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسیکه عمامه بر سر بسته از خانه بیرون آید آنکه سالم باهل خود برگردد و در روایت معتبر دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که من ضامنم برای کسیکه اراده سفری داشته باشد و عمامه بر سر ببندد و سر عمامه را در زیر تحت حنک ببندد آنکه او را دزد و غرق شدن و سوختن بر نخورد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روز شنبه از خانه بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد که تحت الحنک بسته باشد اگر برود نزد کوهی که از جا بکند هر آینه بعمل آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت لقمن علیه السلام با پسر خود گفت که ای فرزند چون بسفر بروی شمشیر و کمان و اسب و موزه و عمامه و رسنهائیکه ضرور میشود و مشک آب و سوزن و خیاطه با خود بردار و از دواها آنچه تو و اصحاب تو بآن محتاج باشید بردار و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسفر میرفتند شیشه روغن و سرمه دان و مقراض و آینه و مسواک و شانه و سوزن و ریسمان و چیزی که کفش را بآن پینه کنند و تسمهای نعل را بر میداشتند و از جمله تعویذاتی که در سفر

مناسب است

مناسب است تعویذیست که مرویست که در دسته شمشیر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله تعبیه شده بود و آن این تعویذ است بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله اسئلک یا ملک الملوک الاول القدیم الابدی الذی لا یزول ولا یحول انت الله العظیم الکافی لکل شیء المحیط بکل شیء اللهم اکفنی باسمک الاعظم الاجل الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد واحجب شرورهم وشرور الاعداء کلهم وسیوفهم وباسهم والله من ورائهم محیط اللهم احجب عنی شر من ارادنی بسوء بحجابک الذی احتجبت به فلم ینظر الیه احد من فسقة الجن والانس ومن شر سلاحهم ومن الحدید ومن کل ما یتخوف ویحذر ومن شر کل شدة وبلیة ومن شر ما انت به اعلم وعلیه اقدر انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی نبیه محمد وآله وسلم تسلیما تعویذه که در میان عمامه گذارند اقبل ولا تخف انک من الآمنین لا تخف نجوت من القوم الظالمین لا تخف انک انت الاعلی لا تخافا اننی معکما اسمع واری لا تخاف درکا ولا تخشی الذی اطعمهم من جوع وآمنهم من خوف فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین تعویذه که بر چهارپای سواری بندند اللهم احفظ علی مالو حفظه غیرک لضاع علی مالو ستره غیرک لکاع واجعل علی ظلا ظلیلا اتوقی به کل من ارادنی بسوء او نصب لی مکرا او هیا لی مکروها حتی یعود وهو غیر ظافر لی ولا قادر علی اللهم احفظنی کما حفظت به کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللهم انک قلت وقولک الحق انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره عبس را در کاغذ سفیدی بنویسد و بهر راهی که رود با خود نگاهدارد در آن راه بغیر از نیکی نبیند و از مفاسد آن راه محفوظ بماند

در آداب توشه برداشتن در سفر و آداب صرف کردن آن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بسفر روید سفره با خود بردارید و طعامهای نفیس در آن سفره بگذارید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از شرف آدمی آن است که توشه خود را نیکو گرداند هر گاه بسفری رود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام چون بحج یا عمره میرفتند از بهترین توشها بر میداشتند مانند لوز و شکر و قاووت ترش و شیرین و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نان در میان توشه خود بردارد که باعث برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام نظر کردند بسفره که در آن حلقهای برنج بود فرمودند که این حلقها را بکنید و حلقهای آهن بگذارید تا جانوران داخل سفره نشوند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام از بعضی از اصحاب خود پرسیدند که بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام میروید گفت بلی فرمود که سفره با خود میبرید گفت بلی فرمود که اگر بزیارت قبر پدران یا برادران خود بروید چنین نخواهید کرد گفت پس چه چیز بخوریم فرمود که نان با شیر یا ماست و در حدیث دیگر فرمود که شنیده ام

که جمعی هستند که چون به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام میروند با خود سفره بر میدارند که در میان آن بزغاله بریان و حلواها هست اگر به زیارت قبر دوستان خود بروند چنین نمیکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین خرج کردنها نزد خدا میانه رویست و خدا اسراف را دشمن میدارد مگر در راه حج یا عمره و در حدیث حسن منقولست که صفوان از حضرت صادق علیه السلام پرسید که من اهل خود را با خود به حج میبرم خرجی خود را در کمر خود میبندم حضرت فرمود که بلی پدرم میگفت که از قوت مسافران است که نفقه خود را حفظ کنند و در حدیث دیگر منقولست که دیگری به آنحضرت عرض کرد که در راهی که صورتها در آن نقش کرده اند با خود دارم و آنها را در همیان میکنم و بر کمر میبندم در حالت احرام فرمود که باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا بر آن است

در رفیق با خود بردن در سفر و آداب معاشرت ایشان

در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که کسی که تنها به سفر رود ملعونست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وصیت فرمود که یا علی هرگز تنها به سفر مرو که شیطان با یک کس است و از دو تا دورتر است یا علی شخصی که تنها به سفر رود گمراه است و دو کس که میروند گمراهند و سه کس مسافرانند و در روایت دیگر منقولست که شخصی به خدمت حضرت صادق ع آمد حضرت پرسیدند که در راه کی مصاحب تو بود گفت تنها بودم فرمود که اگر پیشتر ترا میدیدم نیکو تادیب میکردم که چگونه باید به سفر رفت پس فرمود که یک کس شیطانست و دو کس دو شیطانند و سه نفر مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند و به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه منقولست که هر که تنها به سفر رود بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنّی علی وحدتی و ادّ غیبتی و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که اول رفیق بهم رسان پس به سفر برو و فرمود که دو کس با هم رفیق نمیشوند مگر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا و آنکه ثوابش بیشتر است آن است که مدارا با رفیق بیشتر میکند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی زیاده از هفت کس نمیشود مگر آنکه صداهای ایشان بسیار میشود پس از این احادیث معلوم شد که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست در رفیقان هم توشه و سفره و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سنت است رفیقان هم توشه اول خرجهای خود را بدر آورند و بر روی هم بگذارند که این بیشتر باعث خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مصاحبت مکن در سفر با کسی که فضیلت ترا بر خود نداند آنقدر که تو از فضیلت او بر خود میدانی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و رفاقت کن با کسی که تو با او زینت یابی و مصاحبت مکن با کسی که او به تو زینت یابد یعنی تو کسب علم و کمالات از او توانی نمود و در حدیث دیگر از شهاب منقولست که گفت به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که شما میدانید حال توانگری مرا و احسانی که با برادران خود میکنم پس با جماعتی از ایشان

رفیق میشوم

رفیق میشوم در راه مکه و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که ای شهاب چنین مکن که اگر تو دست به خرج کردن بگشائی و ایشان هم بگشایند با ایشان ضرر میرسد و پریشان میشوند و اگر تو بکنی و ایشان نکنند باعث مذلت ایشان است پس رفاقت با جماعتی بکن که مثل تو باشند در توانگری و توانائی و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر مصاحبت کنی با مثل و مانند خود مصاحبت و رفاقت کن و با کسی رفیق مشو که خرج ترا بکشد که این موجب خواری مؤمن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف کنند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که جماعتی با یکدیگر رفیق میشوند و در میان ایشان مالدار و پریشان هست آیا آن مالدار خرج آنها را میتواند کشید فرمود که اگر آنها به طیب خاطر راضی باشند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی رفیق میشود با جماعتی مالدار و او از آنها مالش کمتر است و آنها خرج خود را بیرون می آورند و او مثل آنها خرج نمیتواند کردن فرمود که من دوست نمیدارم که خود را ذلیل کند با کسی رفیق شود که مثل او باشد و در احادیث معتبره منقولست که از ما نیست کسی که با مصاحبانش نیکو مصاحبت نکند و با رفیقانش نیکو رفاقت نکند و با کسی که نمک خورد حق نمک را رعایت نکند

در بیان سایر آداب سفر

در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت لقمان پسر خود را نصیحت فرمود که چون سفر کنی با گروهی مشورت با ایشان بسیار بکن در کارهای خود و کارهای ایشان و بر روی ایشان بسیار تبسم بکن و در توشه خود صاحب کرم باش در میان ایشان و چون ترا به ضیافت بطلبند قبول کن و اگر از تو مدد طلبند یاری ایشان بکن و به سه چیز بر ایشان غلبه کن به بسیاری خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هر چه با خود داری از چهارپا و مال و توشه و اگر گواهی از تو طلبند یا بر امر حقی خواهند ترا گواه کنند بکن و چون با تو مشوره کنند تا توانی سعی کن که رای نیکو برای ایشان اختیار کنی و زود عزم خود را با ایشان مگو تا تامل کنی و فکر کنی و جواب ایشان مگو در مشوره ایشان تا آنکه در آن فکر برخیزی و بنشینی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی و در اثنای این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشوره ایشان بکار فرمائی زیرا که هر که خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشوره کند خالص نگرداند حق تعالی رای و عقل او را از او سلب میکند و امانت را از او بر میدارد و هرگاه ببینی که رفیقان تو پیاده میروند با ایشان پیاده برو و هرگاه ببینی که کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرضی دهند تو با ایشان بده و بشنو سخن کسی را که از تو بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان به تو کاری فرمایند یا چیزی از تو سؤال کنند بگو بلی و نه مگو که نه گفتن علامت عجز و موجب ملامت است و چون راه را گم کنید و مصلحت به بینید و اگر یک کس را ببینید خبر راه از او مپرسید و مصلحت از او مبینید که یک شخص در بیابان این کس را به شک می اندازد و شاید جاسوس دزدان باشد

یا شیطان باشد خواهد که شما را حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از علامتها و قرینها ببینید که من نمیبینم زیرا که عاقل
بدیده خود که نظر میکند بسوی چیزی آنچه حق است از آن میشناسد و حاضر چیزی چند می بیند که غایب نمی بیند ای فرزند چون وقت نماز
در آید از برای امری از آن تاخیر مینداز و نماز را بجای آور و راحت بیاب که نماز قرضی است هر چند بیشتر ادا میکنی سبک بار میشوی
و نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر نیزه باشی و بر روی چهارپا خواب مکن که زود باعث زخم پشت آن میشود و این از کردار دانا
یان نیست مگر آنکه در میان کجاوه باشی که تمکنت باشد که بخوابی از برای سستی مفاصل و چون نزدیک شوی بمنزل از چهارپا فرود آی
که آن چهارپا یاور تست و ابتدا کن بعلف دادن آن پیش از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهید که فرود آئید اختیار کنید از قطعهای
زمین مکانی را که خوش رنگتر و خاکش نرمتر و پر گیاه تر باشد و چون فرود آئی پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز بکن و چون خواهی
بقضای حاجت بروی بسیار دور برو پس چون خواهی که بار کنی دو رکعت نماز بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین
و اهل آن زمین بکن که هر قطعه از زمین را اهلی چند از ملائکه هست و اگر توانی مخور هیچ طعامی را مگر آنکه قدری از آن را تصدق کنی و بر تو
باد بخواندن قرآن مادام که سوار باشی و بر تو باد به تسبیح و یاد خدا کردن مادام که مشغول کاری باشی و بر تو باد بدعا کردن در وقتی که تنها
و بیکار باشی و زنهار که در اول شب راه مرو بلکه در اول شب فرود آی و در نصف آخر شب راه رو و زنهار که در راه رفتن صدا
بلند مکن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مروت و مردی در حضر خواندن قرآن است و همنشینی علما کردن
و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر نمازهای جماعت کردن و اما مروت سفر پس توشه خود را صرف کردن و مخالفت رفیقان
نکردن و خدا را در هر بلندی و پستی و فرود آمدن و ایستادن و نشستن بسیار یاد کردن است و در روایت دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که مروت سفر توشه بسیار داشتن است و پاکیزه گردانیدن توشه است و عطا کردن آن بجمعی که رفیق تواند و آنچه
بعد از مفارقت رفیقان رازهای ایشان را که بر آن مطلع شده پوشانی و مزاح و خوش طبعی بسیار بکن در چیزیکه خدا را بخشم
نیاورد و در حدیث دیگر فرمود که از مروت نیست که آدمی نقل کند چیزی چند را که در سفر دیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که توشه مسافر حُدی خواندن است و خواندن شعری چند که در آن حرامی و باطلی نباشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که چون با جماعتی رفیق شوی که آنجا فرود آئید یا آنجا فرود میائید که در میان ایشان کسی هست که انکار را بکند اگر تو با ایشان بگذاری و در
احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که اعانت کند مؤمن مسافری را حق تعالی از او هفتاد و سه شدت
از شدتهای دنیا را بر آورد و او را امان دهد از غم و اندوه و هفتاد غم و شدت در آخرت از او بردارد در وقتیکه از شدت اهوال

قیامت

قیامت نفسهای مردم گرفته باشد

در آداب راه رفتن و فرود آمدن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون از پیاده رفتن مانده شوید استعانت جوئید به شدّ رفتن که ماندگی را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که کمر را
محکم به بندید و بر روی شکم به بندید تا آنکه پیاده رفتن بر شما آسان شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در طرف
بامداد و پسین براه بروید و در روایات معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر شما باد براه رفتن در شب که زمین در شب
پیچیده میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زمین در آخر شب پیچیده میشود و فرمود که چون حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
سفر میکردند در آخر شب حرکت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون شب فرود آئید در سر راه فرود میائید و در
شکم رودخانها فرود میائید که محل درندگان و مار است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در میان رودخانه فرود
میائید که مبادا سیلابی بیاید و شما را ضرر برساند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی مدارا کردن را
دوست میدارد و یاری میکند بر آن پس چون بر حیوانات لاغر سوار باشید در منزلها فرود آئید پس اگر زمین خشک باشد و گیاه
نداشته باشد تند بروید و اگر پر گیاه باشد منزل بمنزل بروید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر در زمین خشک و گیاه
سفر کنید تند بروید و اگر در زمین پر آب و علف بروید بتانّی و مدارا بروید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون
راه غلط کنید بجانب راست میل کنید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که در سفر راه گم کند فریاد
کند که یا صالح اغثنی بدرستی که از برادران مؤمن شما از جنیان شخصی هست که صالح نام دارد و از برای خدا در شهرها میگردد چون
صدای شما را می شنود جواب میگوید و راهنمائی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون راه گم کنی
فریاد کن که یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم الله راوی حدیث گفت که ما در سفری راه گم کردیم شخصی را گفتیم که از ما دور شد
و فریاد کرد باین نحو که مذکور شد پس برگشت گفت که صدای آهسته شنیدم که گفت راه از جانب راست است اندک مسافتی که رفتیم
راه را یافتیم و از عمر بن یزید که از ثقات اصحاب ائمه است روایت کرده اند که گفت ما در یکسالی در سفر مکه معظمه راه را گم کردیم پس سه روز
ماندیم و راه را طلب کردیم نیافتیم پس چون روز سیم شد آبی که برداشته بودیم آخر شد پس جامهای احرام را پوشیدیم بعنوان کفن و حنوط
کردیم در آنحال شخصی از رفیقان ما برخواست و فریاد کرد که یا صالح یا ابا الحسین پس کسی از دور جواب گفت پرسیدیم که کیستی خدا ترا رحم کند گفت
من از آن گروهم از جن که بحضرت رسول صلی الله علیه و آله ایمان آوردند و کسی بغیر از من از آنها نمانده است و کار من این است که گم شده را
براه میرسانم ما همه جا از پی صدای او رفتیم تا براه رسیدیم

در بیان دعاها که در منازل و در راه باید خواند در حدیث صحیح از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله در سفرها سر اشیب فرو میرفت سبحان الله میگفتند و چون سر بالا
میرفتند الله اکبر میگفتند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون در سفری باشی بگو اللهم اجعل مسیری عبراً وصمتی تفکراً و کلامی ذکراً و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هر که برود خانه با این رود پس بگوید لا اله الا الله والله اکبر حق تعالی بچندان آن رود خار را
از برای او از حسنات و در حدیث دیگر فرمود که هر که لا اله الا الله والله اکبر بگوید در بلندی از بلندیها آنچه در پیش روی اوست تا منتهای
زمین همه لا اله الا الله والله اکبر گویند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که دو کس آمدند بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و گفتند
که ما میخواهیم برای تجارت بشام برویم حرزی تعلیم ما بفرما که در راه بخوانیم فرمود که چون در منزلی فرود آئید و نماز خفتن بکنید بعد از نماز
پهلوها را بر جهت خواب بگذارید و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخوانید پس آیة الکرسی بخوانید چون چنین کنید تا صبح
محفوظ میمانید چون ایشان روانه شدند جمعی از دزدان از عقب ایشان روانه شدند چون فرود آمدند و نماز خفتن کردند خواندند تسبیح حضرت فاطمه
علیها السلام و آیة الکرسی را خواندند پس دزدان غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرد چون بنزد ایشان آمد دو دیوار دید و از ایشان اثری
نیافت چون بدزدان خبر داد ایشان نیز آمدند و همین حال را مشاهده کردند چون صبح شد بنزد ایشان آمدند و پرسیدند که شما دیشب
بکجا رفتید گفتند در همین موضع گفتند ما آمدیم بتفحص شما بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را بما نقل کنید ایشان گفتند
ما در وقت خوابیدن بتعلیم حضرت رسول صلی الله علیه وآله تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیة الکرسی خواندیم دزدان گفتند که بروید که دزدی
بر شما دست نخواهد یافت و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که هر که در منزلی فرود آید که از درندگان ترسد ایندعا بخواند
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع چون
ایندعا را بخواند ایمن گردد از شر درندگان تا از آن منزل بار کند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی خواهد داخل
شود بموضعی که خوفی داشته باشد این آیه را بخواند رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا
پس چون ببیند آن شخص یا آن چیزی که از آن بیم داشته باشد آیة الکرسی بخواند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه در سفری یا بیابانی باشی
از جنیان یا غیر ایشان بترسی دست راست را بر سر بگذار و باواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض
طوعا وکرها والیه ترجعون و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی
چون در منزلی فرود آئی بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین تا آنکه بیکی آن منزل ترا روزی شود و شر آن از تو دفع شود
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که چون اراده داخل شدن

شهری

شهری یا دهی داشته باشی چون نظرت بر آن افتد بگو اللهم انی اسئلک خیرها واعوذ بک من شرها اللهم اطعمنا من جناها واعذنا
من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بر شهری
مشرف شوی و نظرت بر آن بیفتد بگو اللهم رب السموات السبع وما اظللت ورب الارضین السبع وما اقللت
ورب الریاح وما ذرت ورب الشیاطین وما اضللت اسئلک من خیر هذه القریة وما فیها واعوذ بک من شرها وشر ما فیها
ان تصلی علی محمد وآل محمد و اسئلک و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیاطین در میان محملها و
کجاوهها بدر می آیند و شتران را رم میدهند شما آیة الکرسی بخوانید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر که در سفری باشد
و از دزدان و درندگان ترسد بر یال اسبش بنویسد لا تخاف درکا ولا تخشی تا ضرر آنها باذن الهی از او برطرف شود و راوی گفت
که من بسفر حج رفتم در میان بیابان جمعی از عربان آمدند و قافله را زدند و من در میان ایشان بودم این آیه را بر یال اسب نوشتم پس
بحق خداوندی که حضرت رسول صلی الله علیه وآله را برسالت فرستاده و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را بامامت
مشرف گردانیده است که حق تعالی ایشان را از من کور گردانید و ضرر ایشان بمن نرسید و در روایت دیگر مرویست که چون حضرت
رسول صلی الله علیه وآله بسفری میرفتند و شب میشد اینده میخواندند یا ارض ربی وربک الله واعوذ بالله من شرک وشر
ما فیک وسوء ما خلق فیک وسوء ما یدب علیک واعوذ بالله من اسد واسود ومن شر الحیة والعقرب ومن شر ساکن البلد ومن
والد وما ولد اللهم رب السموات السبع وما اظللن ورب الارضین السبع وما اقللن ورب الریاح وما ذرین ورب الشیاطین وما
اضللن اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک خیر هذه اللیلة وخیر هذا الیوم وخیر هذا الشهر وخیر هذه السنة وخیر هذا البلد واهله وخیر هذه القریة
واهلها وخیر ما فیها واعوذ بالله من شرها وشر ما فیها ومن شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و سید بن طاوس رحمه الله
روایت کرده است که هرگاه کسی بر تلی یا بلندی بالا رود بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله رب العالمین
لک الشرف علی کل شرف و در ادعیه سر منقولست که هر که در راه از دشمنان و دزدان ترسد اینده عا بخواند یا آخذا بنواصی خلقه والسافع
بها الی قدرته والمنفذ فیها حکمه وخالقها وجاعل قضائه لها غالبا انی مکید ولقوتک علی من کادنی تعرضت فان حلت بینی وبینهم فذلک
ما رجوا وان اسلمتنی الیهم غیروا ما بی من نعمتک یا خیر المنعمین لا تجعل احدا مغیرا نعمتک التی انعمت بها علی سواک ولا تغیرها انت
ربی وقد تری الذی نزل بی فحل بینی وبین شرهم بحق ما به تستجیب الدعاء یا الله رب العالمین و از برای دفع دشمنان از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که اینده عا را بخوانند اللهم انی اعوذ بک ان اضام فی سلطانک اللهم انی

اعوذ بک ان اضل فی هداک اللهم انی اعوذ بک ان افتقر فی غناک اللهم انی اعوذ بک ان اضیع فی سلامتک اللهم انی اعوذ
بک ان اغلب والامر لک و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون غولان شما را بخورند در راه اذان نماز بگوئید و سید بن
طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون در منزل فرود آید بگوید اللهم انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین پس دو رکعت نماز
بگذارد بسوره حمد و هر سوره که خواهد از سورهای کوچک بخواند پس بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة و اعذنا من وبائها و جنبنا الی اهلها و حبب صالحی
اهلها الینا پس بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله و ان علیا امیر المؤمنین و الائمة من ولده ائمة اتولاهم
و ابرا من اعدائهم اللهم انی اسئلک خیر هذه البقعة و اعوذ بک من شرها اللهم اجعل اول دخولنا هذا صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره نجاحا
و گفته است که هرگاه از جانوران زمین بترسی این دعا بخوان که از جمله دعاهای مجربست یا ذرئ من فی الارض کلها بعلمک بما یکون مما ذرئت
لک سلطان علی کل من دونک انی اعوذ بقدرتک علی کل شئ من الضر فی بدنی من سبع او هامة او عارض من سائر الدواب یا خالقها
بفطرته ادرأها عنی و احجزها و لا تسلطها علی و عافنی من شرها و بأسها یا الله العظیم احفظنی بحفظک و اجرنی بسترک الواقی فی مخاوفی یا رحیم
و شیخ طوسی رحمه الله ذکر کرده است که چون خواهی بار کنی دو رکعت نماز بگذار و از خدا طلب حفظ و حمایت الهی را و آن موضع و اهل آن موضع را
وداع کن که هر موضعی را اهلی از ملائکه هست پس بگو السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و رحمة الله و برکاته

در آداب سفر دریا و گذشتن از پلها و جسرها در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست
که مکروهست بدریا سوار شدن برای تجارت و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که نیکو طلب روزی نکرده است
کسی که بدریا سوار شود از برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسی که بکشتی سوار میشود برای تجارت
دین خود را در معرض تلف در آورده است و در اخبار معتبر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از سوار شدن
دریا در وقت تلاطم و هیجان آن و در حدیث حسن از امام رضا علیه السلام منقولست که چون بکشتی سوار شوی بگو بسم الله مجریها و مرسیها
ان ربی لغفور رحیم و چون دریا بموج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست بجانب موج اشاره کن و بگو قری بقرار الله
و اسکنی بسکینة الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب و تلاطم دریا بگو
اسکن بسکینة الله و قر بوقار الله و اهدأ باذن الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم راوی گفت که من یکبار بکشتی سوار شدم
در وقت تلاطم امواج دریا آنچه حضرت فرموده بودند خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانچه گویا هرگز نبوده است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که هر که از غرق شدن ترسد بگوید بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم بسم الله الملک الحق و ما قدروا الله حق قدره والارض

جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که چون از غرق شدن
ترسد بگوید الله الذی نزل الکتاب بالحق و هو یتولی الصالحین و ما قدروا الله تا آخر آیه و در روایت دیگر منقولست که چون خواهد بکشتی
سوار شود صد مرتبه الله اکبر بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه بر ظالمان آل محمد لعنت کند باین نحو که اللهم
العن من ظلم آل محمد پس بگوید بسم الله و بالله و الصلوة علی محمد رسول الله و علی الصادقین من آله اللهم احسن مسیرنا و عظم اجورنا اللهم
بک انتشرنا و الیک توجهنا و بک آمنا و بحبلک اعتصمنا و علیک توکلنا اللهم انت ثقتنا و رجاؤنا و ناصرنا لا تحل بنا ما لا نحب اللهم
بک نحل و بک نسیر اللهم خل سبیلنا و اعظم عافیتنا انت الخلیفة فی الاهل و المال و انت الحامل فی الماء و علی الظهر و قال ارکبوا فیها بسم الله
مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و ما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما
یشرکون اللهم انت خیر من وفد الیه الرجال و شدت الیه الرحال فانت سیدی اکرم مزور و اکرم مقصود و قد جعلت لکل زائر کرامة
و لکل وافد تحفة فاسئلک ان تجعل تحفتک ایای فکاک رقبتی من النار و اشکر سعیی و ارحم مسیری من اهلی بغیر من منی
علیک بل لک المنة علی اذ جعلت لی سبیلا الی زیارة ولیک و عرفتنی فضله و حفظتنی فی لیلی و نهاری حتی بلغتنی هذا المکان
و قد رجوتک فلا تقطع رجائی و املتک فلا تخیب املی و اجعل مسیری هذا کفارة لذنوبی یا ارحم الراحمین سید بن طاوس گفته است
که اگر مطلبش از کشتی نشستن غیر زیارت باشد عبارات را تغییر بدهد بنحوی که مناسب مقصود او باشد و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که بر بلندی هر جسری ویلی شیطانی هست چون بآنجا برسید بسم الله بگوئید تا از شما دور شود و در حدیث
دیگر منقولست که چون قدم خود را بر جسر یا پل گذاری بگو بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم

در آداب مشایعت
و استقبال مسافر و آداب برگشتن آن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله
مؤمنی را وداع میکردند میفرمودند رحمکم الله و زودکم التقوی و وجهکم الی کل خیر و قضی لکم کل حاجة و سلم لکم دینکم و دنیاکم و ردکم سالمین
الی سالمین یعنی خدا شما را رحمت کند و پرهیزکاری را توشه شما گرداند و شما را بسوی هر خیری متوجه گرداند و جمیع حاجات شما را برآورد
و دین و دنیای شما را سالم بدارد و شما را بسلامت برگرداند بسوی جمعی که ایشان بسلامت باشند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسافری را وداع میکردند دست او را میگرفتند و میگفتند احسن الله لک الصحابة
و اکمل لک المعونة و سهل لک الحزونة و قرب لک البعید و کفاک المهم و حفظ لک دینک و امانتک و خواتیم عملک و وجهک لکل خیر علیک
بتقوی الله استودعک الله سر علی برکة الله و در روایت دیگر منقولست که در آنوقت میفرمود که استودع الله دینک و امانتک و خواتیم

حملک و وجهک للخیر حیث ما توجهت و زودک التقوی و غفر لک الذنوب و در روایت دیگر منقولست که جمعی از اصحاب بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتند که آنحضرت را وداع کنند فرمود که اللهم اغفر لنا ما اذنبنا و ما نحن مذنبون و ثبتنا و ایاهم بالقول الثابت فی الاخرة والدنیا و عافنا و ایاهم من شر ما قضیت فی عبادک و بلادک فی سنتنا هذه المستقبلة و عجل نصر آل محمد و ولیهم و اخز عدوهم ما جلا و در حدیث معتبر منقولست که مسافر را سنت است که چون از سفر برگردد برادران مؤمن خود را الضیافت بطلبد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون کسی از سفری آید برای اهل خود تحفه بیاورد اگرچه سنگی باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود با کسی که از مکه می آمد قبل الله منک و اخلف علیک نفقتک و غفر ذنبک و در حدیث دیگر فرمود که هرکه دست در گردن حاجی کند در وقتیکه با گرد راه برسد چنانست که حجر الاسود را بوسیده است و در روایت دیگر منقولست که چون کسی از سفر برگردد سزاوار آنست که مشغول کاری نشود تا غسل کند و دو رکعت نماز بکند و سجده رود و صد مرتبه شکر الهی بگوید و چون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را بسینه خود چسبانید و میان دو چشمش را بوسید و اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون بیکدیگر میرسیدند مصافحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفری آمد دیگران دست در گردن او میکردند و در احادیث معتبره وارد شده است که مشایعت و استقبال مؤمنان مستحب است و از برای مشایعت و استقبال مؤمنان نماز را قصر میتوان کرد و روزه ماه مبارک رمضان را میتوان خورد

در آداب اسب تاختن و تیر انداختن

در احادیث معتبره وارد شده است که مسابقت و گروبندی جایز نیست مگر در اسب و استر و الاغ و شتر و فیل و در تیراندازی و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اسب را گرو بندی شد و گرو را چند اوقیه نقره بستند که هر اوقیه تخمینا پنج مثقال نقره باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سواری بکنید و تیراندازی بکنید و تیراندازی کردن را دوست تر میدارم از سواری کردن و فرمود که هر لهو و بازی که مؤمن بکند باطلست مگر در سه چیز در تادیب و تعلیم اسب کردن و تیر انداختن و با زن خود بازی کردن که اینها حق است و بدرستی که بیک تیر که در راه خدا بیندازند حق تعالی سه کس را می آمرزد آنکسی که آن تیر را ساخته است و آنکسی که آن تیر را اجهاد کننده بخشیده است و آنکسی که آن تیر را در جهاد انداخته است و در حدیث معتبر منقولست که ملائکه میگریزند در هنگام گروبندی و لعنت میکنند کسی را که این کار میکند مگر در شتر و فیل دوانیدن یا اسب و استر و الاغ دوانی یا تیراندازی یا شمشیر و نیزه بازی و بدانکه گرو دوانیدن در اسب و استر و الاغ و فیل و شتر جایز است و گرو بستن بر کبوتر پرانیدن که کدام یک دورتر بروند یا کشتی راندن دو کشتی را بر روی آب بدوانند یا آنکه دو کس گرو ببندند و بدوند که کدام یک پیشتر بروند یا در کشتی گرفتن که کدام یک دیگری را بر زمین بزنند یا برداشتن چیزهای گران جایز نیست اما بی آنکه گرو ببندند خلافست و جایز

بودن آنها

بودن آنها قوی است خصوصا در کشتی گرفتن که بعضی از احادیث دلالت بر جواز میکند چنانچه در حدیث معتبر منقولست که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله بخانه فاطمه صلوات الله علیها آمدند و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما با آنحضرت بودند پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله بآن دو نور دیده خود فرمودند که برخیزید با یکدیگر کشتی بگیرید پس ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه بکاری بیرون رفته بود چون برگشت شنید که حضرت رسالت میفرماید که ای حسن بگیر حسین را و بر زمین انداز حضرت فاطمه گفت که ای پدر چه عجب است که بزرگتر را ترغیب میفرمائی که کوچکتر را بر زمین افکند حضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل علیه السلام میگوید که ای حسین حسن را بینداز من در برابر او چنین میگویم و در فقه الرضا صلوات الله علیه منقولست که زنهار چوگان بازی مکن که در آنحال شیطان با تو میتازد و فرشتگان از تو نفرت میکنند و اگر کسی در آنحال از پایش بسر درآید و او بمیرد بجهنم میرود و بدانکه در گرو بستن مطلقا شرطست که آن مالی را که قرار میکنند برای کسی قرار کنند که پیشی گیرد پس اگر برای آنکسی قرار کنند که پس مانده است جایز نیست و همچنین اگر از برای کسی قرار کنند که با ایشان در عمل شریک نباشد جایز نیست چنانچه متعارفست که دو کس با یکدیگر گرو می بندند و دو کس تیر می اندازند یا اسب میتازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان قرار کند که هرکه پیشتر میرود یا بیشتر میزند این قدر میدهم جایز است و همچنین اگر کسی مالی بدر آورد و بگوید که این مال از کسی است که پیشتر برود از این دو کس که میتازند جایز است و همچنین جایز است که آن دو کس که میتازند هر یک مالی بدر آورند و بگویند که این هر دو مال از آن کسیست که پیشتر برود و شرطست در گرو دوانیدن موافق مشهور در میان علما چند شرط اول آنکه تعیین کنند ابتدا و انتهای مسافت را که در آن میتازند که اسب هر یک که در این مسافت پیشی گیرد او برده است دویم آنکه مالی را که گرو بر آن مال می بندند مقدار و جنس آن معلوم باشد که چند است و آن چه جنس است نقره است یا طلا یا غیر آن سیم آنکه حیوانی را که بر آن هر یک سوار میشوند معین کنند بدیدن و بعضی را اعتقاد آن است که اگر تعیین آن باوصاف بکنند جایز است چهارم آنکه هر یک از آنها محتمل باشد بحسب عادت که بر دیگری پیشی گیرد پس اگر حیوان بسیار کم راه لاغری را بتازند با حیوان بسیار تندرو فربهی که معلوم باشد که عادة بر آن پیشی نمیتواند گرفت جایز نیست پنجم آنکه آن دو حیوان که میتازند از یک جنس باشند که هر دو اسب یا استر مثلا پس اگر اسب را با استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازند جایز نیست و در این شرط خلافست و نزد فقیر ثابت نیست ششم آنکه هر دو را بگرو بتازند پس اگر شرط کنند که یکی زودتر از دیگری بتازد جایز نیست موافق مشهور میان علما هفتم آنکه سوار شوند و بدوانند پس اگر اسبها را بی آنکه سوار شوند بدوانند جایز نیست بر این گرو بستن هشتم آنکه مسافتی تعیین کنند که پیش از رسیدن بمنتهای آن مسافت

آن بیمار یا مانده نشوند نهم آنکه آنها که با هم میتازند مردان باشند نه زنان دهم آنکه هر دو در وقت تاختن برابر هم ایستاده باشند و در این شرط اختلافیست
و ظاهر آنست که اگر یکی پیشتر از دیگری ایستاده باشد جایز است و ده اسب را که در میان عرب با یکدیگر میتازند هر یکی نامی دارد آنکه از
همه پیشتر رود آنرا مجلی گویند و آنکه از آن پس مانده و بر دیگران پیشی گرفته است آنرا مصلی میگویند و بعد از آنرا تالی میگویند و بعد از آن آنرا
بارع میگویند و بعد از آن را مرتاح میگویند و بعد از آن را حظی میگویند و بعد از آن را عاطف میگویند و بعد از آن را مؤمل میگویند و بعد از آنرا
لطیم میگویند و دهم را فسکل میگویند که از همه پس مانده است و از برای همه جایز است چیزی قرار دهند بغیر از آخر پس اگر این ده اسب همه یکبار
با آخر میدان برسند از برای هیچ یک چیزی نخواهد بود و بدانکه گرو بستن در شمشیر و نیزه و تیر جایز است و در تیر انداختن چند شرطست بحسب مشهور
میان علما اول آنکه تعیین کنند که چند تیر که بزند برده است دویم آنکه تعیین کنند که این چند تیر را در میان چند تیر بزند سیم آنکه تعیین کنند که بچه
نحو بخورد به نشانه یکی از آنها که بعد از این بیان خواهیم کرد چهارم آنکه تعیین کنند که از نشانه چه مقدار دور باشند پنجم آنکه تعیین کنند بزرگی
نشانه را و موضع آنرا از آماج خانه ششم آنکه کمان هر دو و تیر هر دو از یک جنس باشد و در این شرط خلافست و اقوی آنست که شرط نیست
اما اتفاقیست که در کار نیست که کمان و تیر معین را شرط کنند بلکه بعضی گفته اند که اگر شرط تعیین بکنند باطل است هفتم آنکه یا مبادره باشد
یا محاطه و مبادره آن است که شرط کنند که هر که در عرض بیست تیر پنج تیر را مثلا بزند برده است پس اگر هر یک ده تیر انداختن و یکی از ده تا پنج تا را
بزند بر نشانه و دیگری چهار تا را زد آنکه پنج زده است برده است پس اگر هر یک پنج تیر زدند هیچ یک از دیگری نبرده اند و محاطه آن است که شرط
کنند که در عرض بیست تیر مثلا آنچه زده اند از کم هم بدر روند اگر یکی پنج تیر مثلا بیشتر از دیگری زده باشد او برده است پس اگر هر یک
بیست تیر بیندازند و یکی پانزده تیر بر نشانه زده باشد و دیگری ده تیر را زده باشد آنکه پانزده زده است برده است و اگر یکی چهارده
تیر را زده و دیگری ده هیچیک نبرده اند و احوط آن است که اول یکی از این دو صورت را تعیین کنند تا بی خلاف صحیح باشد و باید
دانست که زدن نشانه بچند قسم میباشد اول حابی یعنی بر زمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه خورد دویم خاصر یعنی بر یکی از دو جانب
نشانه متصل شود سیم خارق که نشانه را زخم کند و در آن فرو نرود چهارم خاسق که نشانه را سوراخ کند و بند شود پنجم مارق که بر نشانه
بخورد و از طرف دیگر بدر رود ششم خارم که پهلوی نشانه را بدرد و در میان نشانه فرو نرود پس باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو که
بزند برده است و اگر شرط کنند که اگر بر پهلوی نشانه بزند برده باشد و او بر میان نشانه بزند باز آن برده است و اگر شرط کنند که بر نشانه
فرو رود و چنان بزند که از جانب دیگر بجهد برده است و همچنین هر که پست تر شرط کند و نیکوتر بزند برده است و اگر نیکوتر شرط کند
و پست تر بزند نبرده است و باید دانست که در تیر اندازی و گرو دوانی محلل میباشد یعنی کسی که با ایشان شریک میشود که اگر برد حصه بگیرد

و اگر ببازد

و اگر ببازد چیزی ندهد و بهتر آنست که اگر هر دو مال بیرون آورند برای گرو بندی چنین کسی را با خود شریک کنند و احوط آنست که
در اول صیغه بگویند که یکی از آنها این عقد را با این شرطها که مذکور شد بلفظ در آورد و دیگری قبول کند و سنت آن است که در هنگام
تیر انداختن و اسب تاختن غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب ایشان ورزش جهاد در راه خدا و تقویت دین ایمان و حمایت
شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
اصحاب خود را فرمودند که اسب تاختند و آنچه بر آن گرو بسته میشد از مال خود میدادند و در روایت دیگر منقولست که بر صد و پنجاه
چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک برگشتند با اسامه بن زید شتر گرو دوانیدند و جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله
از لعب و بازی منزه و مبرا بودند بلکه از برای دین اسلام و تحریص مردم بر جهاد فی سبیل الله بود تا کافران بر مسلمانان و مخالفان بر شیعیان
مستولی نشوند و جان و مال و عرض مردم از شر اشرار محفوظ باشد و جهادی که در زمان غیبت امام علیه السلام میباشد آن است که دفع
ضرر کافران و مخالفان از شیعیان بکنند و اگر جمعی از کافران یا مخالفان بر سر گروهی از شیعیان بیایند بر آن جماعت واجب است
که جهاد کنند در دفع آنها و اگر کشته شوند شهیدند و اگر آنها حاضر باشند بر جمیع مؤمنان واجب است که مدد ایشان بکنند و
در دفع آن کافران بکوشند و در احادیث معتبره وارد شده است که کسی که برای دفع عرض خود یا مال خود کشته شود شهید است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که تمام خیرات در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و شمشیر اهل حق کلید بهشت است و شمشیر
اهل باطل کلید جهنم است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که بهشت را دری هست که آنرا درگاه جهادکنندگان میگویند آنها
که در راه خدا جهاد کرده اند بسوی آن در میروند می بینند که برای ایشان گشوده اند و ملائکه ایشان را مرحبا میگویند و فرمود که حق تعالی
امت مرا عزیز گردانیده است بسم ستوران و اسبان ایشان و سنان نیزه های ایشان و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که هر که از امت
تو در راه خدا جهاد کند و یک قطره باران یا درد سری با و برسد ثواب شهادت در نامه عملش نوشته شود و در حدیث معتبر
منقولست که لشکر معویه علیه اللعنة و العذاب الشدید در زمان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر انبار که محلی است در حوالی کوفه
غارت کردند آنحضرت خطبه خواندند که بعضی از فقرات آن خطبه ترجمه میشود بدرستی که جهاد کردن برای خدا دریست از درهای
بهشت که حق تعالی برای مخصوصان دوستانش گشوده است و نعمتی است که برای ایشان ذخیره گردانیده است و جهاد زره
حفظ نماینده و سپر محکم الهی است پس هر که ترک کند جهاد را با قدرت بر آن حق تعالی بر او جامه مذلت و خواری بپوشاند و بلا او را
فرو گیرد و خوشنودی از او دوری کند و در دیدها حقیر و بیمقدار شود و راه اندیشه بر دلش بسته شود و مغلوب حق گردد و با او انصاف و عدالت

سلوک نکنند بدرستی که من شما را مکرر خواندم بجهاد این گروه در شب و روز آشکار و پنهان و گفتم که با ایشان جهاد کنید پیش از آنکه ایشان
بجنگ شما بیایند قبول نکردید والله که هر گروهی که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنند البته ایشان ذلیل و بیقدر میشوند
در نظرها پس سستی ورزیدید و بیکدیگر حواله کردید تا آنکه غارتها بر شما آوردند و وطنهای شما را مالک شدند اینک سردار معاویه لشکرش با ساز
آمدند و حسان را کشته و حربهای لشکری شما را گرفته و شنیده ام که شخصی از ایشان بخانه زن مسلمانی یا کافری که جزیه میدهد می آمده و دست
رنج و خلخال و زر این او را میکنده است و او چاره بجز فجر و تضرع کردن و انا لله و انا الیه راجعون گفتن نداشته است پس برگشته اند
آن طاغیان با مال فراوان و هیچیک از ایشان جراحتی برنداشته و خونی از ایشان بر زمین نریخته است پس اگر مرد مسلمان بعد از چنین
مصیبتی بمیرد از حزن و تأسف محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من پسندیده خواهد بود پس بسی تعجب دارم تعجبی که دل را میمیراند و غمها را
جمع میکند از جمعیت اجتماعات بر دین باطل خود و پراکندگی شما از دین حق خود پس بد احوال شما و اندوه مهیا از برای شما که نشانه تیر دشمنان
کرده اند بر شما غارت می آورند و شما بر ایشان غارت نمیبرید و بجنگ شما می آیند و شما بجنگ ایشان نمیروید و این قسم نافرمانی خدا
میکنند و شما راضی میشوید اگر در تابستان میگویم بجنگ روید میگویید این شدت گرماست ما را مهلت ده تا گرما کم شود و اگر
در زمستان میگویم که بروید میگویید این شدت سرماست ما را مهلت ده تا سرما برطرف شود و هرگاه شما از سرما و گرما میگریزید پس از
شمشیر بیشتر خواهید گریخت ای مردانی چند که مثل عقلهای طفلان و زنان دارید کاش هرگز شما را ندیده بودم و شما را نمی شناختم دلم را
پر از چرک و سینه ام پر از خشم کردید و بسکه نافرمانی کردید رای مرا ضایع کردید و قریش میگویند پسر ابوطالب شجاعست اما علم جنگ را
نمیداند کی از من داناتر است بجنگ و کی از من بیشتر جنگ کرده است هنوز بیست سال نداشتم که شروع بجهاد کردم و اکنون از
شصت سال گذشته ام اما کسی را که فرمان نبرند چه رای بکار برد و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی جهاد را واجب ساخته و عظیم شمرده
و او را موجب نصرة و یاری گردانیده والله که دین و دنیا باصلاح نمی آید مگر بجهاد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که پیغام جهاد کننده را باهلش رساند چنانست که بنده آزاد کرده باشد و در ثواب او شریک باشد و در حدیث دیگر فرمود که
جهاد کنید که باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما میشود

در بیان بعضی از آداب متفرقه و فواید نافعه از حضرت صادق ع

منقولست که بسیار است که بعضی از شیعیان در افتتاح بعضی از کارها فراموش میکنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حق تعالی
ایشان را امتحان مینماید ببلائی تا متنبه شوند و بیاد آورند شکر الهی را و ثنا بر او و حق تعالی بسبب آن بلا محو مینماید از ایشان منقصت
آن تقصیر را که از ایشان صادر شده است پس باید که آدمی در ابتدای هر کاری افتتاح نماید بگفتن بسم الله و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

منقول

منقولست که چون حق تعالی حضرت آدم علیه السلام را نهی فرمود از خوردن میوه آن درخت بهشت گفت بلی پروردگار او گفت انشاء الله
پس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون آمد پس حق تعالی فرمود پیغمبرش را که ولا تقولن لشیء انی فاعل ذلک غدا الا ان یشاء الله
واذکر ربک اذا نسیت یعنی مگو مر چیزی را که این را میکنم فردا مگر آنکه مقید بمشیت الهی گردانی که بگوئی که مگر آنکه خدا خواهد بکنم و یاد
کن پروردگار خود را هرگاه که فراموش کنی او را یعنی هرگاه که گفتن انشاء الله فراموش کنی در هر وقت که بخاطرت بیاید بگو
اگرچه بعد از یکسال باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که نه چیز است که کردن آنها مورث غلبه فراموشی است
خوردن سیب ترش و گشنیز و پنیر و نیم خورده موش و بول کردن در آب ایستاده و خواندن نوشته قبرها و راه رفتن در میان دو زن
و شپش را انداختن و حجامت کردن در گودی پشت سر و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که سه چیز است که حافظه زیاد میکنند
مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن و در حدیث معتبر منقولست که روزی آنحضرت غمگین شدند فرمودند که نمیدانم بچه سبب
غمگین شده ام بر عتبه در نشستم و میان گله گوسفندان بگذشتم و زیر جامه را ایستاده پوشیدم و دست و رو را بدامن جامه پاک کردم
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ده چیز است که اندوه را برطرف میکند راه رفتن و سوار شدن و سر در آب فرو بردن و بسبزه
زار نظر کردن و خوردن و آشامیدن و جماع کردن و مسواک کردن و سر با خطمی شستن و نظر بر روی زن کردن و با مردان سخن گفتن
و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چند چیز است که باعث پریشانی میشوند و چند چیز است که باعث توانگری میشوند
اما آنها که موجب فقر و پریشانی میشود تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در حال جنابت چیزی خوردن و با چوب
گز خلال کردن و ایستاده شانه کردن و خاکروبه در خانه گذاشتن و قسم دروغ خوردن و زنا کردن و اظهار حرص کردن و خواب کردن
در میان نماز شام و خفتن و خواب کردن بعد از صبح و پیش از طلوع آفتاب و دروغ بسیار گفتن و غنا و خوانندگی شنیدن و مرد را
که در شب سؤال کند چیزی ندادن و خرج را زیاده از اندازه کردن و با خویشان بدی کردن و اما آنها که موجب توانگری و زیادتی مال
میشوند نماز پیشین و پسین را و نماز شام و خفتن را با یکدیگر کردن و بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقیب خواندن و با خویشان نیکی و احسان
کردن و ساحت خانه را جاروب کردن و مال خود را با برادران مؤمن قسمت کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و استغفار بسیار
کردن و خیانت در مال مردم نکردن و سخن حق و راست گفتن و آنچه مؤذن در اذان گوید از پی او گفتن و در بیت الخلا سخن نگفتن و حرص
در طلب دنیا نداشتن و شکر کسی که در حق اینکس نعمتی کرده باشد کردن و از قسم دروغ اجتناب کردن و پیش از طعام دست شستن
و ریزها که از سفره ریزد خوردن و هر که هر روز سی مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی هفتاد نوع از بلا را از او دور گرداند که کمتر آنها پریشانی باشد

و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه در مدح اهل بیت صلوات الله علیهم یک بیت شعر بگوید حق تعالی برای او در بهشت خانه بنا کند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه در مدح ما بیتی از شعر بگوید مؤید بروح القدس گردد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در مدح ما اهل بیت بگوید حق تعالی در بهشت شهری برای او بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا و چون در آن شهر درآید هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسلی بدیدن او بیایند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که شکم کسی پر از چرک و ریم باشد بهتر است از آنکه پر از شعر باشد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از چیز خوردن در حال جنابت و فرمود که مورث پریشانیست و نهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان و از مسواک کردن در حمام و از آب بینی انداختن در مساجد و از خوردن نیم خورده موش و فرمود که مسجدها را راه مکنید که از دری آیند و از در دیگر بیرون روید مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارید و نهی کرد از آنکه بول کنند در زیر درخت میوه دار یا در میان راه و نهی فرمود از آنکه بدست چپ یا بر پهلو تکیه کرده چیزی بخورد و نهی فرمود از گچ مالیدن قبرها و نماز کردن در قبرستانها و فرمود که هرکه در فضائی غسل کند با حذر باشد که عورتش گشوده نشود و نهی فرمود از آب خوردن از پیش دسته کوزه که در آنجا چرک جمع میشود و نهی فرمود از بول کردن در آب ایستاده که باعث برطرف شدن عقل میشود و نهی فرمود از آنکه کسی با کفهای نعل راه رود یا ایستاده زیرجامه بپوشد و نهی فرمود از آنکه کسی بول کند و فرجش محاذی آفتاب یا ماه باشد و فرمود که چون داخل بیت الخلا شوید اجتناب کنید از نشستن رو بقبله و پشت بقبله و نهی فرمود از گریه بلند و نوحه کردن در مصیبت و نهی فرمود از رفتن زنان از پی جنازها و نهی فرمود از آنکه محو کنند چیزی از قرآن را با آب دهن یا آنکه چیزی از قرآن را با آب دهان بنویسند و نهی کرد از خواب دروغ گفتن و فرمود که هرکه چنین کند حق تعالی او را تکلیف میکند که بر جو گره زند و او نتواند کرد و بدین سبب معذب باشد و نهی فرمود از ساختن صورتها و فرمود که هرکه صورتی بسازد حق تعالی او را در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورت بدمد و نتواند و نهی فرمود از آنکه حیوانی را بآتش بسوزانند و نهی فرمود از دشنام دادن خروس زیرا که از برای نماز بیدار میکند و نهی فرمود از آنکه مؤمنی چیزی خواهد بفروشد و یا بخرد و دیگری بیاید و بگوید که من متاع بهتر دارم از من بخر یا این متاع را بیشتر میخرم و نهی فرمود از بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرمود که ازین پیدا شد لال بودن فرزند و فرمود که خاکروبه را شب در خانه مگذارید و در روز بیرون برید که شیطان در آن جا میکند و نهی فرمود از آنکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس اگر چنین کند و شیطان او را دیوانه کند ملامت نکند مگر خود را و نهی فرمود از آنکه استنجا کند با سرگین و استخوان و نهی فرمود از آنکه زن بی رخصت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر برود لعنت کنند او را ملائکه آسمانها و هر که بر او

بگذرد

بگذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی فرمود از آنکه زن برای غیر شوهر خود زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که او را بآتش بسوزاند و نهی نمود از آنکه زن نزد غیر شوهر و محرمان خود زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی فرمود از آنکه زنی در پهلوی زنی دیگر بخوابد و جامه در میان حایل نباشد و نهی نمود از آنکه زنی با زنی دیگر نقل کند آنچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته است و نهی نمود از آنکه کسی با زن خود رو بقبله جماع کند و نهی نمود از آنکه در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند خدا و ملائکه و همه مردمان او را لعنت کنند و نهی کرد از آنکه بروند نزد جماعتی که خبر از آینده میدهند مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان کذاب و هرکه نزد ایشان رود و تصدیق کند ایشان را پس او بیزار شده است از چیزی که بر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله نازل شده است و نهی فرمود از بازی کردن نرد و شطرنج و طبل و تنبک و طنبور و عود و نهی فرمود از غیبت کردن و گوش کردن بآن و از سخن چینی و گوش دادن بآن و فرمود که سخن چین داخل بهشت نمیشود و نهی فرمود از رفتن بضیافت فاسقان و نهی فرمود از قسم دروغ و فرمود که اهل خانها را از خانها بر می اندازد و فرمود که هرکه قسم دروغی بخورد برای آنکه مال مسلمانی را ببرد در قیامت خدا با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را پس دهد و نهی فرمود از نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و نهی فرمود از آنکه کسی زن خود را بحمام فرستد یعنی در بلادی که احتیاج بحمام نباشد و نهی فرمود از داخل شدن در حمام بی لنگ و نهی فرمود از طپانچه بر رو زدن در وقت مصیبت و نهی فرمود از سخن گفتنی که آدمی را از یاد خدا غافل گرداند و نهی فرمود از آشامیدن در ظرف طلا و نقره و نهی فرمود از پوشیدن حریر و دیبا و گجینه مردان را اما زنان را باکی نیست و نهی فرمود از فروختن خرما در درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود و نهی فرمود از فروختن آلت نرد و شطرنج و نهی فرمود از خریدن و خورانیدن شراب و فرمود که حق تعالی لعنت کرده است شراب را و آنرا که درخت انگور بقصد شراب میکارد و آنکه انگور را برای شراب میفشارد و آنکه میخورد و آنکه ساقی میشود و آنکه میفروشد و آنکه میخرد و آنکه قیمتش را میخورد و آنکه بر میدارد و آنکه از برای او میبرند همه ملعونند و فرمود که هرکه شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست و اگر بمیرد و در شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که بخوراند باو از آنچه از فرج زناکاران از چرک و ریم بیرون آمده و سالها در دیگهای جهنم جوشیده است پس چون بخورند بگدازد احشا و امعا و پوست ایشان را و نهی فرمود از خوردن سود و از شهادت دادن ناحق و از نوشتن کاغذ سود و لعنت کرده است خدا گیرنده سود را و دهنده سود را و نویسنده سود و گواه سود را و نهی فرمود از مصافحه کردن با کافران اهل ذمه و نهی فرمود از خواندن شعر در مسجد و برای گم شده فریاد کردن در مسجد و نهی نمود از اینکه در مسجد شمشیر برهنه کنند و از آنکه چیزی بر روی جانوران بزنند و نهی نمود از آنکه کسی بعورت مسلمانی نظر کند و فرمود که هرکه دانسته بعورت مسلمانی نظر کند هفتاد هزار ملک او را لعنت کنند و نهی فرمود از آنکه زنی بعورت زنی نظر کند و نهی نمود از آنکه بدمند در طعام یا در آب یا در موضع سجده و نهی نمود از نماز کردن در قبرستان و در میان راه

[illegible]

و در آسیاها و در رودخانها و در جاها که شتر را بندند و بر بام کعبهٔ معظمه و نهی فرمود از کشتن مگس عسل و از دراز کردن بر روی چهار پایان و نهی نمود از آنکه کسی بغیر خدا قسم بخورد و فرمود که هر که بغیر خدا قسم بخورد از رحمت خدا بری شده است و نهی فرمود از قسم یاد کردن بسورهٔ قرآن و فرمود که هر که بسورهٔ از قرآن قسم یاد کند بهر آیه یک کفاره بر او لازم است خواه راست قسم خورده باشد و خواه دروغ ما حمل بر استحباب کرده اند کفاره را و نهی فرمود از آنکه کسی قسم بخورد بجان تو و بجان فلان و نهی فرمود از آنکه کسی جنب در مسجد بنشیند و نهی فرمود از برهنه شدن در شب و در روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و روز جمعه و نهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه خواند پس اگر چنین کند او را ثواب جمعه کامل نیست و نهی فرمود از انگشتر برنج و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آنکه صورت حیوان در نگین نقش کنند و نهی نمود از نماز نافله کردن نزد بیرون آمدن آفتاب و فرو رفتن آفتاب و در نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن عید رمضان و عید قربان و سه روز بعد از عید قربان در منی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی نمود از آنکه بروش چهارپایان دهن بر آب گذارند و بیاشامند و فرمود که با دستهای خود بردارید و بیاشامید که بهترین ظرفهای شماست و نهی نمود از آب دهن انداختن در چاهی که از آن آب خورند و نهی فرمود از آنکه مزدور را کار فرمایند پیش از آنکه مزدش را قرار کنند و نهی فرمود از آنکه دو کس از یکدیگر آزردگی دوری کنند و اگر ناچار باشند زیاده از سه روز نکنند که هر که چنین کند آتش جهنم باو اولی تر است و نهی فرمود از آنکه طلا را بطلا و نقره را بنقره بفروشند بلکه میباید برابر یکدیگر بفروشند و نهی فرمود از مدح کردن مردم در برابر ایشان و فرمود که خاک بپاشید بر روی مدح کنندگان و فرمود که هر که مزد یک مزدوری را ظلم کند و باو ندهد حق تعالی ثواب عملش را حبط کند و بوی بهشت را بر او حرام گرداند و فرمود که هر که قرآن را یاد گیرد و از روی بی اعتنائی فراموش کند در قیامت دستهایش در گردنش بسته باشد و حق تعالی بهر آیه ماری بر او مسلط گرداند مگر آنکه خدا او را بیامرزد و فرمود که هر که قرآن را بیاموزد پس بعد از آن حرامی بخورد یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بقرآن اختیار کند مستوجب غضب الهی گردد مگر آنکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قرآن با او خصمی کند و هر که زنا کند با زن مسلمانی یا زن ترسائی یا یهودی یا گبری خواه آزاده باشد آن زن و یا بنده بی توبه بمیرد حق تعالی در قبرش سیصد در از جهنم بگشاید که از آنها مار و عقرب و اژدها از جهنم بقبرش درآید و او در آتش بسوزد تا روز قیامت پس چون از قبرش مبعوث شود مردم از گند او متأذی شوند و همه کس او را باین عمل قبیح بشناسند تا بجهنم رود و فرمود که هر که در خانهٔ مؤمنی نظر کند که بر امر مستور او مطلع شود خدا او را محشور گرداند با منافقانی که عیبهای مردم را تفحص میکردند و از دنیا بیرون نرود تا خدا او را رسوا کند مگر آنکه توبه کند و فرمود که هر که راضی نباشد و آنچه که خدا روزی او گردانیده است و شکایت کند و از برای خدا صبر بر تنگی روزی نکند هیچ حسنهٔ از او بالا

نرود و در قیامت خدا از او در خشم باشد مگر آنکه توبه کند و فرمود که هر که بر زنی ظلم کند که مهر او را ندهد نزد خدا زناکار است و حق تعالی در قیامت باو عتاب میفرماید که من کنیز خود را بعقد تو درآوردم بر مهری و پیمانی تو وفا بپیمان من نکردی و بر کنیز من ستم کردی پس از حسنات او بگیرند در عوض مهر آن زن بزن بدهند و اگر حسنه‌اش تمام شود او را امر کنند که در جهنم برند و نهی نمود از پوشانیدن گواهی و فرمود که هر که گواهی نزد او باشد و بپوشاند حق تعالی در قیامت در حضور خلایق گوشت بدن او را بخورد او بدهد و فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در باب حق همسایگان که من گمان کردم که میراثی برای او قرار خواهد داد و مرا وصیت میکرد در باب غلامان و کنیزان که من گمان کردم که حدی مقرر خواهد کرد که چون آن قدر خدمت کنند آزاد شوند و وصیت نمود مرا بمسواک کردن تا آنکه گمان کردم که واجب خواهد کرد و وصیت کرد مرا بنماز شب تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من در اصل شب نخواهند خوابید و فرمود که هر که سبک شمارد مسلمان فقیر را حق تعالی او را سبک شمرده است و حق تعالی او را در قیامت سبک شمارد مگر آنکه توبه کند و هر که مسلمانی درویش را گرامی دارد در قیامت از او راضی و خوشنود باشد و هر که گناهی و خواهش حرامی او را پیش آید و از ترس خدا آن را ترک نماید حق تعالی جهنم را بر او حرام گرداند و او را از ترس بزرگ قیامت ایمن گرداند و در بهشت که در قرآن او را وعده فرموده باو عطا فرماید و هر که در میان دنیا و آخرت متردد شود پس دنیا را بر آخرت اختیار کند در قیامت او را حسنه نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت را بر دنیا اختیار کند خدا از او خوشنود شود و گناهانش را بیامرزد و هر که چشمش را پر کند از نظر کردن بسوی کسی که بر او حرام باشد دیدن او حق تعالی دیده او را در قیامت از آتش پر کند مگر آنکه توبه کند و هر که مصافحه کند با زنی که بر او حرام باشد خدا از او خشمناک گردد و هر که زنی را بحرام در بر گیرد او را با شیطان در یک زنجیر آتش بکشند و هر دو را بجهنم اندازند و هر که فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروش از ما نیست و در قیامت با یهودان محشور شود و فرمود که هر زنی که شوهر خود را بزبان آزار دهد حق تعالی هیچ حسنهٔ او را قبول نفرماید تا او را از خود راضی گرداند هر چند روزها بروزه باشد و شبها بنماز بایستد و بندها آزاد کند و مردان را بر اسبان سوار کرده بجهاد فرستد و همچنین است حال مرد اگر بر زن خود ستم کند و هر که خشمی از کسی فرو خورد که تواند از او انتقام بکشد حق تعالی باو ثواب شهیدی کرامت فرماید و نهی فرمود از خیانت کردن در اموال مردم و فرمود که هر که خیانت کند امانتی را در دنیا و باهلش پس ندهد تا مرگ او در یابد بر غیر ملت من مرده باشد و حق تعالی در قیامت از او در خشم باشد و هر که شهادت ناحقی بر احدی از مردم بدهد حق تعالی او را بزبانش در آویزد در درک اسفل جهنم با منافقان و هر که مال خیانتی را بخورد دانسته چنان است که خود خیانت کرده باشد و هر که حق برادر مؤمن را حبس کند حق تعالی برکت روزی بر او حرام گرداند مگر آنکه توبه و هر که گناهی از کسی بشنود و آن را افشا کند چنان است که خود کرده باشد و هر که برادر مسلمانش باو محتاج شود در قرضی و قادر باشد و ندهد حق تعالی بوی بهشت را بر او حرام گرداند و هر که صبر کند از برای خدا بر کج خلقی زن خود حق تعالی ثواب شکر کنندگان او را کرامت فرماید و هر زنی

که سازکاری و مدارا با شوهر خود نکند و او را در هر چیزی چند که بر آنها قادر نباشد حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید و در قیامت از او در خشم باشد
و هر که گرامی دارد برادر مسلمان خود را چنانست که خدا را گرامی داشته و نهی فرمود از آنکه کسی پیش نمازی گروهی کند که ایشان باو راضی نباشند
و هر که پیشنمازی گروهی برضای ایشان بکند و در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب همه آن گروه داشته باشد بی آنکه از ثواب
آنها کم شود و هر که برود بنزد یکی از خویشان خود بدیدن او یا برای آنکه مالی از برای او ببرد حق تعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و بهر گامی
چهل هزار حسنه برای او نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود و چهل هزار درجه برای او بلند شود و چنان باشد که صد سال از برای خدا عبادت
کرده باشد و هر که از برای کوری حاجتی از حوایج دنیای او برآورد و از برای او در آن حاجت راه رود تا آن حاجت برآورده شود حق تعالی
بیزاری از نفاق و بیزاری از آتش جهنم باو عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجتهای دنیای او برآورد و پیوسته در رحمت الهی باشد
تا برگردد و هر که یکشب و یکروز بیماری بکشد و بعیادت کنندگان خود شکایت نکند حق تعالی او را با حضرت ابرهیم خلیل مبعوث گرداند
تا از صراط بگذرد مانند برق لامع و هر که سعی کند از برای بیماری در حاجتی خواه برآورده شود و خواه نشود از گناهان بیرون آید مانند روزی که از
مادر متولد شده بود پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از اهل خانه او باشد آیا ثوابش بیشتر است فرمود که بلی و فرمود که هر که از مومنی
شدتی و غمی از غمهای دنیا بردارد حق تعالی هفتاد و دو غم از غمهای آخرت را از او بردارد و هفتاد و دو بلا از بلاهای دنیا را از او دفع کند
که آسانتر آنها درد شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از او حقی طلبد و قادر بر ادای آن نباشد و تاخیر کند هر روز گناه تمغاچی از برای او نوشته
شود و هر که احسانی بر برادر مومن خود بکند و بر او منت گذارد حق تعالی عملش را حبط کند و او را ثواب ندهد و حق تعالی میفرماید که من بهشت را
حرام کرده ام بر منت نهنده و بر بخیل و بر سخن چین و هر که تصدقی بکند بوزن درهمی برای او مثل کوه احد باشد از نعیم بهشت و هر که تصدقی را
ببرد برای محتاجی مثل ثواب آنکس داشته باشد که آن تصدق را داده است بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس خدا آب از دیدهای
او جاری شود بهر قطره که از دیده او بیرون آید حق تعالی قصری در بهشت باو عطا فرماید که مزین باشد بمروارید و سایر جواهر و در آن قصر باشد آنچه
چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بر خاطری خطور نکرده باشد و هر که بسوی مسجدی برود برای نماز جماعت بهر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنه برای
او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود و اگر با این حال او را مرگ برسد حق تعالی هفتاد هزار ملک باو موکل گرداند که در قبر او را عیادت کنند
و مونس او باشند در تنهائی و از برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای خدا حق تعالی باو ثواب چهل هزار
شهید و چهل هزار صدیق کرامت فرماید و بشفاعت او چهل هزار گناه کار داخل بهشت شوند و بدرستی که چون موذن اشهد ان لا اله الا الله
میگوید بر او هفتاد هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار میکنند و در روز قیامت در سایه عرش الهی باشند تا حق تعالی از حساب خلایق

فارغ شود

فارغ شود و ثواب گفتن او شهادت ان محمدا رسول الله چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز جماعت محافظت نماید در صف اول و تکبیر
اول و آزار مسلمانی نکند حق تعالی مثل ثواب موذنان در دنیا و آخرت او را کرامت فرماید و فرمود که هیچ بدی را حقیر مشمارید هر چند
در نظر شما کوچک نماید و هیچ کار نیکی را بزرگ مشمارید هر چند در نظر شما بزرگ باشد و فرمود که گناه کبیره نمیماند با استغفار و گناه صغیره نمیماند
با اصرار بلکه چون بر گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکردی کبیره میشود و در حدیث دیگر منقولست که نهی فرمود از کشتن مارها که در خانها میباشند
و نهی فرمود از آنکه کسی گوش دهد بسخن جماعتی که نخواهند که او سخن ایشان را بشنود و اگر چنین کند در قیامت در گوشش سرب خواهند
ریخت و نهی فرمود از خندیدن در قبرستانها و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کسند که حق تعالی در قیامت
نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشان را قبول نمیفرماید و بعذاب دردناک ایشان را معذب میگرداند مردی که دیوث
باشد و کسیکه فحش گوید و بشنود و پروا نکند و کسیکه چیزی داشته باشد و از مردم سوال کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که بهشت حرام است بر هر فحش گوینده کم حیائی که پروا نکند از آنچه خود گوید و از آنچه باو گویند چنین کسی را اگر تفتیش
کنی از احوال او یا ولد الزنا است یا شیطان در نطفه او شریک شده است و در حدیث معتبر فرمود که بوی بهشت از پانصد ساله راه
میرسد و عاق پدر و مادر و دیوث آنرا نمیشنوند پرسیدند که دیوث کیست فرمود کسی که زنش زنا کند و او داند و تغافل کند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زنانیکه با یکدیگر مساحقه میکنند در قیامت ایشان را می آورند و جامها از آتش و مقنعها
از آتش و زیر جامها از آتش بر ایشان میپوشانند و عمودی از آتش در شکم ایشان میکنند و در جهنم می اندازند ایشان را اول کسی که
این عمل کرد قوم لوط بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کافر شد بخدای عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بناحق
و جادوگر و دیوث و کسیکه در دبر زن بحرامی جماع کند و کسیکه با حیوانی جماع کند و کسی که با محرمان خود مانند مادر و خواهر جماع کند و کسیکه
سعی در فتنه و فساد کند و کسیکه حربه بکافران بفروشد و کسیکه زکوة مال خود ندهد و کسیکه توانائی رفتن حج داشته باشد و حج
بر او واجب باشد و نرود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر که مست شود از شراب و بعد از آن تا چهل روز بمیرد
نزد خدا مانند بت پرست باشد و در حدیث دیگر منقولست که هر که در خانه او طنبوره یا عود یا چیزی دیگر از آلتهای ساز یا نرد یا
شطرنج چهل روز بماند مستوجب غضب الهی گردد و اگر در این روز بمیرد فاجر و فاسق مرده باشد و جای او جهنم باشد و از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقولست که کبوتر در خوانندگی که میکنند نفرین میکنند بر آنها که سازها میزنند و کنیزان خواننده نگاه میدارند و
نی و عود مینوازند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل روز در خانه او طنبوره نوازند حق تعالی او را

مساحط کردانند شیطانی را که ابرا قصفند میکویند پس هیچ عضوی از اعضای او نماند مگر آنکه شیطان آن شنید پس چون چنین شود حیا از او برطرف شود و پروا نکند از آنچه کوید و شنود و غیرت از او زایل شود حتی آنکه اگر داند که با زنانش زنا میکنند غیرت نورزد و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از تفسیر آیه کریمه فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور که ترجمه لفظش این است که اجتناب کنید از نجس و پلید که آن بتهاست و اجتناب کنید از گفتار باطل فرمود که آن بتها شطرنج است و گفتار باطل غنا و خوانندگیست و نرد بدتر است از شطرنج و اما شطرنج پس نگاه داشتن آن کفر است و بازی کردن بآن شرک است و یاد دادنش بکسی گناه کبیره هلاک کننده است و سلام کردن بر کسی که بازی کند گناه است و کسی که دست در میان او کرداند چنانست که دست در میان گوشت خوک کرداند و کسی که نظر کند بسوی او چنانست که بفرج مادر خود نظر کند و کسی که نرد بازی کند بقمار مثل کسی است که گوشت خوک خورد و کسی که قمار و گردبندی بازی کند چنانست که دست در میان گوشت و خون خوک کرداشته باشد و جایز نیست انگشتر بازی و تخته که بر رویش رکهای چینند و بازی میکنند اینها و امثال اینها تمام قمار است حتی بازی کردن اطفال بگردکان و زنهار که منع فرزن که شیطان با تو میدود و ملائکه از تو میکریزند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه با پسری لواطه کند حدش آنست که یا او را بآتش بسوزانند یا دیواری بر سرش خراب کنند یا شمشیری بر او بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن پسر بر آن مرد حرام میشود و در قیامت او را آنجا نگهدارند در کنار جهنم تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود پس او را در آتش اندازند پس در هر طبقه از طبقات جهنم او را عذاب کنند تا باخر طبقات جهنم برسد و لواطه بدتر است از زنا زیرا که حق تعالی بزنا امتی را هلاک نکرد و بلواطه شهری چند را هلاک کرد و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که لواطه آن است که در غیر دبر با پسر عملی بکند اما اگر در دبر فرو برد پس آن کفر است بخدا و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه مصر باشد بر وطی دبر پسر پس آن نمیرد تا آنکه مبتلا شود بآنکه مردم را تکلیف کند تا آنکه با او این عمل قبیح بکنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حق تعالی میفرماید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که بر استبرق و حریر بهشت ننشینند کسیکه در دبر او وطی کنند و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه آمد و گفت مرا موعظه بفرما حضرت فرمود که اگر حق تعالی متکفل روزی مردم شده است پس غم خوردن تو برای چیست و اگر روزی تو از جانب خدا قسمت شده است پس حرص از برای چیست و اگر حساب در قیامت حق است پس جمع کردن مال برای چیست و اگر آنچه در راه خدا میدهی خدا عوض میدهد پس بخل ورزیدن برای چیست و اگر عقوبت خدا آتش جهنم است پس نافرمانی خدا برای چیست و اگر مرگ حق است پس شادی کردن برای چیست و اگر همه چیز بر خدا عرض میشود پس مکر برای چیست

و اگر شیطان

و اگر شیطان دشمن است پس غافل شدن از او برای چیست و اگر همه کس را بر صراط میباید گذشت پس عجب و خودستائی برای چیست و اگر همه چیز بقضا و قدر الهی است پس اندوه برای چیست پس اگر دنیا فانیست پس دل بدنیا بستن برای چیست و در حدیث معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که عابدترین مردم کسی است که آنچه خدا بر او واجب کرده است بجای آورد و سخی ترین مردم کسی است که زکوة مال خود را بدهد و زاهدترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است ترک نماید و پرهیزکارترین مردم کسی است که در همه جا حق بگوید خواه از برای او نفع داشته باشد خواه ضرر داشته باشد و عادلترین مردم کسیست که از برای مردم بپسندد آنچه از برای خود می پسندد و از برای مردم نخواهد آنچه از برای خود نمیخواهد و بزرگترین مردم کسیست که یاد خدا بیشتر نماید و محبوب ترین مردم کسی است که بزیر خاک رفته باشد و از عقاب الهی ایمن شده باشد و امید ثواب خدا داشته باشد و غافلترین مردم کسی است که از گردیدنهای دنیا از حالی بحالی پند نگیرد و صاحب قدرترین مردم در دنیا کسیست که دنیا را نزد او قدری نباشد و داناترین مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع آوری کند و شجاع ترین مردم کسی است که بر خواهشهای نفس خود غالب شود و گران بهاترین مردم کسی است که علمش فراوان تر باشد و کم بهاترین مردم کسی است که علمش کمتر باشد و کم لذت ترین مردم کسی است که رشک مردم برد و کم راحت ترین مردم بخیل است و بخیل ترین مردم کسی است که بخل ورزد در چیزیکه خدا بر او واجب گردانیده است و اولای مردم بحق کسی است که عمل بحق بیشتر کند و بی حرمت ترین مردم فاسق است و بیوفاترین مردم پادشاهانست و کم دوست ترین مردم پادشاهست و حقیرترین مردم صاحب طمع است و بی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد و کسی که ایمانش بهتر است که خلقش نیکوتر باشد و گرامی ترین مردم پرهیزکارترین ایشان است و کسی قدرش عظیمتر است که چیزی که فایده باو نداشته باشد متعرض نشود و پرهیزکارترین مردم کسی است که مجادله و منازعه نکند هر چند حق با او باشد و بی مروت ترین مردم دروغگویانند و شقی ترین مردم پادشاهانند و دشمن ترین مردم نزد خدا متکبرانند و کسی در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان کرده باشد و داناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کسی است که با نیکان خلطه نماید و عاقلترین مردم کسی است که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم بتهمت کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی ترین مردم کسی است که بکشد کسی را که قصد کشتن او نداشته باشد و بزند کسی را که او را نزند و سزاوارترین مردم بعفو کردن کسی است که قدرت بر عقوبت بیشتر داشته باشد و سزاوارترین مردم بگناهکاری کسی است که در حضور مردم سفاهت کند و در غایبانه غیبت کند و ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند و دور اندیش ترین مردم کسی است که خشم خود را بیشتر فرو خورد و شایسته ترین مردم

کسی است که برای مردم شایسته تر باشد و بهترین مردم کسی است که مردم از و منتفع شوند بانجام ختم کردم این رساله را در پنجم شهر
رجب سنه هزار و هشتاد و نه از هجرت مقدسه نبوی شکر میکنم پروردگار خود را و درود میفرستم بر خاتم
انبیا محمد مصطفی و آل کرام آن حضرت و کتب الفقیر مؤلفه محمد باقر بن محمد تقی عفی عنهما

تمام شد تسوید این کتاب مستطاب علی ید الحقیر الفقیر المحتاج کمترین خلق الله
[illegible] فی یوم جمعه نوزدهم شهر جمادی الثانی سنه هزار و
[illegible] و شصت و دو از هجرت نبوی صلی الله
علیه و آله و سلم و الحمد لله رب العالمین
و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

۱۳۲۲

[illegible]

۱۸۴۱	
۱۲۶۲	
۵۷۹	

[illegible]



